ایران

• پنجشنبه ۲۹ آبان ۱۴۰۴
• ۲۹ جمادی‌الاول ۱۴۴۷
• ۲۰ نوامبر ۲۰۲۵
• سال سی‌ویکم
• شماره ۸۸۹۱
• ۲۰ صفحه
• قیمت در سراسر کشور: ۱۰۰۰۰ تومان

Iran Newspaper
ISSN1027-1449
Keytitle: IRAN (Tehran)
irannewspaper.ir

دستاورد دو دهه تلاش عبدالحکیم بهار، شهروند بلوچ برای ترویج کتابخوانی

«رمین» کتابخوان‌ترین روستای ایران

۱۸

«ایران» از متن و حاشیه حیاط دولت در پاستور گزارش می‌دهد

دو دستور کار دولت؛ مهار ناترازی و اصلاح ساختارها

رئیس سازمان بهینه‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی: کشور نیازمند سیاست تازه است

وزیر نفت در پاسخ به «ایران»: سهمیه و قیمت بنزین مصرف‌کنندگان بدون تغییر می‌ماند

۲

گفت‌وگوی «ایران» با گلاب آدینه، راوی و محمدرضا صفوی، رهبر ارکستر «میترا» در «شب شاهنامه»

موسیقی ایرانی شاهراهی به شناخت ادبیات فارسی

آدینه: توجه صِرف به بازار کیفیت را از کار موسیقایی می‌گیرد

عکس: پرویز گوهری‌راد

۱۹

اوراق و صندوق‌های ارزی چگونه می‌تواند رفتار سرمایه‌گذاری ایرانی‌ها را تغییر دهد؟

بازاری تازه برای دارایی‌های زیر بالشت‌ها

سال‌هاست بخش بزرگی از دارایی‌های ارزی مردم بیرون از مدار رسمی اقتصاد در گردش است؛ دارایی‌هایی که در واکنش به نوسان‌های شدید نرخ ارز و نبود ابزارهای پوشش ریسک، به شکل «دارایی‌های احتیاطی» نگهداری شده‌اند. این هفته با تصویب کلیات طرح ایجاد بازار اوراق و صندوق‌های ارزی در شورای عالی بورس، چشم‌اندازی تازه پیش روی سیاست‌گذار قرار گرفته است.

۹

روایت نقش‌آفرینی پسران خوزستان در قهرمانی کشتی فرنگی ایران

این جوان‌ها فاصله میان رویا و خاطره را برداشتند

۱۶

چرا روز ملی عمان برای ایران مهم است؟

دوست روزهای سخت

۵

پروژه جدید وزارت اقتصاد چگونه تأمین مالی را تقویت می‌کند؟

پاسخ به صف‌های وام با «فکتورینگ»

۸

بحث سقاب اصفهانی در جبهه اصلاحات

علی محمد حاضری در گفت‌وگو با «ایران»: برخی تلقیات و تصورات رایج درباره انتصاب جدید پزشکیان با توضیحات ارائه شده رفع شد

۳

در صفحات دیگر بخوانید

فروپاشی امپراطوری آنتی‌بیوتیک‌ها | صفحه ۶
همکاری ایران و چین در ساخت مسکن حمایتی | صفحه ۷
تلویزیون همچنان زیر سایه سریال‌های قدیم مانده است | صفحه ۲۰

گزارش

ششمین دوره همایش آموزش منطقه‌ای انتخابات شوراها در کرمانشاه برگزار شد

تأکید معاون سیاسی وزیر کشور بر مشارکت مردم و بی‌طرفی کارگزاران

ششمین دوره همایش آموزش منطقه‌ای انتخابات شوراهای شهر و روستا، صبح دیروز با حضور مسئولان وزارت کشور، استانداران، فرمانداران، مدیران سیاسی و اعضای هیأت‌های نظارت استان‌های غرب کشور در کرمانشاه برگزار شد.

در این نشست رئیس ستاد انتخابات وزارت کشور با تأکید بر ضرورت مشارکت گسترده مردم، رقابت عادلانه و بی‌طرفی کامل مجریان اعلام کرد که «نگاه جناحی نباید مانعی برای استفاده از نیروهای توانمند باشد.»

علی زینی‌وند، انتخابات پیش‌رو را فرصتی برای تقویت اعتماد عمومی، بازتاب ظرفیت‌های ملی و ارتقای نقش شوراها در توسعه محلی عنوان کرد. سخنان معاون سیاسی و رئیس ستاد انتخابات وزارت کشور در این همایش فراتر از یک بیان تشریفاتی، حامل چند پیام کلیدی برای فضای سیاسی و اجرایی انتخابات پیش رو بود. محور اصلی این پیام‌ها را می‌توان تلاش دولت برای احیای مشارکت مردمی، ایجاد فضای رقابت واقعی و پاکسازی نگاه سیاسی از ساختار اجرایی انتخابات دانست. زینی‌وند بی‌پرده از کاهش مشارکت در برخی دوره‌ها به‌عنوان «پیامی غیرقابل قبول برای نظام مردمی» یاد کرد و خواستار شنیدن صدای کسانی شد که پای صندوق نیامدند، جمله‌ای که می‌تواند نشانه جدی شدن نگاه نو در رفتار انتخاباتی دولت باشد.

معاون سیاسی وزیر کشور در تشریح راهبرد دولت در انتخابات، بر مفهوم «وفاق ملی» تأکید کرد و افزود که «دولت هیچ رویکردی مبتنی بر سهم‌خواهی سیاسی ندارد و معیار انتخاب افراد در مسئولیت‌ها باید بر اساس صداقت، تخصص، پاکدستی و کارآمدی باشد نه وابستگی جناحی.» زینی‌وند کاهش مشارکت در برخی دوره‌های انتخاباتی را برای نظام مردمی قابل قبول ندانست و تأکید کرد که «همه اقشار جامعه، حتی کسانی که در دوره‌های گذشته رأی نداده‌اند، باید مورد توجه قرار گیرند و دلایل حضور نیافتن‌شان شنیده شود.» به گفته وی «هدف این است که انتخابات پیش‌رو با حضور همه سلایق و گروه‌های اجتماعی برگزار شود.»

رئیس ستاد انتخابات کشور جایگاه نهاد شوراها را بسیار مهم توصیف کرد و با اشاره به انتخاب حدود ۲۰۰ هزار عضو شورا در این دوره، گفت: «نقش شوراها در مدیریت شهری و روستایی، توسعه محلی، حفظ فرهنگ و هویت گاهی فراتر از مجلس و دولت است.»

او تأکید کرد: «وجود تخلفات محدود نباید به تضعیف جایگاه شوراها منجر شود و باید نگاه جامعه نسبت به این نهاد اصلاح و تقویت شود.» زینی‌وند یکی از اولویت‌های مهم ستاد انتخابات را افزایش حضور زنان و جوانان دانست و از فرمانداران خواست زمینه ثبت‌نام حداقل پنجاه درصدی این دو گروه را فراهم کنند. به گفته او، «ترکیب جدید شوراها با حضور فعال جوانان و بانوان می‌تواند چهره این نهاد را دگرگون کرده و عملکرد آن را به شکل ملموسی ارتقا دهد.»

معاون سیاسی وزیر کشور همچنین چهار اصل مورد تأکید رهبر معظم انقلاب در انتخابات را شامل امنیت، سلامت، مشارکت و رقابت عنوان کرد. او اطمینان داد که «با همکاری دستگاه‌های امنیتی هیچ خللی در روند برگزاری انتخابات پذیرفتنی نخواهد بود و توسعه سیستم‌های الکترونیکی رأی‌گیری موجب کاهش خطاهای انسانی می‌شود.»

وی افزایش مشارکت را وظیفه مستقیم همه مدیران محلی دانست و تأکید کرد که «رقابت باید به شکلی گسترده و متنوع صورت گیرد و هیچ فرد، قوم، مذهب یا جریان سیاسی واجد شرایط قانونی نباید از حضور در انتخابات محروم شود.»

زینی‌وند با تأکید ویژه بر بی‌طرفی کامل فرمانداران و مجریان انتخابات گفت «تجربه دوره‌های گذشته نشان داده هرگونه رفتار جانبدارانه می‌تواند باعث دلسردی مردم شود.» وی افزود: «اصل قطعی دولت بی‌طرفی است و هیچ جریان سیاسی نباید احساس تبعیض کند.»

وی تعامل سازنده با هیأت‌های نظارت را از رویکردهای اصلی ستاد انتخابات دانست و گفت: «همکاری متقابل می‌تواند به سلامت بیشتر فرآیند و اعتمادسازی عمومی کمک کند.»

درواقع برآیند سخنان زینی‌وند نشان می‌دهد دولت سعی دارد انتخابات پیش‌رو را از یک رویداد اداری به یک فرصت بازسازی سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی تبدیل کند. تأکید بر شایسته سالاری به جای گرایش سیاسی، شنیدن صدای افرادی که مشارکت نداشتند، تقویت حضور زنان و جوانان، عملکرد محوری شوراها و تأکید بر بی‌طرفی مجریان نشان می‌دهد دولت قصد دارد از مسیر انتخابات سرمایه اجتماعی را تقویت کرده و با تکیه بر بی‌طرفی، کارآمدی و پاسخگویی زمینه حضور همه سلایق را فراهم سازد. اگر این راهبرد اجرایی شود، انتخابات شوراها می‌تواند نه تنها عاملی برای تعیین نمایندگان محلی بلکه آغازی برای تحول در مدیریت شهری و روستایی، افزایش مشارکت واقعی و اعتماد ملی در فضای سیاسی کشور باشد.

معاون نمایندگی ایران در سازمان ملل:

پیش‌نویس قطعنامه ضدایرانی کانادا سیاسی و مخرب است

معاون نمایندگی ایران در سازمان ملل درباره پیش‌نویس قطعنامه ضدایرانی کانادا گفت: «جمهوری اسلامی ایران مخالفت قاطع خود را با این پیش‌نویس که دارای انگیزه‌های کاملاً سیاسی، گزینشی و مخرب است، اعلام می‌کند.»

به گزارش ایرنا، غلامحسین درزی، سفیر و معاون نمایندگی ایران در سازمان ملل دیروز در نشست کمیته سوم سازمان ملل درباره قطعنامه حقوق بشر کانادا علیه ایران افزود: «بار دیگر، پیش‌نویس قطعنامه‌ای بی‌اساس و غیرضروری از سوی کانادا برای اقدام در این کمیته ارائه شده است. ما هم محتوای این پیش‌نویس و هم نیت پشت آن را رد می‌کنیم. این پیش‌نویس که نه در هیچ روندی مورد مذاکره قرار گرفته، نه با هیچ طرفی توافق شده، و هر ساله از سوی همان کشور خاص تحمیل می‌شود، فقط در خدمت اهداف سیاسی همان کشور است و نه در خدمت آرمان‌های حقوق بشر.»

معاون نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل تصریح کرد: «تهران بار دیگر بر موضع دیرینه خود تأکید می‌کند که قطعنامه‌های کشورمحور به طور ذاتی ماهیتی تقابلی دارند. چنین رویه‌هایی موجب تضعیف گفت‌وگوی واقعی می‌شوند، اعتماد را از میان می‌برند و اصول بی‌طرفی و عدم‌گزینشی بودن را که باید راهنمای فعالیت سازمان ملل در حوزه حقوق بشر باشند نقض می‌کنند.»

وی تأکید کرد: «تنها سازوکارهای مبتنی بر همکاری و نه فشار، قادر به ایجاد نتایج سازنده و پایدار هستند. این پیش‌نویس نه‌تنها هیچ‌گونه تعامل سازنده‌ای را تقویت نمی‌کند، بلکه همان رویکرد تقابلی را تداوم می‌بخشد؛ رویکردی که بارها و به‌طور مستمر ناکارآمد بودن آن ثابت شده است.»

درزی تصریح کرد: «هنگامی که حقوق بشر به ابزار فشار تبدیل شود، نخستین قربانی آن، جهان‌شمولی حقوق بشر خواهد بود. ادعاهای مطرح‌شده در پیش‌نویس قطعنامه بر پایه اطلاعات تأییدنشده و تفسیرهای گزینشی استوار است. پیش‌نویس قطعنامه مزبور نه ارزیابی عینی ارائه می‌دهد و نه متوازن است؛ همچنین دستاوردهای کشور در حوزه حقوق بشر، فرآیندهای ملی جاری و تلاش‌های انجام‌شده توسط مقامات ایرانی را به‌منظور ارتقای توسعه اقتصادی-اجتماعی و تقویت حمایت‌های قانونی طبق قانون اساسی و تعهدات بین‌المللی ما نادیده می‌گیرد.»

معاون نمایندگی ایران در سازمان ملل ادامه داد: «پیش‌نویس قطعنامه همچنین با استنکاف از محکوم کردن نقض‌های فاحش حقوق بین‌الملل از سوی رژیم صهیونیستی و ایالات متحده آمریکا در جریان تجاوز نظامی ۱۲ روزه آنان از ۱۳ لغایت ۲۵ ژوئن ۲۰۲۵ علیه جمهوری اسلامی ایران، از رعایت توازن و بی‌طرفی بازمانده است. متن پیش‌نویس قطعنامه پیامدهای بلندمدت و گسترده حقوق بشری این حمله نظامی غیرقانونی را نادیده می‌گیرد؛ از جمله شهادت دست‌کم یک هزار و ۱۰۰ نفر که بیشتر آنان زنان و کودکان بودند و قتل دانشمندان و نخبگان ایرانی و مجروح شدن حدود ۶ هزار نفر که برخی از آنان دچار معلولیت دائمی شده‌اند.» این دیپلمات ایرانی تصریح کرد: «شگفت‌آور است که تدوین‌کنندگان این پیش‌نویس قطعنامه مدعی نگرانی درباره «حقوق بشر ایرانیان» هستند، اما هیچ اعتنایی به «جان ایرانیان» ندارند.»

درزی اضافه کرد: «به همین ترتیب، تدوین‌کنندگان پیش‌نویس این قطعنامه، عامدانه از اشاره به آثار عمیقاً زیان‌بار و منفی اعمال و اجرای بیش‌ازحدِ اقدامات قهرآمیز یک‌جانبه بر حقوق بشر مردم ایران خودداری کرده‌اند.»

وی اضافه کرد: «بر همین اساس و در راستای حمایت واقعی از حقوق بشر و از سر احترام به ارزش‌ها و اصولی که همگی ما بر آنها تأکید داریم، از دولت‌های عضو می‌خواهیم که به این پیش‌نویس قطعنامه رأی منفی دهند و از تلاش‌هایی حمایت کنند که موجب گفت‌وگو، احترام متقابل و همکاری اصیل بین‌المللی در حوزه حقوق بشر می‌شود. جمهوری اسلامی ایران از هیأت‌های محترم می‌خواهد که در سوی درست اصول حقوق بشری قرار گیرند و این پیش‌نویس تفرقه‌افکن و غیرسازنده را با رأی منفی خود رد کنند.»

معاون نمایندگی ایران در سازمان ملل ادامه داد: «قطعنامه‌هایی که واقعیت‌های میدانی را بازتاب نمی‌دهند، هیچ نقشی در ارتقا یا حمایت از حقوق بشر ندارند. چنین متونی نه با هدف پیشبرد حقوق بشر، بلکه با هدف اعمال فشار سیاسی تدوین می‌شوند. اطمینان می‌دهیم که تصویب این پیش‌نویس قطعنامه به هیچ وجه در خدمت اهداف حامیان آن نخواهد بود.»

پایان نمایش موفق کشتی فرنگی در بازی‌های همبستگی کشورهای اسلامی

ساروی و هدایتی هم طلایی شدند

گروه ورزشی / کشتی فرنگی ایران در روز پایانی حضورش در بازی‌های همبستگی کشورهای اسلامی، دو مدال طلای دیگر کسب کرد تا با چهار طلا، یک نقره و یک برنز و کسب شش مدال در شش وزن به کارش پایان دهد. این یک موفقیت مهم و ارزشمند است که با این چهار طلا کاروان ورزشی ایران جایگاهش را در رده سوم محکم کرد و برای رسیدن به رده دوم هم شانس خودش را افزایش داد. در روز پایانی مسابقات کشتی فرنگی بازی‌های همبستگی کشورهای اسلامی، محمدهادی ساروی و فردین هدایتی دو مدال طلا کسب کردند تا کار بزرگ کشتی فرنگی در این دوره از بازی‌ها کامل شود.

محمدهادی ساروی در وزن ۹۷ کیلوگرم یک کشتی سخت را مقابل کشتی‌گیر آذربایجانی گرفت. احمدیف آذربایجانی در جهانی کرواسی آرتور آلکسانیان را شکست داده بود و برای این مسابقه بشدت حمایت می‌شد. آذربایجان خیلی تلاش کرد که بتواند با یک برنامه‌ریزی دقیق طلای این وزن را بگیرد اما باز هم ساروی این نقشه را به‌هم زد. درست مثل دیدار فینال وزن ۶۷ کیلوگرم که سعید اسماعیلی نقشه آذری‌ها را به‌هم زد.

در وزن ۱۳۰ کیلوگرم هم فردین هدایتی به مصاف کشتی‌گیر مصری رفت. فردین همچون هیولا در این مسابقات حاضر شد. سه کشتی گرفت و در هر سه کشتی با ضربه فنی برنده شد تا نشان دهد که بسیار آماده است. فردین ستاره کشتی ایران است و می‌تواند سال‌ها در تیم ملی بزرگسالان خوش بدرخشد.

تیم ملی کشتی فرنگی سه‌شنبه شب هم دو طلا، یک نقره و یک برنز کسب کرده بود تا با شش مدال در شش وزن به ایران برگردد. از امروز مسابقات کشتی آزاد شروع می‌شود که باید مسیر کشتی فرنگی را ادامه دهد.

اخبار

در راستای پاسداشت ادبیات جهاد و مقاومت

تقریظ رهبر معظم انقلاب بر سه کتاب منتشر شد

تقریظ رهبر معظم انقلاب بر کتاب‌های «تب ناتمام»، «همسفر آتش و برف» و «خانومِ ماه» منتشر شد. به گزارش ایرنا، همزمان با ایام شهادت حضرت فاطمةالزهرا سلام‌الله‌علیها و هفته کتاب با هدف معرفی الگوهای واقعی و تبیین نقش‌آفرینی‌های زنان قهرمان ایرانی و در قالب بیست و یکمین پاسداشت ادبیات جهاد و مقاومت، مراسم انتشار تقریظ رهبر انقلاب بر کتاب‌های «تب ناتمام»، «همسفر آتش و برف» و «خانومِ ماه» در تالار وحدت تهران برگزار شد.

پزشکیان قانون حمایت از ایرانیان خارج کشور را ابلاغ کرد

رئیس جمهوری در اجرای اصل ۱۲۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قانون حمایت از ایرانیان خارج از کشور را که در جلسه چهارشنبه ۲۳ مهر ۱۴۰۴ مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۴ آبان به تأیید شورای نگهبان رسید، برای اجرا به بخش‌های مختلف ابلاغ کرد. به گزارش ایرنا، مسعود پزشکیان همچنین استفساریه ماده ۲۴ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران و دهیاران را نیز که در جلسه چهارشنبه ۲۳ مهر ۱۴۰۴ مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۴ آبان ۱۴۰۴ به تأیید شورای نگهبان رسید، برای اجرا به وزارت کشور ابلاغ کرد.
رئیس جمهوری قانون فهرست قوانین و احکام نامعتبر در حوزه ایثارگران را نیز که در جلسه چهارشنبه ۷ آبان ۱۴۰۴ مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۴ آبان به تأیید شورای نگهبان رسید، برای اجرا به مجلس شورای اسلامی، بنیاد شهید و امور ایثارگران و معاونت حقوقی رئیس جمهوری ابلاغ کرد.

در سالروز شهادت حضرت فاطمه(س)

۳۰۰ شهید گمنام در سراسر کشور تشییع خواهند شد

از صبح دیروز تعدادی از شهدای گمنام هشت سال دفاع مقدس وارد استان‌های لرستان، بوشهر و هرمزگان شدند تا همزمان با ایام فاطمیه روی دوش مردم تشییع شوند. به گزارش مهر، در تهران ۳۰۰ شهید گمنام از سوی مردم بدرقه می‌شوند و بعد از تشییع در استان‌ها، برنامه تدفین این شهدا طبق جانمایی‌هایی که شده، انجام می‌شود. از بین این ۳۰۰ شهید گمنام سرافراز، ۲۰۰ شهید در تمام استان‌های کشور و ۱۰۰ شهید در تهران تشییع می‌شوند.
مراسم تهران، به صورت همزمان در کشور، ساعت ۸ صبح روز دوشنبه سوم آذرماه، در سالروز شهادت حضرت زهرا(س) و در قالب یک کاروان با عنوان «لاله‌های فاطمی» از مقابل دانشگاه تهران شروع خواهد شد. این مراسم با حضور مردم، خانواده شهدای دفاع مقدس، خانواده فرماندهان و دانشمندان شهید جنگ ۱۲ روزه برگزار می‌شود و بعد از تشییع هم پیکر شهدا برای وداع به معراج شهدا منتقل می‌شود.

عکس / president.ir

«ایران» از متن و حاشیه رویدادهای روز گذشته حیاط دولت در پاستور گزارش می‌دهد

مهار ناترازی و اصلاح ساختارها دو دستورکار مهم دولت

دولت

روز گذشته محوطه ساختمان دولت در پاستور بار دیگر صحنه حضور وزیران، معاونان و اعضای کابینه چهاردهم بود که پس از پایان جلسه هفتگی هیأت وزیران، در جمع خبرنگاران حاضر شدند. اعضای دولت درباره مصوبات دولت، دستورکارهای سازمان‌ها و وزارتخانه‌های متبوع خود توضیح داده و درعین حال به پرسش‌های رسانه‌ها نیز پاسخ دادند. محور اصلی اظهارات اعضای دولت، موضوعات اقتصادی از جمله اصلاحات ساختاری، پیگیری پروژه‌های عمرانی، دیپلماسی منطقه‌ای و نیز گزارش‌هایی درباره وضعیت محیط زیست و برنامه‌های هوش مصنوعی بود؛ موضوعاتی که می‌توان آنها را جزو اولویت‌های اصلی دولت چهاردهم در هفته گذشته یا هفته پیش رو هم عنوان کرد.

رئیس جمهوری: توقف تعریف پروژه جدید عمرانی

رئیس‌جمهوری روز گذشته در جلسه هیأت وزیران با اشاره به ضرورت اصلاح ساختارهای حجیم و پرهزینه دستگاه‌ها، بار دیگر بر رابطه مستقیم رفتار مدیریتی و نرخ تورم تأکید کرد. مسعود پزشکیان با بیان اینکه «تورم زاییده رفتار خود ماست»، گفت: «ساختار فربه دستگاه‌ها هزینه‌های جاری را افزایش می‌دهد و این افزایش هزینه‌ها یکی از دلایل جدی ایجاد کسری بودجه است. از سوی دیگر بدون توجه به منابع، توقعاتی ایجاد می‌کنیم که نتیجه آن انبوه طرح‌ها و پروژه‌های نیمه‌تمام در سراسر کشور است.»
پزشکیان با تأکید بر اینکه «اگر دل‌مان برای مردم می‌تپد، باید برای سامان‌دادن به ناترازی منابع و مصارف تلاش کنیم»، افزود: «همه دستگاه‌ها باید برنامه‌ریزی توسعه‌ای خود را تنها بر اساس منابع واقعی و قابل تحقق انجام دهند.
اینکه پروژه‌ها روی کاغذ تعریف شوند اما امکان تأمین مالی نداشته باشند، فقط بر مشکلات کشور می‌افزاید.» او در واکنش به گزارش ارائه‌شده از سوی رئیس سازمان برنامه و بودجه درباره ساماندهی طرح‌های عمرانی کشور، صراحتاً اعلام کرد: «نباید هیچ پروژه جدیدی آغاز شود. پروژه‌های جاری نیز باید بر اساس ضرورت، میزان پیشرفت و اهمیت اولویت‌بندی شده و تکمیل شوند.»
به گفته رئیس جمهوری، «یکی از دلایل انباشت طرح‌های نیمه‌تمام، همین آغاز پروژه‌هایی است که بدون محاسبه منابع و نیازهای کشور کلید می‌خورند.» پزشکیان در ادامه به یک نکته کلیدی دیگر نیز پرداخت؛ اصلاح ساختار اداری بر اساس کارآمدی.
رئیس‌جمهوری گفت: «باید از خودمان شروع کنیم و ساختار اداری را بر پایه بهره‌وری اصلاح کنیم. نباید پست و مقام مبنای پرداخت حقوق باشد، بلکه هر کس باید به اندازه باری که از دوش مجموعه برمی‌دارد، حقوق دریافت کند.» وی تأکید کرد که «سیاست پرداخت بر اساس عملکرد، باید به‌طور جدی در نظام اداری دنبال شود.»

گزارش عارف از سفر به مسکو

در بخش دیگری از جلسه دیروز هیأت وزیران، محمدرضا عارف معاون اول رئیس‌جمهوری گزارشی از سفر خود به روسیه و حضور در اجلاس نخست‌وزیران کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای ارائه کرد. وزیر صنعت، معدن و تجارت نیز گزارش سفر و مذاکرات صورت گرفته در سفر به مسکو را مطرح کرد و وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات نیز از دستاوردهای سفرش به جمهوری آذربایجان سخن گفت.
در ادامه جلسه دیروز هیأت وزیران، وزیران امور خارجه و کشور نیز گزارشی درباره توسعه دیپلماسی همسایگی، نشست استانداران کشورهای حاشیه خزر و اقدامات انجام‌شده در راستای همکاری‌های منطقه‌ای ارائه دادند.
رئیس سازمان حفاظت محیط زیست نیز گزارشی درباره پیگیری تجهیز نیروها برای مهار آتش‌سوزی جنگل‌های مازندران مطرح کرد و معاونت علمی و فناوری گزارش خود در حوزه پیشرفت‌های مرتبط با هوش مصنوعی را ارائه داد.

> نباید هیچ پروژه جدیدی آغاز شود. پروژه‌های جاری نیز باید بر اساس ضرورت، میزان پیشرفت و اهمیت اولویت‌بندی شده و تکمیل شوند. یکی از دلایل انباشت طرح‌های نیمه‌تمام، همین آغاز پروژه‌هایی است که بدون محاسبه منابع و نیازهای کشور کلید می‌خورند

مؤمنی: وضع مناسب امنیت مرزها

در بخش دیگری از رویدادها و فرآیندهای حاشیه نشست هیأت وزیران، وزیر کشور با حضور در جمع خبرنگاران، گزارشی درباره وضعیت امنیتی کشور ارائه کرد و گفت: «وضعیت امنیت مرزها مناسب است و شاخص‌های امنیت داخلی نسبت به سال گذشته در وضعیت بهتری قرار دارد.»
اسکندر مؤمنی درباره وضعیت اتباع خارجی نیز توضیح داد: «تاکنون یک‌ونیم میلیون نفر از اتباع از کشور خارج شده‌اند و طبق آمارها هم‌اکنون ۶ میلیون تبعه در کشور حضور دارند.» وزیر کشور تأکید کرد: «ما مهاجرستیز نیستیم اما منابع و امکانات کشور کفاف بیش از این را نمی‌دهد.» او درباره سرانجام اختیارات استانداران نیز گفت: «بخشی از اختیاراتی که در حوزه رئیس‌جمهوری و طبق اصل ۱۲۷ بود، تفویض شده است. روند افزایش اختیارات ادامه دارد و این واگذاری‌ها موجب شده استانداران نگاهی فراتر از مرزهای استان پیدا کنند.»
وزیر کشور همچنین تأکید کرد: «گسترش همکاری‌های استانی و منطقه‌ای، یکی از اولویت‌های اصلی دولت و وزارت امور خارجه است.» مؤمنی در پایان به برگزاری اجلاس استانداران کشورهای حاشیه دریای خزر اشاره کرد و گفت: «نشست‌هایی نیز در استان‌های کردستان و خراسان با حضور استانداران چند کشور برگزار شده است. افزایش این مراودات در چهارچوب سیاست منطقه‌محوری جمهوری اسلامی دنبال می‌شود.»

پاک‌نژاد، وزیر نفت در پاسخ به «ایران»:

سهمیه و قیمت بنزین مصرف‌کنندگان بدون تغییر می‌ماند

گزارش

وزیر نفت دیروز در حیاط دولت در پاستور، در توضیح برنامه دولت برای مدیریت کمبود گاز و انرژی در فصل‌های سرد به «ایران» گفت: «با توجه به درس‌آموخته‌های زمستان گذشته، امسال از ابتدای کار تلاش شد ذخایر سوخت مایع نیروگاه‌ها تا حدی که مخازن اجازه می‌داد، پر شود.»
محسن پاک‌نژاد با بیان اینکه «با سردتر شدن هوا و افزایش مصرف گاز در بخش خانگی و تجاری، ناگزیر باید مصرف نیروگاه‌ها و صنایع را مدیریت کرد»، اضافه کرد: «در این مسیر از سوخت مایع ذخیره شده استفاده خواهد شد. درعین حال، ذخایر پشتیبان در انبارهای پخش نیز تقویت شده و با این اقدامات، انتظار می‌رود نسبت به سال گذشته با چالش‌های کمتری در تأمین سوخت زمستانی مواجه شویم.»
وزیر نفت تأکید کرد: «اکنون وضعیت تأمین سوخت پایدار است، هرچند تصمیم‌گیری‌ها متناسب با شرایط ادامه خواهد داشت.»
پاک‌نژاد درباره اخبار مربوط به افزایش قیمت بنزین ابراز کرد: «گمانه‌زنی‌های رسانه‌ای مبنای درستی برای قضاوت نیست و دولت هیچ اقدامی انجام نخواهد داد که مردم را تحت فشار قرار دهد. همچنین سهمیه و قیمت بنزین مصرف‌کنندگان بدون تغییر می‌ماند و سایر طرح‌ها همچنان در کارگروه‌های کارشناسی بررسی می‌شود و پس از نهایی شدن اطلاع‌رسانی خواهد شد.»
به گفته این عضو دولت، «رئیس‌جمهوری با استناد به ظرفیت‌های قانونی و آیین‌نامه‌های مصوب، از چند ماه پیش اجرای اقدامات لازم را آغاز کرده و طرح جدید به طور کامل از سوی بخش خصوصی انجام می‌شود.»
پاک‌نژاد توضیح داد: «بخش خصوصی بر اساس هزینه تمام شده واردات، شامل حمل‌ونقل، توزیع و عوارض قانونی، اقدام به واردات بنزین سوپر خواهد کرد و از هفته آینده این محموله‌ها در بورس انرژی عرضه می‌شود تا شرکت‌های توزیع‌کننده از طریق بورس خریدهای خود را انجام دهند.»
وی اعلام کرد: «این محموله‌ها شامل بنزین سوپر و وارداتی است که به صورت محدود و متناسب با قیمت تمام شده عرضه خواهد شد. برآورد اولیه نشان می‌دهد

قیمت پایه حدود ۶۵ هزار تومان خواهد بود، هرچند با لحاظ هزینه‌های جانبی ممکن است اندکی تغییر کند.»
به گفته وزیر نفت، «با وجود فضای رسانه‌ای هفته‌های اخیر، اصل ثابت دولت این است که مردم در مضیقه قرار نگیرند و به همین دلیل سهمیه و قیمت بنزین مصرف‌کنندگان بدون هیچ تغییری باقی خواهد ماند. سایر جزئیات هم پس از جمع‌بندی در کارگروه‌های تخصصی اطلاع‌رسانی می‌شود.»
وی ادامه داد: «بحث افزایش قیمت بنزین فراتر از ساختار تصمیم‌گیری وزارت نفت است، اما باید برای میزان واردات که فشار قابل‌توجهی بر بودجه وارد می‌کند، چاره‌اندیشی کرد.»
وزیر نفت همچنین از پیشرفت‌های قابل توجه در جمع‌آوری گازهای فلر خبر داد و گفت: «اخیراً حدود ۵۳۵ میلیون فوت مکعب گاز از طریق قراردادهای جدید واگذار شده است.»
پاک‌نژاد درباره نحوه عرضه بنزین وارداتی توضیح داد: «بخش خصوصی این سوخت را خریداری می‌کند و در جایگاه‌های سیار، از جمله خودروهای ویژه عرضه سوخت، آن را در بخش‌هایی از شهر در اختیار مصرف‌کنندگان قرار می‌دهد.»
وی گفت: «قیمت نهایی بر اساس هزینه حمل‌ونقل، عوارض قانونی، هزینه‌های توزیع و حاشیه سود تعیین خواهد شد و خرید آن کاملاً اختیاری است؛ افرادی که تمایل به استفاده از بنزین با کیفیت بالاتر دارند، می‌توانند از آن بهره ببرند.»
وزیر نفت درباره کیفیت بنزین فعلی نیز تأکید کرد: «بنزین تولید داخل مطابق استانداردهای بین‌المللی است و آلودگی هوا عمدتاً ناشی از ساختار و فناوری خودروهای موجود است، نه کیفیت بنزین.»

> اکنون وضعیت تأمین سوخت پایدار است، هرچند تصمیم‌گیری‌ها متناسب با شرایط ادامه خواهد داشت. همچنین سهمیه و قیمت بنزین مصرف‌کنندگان بدون تغییر می‌ماند و سایر طرح‌ها همچنان در کارگروه‌های کارشناسی بررسی می‌شود و پس از نهایی شدن اطلاع‌رسانی خواهد شد

رئیس سازمان بهینه‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی:

کشور نیازمند سیاستی تازه در انرژی است

گزارش

اسماعیل سقاب اصفهانی، رئیس سازمان بهینه‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی در پاسخ به پرسش «ایران» پیرامون انتقادهایی که نسبت به انتصاب او مطرح شد، گفت: «انتقادها بسیار زیاد بود، اما این را لزوماً منفی نمی‌دانم زیرا همین انتقادها نشان می‌دهد جامعه زنده و پویاست و هنوز به بی‌تفاوتی نرسیده است.»
وی توضیح داد: «مردم حق دارند بپرسند چنین سازمانی دقیقاً چه می‌کند و از او چه انتظاری باید داشته باشند، بویژه وقتی عنوان سازمان، جدید است و مأموریت آن برای بسیاری روشن نیست.»
اسماعیل سقاب اصفهانی نقل کرد که «یکی از آشنایانش حتی از نام سازمان پرسیده و اینکه مردم باید بدانند نقش آن چیست.» وی گفت: اکنون زمان توضیح روشن و دقیق است.
او افزود: «ما قبل از هر چیز باید بپذیریم سیاست‌های گذشته نتوانسته مسأله انرژی را در ایران حل کند. همه دولت‌ها، بدون استثنا، در مدیریت مصرف انرژی نقش داشته‌اند و همه به سهم خود مقصرند. این موضوع را پیش‌تر نیز در صداوسیما گفته‌ام و اگر لازم باشد آماده‌ام میزان سهم هر دولت را به‌صورت دقیق توضیح دهم.»
به گفته معاون رئیس‌جمهور، «نتیجه سیاست‌های پیشین، از افزایش قیمت تا محدودیت‌ها، بهبود قابل توجهی ایجاد نکرده و نشان داده که کشور نیازمند سیاستی تازه است.»
او ادامه داد: «سیاست جدید باید مبتنی بر این باشد که مشکلاتی مثل قاچاق انرژی، مصرف غیربهره‌ور و اتلاف منابع در بخش‌های صنعت، دولت و خانگی کاهش یابد. اینها واقعیت‌هایی است که همه آن را قبول دارند.»
اسماعیل سقاب اصفهانی توضیح داد: «طرح پیشنهادی جدید بر این اساس است که میزان کاهش قاچاق و افزایش بهره‌وری از ابتدا محاسبه و شفاف اعلام شود و سپس این صرفه‌جویی با مردم تقسیم شود. این ایده پشتوانه قانونی دارد و مبتنی است بر ماده ۴۶ برنامه هفتم توسعه که تأکید

می‌کند صرفه‌جویی باید با مردم تقسیم شود.»
سقاب اصفهانی افزود: «این طرح اجزای گسترده‌ای دارد و باید مشخص شود در بخش نفت، گاز و برق چه اقداماتی لازم است، چه انحصاراتی باید کاهش یابد و ساختار موجود چگونه باید تغییر کند. جزئیات کار فراوان است و پرسش‌های مهمی وجود دارد، مانند اینکه مردم چگونه در این فرآیند مشارکت می‌کنند؟ مشوق‌ها چه خواهد بود؟ دهک‌های پایین چگونه حمایت می‌شوند و دهک‌های بالا چگونه مدیریت خواهند شد؟»
وی براساس این ملاحظات، گفت: «این طرح تنها اقتصادی نیست. ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و حتی روانی دارد و نمی‌توان آن را صرفاً یک برنامه فنی دانست.»
معاون رئیس‌جمهور بیان کرد: «به همین دلیل تیمی که برای این کار شکل گرفته، دارای ویژگی‌های لازم در حوزه‌های مختلف است و قرار است هماهنگی‌های لازم درون دولت انجام شود. پس از طی مراحل بررسی و نهایی‌سازی، گزارش کامل به مردم و رسانه‌ها ارائه خواهد شد.»
اسماعیل سقاب اصفهانی افزود: «قول می‌دهم در زمان مناسب توضیحات روشن و قابل ارزیابی ارائه کنیم، زیرا جامعه امروز بیش از هر زمان نیازمند حرف‌های تازه و عملی است.»
وی در پایان گفت: «جامعه‌ای که با دقت و حساسیت موضوع انرژی را دنبال می‌کند، نشان می‌دهد درک عمومی نسبت به اهمیت این مسأله افزایش یافته و امیدوارم با اجرای سیاست‌های جدید، مسیر بهتری برای مدیریت انرژی در کشور شکل گیرد.»

> طرح پیشنهادی جدید بر این اساس است که میزان کاهش قاچاق و افزایش بهره‌وری از ابتدا محاسبه و شفاف اعلام شود و سپس این صرفه‌جویی با مردم تقسیم شود. این ایده پشتوانه قانونی دارد و مبتنی است بر ماده ۴۶ برنامه هفتم توسعه که تأکید می‌کند صرفه‌جویی باید با مردم تقسیم شود

استاندار تهران عضو دائم هیأت دولت شد

خبر

فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت در حاشیه جلسه هیأت دولت از عضویت دائم محمدصادق معتمدیان، استاندار تهران در هیأت دولت خبر داد. این تصمیم با پیشنهاد «اسکندر مؤمنی» وزیر کشور و دستور «مسعود پزشکیان»، رئیس‌جمهوری، با توجه به جایگاه ویژه استان تهران در ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و اداری کشور اتخاذ شده است، جایگاهی که این استان را به نقطه تلاقی مهم‌ترین رویکردها و رخدادهای مدیریت اجرایی در سطح ملی تبدیل کرده و ضرورت مشارکت مستقیم معتمدیان، استاندار تهران در فرآیندهای تصمیم‌گیری دولت را برجسته ساخته است. تهران، با اثرگذاری قابل‌توجه در عملکردهای ملی و تفاوت‌های بنیادین نسبت به دیگر استان‌ها در شاخص‌های مختلف، نیازمند حضور مؤثر در عرصه تصمیم‌سازی کلان کشور است. با توجه به اسناد قانونی همچون قانون تقسیمات کشوری، قانون مدیریت خدمات کشوری و اصول مرتبط در قانون اساسی، محمدصادق معتمدیان، به عنوان نماینده عالی دولت در استان تهران، نقش مهمی

در هماهنگی و پیشبرد برنامه‌های توسعه‌ای دارد؛ نقشی که در تهران به دلیل استقرار وزارتخانه‌ها، سازمان‌های ملی و مراکز حیاتی، ابعادی فراتر از یک استان پیدا می‌کند و حضور معتمدیان، استاندار تهران در هیأت دولت می‌تواند به ارتقای کیفیت تصمیمات ملی و مدیریت مسائل کلان پایتخت از جمله بارگذاری جمعیتی، تنش آبی، ناترازی انرژی، ترافیک و آلودگی هوا کمک کند.

پنجشنبه ۲۹ آبان ۱۴۰۴ شماره ۸۸۹۱
irannewspaper irannewspapper

بحث سقاب اصفهانی در جبهه اصلاحات

علی محمد حاضری در گفت‌وگو با «ایران»: برخی تلقیات و تصورات رایج درباره انتصاب جدید پزشکیان با توضیحات ارائه شده رفع شد

گفت‌وگو

مرتضی گل پور
دبیر گروه سیاسی

پس از ۲۱ آبان ماه که رئیس‌جمهوری در حکمی انتصاب اسماعیل سقاب اصفهانی را به عنوان رئیس سازمان بهینه‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی منصوب کرد تا همین دیروز، بحث‌های زیادی درباره انتصاب وی درگرفت. طیفی از اصلاح‌طلبان و حامیان سیاسی و انتخاباتی دولت برآشفته شدند که اسماعیل سقاب کاملاً در جناح مقابل تعریف می‌شود و حتی در زمره اعضای دولت گذشته بود، بنابراین انتصابش محل سؤال است. اما فقط این نبود، دیروز روابط عمومی جبهه پایداری انقلاب اسلامی هم بیانیه‌ای داد و اعلام کرد که «جناب آقای اسماعیل سقاب اصفهانی، هیچ‌گونه عضویت رسمی و تشکیلاتی در ارکان، شوراهای مرکزی یا بدنه جبهه پایداری انقلاب اسلامی ندارند.»

رئیس‌جمهوری در جلسه یکشنبه گذشته هیأت دولت گفت: «از اولین روز آغاز به کار، موضوع حل ناترازی‌های انرژی برای من و مجموعه دولت یکی از اصلی‌ترین، مهم‌ترین و حیاتی‌ترین مسائل کشور بوده است. از میان طرح‌ها و مباحث و برنامه‌ها، تحلیل‌های ارائه‌شده، تسلط تیم و شخص آقای سقاب اصفهانی جامع‌تر، دقیق‌تر و کارآمدتر بود.»

به دیگر سخن، سقاب اصفهانی نه براساس پیوستگی سیاسی، بلکه برپایه بایستگی علمی و مدیریتی به این سمت منصوب شده است و این سازوکار یا شاخص، پدیده‌ای به نسبت نو و کمترشناخته در میان جریان‌های سیاسی است و همین، واکنش‌های منتقدانه از دو سو را به دنبال داشت. گستردگی این واکنش‌ها به گونه‌ای بود که حتی در جبهه اصلاحات به عنوان تشکل مرکزی جریان اصلاحات هم این مسأله به بحث گذاشته شد. با این تفاوت که آنجا به جای بحث‌های سیاسی، مباحث دیگری مطرح شد. به این صورت که دکتر علی محمد حاضری، استاد دانشگاه تربیت مدرس و از چهره‌های شناخته شده جریان اصلاحات یافته‌ها و دانسته‌های خود را درباره سوابق کاری و پیوستگی‌ها و ارتباطات علمی اسماعیل سقاب مطرح کرد تا نشان دهد برخلاف موج‌های رسانه‌ای ایجاد شده، این فرد بیش از ارتباط تشکیلاتی با جریان‌های سیاسی منتقد دولت، یک کارشناس است. البته شاهد ادعای دکتر حاضری، دیروز با بیانیه روابط عمومی جبهه پایداری رسید. اما وی در گفت‌وگو با روزنامه «ایران» توضیح داد که در جلسه جبهه اصلاحات درباره چه مسائل مرتبطی با انتصاب سقاب اصفهانی توضیح داد، چه گفت و اساساً چه لزوم یا ضرورتی برای طرح این مباحث به همفکران اصلاح‌طلبش وجود داشت.

عکس: جماران

شنیده شده جنابعالی در جبهه اصلاحات درباره انتصاب آقای سقاب اصفهانی توضیحاتی ارائه کردید. برخی‌ها هم عنوان کردند که شما گزارشی به اعضای جبهه ارائه کردید. در هر صورت، سؤال ما از شما این است که ضرورت یا دلیل تهیه این گزارش و ارائه آن به جبهه اصلاحات، آن هم از سوی جنابعالی چه بود؟ آیا از طرف جبهه اصلاحات در این زمینه مأموریتی به شما واگذار شده بود یا خود شما تشخیص دادید که چنین کاری ضروری است؟

آنچه در جلسه جبهه اصلاحات و خطاب به اعضای آن مطرح کردم، گزارش، به آن معنایی که شما منظور داشتید، نبود. آنچه در این جلسه و خطاب به دوستان در جبهه مطرح کردم، در واقع بیشتر شنیده‌هایی بود که درباره این انتصاب و فرد منتصب شده در اختیار داشتم که این شنیده‌ها را به دوستان منتقل کردم. بنابراین، گزارش، به معنای مورد نظر شما نبوده است.

آقای دکتر! شنیده‌های شما درباره آقای سقاب اصفهانی در چه حوزه‌هایی بود، درعین حال چه ضروری وجود داشت که شما این شنیده‌ها را به اعضای جبهه اصلاحات منتقل کنید و آنها را به بحث بگذارید؟

ببینید! بحثی که من داشتم، ناظر بر این دغدغه بود که بعد از این انتصاب یک فضای رسانه‌ای ایجاد شد مبنی بر آن که آقای پزشکیان یک چهره کاملاً سیاسی وابسته به یک جریان سیاسی خاص را بدون هیچگونه ارتباط تخصصی و حرفه‌ای با موضوع و سمتی که برای آن منصوب شده‌اند، برای این سمت منصوب کرده‌اند. به عبارت دیگر، در فضای رسانه‌ای ما مسائل اینطور مطرح شد که ایشان یک چهره کاملاً منتسب به دولت گذشته و یک جریان سیاسی خاص است و در کنار اینها، اینطور بیان می‌شد که ایشان بدون هیچ سابقه تخصصی از رئیس جمهوری حکم انتصاب گرفته است. این مطالب محور انتقادها و حمله به دولت بوده و هست. اما من براساس میزانی از اطلاعاتی که به دست آوردم، دریافتم و دیدم که هر دوی این موارد یا ادعاهای مطرح شده، به آن شدتی که گفته می‌شود یا به آن اندازه‌هایی که نشان داده می‌شد، نیست. لذا خواستم همین یافته‌های خود را برای دوستان در جبهه اصلاحات توضیح بدهم که مسأله از این جنس که تصور می‌شود، نیست. هرچند با وجود توضیحات من به دوستان در جبهه، همچنان سؤال‌ها و ابهامات باقیست. اما در مجموع، آنچه من به اعضای محترم جبهه اصلاحات گزارش دادم، مواردی بود که برای شما برشمردم.

آقای دکتر! شما هم یک چهره علمی و دانشگاهی هستید، هم دارای سابقه طولانی در جریان اصلاحات. سؤال ما این است که پس از بیان مطالب از سوی شما، بازخوردهای اعضای جبهه اصلاحات چه بود و آنان چه واکنشی نشان دادند؟

یک بخش از بازخوردها، این بود که برخی از دوستان و حاضران در این جلسه قدری تعجب کردند که چرا من دارم این حرف‌ها را می‌زنم. بخش دیگری از بازخوردها هم این بود که دوستان می‌پرسیدند پشتوانه یا داده‌هایی که من براساس آنها این حرف‌ها را درباره ایشان می‌زنم، چیست؟ من راجع به اطلاعاتم توضیح دادم و گفتم که این اطلاعات را چگونه و از چه طریقی به دست آوردم. بالاخره دوستان هم از قبل مرا می‌شناختند و می‌دانند که من به لحاظ سابقه علمی خود، اساساً روحیه‌ای دارم که صرفاً برپایه داده و واقعیت و شواهد متقن حرف می‌زنم، نه لزوماً بر اساس حوزه سیاسی یا رویکردهای جناحی.

اشاره کردید که برخی ابهامات و سؤالات همچنان باقی است. اما سؤال ما این است که به رغم این ابهامات، مطالبی که شما در جبهه اصلاحات ارائه کردید، چه بازخوردی در این جبهه داشت؟

در واقع من در توضیحات خود چندان موضوع را باز نکردم و به بیان سخنانی در اندازه اشارات اکتفا کردم. به این دلیل که اطلاعات دقیق‌تری باید در اختیار داشته باشم، اما تا همین جا، اطلاعاتی که من در اختیار داشتم و ارائه دادم، مقداری از تلقی و تصور رایج درباره این انتصاب را نقض می‌کرد. به دیگر سخن، محور اصلی حرف‌های من در این جلسه، بیان اطلاعاتی بود که برخی اظهارات یا اطلاعات را نقض می‌کرد، نه اینکه اطلاعات کاملاً ایجابی و کاملاً در خلاف این حرف‌های مطرح شده، داشته باشم.

به لحاظ شخص شما، چه شرایط یا چه ملاحظاتی این انگیزه را در شما ایجاد کرد که اطلاعات خود درباره آقای سقاب اصفهانی را در جمع دوستان جبهه اصلاحات منتقل کنید؟

واقعیت مساله این است که من معتقدم ما در جبهه اصلاحات نباید روی موج های رسانه ای یا موج های شکل گرفته در فضای فرهنگی و اجتماعی حرکت کنیم. تفاوت ما به عنوان نیروهای نخبه سیاسی این است که می بایست براساس داده های متقن تر، اطلاعات دقیق تر و با پشتوانه های علمی تر موضع بگیریم و اظهارنظر کنیم. لذا من در جبهه اصلاحات گفتم که اطلاعاتی که من در اختیار دارم، این موجی که راه افتاده و ادعاهایی که مطرح شده است را نقض می‌کند. از این رو فکر کردم بایستی این اطلاعات خودم که به معنای نقض اطلاعات منتشر شده و عمومی بوده است را به دوستان منتقل کنم. فرض کنیم هر دو طرف ما، اطلاعات درستی داشته باشیم، یعنی هم من و هم دوستان دیگری که کاملا با این انتصاب مخالفت می‌کنند، یعنی ایشان یک نیروی کاملاً وابسته به دولت سابق باشد و در عین حال فردی باشد که درباره مساله ای که برای مدیریت آن منصوب شده، تخصص هم نداشته باشد. اما سوال ما، بیش از همه متوجه دولت و شخص آقای پزشکیان است، به این معنی که باید روشن شود چه فرایندی طی شد یا چه شاخص ها و ملاحظات تخصصی و اجرایی و غیره وجود داشت که آقای رئیس جمهوری ایشان را منصوب کردند؟ زیرا به نظر می رسد رئیس جمهوری یا دولت اطلاعات و شواهدی دارند که نقدها را نقض می‌کند و از انتصاب ایشان دفاع می کند، همه این ها مسائلی بود که انتظار می رفت و باید، دولت آنها را تشریح می کرد و توضیح می‌دادند. یعنی توضیح می دادند که باوجود نقدهایی که شده است، به چه دلیل، براساس چه تخصص، برپایه کدام طرح و برنامه این فرد صلاحیت تصدی این مسئولیت را دارد؟ این درحالی است که ما به عنوان چهره های مطرح سیاسی یا دیگر بخش های جامعه، چیزی از این مساله نمی دانند و هنوز چیزی و اطلاعاتی در این زمینه در اختیار مردم و منتقدان و طرفداران دولت قرار نگرفته است، درحالی که باید قبل از انتصاب ایشان این اطلاعات منتشر می شد تا همچون رئیس جمهوری و دولت، مردم و هواداران دولت و رئیس جمهوری هم مجاب شوند. اما امروز نه تنها حامیان سیاسی اصلی دولت از این انتصاب و دلایل آن چیزی نمی دانند، اما برای سنجش زمینه ذهنی جامعه و آماده سازی و توضیح به جامعه هم توضیحی داده نشده است. لااقل برای بخش نخبگی جامعه، اعم از نخبگان سیاسی و نخبگان کارشناسی، انتظار می رود و اساسا دولت وظیفه دارد هم طرحی که قرار است ایشان پیاده و اجرا کنند را توضیح دهد و هم چرایی انتخاب ایشان و طرح ایشان را، اما این مسائل از سوی دولت روشن نشده است.

> در فضای رسانه‌ای اینطور مطرح شد که ایشان یک چهره منتسب به دولت گذشته و جریان سیاسی خاص است و بدون سابقه تخصصی حکم انتصاب گرفته. اما من براساس اطلاعاتی که به دست آوردم، دیدم که هر دوی این موارد به آن شدتی که گفته می‌شود نیست. لذا خواستم همین یافته‌های خود را برای دوستان در جبهه اصلاحات توضیح بدهم

مساله حول این انتصاب از اینجا شروع شد.

در زمینه اطلاع رسانی و شفاف‌سازی انتصاب، می‌شد و همچنان هم می‌شود بهتر عمل کرد. اما مسأله این است که آقای پزشکیان از روز اول ریاست جمهوری و حتی در زمان تبلیغات انتخابات، بارها عنوان کرد و هنوز هم می‌گویند که فرقی بین اصلاح‌طلب و اصولگرا نیست و هر کسی که کار بلد است و برنامه دارد، فارغ از چپ و راست بودن، می‌تواند بیاید و حتی این عبارت را به کار بردند که ما «دست چنین افرادی را می‌بوسیم.» به نظر می‌رسد که هنوز بخشی از جریانات سیاسی نتوانسته‌اند به این روند عادت کنند. این انتقاد را می‌پذیرید؟

من از سمت دیگری به این موضوع نگاه می‌کنم. ببینید! مسأله مهم این است که دولت در چنین انتصاب‌ها یا تصمیماتی پیش از هرچیز ابتدا باید دغدغه مخاطب را داشته باشد؛ به این معنی که اگر قرار است سمتی به یک فردی داده شود که این فرد نه تنها در جریان حامیان دولت، بلکه در جریان منتقدان دولت و منتقدان حامیان دولت تعریف می‌شود در چنین شرایطی دولت حتماً باید به مخاطبان خود توضیح بدهد. به این معنی که ابتدا مخاطبان را راضی کند مبنی بر اینکه یک طرح کارشناسی جدی وجود دارد، ما در دولت این طرح را بررسی کردیم و برتری آن نسبت به طرح‌های دیگر ثابت شده است. بنابراین ابتدا باید اطلاع‌رسانی می‌شد که این کار انجام نشد. نمی‌شود و نمی‌توان انتظار داشت که بدون هیچ گونه اطلاع‌رسانی و هیچ گونه توضیحی برای چنین انتصابی، انتظار داشته باشیم که مردم در نظرات و نگرانی خود نسبت به فردی که شایعات و مسائل زیادی هم درباره آن مطرح است، صرفاً به حرف ما بسنده کنند که بگوییم نگران نباشید ایشان بهترین طرح را داشته‌اند. ما چطور می‌توانیم ثابت کنیم که بهترین طرح را داشته است؟ در کدام مرجع بررسی شده است؟ اینها باید برای مردم روشن شده و توضیح داده شود.

حرف آقای عبدی هم همین بود که باید از قبل اطلاع رسانی می‌شد و روشن می‌شد که غیر از ایشان چه کسان دیگری طرح داده و برتری طرح ایشان چه بود.

به این علت که نمی‌شود فرض را بر این قرار داد که ما به تصمیم کسانی اعتماد کنیم که خودشان گرچه در دولت هستند، اما در این زمینه تخصص علمی و تجربی ندارند. بنابراین باید این فرآیند روشن می شد.

شما در جبهه اصلاحات چه نکاتی را مطرح کردید که طی آن اعضای جبهه قانع شدند، یا حداقل به بخشی از سؤالاتشان پاسخ داده شد؟

مباحثی که من مطرح کردم، حول این مسأله بود که آیا این فرد و تیمی که به صورت علمی روی اصلاح انرژی کار کرده بودند، از قبل هم روی این موضوعات کار کرده بودند یا خیر؟ آنچه من در این جلسه ارائه کردم، این بود که اولاً خود ایشان دانشجوی آقای دکتر مروی بود. خود دکتر مروی نیز آدمی است که در کنار برخورداری از سابقه علمی قوی، روی موضوعات مرتبط با اصلاح ناترازی انرژی کار کرده است، شاید ما گرایش آقای مروی را قبول نداشته باشیم، اما در هر صورت واقعیت این است که قطعاً آقای دکتر مروی در این زمینه صاحب‌نظر است، هرچند دکتر مروی اجرایی و مدیریتی هم نیست. آقای دکتر مروی دانشجویی داشته و دارد که به طور مستقل سطح علمی آن شاید بالا نیست، اما در عین حال در مباحث و موضوعات بوده و تحت نظر استاد خودش توانسته روی این موضوعات کار کند. خود فرد منصوب شده، شخصاً و مستقلاً آدم متخصص صاحب‌نظر به معنای برتری علمی و نخبگی نیست، اما فردی است که به اصطلاح، تحت مدیریت یک آدم صاحب‌نظر بوده و هست. بنابراین با واسطه می‌توان صلاحیت علمی ایشان را مورد توجه قرار داد. قسمت دوم بحث من ناظر بر این بود که چهره‌هایی مانند ایشان، اساساً از طریق پیوستگی سیاسی به جریان دولت سابق به این طرح نرسیدند، بلکه آدم‌هایی هستند که قبل از وابستگی سیاسی و ارتباط کاریشان با دولت سابق، روی طرح انرژی کار می‌کردند. چون یکی از مباحث این بود که آیا ایشان در دولت گذشته براساس انتصاب به یک جبهه سیاسی خاص به دولت رفت یا از طریق ارتباط علمی با موضوع. البته هنوز این بخش برای بسیاری از دوستان اصلاح‌طلب ابهام دارد. ابهام ناشی از این است که در دولت سابق به این گروه مأموریت داده شد تا این اصلاح را به صورت پایلوت در نقاطی چون قشم و کیش اجرا کنند و بعد از بررسی نتیجه طرح، معلوم شود که نقاط قوت و ضعف آن چیست؟ اما تا امروز، نه دولت سابق و نه دولت جدید، نگفته‌اند که نتیجه طرح‌شان چه بود و چه شد؟

بنابراین پیشنهاد شما به عنوان کسی که دغدغه موفقیت دولت و کامیابی جامعه را دارید، این است که اگر مبنای انتصاب، علمی بودن آقای سقاب اصفهانی، حداقل این است که برای بخش علمی و نخبگی جامعه ابعاد طرح و یافته‌های تجربه‌های اول اجرایی در قشم و جاهای دیگر تبیین شود، درست است؟

در واقع علمی بودن آن طرح، به نحو تجربی و استدلالی برای حداقل بخش نخبه جامعه بایستی مطرح و به ابهامات پیرامون آن پاسخ داده شود.

«ایران» در گفت‌وگو با نمایندگان، رفع فیلتر قریب‌الوقوع شبکه‌های اجتماعی را پیگیری کرد

شمارش معکوس یک انسداد هزینه‌زا

گزارش

مهراوه خوارزمی
گروه سیاسی

رفع فیلترینگ شبکه‌های اجتماعی همواره یکی از سؤالات ثابت خبرنگاران در نشست‌های خبری سخنگوی و دولت است. این سؤالی بود که سه‌شنبه از فاطمه مهاجرانی این گونه پاسخ گرفت که «برای رفع فیلترینگ تا پایان دولت چهاردهم برنامه داریم.» با وجود این، یک روز قبل از این اظهار نظر سخنگوی دولت درباره موضوع رفع فیلترینگ، خبری به نقل از یکی از نمایندگان عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی به طور گسترده در رسانه‌ها منتشر شد مبنی بر اینکه به زودی برخی از پلتفرم‌های خارجی در کشور رفع فیلتر خواهند شد.

اخلاقی امیری: هزینه فیلترینگ سرسام‌آور است

حجت‌الاسلام اخلاقی امیری، نماینده مردم مشهد و کلات اما در گفت‌وگو با «ایران» درباره خبری که در رسانه‌های مختلف و فضای مجازی به نقل از او منتشر شده بود، گفت: «آنچه بازنشر شده، گاهی بدون جزئیات کامل و خارج از چهارچوب دقیق صحبت‌ها بوده است، اما می‌توانم برای بار دوم تأکید کنم هزینه‌ای که ما هم‌اکنون در کشور برای موضوع فیلترینگ می‌پردازیم (چه در بخش مالی و چه در بخش نظارت بر پلتفرم‌های خارجی) واقعاً سرسام‌آور است و این مسأله سال‌هاست فشار قابل‌توجهی ایجاد کرده است.»

اخلاقی امیری با بیان اینکه «این موضوع براساس همان گام‌های سی و دوگانه‌ای است که شورای عالی فضای مجازی در طول حدود یک سال و نیم برنامه‌ریزی کرده و هدف آن فراهم‌کردن مقدمات رفع فیلتر پلتفرم‌های خارجی بوده است»، تصریح کرد: «بخشی از این مسیر انجام شد. مثلاً در مورد واتس‌اپ گام‌هایی برداشته شد ولی وقوع جنگ تحمیلی ۱۲ روزه وقفه‌ای ناخواسته ایجاد کرد و روند کار را برای مدتی متوقف ساخت. پس از آرام‌تر شدن فضای کشور، ادامه این فرآیند دوباره در دستور کار قرار گرفت و اکنون نیز با سرعت مناسب در حال پیگیری است تا در نهایت، به توافق نهایی برسیم و ان‌شاءالله رفع فیلتر انجام شود.» او در ادامه افزود: «امید است این رفع فیلترها در زمان بسیار نزدیک محقق شود. من می‌توانم حدود زمانی رخ‌دادن این اتفاق را اعلام کنم اما ترجیح می‌دهم اعلام آن را به دوستان اجرایی دولت واگذار کنم تا زمان‌بندی رسمی را آنها بیان کنند. هدف این است که روند به شکلی شفاف، قانونی و مطابق برنامه پیش برود تا نتیجه نهایی به بهترین شکل برای مردم حاصل شود.»

پوردهقان: فیلترینگ بدترین حمایت از پلتفرم های داخلی است

مصطفی پوردهقان، نماینده اردکان و عضو کمیسیون صنایع مجلس نیز دیگر نماینده‌ای بود که در هفته‌های گذشته از احتمال رفع فیلتر یک پیام‌رسان پرکاربرد خبر داده بود و به همین دلیل روز گذشته مخاطب پرسش «ایران» درباره روند رفع فیلترینگ و آخرین تحولات مربوط به آن قرار گرفت. پوردهقان با بیان اینکه اطلاعاتی که نمایندگان درباره رفع فیلتر برخی پیام‌رسان‌ها یا شبکه‌های اجتماعی بیان می‌کنند برگرفته از جلسات‌شان با دولتمردان و از جمله جلسه اخیر اعضای کمیسیون صنایع با وزیر ارتباطات بوده است، گفت: «در آن جلسه گفته شد که مذاکراتی با مدیران تلگرام در جریان هست و این مذاکرات که بر اساس مصوبه ۳۲ بندی شورای عالی فضای مجازی انجام شده است، پیشرفت خوبی داشته است.» پوردهقان با بیان اینکه با وجود پایبندی به مصوبه این شورا همچنان بعضی افراد با تلاش برای رفع فیلتر این پیام‌رسان مخالفند، افزود: «به هر حال در داخل شورای عالی فضای مجازی باید در این باره تصمیم‌گیری انجام شود که پاسخگوی نیاز مردم و تعهد دولت در پاسخ به خواست مردم باشد. مسأله این است که چه بخواهیم چه نخواهیم، مردم در هر حال به این پلتفرم متصل هستند و نتیجه مهم تصمیم ما از یک سو کاستن از هزینه‌های مردم و حذف مبالغ گزافی است که آنها برای استفاده از فیلترشکن‌ها پرداخت می‌کنند و از جهت دیگر مسئولیت‌پذیر کردن پلتفرم‌های خدمات دهنده است.»

عضو کمیسیون صنایع مجلس با اذعان به اینکه اتصال مردم به پلتفرم‌ها از طریق فیلترشکن منشأ بسیاری از آلودگی‌ها در فضای مجازی و منافی امنیت ملی است، در پاسخ به این بهانه مخالفان رفع فیلتر که رفع مسدودسازی را به رشد و توسعه کامل پلتفرم‌های داخلی منوط می‌کنند، گفت: «وضعیتی که حالا در حوزه فضای مجازی با آن مواجهیم، نتیجه نوع تصمیمات ما در دو دهه گذشته بوده است. قابل انکار نیست که تلاش مردم برای دسترسی به پلتفرم‌های خارجی حاصل عدم اطمینان یک بخشی از جامعه به پلتفرم‌های داخلی است.» وی با بیان اینکه با وجود این، اگر چه در حوزه سیاست‌گذاری حتماً باید از پلتفرم‌های داخلی حمایت کنیم ولی محدود کردن مردم از شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌های خارجی بدترین دفاع از پلتفرم‌های داخلی است و بیشتر مایه تخریب آنهاست، گفت: «کسی منکر اهمیت امنیت کشور نیست، اما نباید اشتباهی را که با ایجاد انحصار در صنعت خودرو انجام دادیم در حوزه شبکه‌های مجازی داخلی هم تکرار کنیم و در این حوزه هم موجب نارضایتی مردم شویم.»

> پوردهقان: کسی منکر نگرانی‌های فرهنگی و ملاحظات امنیتی نیست، اما اقدام ما تنها به سودجویی وی‌پی‌ان فروشان و محروم شدن خزانه عمومی از مالیات فعالیت اقتصادی در قالب این پلتفرم‌ها منتهی شده است

اثر فیلترینگ در حوزه تولید ناخالص داخلی

عضو کمیسیون صنایع با تصریح بر اینکه بخشی از مخالفت‌ها با رفع فیلترینگ نتیجه چرخش مالی فیلترشکن فروشان است، درباره اثرات اقتصادی رفع مسدودسازی شبکه‌های اجتماعی پرکاربر، اظهار کرد: «بسیاری از مردم عزیز ما شغل و درآمدشان به این شبکه‌های مجازی وابسته است، بسیاری از کشورها از این بستر در جهت اینکه اقتصاد، اشتغال و تولید ناخالص داخلی‌شان را رونق بدهند استفاده می‌کنند. ولی در ایران با وجود بسیاری از مشاغل خانگی وابسته، فیلترینگ به عنوان یک مانع مؤثر عمل می‌کند. حال آنکه اگر این فضا در اختیار فعالان اقتصادی و جوانان کارآفرین قرار بگیرد، می‌تواند در اقتصاد و افزایش گردش مالی کشور مؤثر باشد.» او با بیان اینکه کسی منکر نگرانی‌های فرهنگی و ملاحظات امنیتی نیست، اما اقدام ما تنها به سودجویی وی‌پی‌ان‌فروشان و محروم شدن خزانه عمومی از مالیات فعالیت اقتصادی در قالب این پلتفرم‌ها منتهی شده است، گفت: «اتفاقاً به واسطه فیلترشکن فروشی، فضای مجازی ما از هر دو لحاظ فرهنگی و امنیتی یله و رها و ناامن‌تر از زمانی است که فیلترینگ نبود.» پوردهقان بر همین اساس روشنگری در عرصه اجتماعی و آگاه ساختن خانواده‌ها از اثرات مثبت رفع فیلتر در مقابل دسترسی گسترده و نامحدود به محتواهای غیراخلاقی از طریق فیلترشکن‌ها را ضروری دانست و با دسته‌بندی مخالفت‌ها به سه دسته مخالفت فیلترشکن‌فروشان، دلسوزان نگران و مخالفان سیاسی گفت: «یک عده قلیلی هستند که با هر کاری که دولت برای پاسخ به مطالبات اکثریت مردم انجام دهد، مخالفند. یعنی مبنای مخالفت‌شان این است که دولت، دولت آنها نیست. اما این عده قلیل اگر چه صدای بلندی دارند خیلی هم اثرگذار نیستند. این است که باید به نتیجه دادن تلاش دولت برای رفع فیلتر شبکه‌های مورد اقبال مردم امیدوار بود.»

یادداشت

عابداکبری
کارشناس مسائل بین‌الملل

سیاسی‌سازی آژانس و تقویت بازدارندگی ایران

تحرکات اخیر سه کشور اروپایی برای ارائه پیش‌نویس قطعنامه‌ای علیه ایران در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، تصویری روشن از واقعیتی دیرینه در سیاست جهانی ارائه می‌دهد: نهادهای بین‌المللی در عمل نه ساختارهایی بی‌طرف، بلکه ابزارهایی در خدمت منافع قدرت‌های بزرگ هستند.

در فضایی آنارشیک که هیچ مرجع بالادستی وجود ندارد، دولت‌ها از همه ظرفیت‌ها برای افزایش قدرت نسبی خود بهره می‌گیرند. تحلیل رفتار اخیر اروپا نیز اگر در چهارچوب نئوواقع‌گرایانه باشد، قابل درک‌تر خواهد بود.

اروپا این بار نیز با ادبیاتی آشنا، خواستار دسترسی فوری و بدون محدودیت آژانس به برخی مراکز ایران شده است؛ درخواستی که به‌ظاهر رنگ فنی دارد، اما در عمل ماهیتی کاملاً سیاسی پیدا می‌کند.

تجربه دو دهه گذشته نشان داده هرگاه این کشورها به‌دنبال فشار بوده‌اند، آژانس به سکوی انتقال فشار بدل شده است.

این همان چیزی است که آن را «ابزارسازی نهادها» می‌نامند: استفاده از ساختارهای بین‌المللی برای وادارسازی طرف مقابل به رفتار مطابق منافع خود، بدون آنکه هزینه یک رویارویی مستقیم را بپردازند.

از سوی ایران، واکنشی که دیده می‌شود افزایش احتیاط، محدودسازی دسترسی‌های غیرضروری و تأکید بر خطوط قرمز امنیتی، نه واکنشی غیرمنتظره بلکه پاسخی کاملاً منطقی است.

هر دولتی که اطلاعات حساسش بارها در عملیات خرابکارانه یا فشارهای سیاسی مورد سوءاستفاده قرار گرفته باشد، در برابر درخواست‌های فنی فاقد تضمین، واکنشی محافظه‌کارانه نشان می‌دهد.

این دقیقاً همان منطق بازدارندگی در نئوواقع‌گرایی است: وقتی احتمال سوءاستفاده بالاست، هزینه اعتماد بالا می‌رود و رفتار دفاعی تقویت می‌شود. اما پرسش مهم‌تر این است که چرا اروپا در شرایط فعلی بر این رویکرد اصرار دارد؟ پاسخ را باید در محیط راهبردی جدید اروپا جست‌وجو کرد.

پس از بحران اوکراین، اروپا بیش از هر زمان دیگری به آمریکا وابسته شده است؛ چه در حوزه امنیتی و چه در حوزه انرژی. این وابستگی باعث شده سیاست خارجی اروپا بیش از پیش در مدار ترجیحات واشنگتن چرخش کند.

اقدام اخیر نیز بخشی از همین روند است: تلاش اروپا برای نمایش نقش‌آفرینی در پرونده‌ای که سال‌هاست توان تأثیرگذاری واقعی خود را در آن از دست داده است.

به عبارت دیگر، اروپا با استفاده از آژانس می‌کوشد جایگاهی را احیا کند که خروج آمریکا از برجام از بین برد.

هدف این است که نشان دهد هنوز بازیگر مهم در پرونده ایران است، هرچند در واقعیت نه ابزار دارد و نه ظرفیت راهبردی لازم. این نوع اقدام، همان چیزی است که آن را «تهاجمی‌بودن ناشی از ضعف» توصیف می‌کنند: رفتاری که ظاهر سخت دارد اما ریشه در ناتوانی دارد، نه قدرت.

در چنین شرایطی، ایران ناگزیر از اتخاذ راهبردی متوازن است، ترکیبی از همکاری کافی برای جلوگیری از اجماع‌سازی و در عین حال، مراقبت سختگیرانه برای جلوگیری از تبدیل‌شدن آژانس به اهرم فشار اطلاعاتی. تجربه نشان داده هر عقب‌نشینی بی‌مبنای فنی، به تشدید فشارها منجر می‌شود، نه کاهش آنها.

بنابراین بهترین سیاست، همکاری مدیریت‌شده است، نه همکاری نامحدود. اروپا نیز اگر به دنبال امنیت واقعی است، باید درک کند که فشار از مسیر آژانس نه‌تنها کارآمد نیست بلکه هزینه‌ساز است. این فشارها تنها به تقویت رفتارهای بازدارنده و کاهش همکاری ایران منجر می‌شود. در نهایت، اروپا با تضعیف اعتماد ایران به آژانس، قدرت نظارتی این نهاد را نیز تضعیف می‌کند و همان سازوکاری را که مدعی دفاع از آن است، فرسوده می‌سازد.

حقیقت این است که پرونده هسته‌ای ایران نه با قطعنامه‌های نمادین، بلکه با فهم درست منطق قدرت قابل مدیریت است. تا زمانی که اروپا حساسیت‌های امنیتی ایران را نادیده بگیرد و به فشار یک‌طرفه ادامه دهد، نه همکاری فنی پایدار خواهد بود و نه توافق سیاسی ممکن.

بهترین مسیر همان است که امروز تحلیلگران واقع‌گرای غربی نیز بر آن تأکید می‌کنند: احترام به توازن منافع، پرهیز از ابزارسازی نهادها و پذیرش این واقعیت که امنیت طرف مقابل بخشی از معادله امنیت خود شماست.

اگر اروپا به این درک برسد، آژانس می‌تواند بار دیگر نقش واقعی خود را بازی کند. اما اگر این روند ادامه یابد، نه تنها بی‌اعتمادی تعمیق می‌شود، بلکه اروپا نیز هرچه بیشتر از ایفای نقش سازنده‌ای که می‌تواند داشته باشد، فاصله می‌گیرد.

نخستین نشست شورای حکام پس از پایان موعد برجام از روز گذشته آغاز شد

آژانس همچنان بر مدار سیاسی کاری

گزارش

اولین نشست شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی پس از پایان اعتبار قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت که ضمانت حقوقی برجام بود، روز گذشته آغاز شد. دستور کار این جلسه، در مورد ایران بررسی «توافق پادمانی ان‌پی‌تی با جمهوری اسلامی ایران» بود و نشان می‌دهد که آژانس اکنون تنها بر تعهدات ایران ذیل معاهده عدم اشاعه نظارت می‌کند. رافائل گروسی، در گزارش خود با اشاره به توافق قاهره با ایران، اعلام کرد که دسترسی بازرسان به اکثر تأسیسات آسیب‌دیده فراهم شده، اما اصرار او بر بازگرداندن کامل روند بازرسی‌ها آن هم در حالی که تأسیسات هسته‌ای نطنز، فردو و اصفهان پس از حملات ماه ژوئن آمریکا و اسرائیل آسیب جدی دیده‌اند، قابل تامل است.

در مقابل ادعاهای زیاده‌خواهانه گروسی ایران استدلال می‌کند که حمله به تأسیسات هسته‌ای در حال فعالیت صلح‌آمیز اقدامی بی‌سابقه است و آژانس باید استثنایی بودن شرایط فعلی را درک کند و به فکر مدالیته جدید باشد. در حالی که اختلاف اصلی میان تهران و آژانس، شامل بازرسی از تأسیسات آسیب‌دیده و تعیین وضعیت ذخایر اورانیوم ۶۰ درصد است همزمان کشورهای غربی با تدوین دستورالعمل‌های جدید در صدد اعمال فشار بیشتر علیه کشورمان هستند. موضوعی که در صورت رخ دادن آن روابط تهران و آژانس را تیره‌تر خواهد کرد.

اولین نشست شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی پس از پایان اعتبار قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل که سند حقوقی توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ (برجام) میان ایران و گروه ۱+۵ به شمار می‌رفت، روز گذشته آغاز شد. هفته گذشته و طبق اطلاعیه منتشرشده در وبگاه آژانس، دستور کار نشست شورا درباره ایران «توافق پادمانی ان‌پی‌تی با جمهوری اسلامی ایران» بود؛ به این معنا که آژانس در این جلسه گزارش‌ها و وضعیت ایران را بر پایه تعهدات پادمانی بررسی و درباره آن گفت‌وگو می‌کند.

تأیید گروسی بر همکاری ایران

«رافائل گروسی» مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز دیروز و در آغاز نشست فصلی شورای حکام، هنگام ارائه گزارش خود درباره برنامه هسته‌ای ایران، بر همین موضوع تأکید کرد. او گفت که با پایان یافتن اعتبار قطعنامه ۲۲۳۱، نظارت بر اجرای توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ دیگر در دستور کار شورای حکام قرار ندارد. گروسی درباره تعهدات ایران ذیل معاهده عدم اشاعه (ان‌پی‌تی) نیز توضیح داد: «من در ۹ سپتامبر ۲۰۲۵ در قاهره با آقای سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران، توافقی را امضا کردم که چهارچوبی برای رویه‌های بازرسی آژانس، ابلاغیه‌ها و اجرای تضمین‌ها در ایران پس از حملات نظامی ماه ژوئن فراهم می‌کند.» او افزود که ایران از آن زمان با اطلاع قبلی، دسترسی آژانس برای انجام بازرسی‌ها و تأیید اطلاعات طراحی را در تقریباً تمامی تأسیسات آسیب‌ندیده در تهران تسهیل کرده است؛ اقدامی که از نظر آژانس مثبت ارزیابی شده است. با این حال، گروسی تأکید کرد: «برای بازگرداندن کامل روند بازرسی‌ها، تعامل بیشتری لازم است.» منظور او بازرسی از تأسیساتی است که در اثر حملات اسرائیل و آمریکا به‌شدت آسیب دیده‌اند. مدیرکل آژانس همچنین گفت اطلاعات دریافتی از ایران نشان می‌دهد که ذخایر مواد غنی‌سازی‌شده در همان وضعیت پیشین باقی مانده و پیش یا پس از درگیری‌های ماه ژوئن جابه‌جایی نداشته است. او در حالی تصمیم ایران برای عدم خروج از ان‌پی‌تی را «گامی عاقلانه» خواند که بدون اشاره به وضعیت تأسیسات آسیب‌دیده در حملات آمریکا و اسرائیل، تأکید کرد: «تا زمانی که ایران عضو این معاهده است، باید به تعهدات خود پایبند باشد.» گروسی برای توضیح ضرورت این موضوع گفت: «تعیین وضعیت موجودی اورانیوم غنی‌شده با خلوص پایین و بالا در ایران نیازمند رسیدگی فوری است. دسترسی نداشتن آژانس به این مواد طی پنج ماه گذشته باعث شده راستی‌آزمایی آنها مطابق رویه معمول پادمان‌ها به تعویق بیفتد.» این اظهارات در حالی مطرح می‌شود که تأسیسات هسته‌ای ایران در نطنز، فردو و اصفهان در اول تیرماه، بر اثر حملات نیروی هوایی آمریکا و با مشارکت رژیم اسرائیل، هدف بمب‌های سنگرشکن قرار گرفت و آسیب‌های جدی دید. همین شرایط مقامات کشورمان را بر آن داشته تا از وضعیت بی‌سابقه و استثنایی این تأسیسات سخن بگویند؛ تأسیساتی که در حال فعالیت صلح‌آمیز بودند اما هدف حمله نظامی قرار گرفتند.

با وجود این، گروسی روز گذشته در اظهاراتی تأمل‌برانگیز و بدون درنظر گرفتن ملاحظات فنی گفت: «در نطنز و اصفهان برخی تأسیسات به‌شدت آسیب دیده‌اند و برخی خیر؛ و لازم است از این مکان‌ها بازدید کنیم.» یکشنبه این هفته محمد اسلامی، رئیس سازمان انرژی اتمی ایران، در نشست بین‌المللی وزارت امور خارجه با اشاره به سکوت و مسئولیت‌ناپذیری آژانس پس از حمله نظامی به تأسیسات هسته‌ای گفت که «آژانس باید بپذیرد که با توجه به شرایط جنگی و تهدیدهای فعال، وضعیت تغییر کرده و شرایط فعلی استثنایی و بی‌سابقه است. قانون مجلس نیز بر لزوم تأمین امنیت سایت‌ها و حفاظت از دانشمندان و کارکنان صنعت هسته‌ای تأکید دارد.» اسلامی ادامه داد: «آژانس باید یک مدالیته ویژه برای شرایط جنگی تدوین کند. تا زمانی که چنین مدالیته‌ای تصویب نشده و به رویه‌ای مشخص تبدیل نشود، تعهد ایران در چهارچوب پادمان اساسنامه‌ای تعریف می‌شود. آنچه آژانس در این چهارچوب موظف به نظارت بر آن است، ما نیز موظف به انجامش هستیم و اکنون هم انجام می‌دهیم؛ اما فراتر از آن، بدون تعیین این مدالیته، فشارهای سیاسی نتیجه‌ای نخواهد داشت.»

دستورالعمل جدید برای بازرسان

با وجود این هشدارها، سه مقام غربی هفته گذشته به خبرگزاری بلومبرگ گفته‌اند که کشورهای غربی قصد دارند در نشست شورای حکام دستورالعمل‌های جدیدی برای بازرسان آژانس درباره تعیین وضعیت ذخایر هسته‌ای ایران تدوین کنند. این موضوع روز گذشته با انتشار پیش‌نویس قطعنامه مشترک آمریکا و تروئیکای اروپایی رسمی شد. در این پیش‌نویس ادعایی از ایران خواسته شده است تا بی‌درنگ اطلاعات دقیق درباره موجودی مواد هسته‌ای و تأسیسات تحت پادمان را در اختیار آژانس قرار دهد و همه دسترسی‌های لازم برای راستی‌آزمایی این اطلاعات را فراهم کند. پیش‌تر «کاظم غریب‌آبادی» معاون حقوقی و بین‌المللی وزیر امور خارجه نسبت به تلاش آمریکا و سه کشور اروپایی برای ارائه قطعنامه علیه ایران هشدار داده و گفته بود اقداماتی که این کشورها دنبال می‌کنند می‌تواند توافق شکل‌گرفته در قاهره را به‌طور کامل کنار بگذارد. اکنون اختلاف اصلی میان ایران و آژانس بر دو موضوع متمرکز است؛ بازرسی از تأسیسات آسیب‌دیده و تعیین وضعیت موجودی ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم که آژانس مدعی است تا ۶۰ درصد غنی‌سازی شده است. این اختلاف‌نظر که تحت‌تأثیر رویکردهای سیاسی و یکجانبه‌گرایانه آژانس و نیز بی‌اعتمادی ایران نسبت به درز اطلاعات محرمانه هسته‌ای قرار دارد، روابط تهران و آژانس را در وضعیتی شکننده قرار داده است؛ با این حال، ایران نشان داده است که باوجود این مسائل، همکاری‌های پادمانی خود را در سطح ممکن ادامه می‌دهد.

> اختلاف اصلی میان ایران و آژانس حول دو موضوع بازرسی از تأسیسات آسیب‌دیده و تعیین وضعیت موجودی ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم است. این اختلاف‌نظر که تحت‌تأثیر رویکردهای سیاسی و یکجانبه‌گرایانه آژانس و نیز بی‌اعتمادی ایران نسبت به درز اطلاعات محرمانه هسته‌ای قرار دارد، روابط تهران و آژانس را در وضعیتی شکننده قرار داده است

یادداشت توضیحی ایران در پی گزارش جدید گروسی

برش

در پی انتشار گزارش مدیرکل آژانس انرژی اتمی در نشست شورای حکام، نمایندگی دائم جمهوری اسلامی ایران در وین، یادداشت توضیحی درباره گزارش مدیرکل آژانس به شورای حکام منتشر کرد. در بخشی از این یادداشت آمده است: «ایران تأکید می‌کند که شرایط موجود بین ایران و آژانس ناشی از حملات نظامی آمریکا و رژیم اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای کشور است و تعلیق فعالیت‌های راستی‌آزمایی و خروج بازرسان، تصمیم خود آژانس بوده است.» ضمن اینکه «ایران با حسن‌نیت خود دسترسی بازرسان به تأسیسات آسیب‌ندیده را فراهم کرده و فعالیت‌های راستی‌آزمایی از سر گرفته شده است، اما آژانس در انجام وظایف اساسنامه‌ای خود در قبال مؤسسات آسیب‌دیده کوتاهی کرده است.»

در این یادداشت با تأکید بر وضعیت جنگی نسبت به تأسیسات هسته‌ای ایران آمده است: «موافقت‌نامه پادمان جامع به‌طور صریح پوشش‌دهنده شرایط جنگی نیست و اجرای فعالیت‌های پادمانی در شرایط جنگی نیازمند اقدامات ویژه، بررسی خسارات و تأیید شورای عالی امنیت ملی ایران است» و ایران با اشاره به نقش آژانس تأکید دارد که «فشارهای سیاسی و سیاسی‌کاری برخی کشورها باعث شده آژانس نتواند نقش حرفه‌ای و بی‌طرفانه خود را به‌درستی ایفا کند و برخی گزارش‌های آژانس برخلاف واقعیت‌های فنی و قانونی منتشر شود.»

در ادامه ایران تأکید دارد که «موضوعات پادمانی پیش از ۲۰۱۵ به‌طور کامل حل شده و هرگونه اشاره به آن فاقد مبنای حقوقی است. همچنین، موضوعات پادمانی فعلی نیز تحت نظارت ایران و با رعایت شرایط جنگی پیگیری می‌شوند.» در ارتباط با میزان و سطح غنی‌سازی ایران عنوان می‌کند که این موارد به هیچ عنوان نقض معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) و موافقت‌نامه پادمان جامع نیست و تأکید بر آن در گزارش مدیرکل، جنبه‌ای سیاسی دارد. نهایتاً اینکه تجاوز نظامی بی‌دلیل علیه ایران، شرایط را به‌طور چشمگیری تغییر داده و جنبه‌های متعددی، از جمله روش‌ها و رویه‌های اجرای موافقت‌نامه جامع پادمان را تحت تأثیر قرار داده است. با این حال، به‌طور تعجب‌آوری، مدیرکل این تجاوزات آشکار علیه مؤسسات هسته‌ای تحت پادمان ایران را، در حالی که این حملات حتی فعالیت‌های راستی‌آزمایی خود آژانس را نیز پیچیده ساخته است، محکوم نکرد.

رئیس شورای راهبردی روابط خارجی:

مذاکره باید بر اساس دستور کار از پیش توافق شده باشد

سیاست خارجی

رئیس شورای راهبردی روابط خارجی شرط لازم برای هرگونه مذاکره با آمریکا را رعایت اصل برابری و احترام متقابل خواند و تأکید کرد: «برای روشن بودن موضوع و روند مذاکره از پیش باید در مورد دستور کار مذاکره توافق شود.»

سید کمال خرازی در گفت‌وگو با سی.ان.ان اظهار کرد: «آنها باید اولین گام را بردارند و نشان دهند که آماده تعامل با ما بر اساس شرایطی هستند که ما تعیین می‌کنیم.»

او با بیان اینکه برنامه هسته‌ای ایران «بومی» است، گفت: «این توانایی در مهارت‌ها و دانش دانشمندان و مهندسان ما ریشه دارد و نمی‌توان آن را با زور از بین برد.» رئیس شورای راهبردی روابط خارجی، توقف غنی‌سازی اورانیوم را غیرقابل قبول خواند و گفت: «ما باید غنی‌سازی خود را ادامه دهیم. زیرا نیازمند تولید سوخت برای نیروگاه‌های خود و همچنین فعالیت‌های پزشکی خود هستیم.»

خرازی برنامه موشک‌های بالستیک ایران را غیرقابل مذاکره خواند و گفت: «تنها مسأله‌ای که ما آماده تعامل درباره آن با ایالات متحده و دیگران هستیم. مسأله هسته‌ای است. ما با دیگران در مورد سایر مسائل، از جمله فعالیت‌های موشکی خود، گفت‌وگو نخواهیم کرد.»

او در مورد رویکرد ایران در قبال ترامپ هم افزود: «اگر رئیس جمهوری آمریکا رویکرد مثبتی را آغاز کند، قطعاً با برخورد متقابل ما روبه‌رو خواهد شد. برای این کار آنها باید از هرگونه توسل به زور علیه ایران خودداری کنند. آنها آن را قبلاً امتحان کرده‌اند و اکنون می‌دانند که زور کارگر نیست.»

خرازی در پاسخ به پرسشی مبنی بر اینکه آیا ایران در مورد برنامه موشکی با کشورهایی مانند چین و روسیه همکاری می‌کند یا اینکه این یک برنامه کاملاً بومی است، افزود: «در واقع بومی است. اما در عین حال ممکن است از نظر مکانیسم، دستگاه‌ها یا هر چیز دیگری که نیاز داریم، با دیگران همکاری کنیم. اما اساساً این برنامه از نظر تولید سوخت و از نظر تولید خود موشک، بومی است.»

علاوه بر رئیس شورای راهبردی روابط خارجی، اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه نیز به رویکرد آمریکا درباره مذاکره اشاره کرد و گفت: «مذاکره با طرفی که قائل به دوسویه بودن امر مذاکره نبوده، به عمل خلاف خود در تجاوز نظامی علیه ایران و کشتار فرزندان ایران مباهات می‌کند و به وضوح به دنبال دیکته‌کردن خواسته‌های خود است، توجیه منطقی ندارد.»

سخنگوی وزارت امور خارجه همچنین در مورد پیام ارسالی از سوی رئیس جمهوری کشورمان به ولیعهد عربستان و ارتباط آن با سفر ولیعهد سعودی به آمریکا گفت: «پیام رئیس جمهوری به ولیعهد عربستان که توسط رئیس جدید سازمان حج و زیارت کشورمان تسلیم شده است، صرفاً محتوای دوجانبه داشته و حاوی قدردانی جمهوری اسلامی ایران از عربستان به‌خاطر خدمات ارائه‌شده به حجاج ایرانی در جریان مراسم حج سال گذشته و اهمیت استمرار همکاری‌ها و هماهنگی‌ها برای برگزاری موفق مراسم حج امسال بوده است.»

چگونه هند و ایران پیوندهای تمدنی خود را احیا می‌کنند؟

یادداشت

جانوی سونایا
کارشناس سیاست خارجی از هند

وقتی گاجندرا سینگ شکهاوات، وزیر فرهنگ و گردشگری هند در حاشیه بیست‌وششمین مجمع عمومی سازمان جهانی گردشگری در ریاض با همتای ایرانی خود، رضا صالحی‌امیری دیدار کرد، این دیدار فراتر از یک حرکت دیپلماتیک بود. این صرفاً یک عکس یادگاری دوجانبه نبود؛ بلکه احیای یکی از کهن‌ترین شراکت‌های فرهنگی آسیا به شمار می‌رفت؛ شراکتی که اکنون از دریچه گردشگری، قدرت نرم و پیوندهای راهبردی دوباره تعریف می‌شود.

هند و ایران طی قرن‌ها با تاریخ، شعر، معماری و ضرباهنگ آرام تبادلات تمدنی، به هم پیوند خورده‌اند. نفوذ فرهنگ فارسی در هنر، زبان و نظام حکمرانی هند -از معماری مغولی گرفته تا شعر اردو- بخش جدایی‌ناپذیری از هویت فرهنگی شبه قاره است.

در مقابل، سنت‌های معنوی، تعاملات آشپزی و تبادلات آموزشی هند، سال‌هاست برای پژوهشگران و مسافران ایرانی جذاب بوده است. اکنون در جهان پساکرونا که گردشگری increasingly به‌عنوان ابزار دیپلماسی دیده می‌شود، به نظر می‌رسد دو کشور قصد دارند این میراث مشترک را به یک مشارکت مدرن تبدیل کنند.

طبق اعلام وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی ایران، هند به‌عنوان «شریک راهبردی گردشگری» تعیین شده است؛ عنوانی که از نیات فراتر از تعارفات فرهنگی خبر می‌دهد. برنامه تنوع‌بخشی گردشگری ایران که هدف آن جذب ۲۰ میلیون گردشگر خارجی تا سال ۲۰۳۰ (در مقایسه با حدود ۵ میلیون در ۲۰۲۳) است، بازار بزرگ گردشگری خروجی هند با بیش از ۲۷ میلیون مسافر سالانه را یک منبع رشد حیاتی می‌داند.

گردشگری صرفاً درباره نوستالژی نیست؛ درباره اقتصاد نیز هست. پیش از همه‌گیری کرونا، گردشگران هندی سالانه حدود ۲۵ میلیارد دلار در خارج از کشور هزینه می‌کردند (طبق داده‌های UNWTO) و این رقم دوباره در حال افزایش است. حتی بخش کوچکی از هدایت این جریان به سوی ایران، می‌تواند به اقتصاد تهران برای فاصله گرفتن از وابستگی به نفت و تحریم‌ها کمک کند. برای هند نیز تشویق گردشگران ایرانی و برگزاری رویدادهای فرهنگی می‌تواند پیوندهای مردمی را تقویت کرده و سبد گردشگران ورودی آن را فراتر از بازارهای سنتی غربی گسترش دهد.

دلایل دو کشور برای اقدام در شرایط کنونی روشن است: موقعیت راهبردی ایران میان خاورمیانه و آسیای مرکزی و حضور اقتصادی و فرهنگی رو به رشد هند، نقطه همگرایی ایجاد می‌کند که گردشگری می‌تواند آن را انسانی‌تر کند. در حالی که دولت‌ها در حال مذاکره خطوط لوله و بنادر هستند، مسافران این فاصله‌ها را طبیعی‌تر پر می‌کنند.

در هر بحثی درباره روابط ایران و هند، نمی‌توان از بندر چابهار سخن نگفت؛ پروژه‌ای که نماد ارتباط، تجارت و اعتمادسازی است.

چابهار در جنوب‌شرقی ایران و در ساحل دریای عمان قرار دارد و پاسخ هند به بندر گوادر پاکستان (با مدیریت چین) محسوب می‌شود. از طریق سرمایه‌گذاری هند در توسعه دو پایانه شهید بهشتی و شهید کلانتری، چابهار شریان حیاتی هند برای دسترسی به افغانستان و آسیای مرکزی بدون عبور از خاک پاکستان است. در مه ۲۰۲۴، هند و ایران توافقنامه‌ای ۱۰ ساله امضا کردند که به هند حقوق عملیاتی پایانه شهید بهشتی را اعطا می‌کند. طبق این توافق، شرکت IPGL هند متعهد به ۳۷۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری و اعتبار شد. چابهار تنها یک کریدور تجاری نیست؛ بلکه می‌تواند دروازه گردشگری و فرهنگی نیز باشد.

با توسعه خدمات مسافری و کشتی‌های کروز، این بندر می‌تواند مسیرهای معنوی و فرهنگی را میان زائران هندی و شهرهای تاریخی ایران -از مشهد و شیراز تا اصفهان- و حتی فراتر از آن تا آسیای مرکزی ایجاد کند. مقامات گردشگری دو کشور به صورت غیررسمی درباره گنجاندن چابهار در مسیرهای گسترده‌تر گردشگری میراثی و دریایی که سواحل گجرات و بمبئی را به بنادر باستانی ایران متصل می‌کند نیز گفت‌وگو کرده‌اند. این نوع پیوند نرم کاملاً با سیاست «همسایه اول» و «اتصال به آسیای مرکزی» هند هم‌راستا است و به ایران امکان می‌دهد از بازار عظیم گردشگران طبقه متوسط هند بهره‌مند شود.

رضا صالحی‌امیری به درستی گفته است: «باید این سرمایه عظیم تاریخی را پایه توسعه گردشگری و همکاری‌های فرهنگی قرار دهیم.» واقعاً هم روایت مشترک تمدنی -از شاعرانی چون مولانا گرفته تا پادشاهانی چون اکبر و شهرهایی مانند حیدرآباد که هنوز رد پای زیبایی‌شناسی ایرانی-فارسی را دارند- یک برند آماده برای دیپلماسی گردشگری ایجاد می‌کند.

البته مسیر پیش رو به عمل‌گرایی نیاز دارد. تسهیل روادید، ایجاد مسیرهای پروازی مستقیم میان شهرهای بزرگ (دهلی-تهران، بمبئی-شیراز) و کمپین‌های تبلیغات دیجیتال ضروری است. هر دو کشور همچنین می‌توانند از پلتفرم‌های چندجانبه مانند UNWTO و بریکس‌پلاس برای تأمین مالی و بازاریابی مسیرهای مشترک میراثی استفاده کنند که اگر درست انجام شود، گردشگری می‌تواند چابهار فرهنگی باشد؛ یک کریدور مردمی که آنچه را ژئوپلیتیک به تنهایی نمی‌تواند، تقویت کند. این گردشگری تجسم دستور زبان جدید دیپلماسی خواهد بود؛ جایی که مسافران، نه فقط فرستادگان تجاری، بلکه حامل حسن‌نیت دوجانبه‌اند. با توجه به چالش‌های مشترک دو کشور در تصویرسازی بین‌المللی و نیاز به تنوع اقتصادی، این پل فرهنگی یک موقعیت برد-برد کم‌نظیر است.

از غزل‌های حافظ که هنوز در درگاه‌های دهلی طنین‌انداز است تا نسخه‌های سانسکریت نگهداری شده در کتابخانه‌های قم، داستان ایران و هند داستان غنای متقابل است. اکنون با فرصت گردشگری و بندر چابهار، ممکن است این داستان، دنباله‌ای مدرن بیابد؛ نه در قالب معاهدات، بلکه در قالب برنامه‌های سفر.

پنجشنبه ۲۹ آبان ۱۴۰۴ شماره ۸۸۹۱
irannewspaper irannewspapper

عکس: AP

در دیدار ترامپ با بن سلمان پس از ۷ سال چه گذشت؟

پیمان ابراهیم؛ شاید وقتی دیگر

گزارش

هفت سال پس از آنکه قتل جمال خاشقجی، محمد بن‌سلمان را عملاً از ورود به واشنگتن محروم کرد، او این‌بار وارد کاخ سفید شد و در مرکز پروژه ترامپ برای بازطراحی خاورمیانه قرار گرفت. استقبال گرم، نه‌تنها نشانه پایان دوران انزوا بود، بلکه نشان می‌داد ولیعهد سعودی توانسته با ترکیبی از فشار، موازنه‌گری میان آمریکا و چین و نیاز واشنگتن به سرمایه و انرژی عربستان، موقعیت خود را بازسازی کند.

ترامپ در طول مراسم با او شوخی کرد، دستش را بر شانه‌اش گذاشت و در کنفرانس خبری مشترک نیز به‌طور کم‌سابقه‌ای از عملکرد «باورنکردنی» او در حوزه حقوق بشر تمجید کرد و پرونده خاشقجی را فقط «بسیار بحث‌برانگیز» خواند؛ نشانه‌ای روشن از اینکه دولت ترامپ تصمیم دارد روابط با ریاض را بدون توجه جدی به پرونده‌های حقوق بشری بازسازی کند.

در این دیدار، ترامپ چند امتیاز مهم به عربستان داد؛ اول، اعلام کرد ایالات متحده فروش جنگنده‌های پیشرفته F-35 را به عربستان تأیید کرده؛ تصمیمی که برخلاف رویه معمول واشنگتن، بدون جلب رضایت کامل اسرائیل صورت گرفته است. دوم، رئیس جمهوری آمریکا گفت دو کشور «به توافق» یک پیمان دفاعی جدید رسیده‌اند، هرچند جزئیات تعهدات امنیتی مشخص نشد. هم‌زمان محمد بن‌سلمان وعده سرمایه‌گذاری تا یک تریلیون دلار در اقتصاد آمریکا را مطرح کرد تا وزن روابط راهبردی ریاض–واشنگتن را بیش از پیش برجسته کند. اما مهم‌ترین بخش سیاسی گفت‌وگو، مسأله پیوستن عربستان به «توافقنامه‌های ابراهیم» بود. با وجود این نمایش قدرت و نزدیکی سیاسی، هیچ پیشرفتی در مهم‌ترین هدف ترامپ دیده نشد؛ پیوستن عربستان به توافقنامه ابراهیم و عادی‌سازی روابط با اسرائیل.

پرونده‌های ناتمام

در دیدار اخیر دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری ایالات متحده، با محمد بن‌سلمان ولیعهد عربستان سعودی در کاخ سفید، مجموعه‌ای از موضوعات امنیتی، اقتصادی و سیاسی مطرح شد. ترامپ اعلام کرد، ایالات متحده تصمیم دارد عربستان را به‌عنوان «متحد اصلی غیرناتو» معرفی کند. همزمان، کاخ سفید اعلام کرد که دو کشور یک توافق دفاعی استراتژیک نیز امضا کرده‌اند؛ توافقی که جزئیات آن علنی نشد، اما بر اساس توضیحات اولیه، شامل «حمایت مالی جدید عربستان برای پوشش هزینه‌های آمریکا» و همچنین تسهیل فعالیت شرکت‌های دفاعی ایالات متحده در پادشاهی است.

در این دیدار، بن سلمان به یکی از مهم‌ترین خواسته‌های دیرینه‌اش یعنی دریافت تعهد از دولت ترامپ برای فروش جنگنده‌های رادارگریز F-35 رسید؛ هواپیمایی که پیشرفته‌ترین جنگنده آمریکا و ستون اصلی برتری نظامی اسرائیل در منطقه محسوب می‌شود. اسرائیل به‌طور سنتی تنها دارنده این جنگنده در خاورمیانه بوده و آمریکا سال‌ها فروش آن به هر کشور عربی را خط قرمز می‌دانست. ترامپ حالا بدون توضیح دادن اینکه این تصمیم چگونه با «حفظ برتری کیفی اسرائیل» سازگار است، این مانع را برداشت.

F-35ها برای عربستان نه‌فقط یک ابزار نظامی، بلکه نماد ورود رسمی به باشگاه امنیتی غرب هستند. با این حال، هنوز روشن نیست سعودی‌ها چند فروند می‌توانند سفارش دهند و چه زمانی تحویل خواهد شد؛ فروش آن نیازمند تأیید کنگره است و عربستان در صفی قرار می‌گیرد که حدود ۲۰ کشور دیگر پیش از او ایستاده‌اند. قیمت هر جنگنده بین ۸۰ تا ۱۱۰ میلیون دلار است و حتی در صورت تصویب، سال‌ها طول می‌کشد تا اولین F-35 در آسمان عربستان پرواز کند. به‌همین دلیل دستیابی فوری به آن قطعی نیست، اما اصل تعهد سیاسی آمریکا بزرگ‌ترین پیروزی این سفر بود.

علاوه بر این، عربستان دسترسی به پیشرفته‌ترین تراشه‌های آمریکایی را نیز به دست آورد؛ تراشه‌هایی که برای ساخت مراکز داده و توسعه پروژه هوش مصنوعی MBS حیاتی هستند. ولیعهد بدون نام بردن از چین، به واشنگتن فهمانده بود که اگر آمریکا تردید کند، پکن آماده جایگزینی است؛ همین کارت چین، برگ فشار اصلی او بود. در مقابل، بن‌سلمان به ترامپ قول داد بیش از یک تریلیون دلار در آمریکا سرمایه‌گذاری کند؛ وعده‌ای که بیشتر جنبه سیاسی داشت و جزئیات زمانی آن نامعلوم است.

توافق ابراهیم مشروط به تشکیل فلسطین

اما بخش سیاسی دیدار و برای بسیاری مهم‌ترین محور آن گفت‌وگو درباره توافقنامه‌های ابراهیم بود؛ مجموعه‌ای از توافق‌های صلح و عادی‌سازی که در دولت اول ترامپ میان اسرائیل و برخی کشورهای عربی امضا شد. این توافق‌ها روابط رسمی اسرائیل را با امارات، بحرین، مراکش و سودان برقرار کرد و از آن زمان، واشنگتن در تلاش بوده که عربستان را نیز وارد این چهارچوب کند. ترامپ در این دیدار بدون ارائه جزئیات، از «پیشرفت» در این زمینه سخن گفت. اما محمد بن‌سلمان بار دیگر با صراحت تأکید کرد که عربستان اساساً مخالف عادی‌سازی نیست و حتی «مایل است بخشی از توافقنامه ابراهیم باشد»، اما تنها به یک شرط روشن: وجود یک مسیر معتبر، عملی و قابل تضمین برای تشکیل کشور فلسطینی.

ولیعهد گفت: «ما معتقدیم داشتن رابطه خوب با همه کشورهای منطقه چیز خوبی است. ما می‌خواهیم بخشی از توافقنامه ابراهیم باشیم، اما همچنین می‌خواهیم مطمئن شویم که مسیری روشن برای راه‌حل دو کشوری وجود دارد. امروز درباره این موضوع گفت‌وگوی سالمی داشتیم و باید روی آن کار کنیم تا شرایط مناسب در اسرع وقت فراهم شود.» این موضع‌گیری تکرار همان خط‌مشی قدیمی عربستان است که در «ابتکار صلح عربی» سال ۲۰۰۲ نیز تأکید شده بود: «به رسمیت شناختن اسرائیل تنها در برابر تشکیل کشور فلسطین.» اهمیت این موضع در شرایط فعلی دوچندان است، زیرا دولت فعلی اسرائیل و بویژه بنیامین نتانیاهو، بارها مخالفت خود را با تشکیل کشور فلسطینی اعلام کرده و این مسأله یکی از اصلی‌ترین موانع گسترش توافقنامه‌های ابراهیم محسوب می‌شود. پیش از جنگ غزه، دولت بایدن معتقد بود که به توافق عادی‌سازی میان عربستان و اسرائیل نزدیک شده، اما شرایط سیاسی پس از جنگ، بویژه فشار جناح راست افراطی در اسرائیل، این روند را کاملاً مختل کرده است.

با وجود این دستاوردها، ولیعهد به همه خواسته‌هایش نرسید. توافق هسته‌ای که بیش از یک دهه است میان دو کشور مطرح شده، همچنان معلق مانده. همچنین هنوز مشخص نیست که آیا یک پیمان دفاعی واقعی میان دو کشور شکل گرفته یا تنها یک چهارچوب همکاری کلی است؛ کاخ سفید فقط یک «برگه اطلاعات» مبهم منتشر کرد که از تعهدات دفاعی مشخص خبری در آن نبود.

> F-35ها برای عربستان نه‌فقط یک ابزار نظامی، بلکه نماد ورود رسمی به باشگاه امنیتی غرب هستند. با این حال، هنوز روشن نیست سعودی‌ها چند فروند می‌توانند سفارش دهند و چه زمانی تحویل خواهد شد؛ فروش آن نیازمند تأیید کنگره است و عربستان در صفی قرار می‌گیرد که حدود ۲۰ کشور دیگر پیش از او ایستاده‌اند

چرا روز ملی عمان برای ایران مهم است؟

دیدگاه

میرجواد میرگلوی بیات
تحلیلگر مسائل خاورمیانه

عمانی‌ها ۲۰ نوامبر امسال را به عنوان روز ملی خود جشن می‌گیرند. ۲۰ نوامبر ۱۷۴۴ روزی است که خاندان حاکم عمان یعنی آل‌بوسعیدی توانستند دولت این کشور را در اختیار بگیرند و عمان را از وضعیت تقریباً ملوک‌الطوایفی به سمت یک دولت متمرکز پیش ببرند.

امسال اولین سالی است که این تاریخ به عنوان روز ملی عمان جشن گرفته می‌شود. بیش از ۵۰ سال روز ۱۸ نوامبر مصادف با روز تولد سلطان فقید این کشور «قابوس بن سعید»، جشن گرفته می‌شد که ۵۰ سال بر عمان حکم راند.

در روزهای منتهی به ۱۸ نوامبر ۱۶۵۰، عمانی‌ها توانسته بودند استعمار پرتغال را از این کشور بیرون کنند که در جریان آن یک همکاری مهم سیاسی و نظامی بین ایران صفوی و عمانی‌ها در آن تاریخ به ثبت رسیده که یکی از لحظات باشکوه دو ملت به حساب می‌رود که کمتر به آن پرداخته شده است.

اما چرا نباید نسبت به روز ملی عمان بی‌تفاوت بود؟ مناسبت‌های ملی کشورهای مختلف فرصت بسیار مناسبی برای دیپلماسی عمومی است. در حالی که بسیاری از کشورهای مختلف نه‌تنها در حاشیه خلیج فارس بلکه از مصر گرفته تا ترکیه و هند و پاکستان، دیپلماسی خود را در جهت گرامیداشت روز ملی عمان به کار می‌برند، ما در جمهوری اسلامی ایران فقط به یک پیام تبریک توسط رئیس‌جمهوری کشورمان بسنده می‌کنیم.

برای مثال کشورهای حاشیه خلیج فارس، برج‌ها و ابنیه نمادین خود مانند برج خلیفه را با رنگ‌های پرچم عمان، نورافشانی کرده، انواع جشن‌ها را برگزار می‌کنند و رسانه‌ها در چند نوبت به این مسأله می‌پردازند، ولی ما در ایران عملاً شاهد هیچ اقدام برنامه‌ریزی‌شده‌ای نیستیم. البته سه سال قبل صداوسیما در اقدامی تحسین‌برانگیز، مستندی به مناسبت روز ملی عمان در چند نوبت پخش کرد.

این در شرایطی است که عمانی‌ها در فضایی با ایران روابط عالی و سطح بالا دارند که نوع ارتباط آنها با ایران بعضاً مورد انتقاد اعضای شورای همکاری خلیج فارس قرار گرفته و عملاً مسقط در این شورا متحمل فشارهای سیاسی و رسانه‌ای شده است، ولی اعضای شورای همکاری خلیج فارس با این‌که در پرونده‌های مختلف با عمان مشکل دارند، اما برای دیپلماسی عمومی در روز ملی عمان اهمیت خاصی قائل هستند.

اکنون ما وارد روابط ویژه‌ای با عمان شده‌ایم، در طول سه دهه گذشته تمامی رؤسای جمهوری اسلامی ایران به عمان سفر کرده‌اند و سلاطین عمان نیز با تمام دولت‌های ایران رابطه حسنه و بدون چالشی داشتند. طی ۳۰ سال گذشته عمان در موارد مختلف با ایران همکاری داشت و نقش میانجی‌گرانه این دولت در پرونده‌های منطقه‌ای آنقدر به دور از حواشی و سوءنیت بود که رهبر معظم انقلاب آنها را محترم منطقه خواندند.

روابط سیاسی و اقتصادی دو طرف در طول سه دهه اخیر به طوری گسترده شده که اشاره ولو مختصر به آن از حوصله این مقال خارج است، ولی می‌توان به طور اجمال به روابط یک‌سال اخیر ایران و عمان نظر افکند و نشان داد که چرا امروز روابط سیاسی با عمان در سطح راهبردی است.

خرداد سال جاری آقای پزشکیان سفری به مسقط داشتند که ماحصل آن امضای ۱۸ سند بود که در تاریخ روابط دوجانبه با دولت‌های گوناگون و سفر رئیس‌جمهوری ایران به کشورهای مختلف، اگر نگوییم بی‌سابقه ولی کم‌نظیر است.

موافقت‌نامه چهارچوب همکاری مشترک، موافقت‌نامه همکاری حقوقی و قضایی، موافقت‌نامه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری، موافقت‌نامه گمرکی و موافقت‌نامه تجارت ترجیحی از مهم‌ترین آنها بودند. این اسناد با دستور سلطان در عمان اجرایی شده و در ایران نیز بزودی به تصویب نهادهای ذی‌ربط خواهد رسید. سه تماس آقای پزشکیان با سلطان هیثم، ملاقات رؤسای مجلس، چندین سفیر و وزیر خارجه عمان به ایران و یازدهمین نشست همکاری ایران و عمان، همگی فقط در یک سال اتفاق افتاده‌اند.

این موارد، خود را در رشد تبادلات تجاری ایران و عمان در سال جاری نشان می‌دهند. امسال روابط تجاری ایران و عمان رکورد تاریخی خود را خواهد شکست و سهم عمده صادرات مجدد این کشور به ایران، گواه بر همکاری و همدلی سلطنت عمان در کمک به ایران با وجود تحریم‌هاست.

از سوی دیگر، عمان به عنوان یک کشور مورد اعتماد، میزبان ۵ دور مذاکرات ایران و آمریکا بود، هرچند که آمریکایی‌ها تمایل داشتند امارات میزبان باشد ولی جمهوری اسلامی ایران سلطنت عمان را ترجیح داد. در جنگ ۱۲روزه سلطنت عمان علاوه بر محکومیت شدید تجاوز رژیم صهیونیستی به خاک ایران و صدور ۷ بیانیه در حمایت از ایران، نقش ویژه‌ای ایفا کرد که بعدها باید به آن پرداخت تا مردم ایران از دوستی و همراهی سلطنت عمان با ایران مطلع شوند.

علاوه بر این، پادشاهی عمان کمک‌های سیاسی و اقتصادی قابل‌توجهی در جنگ تحمیلی ۱۲روزه علیه ایران انجام داد که همکاری آنها در بازگشت ایرانیان به کشور و بخشودگی جرایم اقامت بیش از حد مجاز مقرر، نمونه‌ای از کمک‌های این کشور در زمان جنگ بود.

سلطنت عمان، جامعه عمانی را نیز در حمایت از ایران آزاد گذاشته است، به طوری که می‌توان گفت، در طول تاریخ هیچ‌وقت ملت عمان تا این اندازه حامی ایران نبودند و امروز مقام معظم رهبری یکی از محبوب‌ترین شخصیت‌ها در میان عمانی‌ها هستند.

در سطح سیاسی و دولتی، اظهارات مهم بدر البوسعیدی وزیر خارجه عمان در نشست امنیتی منامه، حاکی از توجه ویژه عمان به جمهوری اسلامی ایران است، سخنانی که بازتاب گسترده‌ای در سطح خاورمیانه داشت.

بدر البوسعیدی در منامه اظهار کرد، دشمن اصلی ثبات منطقه اسرائیل است و ایران به دنبال صلح و آرامش در منطقه بوده و شورای همکاری خلیج فارس طی ادوار مختلف اشتباه کرد که سیاست‌های خصومت‌آمیز با ایران را در پیش گرفت. او حتی حمله ایران به پایگاه آمریکایی العدید در قطر را محکوم نکرد و با سخنان دیپلماتیک حق را به ایران داد.

آنچه ذکر شد، مختصری است از اینکه چرا ما باید در ارتباط با سلطنت عمان به دیپلماسی عمومی اهمیت بیشتری بدهیم. امروز روابط فرهنگی و دیپلماسی عمومی ما به هیچ وجه همسنگ روابط سیاسی ما با عمان نیست. کاش همین روز ملی عمان تلنگری باشد که هم بخش دولتی و هم بخش خصوصی و همچنین جامعه ایرانی به نقش ارتباطات فرهنگی و دیپلماسی عمومی توجه بیشتری نشان دهند. برای مثال، نورافشانی برج آزادی یا برج میلاد به رنگ پرچم عمان، توجه رسانه‌ای به روز ملی عمان خاصه در صداوسیما و اجرای موسیقی مشترک، صد البته می‌تواند به تحقق این مهم کمک بسیار کند.

بدون روتوش

محمد محسن فایضی
کارشناس مسائل فلسطین

نگاه افکارعمومی جهان عرب به ایران پس از ۷ اکتبر

جمهوری اسلامی ایران و ذهنیت نسبت به آن در منطقه در دهه‌های اخیر تحت تأثیر مؤلفه‌ها و تحولات مختلفی بوده است. مؤلفه‌هایی که برخی از آنها خارج از کنترل و عملکرد دوران جمهوری اسلامی بوده و خواهد بود. به طور مثال، بخشی از سنجش و افکارعمومی جهان عرب نسبت به جمهوری اسلامی برآمده از ذهنیت ساخته شده نسبت به روابط خاص و مخفیانه ایرانی‌ها با یهودی‌ها متأثر از دوران پهلوی و حتی پیش از پهلوی است.

این ذهنیت‌های شکل گرفته و قضاوت‌ها گاهی به برداشت و تجربه‌های تاریخی برمی‌گردد. مثل اقدامات پهلوی در همراهی یهودیان زمانی که عرب‌ها در حال جنگ بودند یا تجربه و ذهنیت برساخته شده در همپیمانی ایرانی‌ها با مسیحیان و یهودیان در دوران جنگ میان صفویه و عثمانی.

حالا در میان این ذهنیت‌ها، جنگ ایران و عراق و تشدید نگاه طایفه‌ای به ایران و برخی تحولات دیگر در ابتدای انقلاب، فرصتی به جریان عربی ضد جمهوری اسلامی داد تا چندین دهه به تخریب وجهه ایران بپردازد. وجهه ساخته‌شده در دل تحولات منطقه این فرصت را داد تا مسیر را بر پمپاژهای خبری هم هموار کنند. به طور مثال بحران و فتنه سوریه نمونه‌ای از آن است.

این حساسیت‌ها موجب شده همیشه نگرش جهان عرب به رفتار منطقه‌ای ایران اهمیت داشته باشد. مؤسسه قطری «المرکز العربی للابحاث و دراسه السیاسات» از مراکز شناخته‌شده، قدیمی و معتبر نظرسنجی جهان عرب است. آمار افکارسنجی این مرکز از مردم کشورهای عربی و نسبت آنها با بازیگران اصلی حاضر در نزاع‌های منطقه‌ای همیشه مورد توجه بوده است.

این مرکز ۱۰ نوامبر گزارشی به نام «ارزیابی افکارعمومی اعراب نسبت به ایران» منتشر کرده است. نکته قابل تأمل اینکه گزارش به آخرین نظرسنجی‌های این مرکز و مقایسه آن با سال‌های گذشته پرداخته و نتایجی از تغییر نگرش نسبت به ایران در کشورهای مختلف عربی پس از طوفان‌الاقصی به دست آورده که جالب توجه است.

براساس این گزارش، تصورات جهان عرب نسبت به ایران، در نتیجه تحولات منطقه‌ای و جهانی، در حال تغییر بوده است. درست است که بویژه پس از تحولات ۲۰۱۱، به ایران به عنوان تهدید و قدرتی بی‌ثبات‌کننده نگریسته می‌شد، اما نتایج نظرسنجی‌های استخراج شده از گزارش‌های ۲۰۲۲ و ۲۰۲۴ در مورد جنگ اسرائیل علیه غزه، دیدگاهی پیچیده‌تر را ارائه می‌دهند.

در گزارش نظرسنجی این مرکز قطری آمده است: جنگ اسرائیل علیه غزه در سال ۲۰۲۳ و تشدید تنش‌های اخیر، مستقیماً بر نگرش مردم نسبت به بسیاری از مسائل تأثیر گذاشت. از آنجا که ایران خود را به عنوان حامی قوی جنبش‌های مقاومت فلسطین معرفی کرده است، این امر در نتایج نظرسنجی سال ۲۰۲۴ منعکس شد. ایران مثبت‌ترین رتبه را در میان کشورها در مورد موضعش در قبال جنگ غزه به دست آورد.

در این نظرسنجی از مردم ۱۴ کشور عربی پرسیده شده، تهدید و دشمن اصلی از منظر شما کیست؟ ۸۲ درصد اسرائیل، ۱۳ درصد آمریکا و ۹ درصد ایران را انتخاب کرده‌اند و پس از آن کشورهای دیگری با درصدهای نزدیک به صفر دیده می‌شوند. جالب است که سهم بالایی از ۹ درصد ایران، به دو کشور عراق و لبنان مربوط است که به واسطه جدال‌های داخلی به ترتیب ۴۴ درصد و ۱۹ درصد ایران را به عنوان تهدید اول انتخاب کرده‌اند. ۲۲ درصد کویتی‌ها و ۲۰ درصد سعودی‌ها هم ایران را انتخاب کرده‌اند. این رقم یعنی انتخاب ایران به عنوان دشمن و تهدید اول در میان فلسطینی‌ها تنها یک درصد است.

باید دقت کرد که اگر اکنون ۹ درصد جهان عرب، ایران را تهدید اصلی می‌دانند، در برخی سال‌های بعد از ۲۰۱۱ درصد تهدید محوری ایران بیش از اسرائیل ثبت شده بود. یکی از نشانه‌های دیگر این تغییر نگرش، کسب رتبه اول ایران در میزان رضایت افکار عمومی عربی در خصوص عملکرد در دوران جنگ غزه است. ایران با ۴۸ درصد در رتبه اول رضایت‌مندی قرار دارد. این در حالی است که تا پیش از طوفان‌الاقصی تردیدهای جدی نسبت به سیاست و رفتار ایران در مسأله فلسطین در میان افکار عمومی عربی وجود داشت و کشورهایی چون ترکیه، قطر و حتی مصر جایگاه بالاتری داشتند.

برای درک بهتر این تغییر نگرش نسبت به ایران پس از ۷ اکتبر می‌توان دو گزاره دیگر نظرسنجی مرکز العربی للابحاث و دراسه السیاسات را مقایسه کرد.

احساس تهدید دانستن ایران در سال ۲۰۱۶ (اوج تحولات سوریه) ۷۳ درصد بوده، اما اکنون کمتر از ۱۷ درصد ایران را تهدید جدی یا نسبی دانسته‌اند که در مقایسه با سال ۲۰۱۶ فاصله فاحشی دارد.

تحولات طوفان‌الاقصی فرصتی مهم و جدی پیش روی ایران برای زدودن دهه‌ها فضاسازی علیه کشورمان در خصوص نیات منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران است.

گزارش خبری

غزل رضایی‌ثانی
گروه اجتماعی

معاون پرورشی و فرهنگی وزارت آموزش و پرورش:

۲۰۳ هزار دانش‌آموز با سامانه ۱۵۷۰ تماس گرفتند

آسیب‌های اجتماعی در نوجوانان و دانش‌آموزان به شکل‌های مختلفی خود را نشان می‌دهد. این آسیب‌ها گاهی به شکل اعتیاد، خشونت و گاهی خودکشی است. در دوره‌ای که آسیب‌های نو پدید در مدارس دیده می‌شوند، نهادی مانند آموزش و پرورش وظیفه دارد، برای کاهش آسیب اقدامات ویژه‌ای انجام بدهد. به گفته معاون پرورشی و فرهنگی وزارت آموزش و پرورش خط تماس ۱۵۷۰ یکی از همین اقدامات مهم است. صادق حسین‌زاده ملکی در گفت‌وگو با «ایران» درباره آمارهای تماس با ۱۵۷۰ که برای کمک به دانش‌آموزان در معرض آسیب‌های اجتماعی تعریف شده، می‌گوید: «شماره تماس ۱۵۷۰ سامانه رسیدگی به فوریت‌های دانش‌آموزی است. طبق آمار چند ماه اخیر نزدیک به ۲۰۳ هزار نفر دانش‌آموز با این سامانه تماس گرفته‌اند و حدود یک سوم از این ۲۰۳ هزار نفر به سطوح مشاوره‌های تخصصی‌تر ارجاع داده شده‌اند. با توسعه امکانات ۱۵۷۰ سعی می‌کنیم شرایط پاسخگویی و گفت‌وگو با دانش‌آموزان آسیب‌دیده را بیش از گذشته فراهم کنیم. مثلاً یکی از تلاش‌های ما این است که این شماره را سه رقمی کنیم، چون ممکن است در زمان بحران و شرایط خاص، دانش‌آموزان شماره را فراموش کنند. چند روز پیش دانش‌آموزی در ساعت ۱۰ شب با شماره ۱۵۷۰ تماس گرفت و گفت که می‌خواهد خودکشی کند، ولی بلافاصله گوشی تلفن را قطع کرد. مشاوران ما در ۱۵۷۰ به سختی توانستند شماره تلفن و آدرس دانش‌آموز را به دست بیاورند. سرانجام ساعت یک بامداد با منزل دانش‌آموز تماس گرفته و موضوع را با مادر او در میان گذاشتند. همزمان آمبولانس به محل اعزام شد و تا چهار صبح همان روز تلاش‌ها برای نجات جان دانش‌آموز ادامه پیدا کرد و او به زندگی بازگشت.»

معاون وزیر آموزش و پرورش درباره بعضی محتواهای ناسالم در فضای مجازی که دانش‌آموز را به خودکشی ترغیب می‌کند می‌گوید: «متأسفانه درفضای مجازی غیرسالم، تشویق‌هایی برای این آسیب وجود دارد که دانش‌آموز را در مسیر غلط قرار می‌دهد. در فضای مجازی به دانش‌آموزها پیشنهاد می‌شود از یک سری روش‌ها برای خودکشی استفاده کنند. شاید یک دانش‌آموز به دلیل هیجاناتی که دارد به فکر خودکشی باشد، اما بعد بشدت پشیمان خواهد شد.»

معاون پرورشی و فرهنگی وزارت آموزش و پرورش با تأکید بر ضرورت ایجاد یک پروتکل رسانه‌ای برای فعالیت‌های مجازی دانش‌آموزها می‌گوید: «ما با مرکز ملی فضای مجازی گفت‌وگوها و جلسات زیادی داشته‌ایم و درباره نیاز جامعه به یک پروتکل رسانه‌ای تأکید کرده‌ایم. اعداد و ارقام متعدد و زیادی از حیث آسیب‌های اجتماعی نوجوانان و دانش‌آموزان داریم اما باید در خصوص اعلام آن ملاحظه کنیم. البته درباره تک تک این اعداد با مجلس و مرکز پژوهش‌های مجلس بحث و گفت‌وگو داشته‌ایم، ولی اگر جزئیات آن رسانه‌ای شود آسیب‌های مختلفی در پی خواهد داشت.»

حسین‌زاده درباره آسیب‌های نوپدید می‌گوید: «برای رسیدگی به آسیب‌های نو پدید ما یک برنامه به نام «رصد پایش آسیب‌های اجتماعی» داریم که در سال گذشته برگزار شد. در این برنامه مدیران مدارس به تفکیک آسیب‌هایی که با آن درگیر هستند را بیان کردند. امسال هم از اوایل آذر ماه این برنامه مجدد آغاز خواهد شد. این محورها ناظر بر آسیب‌هایی از جمله خودکشی دانش‌آموزان و نوجوانان، آسیب‌های فضای مجازی، مخاطرات خانوادگی، اعتیاد، دخانیات، انحرافات اخلاقی، بزهکاری، خشونت و بد سرپرستی است، که آسیب‌های نو پدید ذیل عناوینی که گفتم قرار می‌گیرند.»

او با تأکید بر همکاری سایر نهادها با آموزش و پرورش می‌گوید: «ما باید چشمان خود را بیش از گذشته باز کنیم تا دانش‌آموزانی که درگیر آسیب هستند شناسایی و به فوریت حمایت شوند. در این راستا وزارت بهداشت، سازمان بهزیستی، قوه قضایی و دستگاه‌های مختلف با ما همکاری می‌کنند. وزیر آموزش و پرورش از ابتدای امسال تاکنون هر دو هفته با ما جلسه دارند و در این جلسات تمام آمارها به شکل دقیق، آن هم با ذکر علت بررسی و برای رسیدگی به امور، تقسیم بندی می‌شود. در حال حاضر درون آموزش وپرورش یک خیزش واقعی برای مقابله با آسیب‌های اجتماعی شکل گرفته که دولت، مجلس و قوه قضائیه نیز به آن ورود کرده‌اند. وفاق ملی باعث شده خیلی از دستگاه‌ها پای کار دولت باشند.»

عکس: ایرنا

متخصصان عفونی نسبت به مقاومت میکروبی هشدار می‌دهند

فروپاشی امپراطوری آنتی‌بیوتیک‌ها

گزارش خبری

محدثه جعفری
گروه اجتماعی

ایران در میزان مصرف آنتی‌بیوتیک در جهان جایگاه مناسبی ندارد و کارشناسان معتقدند ارزان بودن و تحویل دارو در داروخانه بدون نسخه پزشک، مهم‌ترین دلایل مصرف بیش از حد آنتی‌بیوتیک در کشور است. از طرفی برخی خانواده‌ها عادت بسیار خطرناکی دارند؛ همیشه تعدادی دارو از جمله آنتی‌بیوتیک را در یخچال نگهداری می‌کنند و معمولاً به صورت خودتجویز و اصطلاحاً خودسرانه بخشی از آنها را مصرف می‌کنند. بر اساس آمارنامه دارویی سال ۱۴۰۲، گردش مالی داروهای آنتی‌میکروبیال ۱۳ درصد کل بازار دارویی کشور بوده است. با نگاه به داده‌های نظام پایش مصرف دارو، درمی‌یابیم پرمصرف‌ترین داروها در چند سال گذشته مربوط به آنتی‌بیوتیک‌هاست. سه آنتی‌بیوتیک آموکسی‌سیلین از گروه پنی‌سیلین‌ها، سفیکسیم از نسل سوم سفالوسپورین‌ها و آزیترومایسین از دسته ماکرولیدها، بیشترین میزان مصرف را در نسخه‌های سرپایی و بیمارستانی کشور دارند. این در حالی است که سالانه ۷۵۰ هزار نفر در جهان به علت مقاومت دارویی جان خود را از دست می‌دهند. به گفته متخصصان، مرگ‌ومیر مردم جهان در اثر بیماری‌های میکروبی مقاوم، از هر بیماری عفونی دیگری بیشتر شده و خسارت اقتصادی و جانی این میکروب‌های مقاوم به تنهایی از تصادفات، سرطان‌ها و بسیاری بیماری‌های عفونی و غیرعفونی جهان پیشی گرفته است.

برخی محققان تخمین می‌زنند سالانه حدود ۳۰ درصد کل نسخه‌های آنتی‌بیوتیکی که در سراسر دنیا تجویز می‌شود، غیرضروری است. دکتر محمدرضا صالحی، متخصص عفونی و رئیس مرکز تحقیقات مقاومت میکروبی و مدیریت مصرف آنتی‌بیوتیک‌ها در دانشگاه علوم پزشکی تهران، در این‌باره به «ایران» می‌گوید: «در هفته آگاهی بخشی مقاومت میکروبی و تجویز منطقی آنتی‌بیوتیک‌ها هستیم. همه ساله کشورهای جهان به دلیل اهمیت بالای این موضوع، از ۲۷ آبان تا ۳ آذرماه فرصتی را برای اطلاع‌رسانی و افزایش آگاهی از خطرات مقاومت میکروبی در نظر می‌گیرند و اقداماتی انجام می‌دهند؛ زیرا پدیده مقاومت میکروبی از سوی سازمان جهانی بهداشت به‌عنوان یکی از ۱۰ تهدید اصلی سلامت مردم جهان مطرح شده است. آنتی‌بیوتیک‌ها از زمان کشف در قرن بیستم، جان میلیون‌ها انسان را نجات داده‌اند و انقلابی در علم پزشکی محسوب می‌شوند، اما در صورت مصرف نادرست و خودسرانه آنها ممکن است مانند شمشیری دولبه عمل کنند؛ یعنی هم کارایی‌شان از بین می‌رود، هم راه برای شکل‌گیری باکتری‌های مقاوم به دارو باز می‌شود. طی دو دهه گذشته در بسیاری از کشورهای دنیا، بویژه کشورهای در حال توسعه، به علت سوءمصرف آنتی‌بیوتیک‌ها میزان مقاومت میکروبی به شدت افزایش پیدا کرده است و ایران هم از این موضوع مستثنی نیست.»

او در مورد افزایش ابتلا به عفونت‌های بیمارستانی در کشور می‌گوید: «ما در بحث عفونت‌های بیمارستانی و میکروب‌های مقاومی که بیماران به آن دچار می‌شوند، شرایط خوبی نداریم و اوضاع‌مان نامساعد است. در سال‌های گذشته تلاش‌هایی برای آموزش تجویز آنتی‌بیوتیک و مصرف منطقی آن انجام شده اما هنوز برنامه مدون، جدی و عملیاتی برای کنترل تجویز بی‌رویه و مصرف بالای آنتی‌بیوتیک در کشور نداریم. بر خلاف اکثر کشورها که محدودیت جدی در تجویز و مصرف آنتی‌بیوتیک‌ها دارند، در ایران یک ساختار باز در مصرف آنتی‌بیوتیک و تجویز از طرف پزشکان داریم که به مصرف بی‌رویه دامن زده است. در نتیجه روزبه‌روز شاهد مقاومت میکروبی و درگیر شدن بیماران در بخش‌های سرطانی، جراحی و بیماران خاص با میکروارگانیزم‌های مقاوم و عفونت‌های شدید هستیم که در بیشتر اوقات باعث وخامت حال بیماران، طولانی شدن بستری و حتی مرگ آنها خواهد شد.»

دکتر صالحی توضیح می‌دهد: «کم نیستند بیمارانی که بدون هیچ عفونتی وارد بیمارستان‌ها می‌شوند و به‌رغم آنکه بیماری و علت مراجعه آنها قابل درمان است، متأسفانه دچارعفونت بیمارستانی شده و فوت می‌کنند. این موضوع دلایل متعددی دارد، اما شایع‌ترین علت آن بی‌توجهی مدیران سلامت به کنترل مصرف آنتی‌بیوتیک است و این بی‌توجهی از امروز و دیروز نیست، بلکه دهه‌هاست با این معضل روبه‌رو هستیم. بیشتر از اینکه به فکر کیفیت و استاندارد کردن درمان باشیم، تمرکز مدیران بر ساخت بیمارستان و خرید تجهیزاتی است که شاید ضروری هم نباشد. پیشگیری و کنترل عفونت است که می‌تواند برای جامعه سودمند باشد، اما کنترل عفونت، خاموش است و سروصدایی برای عملکرد یک مسئول ندارد، به همین دلیل همیشه مغفول مانده است.»

> در بسیاری از کشورهای دنیا محدودیت‌هایی برای تجویز آنتی‌بیوتیک برای پزشکان در نظر گرفته‌اند؛ یعنی هر پزشکی نمی‌تواند آنتی‌بیوتیک با دوزهای بالا تجویز کند و سطح‌بندی مشخصی وجود دارد. اما در کشور ما به‌رغم تلاش‌های انجام شده، هنوز کار جدی در این مورد انجام نشده است

افزایش مرگ‌ومیر جهانی به علت مقاومت میکروبی

رئیس مرکز تحقیقات مقاومت میکروبی و مدیریت مصرف آنتی‌بیوتیک‌ها با اشاره به این موضوع می‌گوید: «براساس آمار مسئولان سازمان غذا و دارو، کشور ما جزو کشورهای بدمصرف در آنتی‌بیوتیک است. به زبان ساده، ایران شاید اولین کشور نباشد، اما قطعاً جایگاه بسیار نامطلوب و هشداردهنده‌ای در مصرف بالای آنتی‌بیوتیک دارد. مصرف خودسرانه دارو بویژه آنتی‌بیوتیک جزو عادات بسیاری از مردم از چند دهه گذشته بوده است. در برخی مناطق مردم علاقه‌مند به دریافت سرم هستند و از پزشک می‌خواهند سرم تجویز کند و با کوچک‌ترین تب و علائم بیماری عفونی ویروسی، از پزشک درخواست آنتی‌بیوتیک می‌کنند. بخش دیگر این افزایش مصرف، عدم محدودیت‌های منطقی برای تجویز است. در بسیاری از کشورهای دنیا محدودیت‌هایی برای تجویز آنتی‌بیوتیک برای پزشکان در نظر گرفته‌اند؛ یعنی هر پزشکی نمی‌تواند آنتی‌بیوتیک با دوزهای بالا تجویز کند و سطح‌بندی مشخصی وجود دارد. اما در کشور ما به‌رغم تلاش‌های انجام شده، هنوز کار جدی در این مورد صورت نگرفته است.»

آگاهی‌رسانی، راهی برای مصرف منطقی آنتی‌بیوتیک

تولید هر آنتی‌بیوتیک جدید به ۱۰ تا ۱۵ سال زمان و حدود یک میلیارد دلار هزینه نیاز دارد. دکتر صالحی با بیان اینکه ابتلا به عفونت‌های بیمارستانی لحظه به لحظه در حال افزایش است، می‌گوید: «در کشور آمار دقیقی در مورد این موضوع نداریم اما مشاهدات میدانی ما نشان می‌دهد آمار ابتلا به عفونت بیمارستانی بالاست و عوارض آن یعنی مرگ بیماران افزایش می‌یابد. هر چند سال‌هاست آموزش‌هایی به گروه‌های مختلف در این زمینه داده می‌شود، اما تغییری در مصرف و تجویز آنتی‌بیوتیک مشاهده نشده است. به همین دلیل دانشگاه‌های علوم پزشکی در هفته مقاومت میکروبی، برنامه‌های مختلفی را برای آگاهی‌بخشی به جامعه و پزشکان برگزار می‌کنند.»

یکی از موضوعاتی که پزشکی امروز را از طب قدیم متمایز کرده است، داشتن ابزاری برای مقابله با میکروب‌هاست. بشر دیگر در برابر طاعون، اسهال‌های مرگبار، عفونت‌های تنفسی و زخم‌های عفونی دست بسته نیست و حدود ۱۰۰ سال است که به کمک آنتی‌بیوتیک‌ها توانسته، بیماران عفونی را از مرگ حتمی نجات دهد. دکتر فرشید رضایی متخصص بیماری‌های عفونی و گرمسیری و کارشناس حوزه درمان وزارت بهداشت با بیان اینکه پیشرفت جراحی‌ها، درمان‌های سرطان، پیوند اعضا و بسیاری از افتخارات پزشکی مدرن فقط در سایه وجود آنتی‌بیوتیک‌ها امکان‌پذیر شده است، به «ایران» می‌گوید: «با وجود همه این خدمات مهم اما در سال‌های اخیر صدای زنگ هشدار از بین رفتن امپراطوری آنتی‌بیوتیک‌ها به صدا درآمده است. باربیماری و خسارت اقتصادی و نرخ مرگ و میر ناشی از عفونت‌های مقاوم به درمان به حدی رسیده که تصویر آینده جهان بسیار نگران کننده شده و این عفونت‌ها در چند سال آینده در صدر جدول مرگ و میر و بار بیماری قرار خواهند گرفت، هر چند هم‌اکنون نیز ازمجموع چند بیماری بزرگ تاریخ پزشکی پیشی گرفته‌اند.»

او می‌گوید: «مرگ و میر بیماری‌های عفونی مقاوم به درمان، گوی رقابت را از بیماری سل به عنوان کشنده‌ترین بیماری عفونی ربوده است و از نظرخسارت اقتصادی به کشورهای جهان نیز به ویرانگری کروناویروس در دو سال اول آن است که اخیراً تجربه کردیم. کمترین نرخ مرگ و میر ناشی از عفونت‌های مقاوم به دارو را در استرالیا و بیشترین تلفات جانی را در مناطق فقیرنشین آفریقا می‌بینیم. ذات‌الریه‌های مقاوم به درمان و عفونت‌های تنفسی ناشی از میکروب‌های مقاوم به آنتی بیوتیک، شایع‌ترین علت مرگ در اثر عفونت‌های مقاوم به آنتی بیوتیک هستند. در لیست میکروب‌های عامل این عفونت‌های تنفسی مرگبار می‌توان نام میکروب‌هایی مانند کلبسیلا، سودوموناس و آسینتوباکتر مقاوم به آنتی بیوتیک‌های پیشرفته وسیع الطیف را مشاهده کرد.»

این متخصص بیماری‌های عفونی و گرمسیری با اشاره به آخرین گزارش جهانی در مورد رصد مقاومت به آنتی‌بیوتیک‌ها که در ماه گذشته منتشر شده است، توضیح می‌دهد: «این سند جهانی نشان می‌دهد، از سال ۲۰۱۶ میلادی گزارش‌ها بیشتر شده است اما به این شکل نبوده که همه کشورها در مورد همه عفونت‌ها اطلاعات داده باشند. به عنوان مثال نیمی از اطلاعات در عفونت‌های گوارشی از طرف دو کشور چین و ایران بوده است. براساس آمار این سند، پراکندگی مقاومت میکروبی در همه نقاط جهان مساوی نیست و بسیار ناهمگون است. نکته بسیار نگران کننده در این گزارش این است که روند افزایش مقاومت دارویی در باکتری‌های گرم منفی روند افزایشی داشته است. هر چه سیستم بهداشتی ضعیف‌تر باشد و نظارت بر تجویز و مصرف آنتی‌بیوتیک‌ها در یک کشور کمتر باشد، مقاومت میکروبی بالاتر می‌رود و این پدیده در کشورهای با اقتصاد ضعیف تا متوسط ملموس‌تر است.»

دکتر رضایی توضیح می‌دهد: «کشور ما در خاورمیانه است که در این منطقه به طور کلی مقاومت میکروبی بسیار زیاد است و تردد جمعیت‌ها و شرایط مشابه منطقه‌ای وضعیت نگران‌کننده‌ای را رقم زده است. به همین دلیل سرمایه‌گذاری، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری باید با جدیت بیشتری انجام شود. کشورهایی مانند عربستان سعودی، پاکستان و مصر نیز سطوح بالایی از مقاومت را گزارش کرده‌اند. در این سند داده‌های بالاتر لزوماً به معنای وضعیت بدتر اپیدمیولوژیک نیست، بلکه ممکن است ناشی از گزارش دهی بهتر و سیستم نظارتی قوی‌تر و متمرکزتر باشد. نکته دیگری که باید در این سند دقت کرد این است که اگر کشوری داده‌های خود را از بیماران بستری در آی سی یو و بیمارستان‌های مرجع تخصصی ارسال کرده باشد طبیعی است که مقاومت بالاتری را در مقایسه با کشوری خواهند داشت که داده‌های خود را از مراکز بهداشت و نمونه‌های سرپایی گرفته باشد، به همین دلیل برای اظهارنظر در مورد وضعیت جهان باید این سند را به دقت مطالعه کنیم و صرفاً براساس گفته‌های فضای مجازی نباید اظهارنظر کنیم.»

رویکرد جهانی مقابله با پیدایش و گسترش میکروب‌های مقاوم به آنتی‌بیوتیک‌ها، رویکرد «سلامت یکپارچه» است. کارشناس حوزه درمان وزارت بهداشت، می‌گوید: «نظام مراقبت و رصد گسترش این میکروب‌ها در فاضلاب‌ها، مزارع و حیوانات، جامعه، بیمارستان‌ها، بیماران و میزان و نوع آنتی‌بیوتیک مصرفی باید با یک سیاست، بودجه و رهبری واحد و هماهنگ باشد. در بیمارستان‌ها نیز امتیاز مدیریتی رؤسای بیمارستان‌ها و عملکرد بیمارستانی باید بسته به عملکرد و تعهد آنها در حفظ آنتی‌بیوتیک‌ها و حمایت از برنامه‌های کنترل عفونت باشد. در دنیای امروز، متأسفانه مصرف نابجای آنتی بیوتیک با آرزوی رشد بهتر و جلوگیری از مریض شدن دام و پرندگان صنعتی و سودآوری اقتصادی بسیار بی‌رویه و خطرناک شده است و در برخی کشورها صنعت دامپروری و مرغداری عملاً به کارخانه‌های تولید میکروب‌های مقاوم به آنتی‌بیوتیک تبدیل شده‌اند. این مشکل غیرقابل حل نیست اما نیازمند تعهد بالا در سیاست‌گذاران و تصمیم گیران سطح عالی است تا سازوکار منطقی قابل اجرا و قابل سنجش برای تجویز و مصرف منطقی آنتی‌بیوتیک را فراهم کنند.»

در دنیا نمونه‌های موفقی برای کنترل بیماری‌های مقاوم به درمان وجود دارد، او دراین‌باره می‌گوید: «هرچند در ایران برنامه ملی مقابله با این تهدید جدی سال‌هاست نوشته شده اما هنوز وضعیت بسیار نگران‌کننده است و باید برای آینده خود سرمایه‌گذاری صحیح کنیم و جدیت در عمل و نظارت داشته باشیم. یکی از ضرورت‌های مقابله با گسترش میکروب‌های مقاوم در کشور داشتن زیرساخت تشخیصی و افزایش کیفیت در شناسایی و گزارش عفونت‌های مقاوم به درمان و شبکه آزمایشگاه‌های میکروب‌شناسی مجهزتر است.»

از هر ۱۵ عفونت گوارشی، یکی به آنتی بیوتیک مقاوم است

برش

دکتر رضایی می‌گوید: «آمارهای تکان دهنده‌ای در این سند آمده است، مبنی براینکه از هر ۱۵ عفونت گوارشی، یکی به آنتی‌بیوتیک مقاوم است و در عفونت‌های خونی از آن هم بالاتر است و از هر ۶ عفونت خونی یکی به آنتی بیوتیک‌ها مقاوم است. این سند در مورد عفونت‌های ادراری وضعیت بسیار بدتر و ترسناک‌تری را به تصویر می‌کشد، یعنی از هر ۳ عفونت ادراری یک مورد در اثر میکروب‌های مقاوم به آنتی‌بیوتیک است. براساس این سند بدترین وضعیت ابتدا برای آسیای جنوب شرقی و سپس کشورهای منطقه خاورمیانه خواهد بود، به طوری‌که مقاومت عفونت‌های گوارشی ناشی از میکروب شیگلا «عفونت باکتریایی که سیستم گوارشی بویژه روده‌ها را درگیر می‌کند» در آسیای جنوب شرقی از ۳۰ درصد به ۷۵ درصد رسیده است.»

او می‌گوید: «نکته ظریفی در تفسیر این سند بین‌المللی وجود دارد، نمی‌توان بر اساس داده‌های این سند اعلام کرد بدترین وضعیت مقاومت میکروبی در کدام کشورهاست زیرا همه کشورها در گزارش اطلاعات برابر عمل نکرده‌اند و سیستم مراقبتی و تحقیقاتی نداشته‌اند. برخی کشورها مانند ایران بیشترین همکاری را در ارسال اطلاعات و تکمیل داده‌ها داشته‌اند زیرا دارای حداقل امکانات برای رصد مقاومت میکروبی بوده‌اند، ولی بسیاری از کشورها فاقد این عملکرد هستند.»

حرکت جهادی هلال احمر برای ارتقای سلامت مردم خراسان جنوبی

نذرخدمت به ایستگاه هشتم رسید

گزارش

مهسا قوی قلب
گروه اجتماعی

در خراسان جنوبی، طرحی با عنوان «نذر خدمت» جمعیت هلال احمر انجام می‌شود که هدف آن آبرسانی، ارتقای کیفیت خدمات بهداشت و درمان و کاهش فاصله میان سیاست‌گذاری و اجرای واقعی برنامه‌های سلامت است. این حرکت جهادی، فراتر از چهارچوب‌های معمول اداری، مسئولان و نهادها را به میدان عملی خدمت‌رسانی می‌کشاند و با تمرکز بر همت و اقدام مستقیم، تلاش می‌کند تا مشکلات مردم در دسترسی به خدمات بهداشتی و درمانی به‌طور ملموس کاهش پیدا کند. تأمین آب سالم و لوله‌گذاری در منطقه از جمله اقدامات شاخص طرح نذر خدمت در خراسان جنوبی است. شاهین فتحی، مدیرعامل جمعیت هلال‌احمر استان تهران، در هشتمین سال اجرای طرح نذر خدمت در استان خراسان جنوبی می‌گوید: «استان تهران به‌عنوان معین خراسان جنوبی هماهنگی‌ها را با معاونت داوطلبان و همکاران محلی انجام داده و خدمات نذر خدمت در این منطقه ارائه می‌شود. این سومین سال متوالی است که استان تهران این منطقه را به‌عنوان معین پوشش می‌دهد. طرح نذر خدمت در چهار محور اصلی تأمین آب پایدار، بهداشت و درمان، آموزش و ارتقای مهارت‌های زندگی و کمک معیشتی به خانواده‌های کم‌بضاعت فعالیت دارد.»

فتحی با اشاره به اقدامات انجام‌شده در حوزه آبرسانی می‌گوید: «سال گذشته ۱۰ روستای هدف را شناسایی کردیم که مشکل آب آشامیدنی داشتند. بدین ترتیب با کمک خیرین تهران و نیکوکاران، موفق شدیم آب پایدار را برای این مناطق تأمین کنیم؛ بیش از ۴۰ هزار متر لوله‌کشی انجام شده و آب سالم به منازل روستاییان رسیده است.»

او درباره اقداماتی که سازمان هلال احمر در زمینه سلامت و درمان، در روستاهای محروم خراسان جنوبی انجام داده، می‌گوید: «مردم این منطقه به خدمات پزشکی نیاز شدیدی دارند. بیش از ۱۳۰۰ کیلومتر را پزشکان و متخصصان طی می‌کنند تا اینجا حاضر شوند. همچنین متخصصان اورولوژی، نفرولوژی، جراحی، زنان و زایمان، پزشکان عمومی و پیراپزشکان از صبح تا پایان برنامه به مردم خدمت می‌دهند. داروها به صورت رایگان در اختیار مراجعان قرار می‌گیرد و بیماریابی نیز با دقت انجام می‌شود تا مشکلات زودتر شناسایی و درمان شوند. جراحی‌های سرپایی هم که نیاز به بیهوشی نداشته باشند، توسط متخصصان انجام می‌شود. در برخی استان‌ها نیز به دلیل محدودیت جاده یا بارندگی، بیماران با بالگرد منتقل شده‌اند. در این استان نیز جراحی‌های محدود امروز توسط متخصصان انجام می‌شود.» سازمان هلال احمر با فکر معیشت و آموزش مردم این منطقه هم هست، این را فتحی می‌گوید و ادامه می‌دهد: «برای خانواده‌های کم‌بضاعت، چند هزار بسته معیشتی و بهداشتی آماده کرده‌ایم و آنها را با حفظ کرامت انسانی توزیع می‌کنیم. همچنین تجهیزات مدارس شامل کیف، لوازم‌التحریر، کفش و لباس گرم در اختیار کودکان قرار گرفته و نیازهای پزشکی مانند اکسیژن‌ساز و منابع آب نیز تأمین شده است.»

> سال گذشته ۱۰ روستا را شناسایی کردیم که مشکل آب داشتند. بدین ترتیب با کمک خیرین موفق شدیم آب پایدار را برای این مناطق تأمین کنیم؛ بیش از ۴۰ هزار متر لوله‌کشی انجام شده است

کشاورزی بی‌استراحت و تغذیه ناکافی، ریشه دردهای اسکلتی

دکتر حمیدرضا جنیدی، متخصص بیماری‌های عضلانی ـ اسکلتی و آسیب‌های ورزشی که در قالب پویش نذر خدمت به منطقه آمده است، درباره مشکلات رایج مراجعان می‌گوید: «بیشتر کسانی که اینجا مراجعه می‌کنند با دردهای مزمن کمر، زانو و گردن درگیرند و بیماری‌های آنها سابقه طولانی دارد. تقریباً همه نوع بیماری عضلانی ـ اسکلتی در این مناطق شایع است. شرایط سخت زندگی و کار، بویژه فعالیت‌های سنگین کشاورزی، عامل اصلی این مشکلات است. این افراد فقط کار می‌کنند، نه استراحت کافی دارند و نه نرمش و ورزش مناسبی برای محافظت از عضلات و مفاصل انجام می‌دهند. تغذیه مناسب هم ندارند و ما ناچاریم از مکمل‌ها به‌عنوان جایگزین استفاده کنیم. این وضعیت باعث می‌شود انقباض‌های عضلانی مزمن شود و روی مهره‌های گردن و کمر و غضروف‌ها اثر بگذارد و در نهایت اختلال در حس و حرکت ایجاد کند.»

به گفته او، ویزیت‌های مقطعی سالانه برای این بیماران کافی نیست و اگر قرار باشد درمان کامل و اصولی انجام شود، باید امکانات فیزیوتراپی هم همراه تیم باشد تا حداقل ۱۰ جلسه درمانی طی ۱۰ روز برای بیماران انجام شود، در غیر این صورت درمان‌ها موقت خواهند بود.

دکتر پریسا منصوری، جراح و متخصص زنان و زایمان و داوطلب جمعیت هلال‌احمر استان تهران، که برای چندمین بار همراه کاروان نذر خدمت به شهرستان درمیان آمده، می‌گوید: «سه پزشک هستیم که در بخش زنان فعالیت می‌کنیم. مهم‌ترین نیاز این است که خانم‌ها آموزش بیشتری درباره سلامت باروری و بهداشت فردی ببینند. بسیاری از مشکلات قابل پیشگیری است و با آموزش می‌توان آنها را برطرف کرد. تاکنون چند مراجعه‌کننده باردار هم ویزیت شده‌اند. همچنین برای برخی از خانم‌های باردار سونوگرافی و ویزیت‌های معمول انجام داده‌ایم. موارد عفونی داریم، ولی همان‌ها هم با آموزش قابل کنترل است.»

این متخصص زنان درباره سنین مراجعه نیز توضیح می‌دهد: «در این منطقه موارد بارداری با سن خیلی پایین ندیده‌ایم؛ از ۱۹-۱۸ سال به بالا مراجعه داشته‌ایم، از سوی دیگر، برخی از مراجعان نازا در سنین بالاتر، حتی ۴۵ یا ۴۶ سال، مراجعه می‌کنند.»

نذر خدمت، اقدامی ارزشمند در رفع محرومیت

در طرح نذر خدمت در کنار جمعیت هلال احمر نهادهای مختلفی نیز همکاری می‌کنند. بخشی از مسئولیت‌ها بر عهده مجلس و کمیسیون بهداشت است.

سلمان اسحاقی، سخنگوی کمیسیون بهداشت و درمان مجلس با حضور در جمع گروه‌های بهداشت و درمان حاضر در مناطق محروم، اجرای طرح‌های جهادی سلامت از جمله نذر خدمت را اقدامی ارزشمند در جهت رفع محرومیت و کاهش کمبودهای درمانی می‌داند.

او با تأکید بر اینکه بخشی از مسئولیت این اقدامات بر عهده مجلس و کمیسیون بهداشت است، می‌گوید: «اصرار ما در کمیسیون بهداشت و درمان این است که گروه‌های جهادی حوزه سلامت ساماندهی شوند. سازمان نظام پزشکی نیز باید با محوریت جمعیت هلال‌احمر جمهوری اسلامی ایران وارد عمل شود تا خلأ کمبود پزشک و متخصص جبران شود.»

عکس: ایرنا

آیا واردات برنج قادر به کنترل بازار است؟

چند ضلعی حاشیه ساز برنج

گزارش

حدیث حدادی
گروه اقتصادی

در هفته‌های اخیر، بازار برنج با نوسانات قیمتی قابل توجهی روبه‌رو شده است، به طوری که قیمت برنج هاشمی درجه یک به کیلویی ۳۵۰ هزار تومان رسیده است. این افزایش قیمت، همزمان با کاهش عرضه برنج پاکستانی و چالش‌های پیش‌روی واردات، باعث تغییر الگوی خرید مصرف‌کنندگان و گرایش به برنج‌های خارجی یا نیم‌دانه شده است. بررسی‌های میدانی خبرنگار ما نشان می‌دهد که برخی از برنج‌های موجود در بازار که به نام برنج ایرانی به فروش می‌رسد یا برنج خارجی هستند که گونی آنها با برنج‌های ایرانی تعویض شده و یا مخلوطی از ایرانی و خارجی هستند اما سودجویان آن را به نام برنج ایرانی و با قیمت بالایی به فروش می‌رسانند. یک عضو اتحادیه بنکداران مواد غذایی با تأیید این موضوع می‌گوید که «برخی سودجویان برنج پاکستانی را با برنج ایرانی مخلوط کرده و به نام برنج هاشمی یا طارم اعلا عرضه می‌کنند. کارشناسان اتحادیه نیز در این زمینه آماده همکاری با نهادهای نظارتی هستند. به نظر ما بهترین راهکار برای جلوگیری از تخلفات، ایجاد تعادل در عرضه و تقاضاست.» اما در بازار برنج چه خبر است و چرا موج افزایشی قیمت به این بازار برگشته است؟

> بازار برنج در یک پیچیدگی چندوجهی قرار دارد: از یک سو، تولید داخلی به دلایلی مانند کم‌آبی و کاهش سطح زیر کشت، پاسخگوی نیاز سنتی کشور نیست. این شکاف ساختاری بین عرضه و تقاضا، بازار را بشدت به واردات وابسته کرده است

برنج پاکستانی تا چند روز دیگر به بازار می رسد

رئیس اتحادیه بنکداران مواد غذایی، در گفت‌وگو با خبرنگار روزنامه «ایران» عنوان کرد: «در حال حاضر میزان برنج ایرانی توزیع شده در بازار بسیار کم است. همین امر موجب شده تا تقاضا از عرضه پیشی گرفته و قیمت‌ها افزایش پیدا کند. علت اصلی این امر این است که به علت نوسانات قیمتی که این محصول دارد توزیع کنندگان همچون کشاورزان و کارخانه داران به صورت قطره چکانی برنج را در اختیار بنکداران قرار می‌دهند.» رضا کنگری افزود: «از سوی دیگر واردات برنج پاکستانی که شباهت زیادی به برنج ایرانی دارد برای مدتی قطع شده بود و این محصول نیز در بازار کمبود داشت. همین موضوع موجب شد قیمت برنج پاکستانی نیز افزایش پیدا کند.» وی تأکید کرد: «در حال حاضر قیمت مصوب برنج پاکستانی کیلویی ۶۶ هزار و ۳۰۰ تومان است اما در کف بازار با نرخ کیلویی ۱۸۰ تا ۱۸۵ هزار تومان عرضه می‌شود. خبر خوش اینکه ثبت سفارش گسترده ای انجام شده که ان شاء الله چند روز آینده برنج پاکستانی در بازار عرضه خواهد شد و طبق مصوبه جدید، کالاهای اساسی وارداتی در اختیار توسعه بازرگانی قرار می‌گیرد و از طریق شبکه توزیع شامل اصناف، بنکداران مواد غذایی، فروشگاه‌های زنجیره‌ای و میادین عرضه می‌شود. هم‌اکنون نیز دو هفته است که برنج هندی با همین ساز و کار در حال توزیع در کشور است و قیمت آن از ۸۴ هزار تومان به ۵۵ هزار تومان کاهش یافته است.»

تنها ۴۰ درصد اصناف در شبکه توزیع فعال

کنگری با اشاره به مشکلات اصناف گفت: «در حال حاضر به علت اینکه حاشیه سود معقول و قانونی برای این زنجیره در نظر نگرفته‌اند تنها حدود ۴۰ درصد واحدهای صنفی پای کار هستند. اگر این سود در مصوبه لحاظ شود استقبال صد درصدی از شبکه توزیع صورت خواهد گرفت.» وی در خصوص قیمت برنج ایرانی اظهار کرد:« در حال حاضر برنج ایرانی ازبین ۱۹۰ تا ۳۳۰ هزار تومان عرضه می‌شود و برنج هاشمی درجه یک به ۳۳۰ هزار تومان رسیده است. همین افزایش قیمت موجب شده توان خرید مردم کاهش یابد و بسیاری به سمت برنج پاکستانی یا هندی بروند. علاوه بر آن برخی از خانوارها اقدام به خرید برنج نیم دانه یا دانه شکسته که قیمت آن کیلویی ۲۰۰ هزار تومان است، رفته‌اند.»

نبود برنج پاکستانی برنج ایرانی را بی‌رقیب کرد

دبیر انجمن تولید کنندگان و تأمین کنندگان برنج ایران، در گفت‌وگو با خبرنگار «ایران» با اشاره به وضعیت بازار برنج اظهار کرد: «با وجود اینکه فصل برداشت تازه به پایان رسیده اما نیاز کشور از تولید داخلی به علت کاهش تولید تأمین نشده است. به همین دلیل عامل اصلی گرانی برنج همین امر است. در حال حاضر کشور با کسری حدوداً یک میلیون و ۶۰۰ هزار تن برنج مواجه است که باید از طریق واردات بموقع آن را جبران کنند.» مسیح کشاورز افزود: «طبق اعلام مرکز آمار ایران مصرف سالانه هر فرد ۳۵ کیلوگرم و جمعیت ۹۰ میلیونی کشور نیاز کل برنج حدود سه میلیون و ۲۰۰ تا سه میلیون و ۳۰۰ هزار تن است. در حالی که تولید سالانه بین یک میلیون و ۶۰۰ تا یک میلیون و ۸۰۰ هزار تن برآورد می‌شود. بنابراین برای جبران کسری باید واردات انجام شود که حدود ۴۰ درصد آن باید به برنج سفید پاکستانی اختصاص یابد.» وی اظهار کرد: «امسال تا کنون حدود ۸۰۰ هزار تن برنج توسط بخش خصوصی وارد کشور شده اما میزان برنج پاکستانی وارد شده به گونه‌ای بود که حدود ۱۰۰ هزار تن کمتر از سال گذشته وارد شد همچنین تأخیر در واردات داشت. همین موضوع باعث شد عرضه در بازار کاهش یابد و قیمت برنج پاکستانی روند افزایشی به خود بگیرد. در نتیجه برنج ایرانی بدون رقیب باقی ماند و قیمت آن نیز افزایش یافت که سفره مردم را تحت تأثیر قرار داده است.» کشاورز تأکید کرد: «برای تأمین کسری ۶۰۰ هزار تنی باید ابزار لازم در کشور نیز فراهم شود. مهم‌ترین ابزار این امر نیز تخصیص بموقع و کافی ارز است اما در حال حاضر وارد کنندگان برنج با وجود اینکه محصولات خود را وارد کرده‌اند ارزی به آنها تخصیص داده نشده است.»

عرضه برنج از سوی کشاورزان به روال همیشگی

در مقابل این ادعاها که کشاورزان از عرضه خودداری می‌کنند، کریم باباجانی، یک شالیکار مازندرانی، می‌گوید: «این ادعاها صحت ندارد و حدود ۵۰ درصد کشاورزان برنج کشت اول خود را فروخته‌اند.» وی توضیح می‌دهد: «کشاورز حق دارد محصولش را نقدی بفروشد. اگر کسی پول نقد داشته باشد، برنج را تحویل می‌گیرد، اما پرداخت با چک مدت‌دار باعث می‌شود کشاورز رغبتی برای عرضه نداشته باشد.»

وی اظهار کرد: «برخی کشاورزان وارد عرصه خرده فروشی شده‌اند که البته تعداد آنها زیاد نیست. بعضی‌ها از طریق پلتفرم‌های آنلاین اقدام به فروش می‌کنند، اما سهم این نوع فروش بسیار محدود است. عمده فروش ما همچنان حضوری و مستقیم به مشتریان صورت می‌گیرد. در مجموع شاید حدود ۵ درصد برنج به این شکل خرده فروشی شود. بنابراین نمی‌توان گفت کشاورزان عرضه نمی‌کنند یا بازار را خالی گذاشته‌اند. عرضه طبق روال هر سال ادامه دارد.» باباجانی تأکید کرد: «کشاورزان تنها خواستار دریافت نقدی پول محصول خود هستند و این حق طبیعی آنان است. اگر شرایط نقدی فراهم باشد، هیچ مشکلی در عرضه برنج وجود ندارد.»

تنها نیمی از برنج وارداتی مورد نیاز کشور تأمین شد

دبیر انجمن واردکنندگان برنج ایران در گفت‌وگو با خبرنگار روزنامه «ایران» درباره دلایل افزایش قیمت برنج ایرانی اظهار کرد: «یکی از مهم‌ترین عوامل این گرانی، نحوه عرضه محصول از سوی کشاورزان است. سال گذشته بسیاری از تولیدکنندگان عمده برنج خود را در همان ابتدای فصل با حداقل قیمت فروختند، اما تنها چند ماه بعد شاهد رشد دو برابری قیمت‌ها بودند و در نتیجه، کمترین سهم سود را در این زنجیره بردند. به همین دلیل، امسال تمایلی به تکرار آن تجربه ندارند و فقط بخش محدودی از محصول را برای تأمین هزینه‌های جاری عرضه کرده و بخش عمده را نگه داشته‌اند تا وضعیت بازار روشن شود. به عبارتی، این تصمیم تلاشی برای جبران اتفاقات سال گذشته است. البته باید توجه داشت که بیش‌برآوردی از میزان تولید برنج در سال زراعی ۱۴۰۳، نقطه آغاز افزایش قیمت‌ها از نیمه دوم سال گذشته بود.» مجیدرضا خاکی افزود: «عامل مهم دیگر در افزایش قیمت، کاهش واردات برنج پاکستانی است. از آنجا که تولید داخلی هیچ‌گاه پاسخگوی نیاز کشور نیست و نمی‌تواند تقاضا را به‌طور کامل پوشش دهد، برنج پاکستانی همواره بخشی از نیاز بازار را تأمین و مهم‌تر اینکه به تعادل قیمت‌ها و تنظیم بازار نیز کمک مؤثری کرده است. با این حال، امسال واردات این محصول به‌طور محسوسی کاهش یافته و همین مسأله مشکلات متعددی را در بازار ایجاد کرده است.» وی درباره علل کاهش واردات برنج پاکستانی اظهار کرد: «تأخیرهای ۱۰ماهه در تخصیص ارز، به همراه برخی سیاست‌های محدود کننده و مداخلات دستوری در قیمت مبدأ، صرفه اقتصادی واردات برنج پاکستانی را تحت‌الشعاع قرار داده است. نتیجه این شرایط کاهش سهم برنج پاکستانی از کل واردات از حدود ۴۰ درصد به نزدیک ۲۵ درصد در شش ماه اول امسال است. این افت واردات، در کنار افزایش غیرمتعارف تقاضا برای برنج پاکستانی، باعث شده شاهد کمیابی و گرانی این نوع برنج نیز باشیم.» خاکی تصریح کرد: «برنج پاکستانی به دلیل کیفیت مناسب و شباهت زیاد به برنج ایرانی، همواره نقش تعدیل‌کننده قیمت را در بازار ایفا کرده است. اما اکنون که واردات آن کاهش یافته برنج ایرانی عملاً بدون رقیب مانده و همین امر موجب افزایش قیمت آن شده است.» وی عنوان کرد: «علاوه بر این امسال به دلیل مشکلات کم‌آبی و کاهش سطح زیر کشت میزان تولید برنج داخلی نیز کاهش یافته است؛ به طوری که پیش‌بینی می‌شود تولید سال جاری بین یک میلیون و ۶۰۰ تا یک میلیون و ۸۰۰ هزار تن شود. بنابراین نسبت به سال‌های گذشته نیاز بیشتری به واردات وجود دارد.» خاکی در خصوص راهکارهای بهبود وضعیت بازار برنج گفت: «پرداخت بدهی‌های معوق ارزی به وارد کنندگان سپس حذف ارز ترجیحی و کنار گذاشتن سیاست‌های محدودکننده به همراه نظارت مؤثر و ایجاد ساختار منسجم برای پایش زنجیره تولید و توزیع برنج ایرانی می‌تواند آرامش و ثبات را به بازار برگرداند.»

چالش چندوجهی

به نظر می‌رسد بازار برنج در یک پیچیدگی چندوجهی قرار دارد: از یک سو، تولید داخلی به دلایلی مانند کم‌آبی و کاهش سطح زیر کشت، پاسخگوی نیاز سنتی کشور نیست.

این شکاف ساختاری بین عرضه و تقاضا، بازار را بشدت به واردات وابسته کرده است.از سوی دیگر، مکانیسم واردات که باید این شکاف را پر کند، خود با چالش‌های عمیقی مانند تخصیص نیافتن به‌موقع ارز، سیاست‌های محدودکننده و عدم صرفه اقتصادی برای واردکنندگان مواجه شده است.

رفتار بازیگران بازار نیز بر مشکل دامن زده است. کشاورزان و توزیع‌کنندگان، با یادآوری زیان‌های سال گذشته و برای در امان ماندن از نوسانات آتی، ترجیح می‌دهند عرضه خود را به صورت تدریجی و با احتیاط انجام دهند.

این رفتار که کاملاً منطقی و مبتنی بر روانشناسی بازار است، به کمبود موجود در بازار دامن می‌زند. راه‌حل‌های پیشنهادی فعالان بازار، از «تخصیص بموقع ارز» تا «ایجاد ساختار منسجم برای پایش زنجیره تأمین» متفاوت است؛ اما اجرای یک «طرح جامع امنیت غذایی» قادر است در بلندمدت بازار خوراکی‌ها را به ثبات برساند.

خبر

وزیر راه با همتای چینی خود دیدار کرد

همکاری ایران و چین در ساخت مسکن حمایتی

فرزانه صادق وزیر راه و شهرسازی کشورمان با نی هونگ، وزیر مسکن و شهرسازی جمهوری خلق چین در حاشیه دومین نشست بین‌المللی اتصال ریلی چین به اروپا دیدار و گفت‌وگو کرد.

وزیر راه و شهرسازی در این دیدار بر ایجاد سرفصل‌های جدید همکاری دو کشور در زمینه مسکن و ساختمان تأکید کرد و برگزاری مستمر نشست‌های دوجانبه را برای روند توسعه مناسبات و پیشرفت‌های مشترک حائز اهمیت خواند.

صادق با تأکید بر اینکه چین یکی از کشورهای پیشرفته در حوزه ساخت و ساز زیربناهای حمل‌ونقل و مسکن است، از آمادگی جمهوری اسلامی ایران در تمامی زمینه‌ها برای انتقال دانش و تجربیات چین در ساخت و ساز، توسعه شهری و مقاوم‌سازی بناها خبر داد.

وی با بیان اینکه یادداشت تفاهم همکاری مسکن دو کشور ایران و چین در سفر رئیس‌جمهوری کشورمان به چین به امضای مقامات دو کشور خواهد رسید، این دیدارها و گفت‌وگوها را سرآغازی برای ترسیم نقشه راه و تدوین چهارچوب‌های همکاری دو کشور در حوزه مسکن و ساختمان عنوان کرد.

وزیر راه و شهرسازی یکی از زمینه‌های مهم همکاری بین دو کشور در بخش مسکن را مشارکت در ساخت مسکن اجتماعی و مسکن استیجاری عنوان و تصریح کرد: «حداکثر تسهیلات را در این زمینه در اختیار شرکت‌های چینی علاقه‌مند قرار خواهیم داد.»

صادق بر اهمیت انتقال تجربیات دو کشور و انتقال تکنولوژی در حوزه ساخت مسکن اجتماعی و مسکن صنعتی تأکید کرد.

وی از دیگر محورهای همکاری دو کشور را انتقال تکنولوژی به ایران در حوزه ساخت و سازهای مسکن پیش ساخته عنوان کرد.

همکاری مراکز تحقیقاتی دو کشور در حوزه مسکن و شهرسازی و حوزه‌های تخصصی ساختمان، صدور گواهینامه‌های مشترک، توسعه پایدار نواحی شهری و ساخت و ساز با تأکید بر انرژی‌های تجدید پذیر و منابع آب و همچنین مقاوم‌سازی در برابر بلایای طبیعی و آتش‌سوزی از دیگر موارد همکاری در حوزه مسکن دو کشور و محورهای گفت‌وگوهای وزیر راه و شهرسازی کشورمان با وزیر مسکن جمهوری خلق چین بود.

وزیر راه و شهرسازی در این نشست، همچنین بر همکاری برای تبادل دانش در زمینه مدل‌های موفق چینی در تلفیق حمل‌ونقل با توسعه شهری و تدوین نقشه راه و برنامه اقدام تأکید کرد.

در این نشست دو طرف بر تبادل تجربیات و دانشی که در چین در حوزه ساخت و ساز متناسب با تغییرات اقلیمی، مدیریت مصرف انرژی در ساختمان‌ها و اشتراک تکنولوژی‌هایی که برای خانه‌های هوشمند و متناسب با توسعه پایدار است، تأکید کردند و مقرر شد نقشه راه و برنامه اقدام در این خصوص تهیه شود.

بنگاه

بازدید فرمانده سپاه استان مرکزی از نیروگاه حرارتی شازند

تجلیل از تلاش‌های جهادی در عرصه تولید انرژی

سردار عمو مهدی فرمانده سپاه روح‌الله استان مرکزی، به همراه حجت‌الاسلام نیکزاد امام جمعه شهر مهاجران و جمعی از مسئولان سپاه و استانی، از بخش‌های مختلف نیروگاه شازند بازدید به عمل آوردند.

به گزارش روابط عمومی نیروگاه حرارتی شازند، در این بازدید که با هدف آشنایی با ظرفیت‌های تولیدی، اقدامات زیست‌محیطی و دستاوردهای فنی نیروگاه انجام شد، مدیرعامل نیروگاه گزارشی جامع از روند تولید برق، طرح‌های توسعه‌ای، اقدامات زیست‌محیطی و افتخارات کسب شده در سطح ملی ارائه کرد.

فرمانده سپاه استان مرکزی با قدردانی از تلاش‌های شبانه‌روزی کارکنان نیروگاه، این مجموعه را یکی از ارکان مهم تأمین انرژی پایدار در کشور دانست و بر لزوم حمایت از زیرساخت‌های حیاتی انرژی تأکید کرد.

در جریان بازدید، هیأت همراه از بخش‌های مختلفی همچون اتاق فرمان، واحدهای تولید برق و دفتر حراست بازدید کردند.

در پایان این بازدید، سردار عمو مهدی با اشاره به نقش راهبردی نیروگاه شازند در پایداری شبکه برق کشور، بر استمرار همکاری دوجانبه میان سپاه و مجموعه نیروگاهی در حوزه‌های امنیتی، آموزشی و پدافند غیرعامل تأکید کرد.

نیروگاه حرارتی شازند با دارا بودن چهار واحد ۳۲۵ مگاواتی و به دلیل قرار گرفتن در کریدور شمال به جنوب یکی از ارکان اصلی تولید برق پایدار در کشور می‌باشد.

ضرورت اصلاح برخی مواد برنامه هفتم

یادداشت وارده

علیرضا جلالی فراهانی
مدرس دانشگاه و کارشناس ارشد حوزه مدیریت

برخی مقامات دولتی، پیشتر گفته بودند که دولت درصدد است تا بازخوردهایی در خصوص برنامه هفتم و بخش‌های غیرقابل اجرا یا نیازمند اصلاح آن را به مجلس تقدیم کند. در اخبار آمده است که این موضوع از سوی مجلس و دولت در حال پیگیری است لیکن از آنجا که برخی جریان‌ها این رویکرد را مورد انتقاد قرار داده‌اند، ضروری است نکاتی در جهت دفاع از این اقدام که می‌توان آن را مصداقی از حرکت بر مدار عقلانیت عملگرا دانست، مورد اشاره قرار گیرد تا شاید از این طریق، مسیر اجرای این اصلاحات، هموارتر شود.

نخستین برنامه توسعه در کشور ما، در سال ۱۳۲۷ تدوین و به مرحله اجرا درآمد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز شاهد تدوین شش برنامه پنج ساله توسعه بودیم و اکنون نیز یک سال از دوره اجرای برنامه هفتم که به برنامه پیشرفت تغییر نام داده، را پشت سر گذاشته‌ایم.

برآوردهای متعددی از میزان کامیابی برنامه‌های قبلی در تحقق اهداف مربوطه وجود دارد اما عموم این برآوردها، در بهترین حالت، اعدادی کمتر از ۵۰ درصد را نشان می‌دهد که هم مایه تأسف است و هم جای تأمل (این عدد در خصوص سال اول برنامه هفتم، کمتر از ۴۰ درصد است). لذا بر همگان است تا تلاش کنیم از تجارب گذشته درس گرفته و با اتکا به درس‌آموخته‌ها، طرحی نو در نظر بگیریم، چرا که تجربه شش برنامه، به حد کفایت، خوراک یادگیری فراهم می‌کند و اگر ما هنوز درگیر تکرار اشتباهات گذشته هستیم، بدان معنی است که توجه لازم را به این درس‌آموخته‌ها نداشته‌ایم. بحث اخیر در خصوص بازنگری در اهداف برنامه، گویای آن است که بالاخره به برخی از این درس‌آموخته‌ها، توجه شده است. برخی منتقدان به این اقدام، آن را مصداقی از عدول از آرمان‌ها دانسته‌اند لیکن نفس بیان این نقد، گویای آن است که برداشت اشتباهی از مفهوم برنامه، در ذهن برخی منتقدان وجود دارد. سند مورد بحث ما، یک «برنامه» است و نه «آرمان‌نامه» یا «حدیث آرزومندی». یک برنامه، سندی است که در کنار سایر عناصر، دربرگیرنده مجموعه‌ای از اهداف است و زمانی که از هدف سخن می‌گوییم، باید به ادبیات حوزه هدفگذاری، ملتزم باشیم. بر همین اساس، ادبیات موضوع به ما می‌آموزد که هر هدف باید از ۵ ویژگی مشخص بودن، سنجش‌پذیر بودن، دست‌یافتنی بودن، مرتبط بودن یا موضوعیت داشتن و دارای محدوده زمانی مشخص بودن، برخوردار باشد. اهداف ذکر شده در برنامه هفتم، از منظر تمامی این ۵ ویژگی قابل واکاوی و نقد هستند و به نظر می‌رسد در تلاش فعلی دولت، عمدتاً یک ویژگی «دست‌یافتنی بودن» مورد توجه قرار گرفته است که در جای خود، اقدامی قابل تقدیر است.

یک انتظار بنیادین از یک برنامه، تناسب با واقعیت‌های اقتصادی جامعه و اجتناب از آرمانگرایی افراطی در تعیین اهداف است. بر همین مبنا، یکی از انتقادات مهم به برنامه‌های توسعه کشور و به طور اخص، برنامه هفتم، این بوده است که این سند به شرایط واقعی اقتصادی کشور توجه کافی ندارد. در شرایطی که تحریم‌ها و برخی مشکلات اقتصادی، وابستگی دولت به درآمد نفتی مشمول نوسانات بین‌المللی و مواردی از این دست، تبدیل به مفروضات اقتصادی کشور شده است. تعریف اهداف بلندپروازانه و غیرقابل دسترس، چیزی بجز اتلاف منابع محدود، یأس عوامل اجرایی و عادی‌سازی عدم تحقق اهداف را در پی نخواهد داشت. نمونه‌ای از این هدفگذاری را می‌توان در نرخ رشد هدفگذاری‌شده، مشاهده کرد که با ظرفیت‌های بالفعل و بالقوه کشور، سازگاری لازم را ندارد. در بیان مسئولین عالی‌رتبه کشور تصریح شده است که تحقق نرخ رشد ۸ درصدی نیازمند ۸ هزار همت منابع است که در بهترین شرایط، حدود ۶۰ درصد آن قابل تأمین است. در برآوردی دیگر اعلام شده که تحقق رشد ۸ درصدی، مستلزم ۱۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری داخلی و ۱۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی است. این در حالی است که رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در بهار ۱۴۰۴، منفی ۱.۹ درصد بوده است. لذا اصرار غیرواقع‌بینانه بر پایبندی به اهداف پیشین، امری غیرقابل دفاع است.

نکته مهم دیگر که می‌توان در همین مقال به آن اشاره کرد و شاید لازم باشد در بازنگری فعلی و یا آتی، وجه همت قرار گیرد، توجه به ویژگی «مرتبط بودن» یا «موضوعیت داشتن» است. برخی از هدفگذاری‌های انجام شده در برنامه در حوزه‌هایی نظیر هدفگذاری رشد تولید ناخالص داخلی، تورم و نقدینگی، ماهیتی متباین دارند بدین معنی که تحقق برخی از اهداف کمی که در برنامه ذکر شده است، مستلزم پذیرفتن عدم تحقق برخی دیگر از اهداف خواهد بود. از این‌رو لازم است این دسته از اهداف نیز بر اساس اولویت‌های حیاتی کشور، مورد بازنگری بنیادین قرار گیرند.

باید به یاد داشته باشیم که برنامه‌ها (من‌جمله برنامه هفتم)، فاقد اصالت ذاتی هستند. اعتبار آنها، اعتباری ابزاری و واسط است و مطلوب نهایی، همانا پیشرفت است. لذا لازم است با اجتناب از مقدس‌انگاری این اسناد، نقد آنها را همواره در دستور کار داشته باشیم. نقد برنامه هفتم هم باید با همین منطق به صورت جامع و دقیق انجام شود تا نقاط قوت و ضعف آن شناسایی و راهکارهای عملی برای بهبود آن ارائه شود تا نهایتاً با استفاده از ظرفیت‌های قانونی، این نقدها به تعریف اقدامات اصلاحی و تدوین سیاست‌های بهتر و مؤثرتر کمک کرده و به پیشرفت پایدار کشور، یاری رساند.

اخبار

افت ۱۰ درصدی تولید شیرخام در اثر بروز بیماری تب برفکی

با وجود اینکه نرخ شیر خام مصوب برای امسال ۲۳ هزار تومان است، نرخ‌ها در بازار لبنیات از آن تبعیت نمی‌کند؛ صنایع لبنی می‌گویند که شیر خام را کیلویی ۳۵ هزار تومان از واحدهای دامداری می‌خرند و ناگزیر هستند که قیمت‌ها را افزایش دهند. از سوی دیگر واحدهای دامپروری نیز افزایش قیمت را به گردن کمبود نهاده‌های دامی می‌اندازند و می‌گویند که به دلیل کمبود نهاده‌ای که با ارز ترجیحی وارد می‌شود، مجبورند با قیمت آزاد غذای دام خود را تأمین کنند.

در چنین شرایطی هنوز وزارت جهاد کشاورزی به اقدام صنایع لبنی و واحدهای دامپروری واکنشی نداشته است.

محمد فربد سخنگوی انجمن صنایع لبنی ایران در گفت‌وگو با ایرنا با بیان اینکه کماکان قیمت شیرخام پس از سه هفته تعیین نشده است گفت: «به نظر می‌رسد رویکرد دولت برمبنای ساز و کار عرضه و تقاضا است.»

وی با برشمردن مشکلات تولیدکنندگان لبنیات، اظهار کرد: «در شرایط کنونی به دلیل خشکسالی و کمبود علوفه، دامداران مجبور به خرید نهاده از بازار آزاد هستند زیرا بازارگاه عملاً علوفه‌ای در اختیار آنها قرار نمی‌دهد یعنی اینکه نهاده‌ای که با ارز ترجیحی ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی وارد می‌شود، عملاً اثربخشی خود را برای دامداران از دست داده است.»

وی قیمت شیرخامی که به صنایع لبنی عرضه می‌شود را در حدود کیلویی ۳۵ هزار تومان اعلام و پیش‌بینی کرد که این نرخ تا پایان سال تداوم یابد.

فربد این نکته را هم گفت که نرخ ۲۳ هزار تومانی تعیین شده برای شیرخام نرخ خرید تضمینی آن است نه قیمت مصوب برای صنایع؛ یعنی اگر کارخانه‌ها شیر را نخرند، دولت آن را با نرخ ۲۳ هزار تومان در هر کیلوگرم خریداری می‌کند.

سخنگوی انجمن صنایع لبنی ایران با بیان اینکه شیوع بیماری تب برفکی در برخی واحدهای دامداری استان تهران سبب شده تا حدود ۶۰۰ تن افت تولید داشته باشند، افزود: «در دوره اوج شیوع این بیماری نزدیک به ۳ هزارتن یعنی حدود ۱۰ درصد تولید کاهش داشتیم.»

فربد در عین حال بر این نکته تأکید کرد که صنایع لبنی مشکلی در تأمین شیرخام مورد نیاز ندارند و مشکل اصلی افزایش هزینه‌های تولید برای دامداران و خسارت آنها از بیماری تب برفکی است.

وی قیمت هر کیلوگرم شیرخام دارای ۴ درصد چربی و ۳.۴۵ درصد پروتئین در کشورهای توسعه‌یافته را حدود ۴۸ سنت دانست و گفت: «در ایران این رقم برای هر کیلوگرم شیرخام دارای ۳.۲ درصد چربی و ۳ درصد پروتئین با نرخ کیلویی ۳۵ هزارتومان معادل حدود ۳۰ تا ۳۱ سنت است که به دلیل پایین‌تر بودن کیفیت باید ۲۰ درصد کمتر از نرخ کشورهای توسعه‌یافته محاسبه شود. بنابراین با لحاظ این تفاوت‌ها قیمت ۳۵ هزار تومانی شیرخام منطقی است.»

وی به نامه انجمن صنایع لبنی ایران و تشکل‌های زنجیره تأمین برای اصلاح قیمت‌ها پیشنهاد خود را به دولت خبر داد.

جزئیات نامه انجمن صنایع شیر به عارف

در همین حال انجمن صنایع لبنی ایران در نامه‌ای به محمدرضا عارف معاون اول رئیس جمهوری ۶ پیشنهاد برای بهبود تولید محصولات لبنی ارائه کرد که مهم‌ترین درخواست آنها تک نرخی شدن ارز در کل زنجیره شیر و تعیین نرخ تعادلی در بازار کل بوده است.

حذف یارانه از ابتدای حلقه زنجیره و انتقال آن به انتهای زنجیره (مصرف کننده نهایی)، صادرات انواع فرآورده‌های لبنی از جمله شیر خشک و کره فقط با کارت بازرگانی دائم واحدهای تولیدی و حذف کارت‌های موقت بازرگانی از دیگر درخواست‌های فعالان صنعت لبنی در ایران بوده است.

آنان از عارف خواستند واردات و صادرات همه اقلام حلقه‌های زنجیره شیر مشمول تجارت آزاد شود و در عین حال ارزش پایه صادراتی و تعرفه‌های گمرکی زنجیره لبنی طی سال و محاسبه نرخ ارز بر اساس تک نرخی جهت رفع تعهد ارزی و هزینه‌های گمرکی واردات و صادرات و ارزش پایه صادراتی تغییر نکند.

در مقابل انجمن صنایع لبنی ایران خود را متعهد دانسته که خرید تضمینی شیر خام از دامداران کشور را به طور کامل انجام دهد.

یک مقام سابق دولتی: در دولت قبل هم به سه نرخی شدن بنزین رسیدیم

داود منظور، رئیس سازمان برنامه و بودجه در دولت سیزدهم، درباره نرخ بنزین گفت: «در دولت شهید رئیسی به سه نرخی شدن بنزین رسیدیم که تدبیر درستی است. لذا عموم مردمی که نیاز به بنزین دارند با ۱۶۰ لیتر نیازشان برطرف می‌شود. عده دیگری که نیاز بیشتری دارند نباید عموم مردم تاوان آنها را بدهند. باید پله سوم برای بنزین تعریف شود که جلوی قاچاق را بگیرد؛ نرخ سوم و بازدارنده باشد.» به گزارش ایرنا، وی در پاسخ به سؤالی درباره حذف ارز ترجیحی اظهار کرد: «ارز ترجیحی را نمی‌توان یکباره حذف کرد؛ در دولت شهید رئیسی هم نمی‌توانستیم ارز ۴۲۰۰ تومانی را ادامه دهیم اما الان فاصله ارز ترجیحی با آزاد یک سوم است و فاصله‌اش به قدری نیست که دولت یکباره آن را بردارد.»

منظور با اشاره به اینکه ارز ترجیحی اقلام مورد نیاز سفره مردم را تأمین می‌کند، افزود: «برخی می‌گویند ارز ترجیحی به هدف اصابت نمی‌کند اما اتفاقاً ارز ترجیحی کاملاً به هدف اصابت می‌کند و حذف آن، تورم بالا ایجاد می‌کند؛ همین الان هم تورم نقطه‌ای ۵۰ درصد است و حذف ارز ترجیحی یک شوک دیگر به اقتصاد وارد می‌کند.»

رئیس سابق سازمان برنامه و بودجه افزود: «نظام یارانه‌ای در کشور هنوز کاستی‌هایی دارد و نمی‌دانیم چند درصد مردم مستحق حمایت دولت هستند؛ در حال حاضر ۶۵ درصد مردم در حال اخذ یارانه هستند که نشان می‌دهد هنوز اطلاعات ما از نظام درآمدی خانوارها مشخص نیست؛ کل ارز ترجیحی که می‌دهیم ۱۲ میلیارد دلار است که اتفاقاً عمدتاً مردم ضعیف از آن منتفع می‌شوند. بنابراین حذف ارز ترجیحی به زیان مردم است.»

عکس: اکو ایران

پروژه جدید وزارت اقتصاد چگونه تأمین مالی را تقویت می‌کند؟

پاسخ به صف‌های وام با «فکتورینگ»

گفت‌وگو

امیرحسین جعفری
گروه اقتصادی

«فکتورینگ» نوعی واگذاری صورت‌حساب‌ها به نهاد مالی در ازای نقدشوندگی ۷۰ تا ۹۰ درصد حجم حساب است؛ پروژه‌ای که می‌تواند مسأله تأمین مالی را برای شرکت‌ها تا حد زیادی حل کند. پروژه «فکتورینگ» که سال‌هاست در کشورهای توسعه‌یافته جریان دارد، در ایران نیز آغاز شده است. اروپا تنها در سال ۲۰۲۳ توانست حجم معاملات فکتورینگ را به ۲/۵ تریلیون یورو برساند. در ایران نیز بانک‌های رفاه و ملی با ۴ هزار میلیارد تومان سرمایه، برای این پروژه در نظر گرفته شده‌اند. فکتورینگ در ایران می‌تواند صفوف طولانی وام را تا حد قابل توجهی کاهش داده و بهبود جریان نقدینگی را در جهت اجرایی شدن ماده ۸ قانون حداکثر استفاده از ظرفیت تولیدی به دنبال داشته باشد. پیمانکارها نیز با این سازوکار انگیزه بیشتری برای مشارکت در فرآیندهای تولیدی و همراهی با دولت پیدا خواهند کرد. حوزه فولاد و معادن و صنعت دارو و لاستیک در این فرآیند جزو اولین‌ها قرار دارند؛ اما هنوز جزئیات قابل توجهی از این پروژه وجود دارد که برای شرکت‌ها مبهم است و نیاز به آموزش و شفاف‌سازی در آن بیشتر احساس می‌شود. برای بررسی این موضوع، با حسن گلمرادی، عضو هیأت علمی مؤسسه آموزش بانکداری ایران، گفت‌وگو کردیم که آن را می‌خوانید:

با توجه به لزوم جریان نقدینگی در شرکت‌ها و پروژه‌های پیمانکاری، فکتورینگ چه نقشی در اقتصاد ایران ایفا خواهد کرد؟

فکتورینگ یک شیوه تأمین مالی است که طی آن، بنگاه‌های اقتصادی حساب‌های دریافتنی خود را طی یک قرارداد به یک نهاد مالی واگذار می‌کنند و نهاد مالی نیز در مقابل، خدماتی نظیر مدیریت و وصول حساب‌های دریافتنی را به عهده می‌گیرد. به عبارت دیگر، فکتورینگ فروش حساب‌های دریافتنی به بانک‌ها به صورت تنزیل اسناد با یک نرخ مورد توافق است که برای تأمین مالی و به دست آوردن نقدینگی فوری برای بنگاه‌ها به کار می‌رود و می‌تواند به طور قابل توجهی ریسک نقدینگی بنگاه‌ها را کاهش دهد. در کشور ما یکی از مشکلات ساختاری بنگاه‌ها، به‌خصوص بنگاه‌های کوچک و متوسط، مشکل تأمین نقدینگی مورد نیاز نظیر سرمایه در گردش است.

از طریق فکتورینگ، بانک‌ها می‌توانند به بهبود نقدینگی بنگاه‌ها کمک کنند و مشکل ریسک نقدینگی آنها را برطرف سازند. لازم به ذکر است که طی قرارداد فکتورینگ، امکان واگذاری تمام یا بخشی از مطالبات بین بنگاه و بانک وجود دارد. همچنین بنگاه اقتصادی می‌تواند مطالبات قراردادی محقق‌شده یا محقق‌نشده خود را به نهاد تأمین مالی واگذار و بانک را نسبت به واگذاری تعهد انجام‌شده متعهد کند. با تبدیل مطالبات و حساب‌های دریافتنی، تقاضای بنگاه‌ها برای دریافت اعتبارات بانکی کاهش می‌یابد. اصولاً یکی از کمک‌های بانک‌ها به اقتصاد، موضوع تبدیل سررسید است؛ به این معنا که سررسیدهای مختلف را تنظیم می‌کنند. فکتورینگ این تبدیل سررسید را به‌آسانی انجام می‌دهد. با استفاده از روش فکتورینگ، تأمین مالی از بازار غیررسمی که بعضاً با نرخ ۶۰ درصد در سال و حتی بیشتر صورت می‌گیرد و بحث‌های شرعی نیز درباره این نرخ‌ها مطرح است، کاهش می‌یابد و می‌تواند به کاهش نرخ بهره در اقتصاد کمک کند. کمک دیگر فکتورینگ در اقتصاد، کمک به تأمین مالی زنجیره‌ای است که می‌تواند به بهبود رشد اقتصادی کمک کند. در سطح کلان نیز موضوع فکتورینگ می‌تواند به نوسان‌گیری اقتصاد و اثربخشی سیاست‌های پولی کمک کند.

چرا این سامانه تاکنون در ایران اجرایی نشده است؟

به‌طور خلاصه، برخی از دلایل این موضوع را می‌توان به صورت زیر بیان کرد: کشور ما کشوری بانک‌محور است؛ یعنی اصولاً بار تأمین مالی بر دوش بانک‌هاست، در حالی که در کشورهای دیگر بار تأمین مالی بر دوش بازار سرمایه است. به عبارت دقیق‌تر، در ایران حدود ۸۵ تا ۹۰ درصد تأمین مالی از کانال بانک‌هاست، در حالی که در دنیا این وظیفه بر دوش بازار سرمایه و مقداری بازار پول است. فکتورینگ می‌تواند به توسعه ابزارهای تأمین مالی کمک کند و در گام بعدی به توسعه بازار سرمایه و تأمین مالی از منابع داخلی بنگاه‌ها یاری رساند. در بحث عقب‌ماندگی کشور باید اشاره کرد که یکی از مشکلات کشور ما، عدم تنوع ابزارها برای تأمین مالی‌ها و نیازهای مختلف است. تأمین مالی فکتورینگ نیازمند نهادهای تخصصی است که بعضاً در کشور ما وجود ندارد. در دنیا، بنگاه‌ها رتبه اعتباری دارند و بانک‌ها بر اساس رتبه اعتباری بنگاه‌ها می‌توانند اسناد دریافتنی آنها را تنزیل کنند. بنگاه‌های با رتبه اعتباری ضعیف با نرخ تنزیل بالاتری مواجه خواهند شد و برعکس، بنگاه‌هایی که رتبه اعتباری بهتری دارند، با نرخ تنزیل کمتر و شرایط سهل‌تر فکتورینگ انجام می‌دهند؛ بنابراین بانک‌ها با لحاظ شرایط ریسک اعتباری بنگاه‌ها، نرخ مناسب را تنظیم خواهند کرد. این مشکل در کشور ما وجود دارد که به علت نداشتن مؤسسات رتبه‌بندی بنگاه‌ها، بانک‌ها باید این ارزیابی را انجام دهند که ممکن است تحت تأثیر روابط و توصیه‌ها قرار گیرد. در این رابطه بد نیست اشاره کنم که عدم انعطاف نرخ‌های تنزیل و داشتن دامنه‌های سقف و کف ممکن است بر کم‌وکیف فکتورینگ اثر بگذارد.

آخرین موضوعی که در پاسخ به این سؤال باید اشاره کنم آن است که شرکت‌ها و بانک‌های ایرانی از نظر تاریخی، به جای تأمین مالی مبتنی بر دارایی مانند فکتورینگ، به مالی متکی بر وثایق بانکی وابسته بوده‌اند که به نوعی سبب تأمین مالی مبتنی بر اخذ اعتبار از بانک شده است. وجود صورت‌حساب‌های واقعی و الکترونیکی یکی دیگر از مشکلات اجرایی عدم توسعه فکتورینگ در کشور ما در مقایسه با کشورهای پیشرفته است. بسیاری از صورت‌حساب‌ها و حساب‌های دریافتنی ممکن است به‌صورت صوری باشند که این صوری بودن فاکتورها و اسناد دریافتنی می‌تواند به عدم توسعه فکتورینگ دامن بزند. تأمین مالی زنجیره‌ای می‌تواند به تضعیف اسناد غیرواقعی و توسعه فاکتورینگ کمک کند.

> ابتکار فکتورینگ می‌تواند گامی مثبت به سوی یک مکانیسم تأمین مالی نقدینگی بنگاه‌ها باشد که از مکانیسم‌های غیردستوری و متکی بر بازار تبعیت می‌کند. اما در عین حال، به انتقال ریسک و تغییر ریسک می‌انجامد. اگر این انتقال و تغییر ریسک درست مدیریت شود، منافع آن می‌تواند بر معایب آن بچربد

آیا ساختار اقتصاد ایران می‌تواند خود را با این سیستم هماهنگ کند؟

یکی از مشکلات کشور ما، بخش غیررسمی است که وجود و بزرگی آن می‌تواند مانع توسعه مناسب فکتورینگ شود. نگرانی اصلی این است که فکتورینگ ممکن است به جای توسعه بخش تولیدی و زیربنایی، به توسعه بخش دلالی کمک کند؛ که باید در تنظیم آیین‌نامه‌های اجرایی به این موضوع توجه کرد. نگرانی بعدی این روش آن است که در صورت عدم اجرای صحیح، می‌تواند ریسک نقدینگی را از دولت، بنگاه و شرکت‌ها به بانک‌ها منتقل کند.

به عنوان مثال، اگر اسناد دریافتنی یک بنگاه اسناد قابل وصولی نباشند، در این صورت به نوعی ریسک نقدینگی بنگاه به بانک‌ها منتقل می‌شود که در نهایت می‌تواند به اضافه‌برداشت از بانک مرکزی و خلق تورم کمک کند. یعنی همان عاملی که می‌توانست به رشد تولید و کاهش نقدینگی کمک کند، خود می‌تواند تورم ایجاد کند.

فکتورینگ تا چه حد حجم کار بانک‌ها و وام‌دهی برای تأمین نقدینگی را کاهش می‌دهد، به‌طور کلی، کاهش وام‌ها از طریق فکتورینگ را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

فکتورینگ سبب تغییر در طرف دارایی‌های بانک‌ها می‌شود. با توسعه فکتورینگ، تسهیلات که مهم‌ترین دارایی بانک‌ها بود، با اسناد دریافتنی (مطالبات بنگاه‌ها) جایگزین می‌شود. در چنین شرایطی جابه‌جایی ریسک اعتباری با ریسک نقدینگی صورت می‌گیرد و می‌تواند کفایت سرمایه بانک‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. بانک‌هایی که دارای مشکلات نقدینگی هستند، مثلاً دارایی‌های غیرمنجمد بالایی دارند، نمی‌توانند این جابه‌جایی ریسک را انجام دهند. فکتورینگ اگر به روش درست انجام شود، می‌تواند به بهبود کیفیت دارایی‌های بانک‌ها بینجامد.

نکته آخر؟

ابتکار فکتورینگ می‌تواند گامی مثبت به سوی یک مکانیسم تأمین مالی نقدینگی بنگاه‌ها باشد که از مکانیسم‌های غیردستوری و متکی بر بازار تبعیت می‌کند. اما در عین حال، به انتقال ریسک و تغییر ریسک می‌انجامد. اگر این انتقال و تغییر ریسک درست مدیریت شود، منافع آن می‌تواند بر معایب آن بچربد.

پتانسیل ۲۰ میلیارد دلاری که در سواحل کشور خاک می‌خورد

اقتصاد فراموش شده «دریا»

گزارش

گروه اقتصادی

در کشوری که نزدیک به یک‌سوم مرزهایش را آب احاطه کرده، شاید دریا هنوز به اندازه خاک، در سیاست و اقتصادش حضور ندارد. ایران با داشتن ۵۸۰۰ کیلومتر مرز آبی در شمال و جنوب، در نقطه‌ای نشسته که قلب انرژی جهان می‌تپد؛ یعنی جایی میان هارتلند و ریملند، دو منطقه‌ای که هر تئوری‌پرداز ژئوپلیتیک از مکیندر تا اسپایکمن، درباره‌اش نوشته‌اند. با وجود گذر روزانه میلیون‌ها بشکه نفت از تنگه‌های پیرامونش و دسترسی مستقیم به آب‌های آزاد از طریق مکران، سهم ایران از اقتصاد دریا کمتر از دو درصد است؛ در حالی که برخی کشورها نیمی از تولید ناخالص ملی‌شان را از همین مسیر به دست می‌آورند. از بنادر کم‌رمق و ناوگان محدود گرفته تا گردشگری دریایی تقریباً فراموش شده، تصویر امروز توسعه دریامحور ایران در مقایسه با همسایگان خلیج‌فارس، تضادی آشکار میان ظرفیت و بهره‌برداری است.

فرصت‌های ایران در توسعه اقتصاد دریا

اقتصاد دریامحور در ایران پتانسیل بالایی دارد که از آن جمله می‌توان به ۱۲ بندر در سواحل کشور اشاره کرد. همچنین ۳۴ جزیره ایرانی در خلیج‌فارس با مجموع مساحتی حدود ۱۸۸۴ کیلومترمربع قرار دارد که بیشتر از مساحت سرزمینی ۲۸ کشور دنیاست. علاوه بر این، ۹۶ درصد از واردات و ۸۵ درصد از صادرات ایران از طریق دریا انجام می‌شود و تراکم جمعیتی در سواحل جنوبی ایران نیز به طور میانگین ۳۷ نفر در هر کیلومترمربع است. به لحاظ ظرفیت حمل‌ونقل دریایی، رتبه ۲۴ جهان از آن ایران است و در عین حال در حدود ۳۰ هزار شناور صیادی، باری و تفریحی را در اختیار دارد. با وجود پتانسیل‌های یاد شده، سهم گردشگری دریایی نزدیک به صفر است.

اقتصاد دریا در آینه تاریخ

استفاده از موقعیت ژئوپلیتیکی و جغرافیایی، بویژه دریاها و سواحل، از مهم‌ترین راهبردهای توسعه اقتصادی و آمایش سرزمین در بسیاری از کشورهاست. از گذشته، بهره‌گیری از این موقعیت‌ها در کانون توجه دولت‌ها قرار داشته و بر اساس آن سازمان فضایی کشورهای دریامحور شکل گرفته و جمعیت و فعالیت‌ها در نواحی ساحلی متمرکز شده‌اند، به گونه‌ای که امروز مهم‌ترین و متراکم‌ترین کلان‌شهرهای جهان را شهرهای بندری و ساحلی تشکیل می‌دهند. پیوند تنگاتنگ اقتصاد جهانی و دریا نشان‌دهنده اهمیت بهره‌برداری از ظرفیت‌های سواحل است. از دیدگاه تاریخی و اجتماعی نیز مناطق ساحلی از جذاب‌ترین مناطق برای سکونت و فعالیت‌های اقتصادی و تجاری بوده‌اند. حدود دوسوم جمعیت جهان در فاصله ۶۰ کیلومتری سواحل زندگی می‌کنند و بیش از ۸۰ درصد شهرهای بزرگ جهان در مناطق ساحلی قرار دارند؛ موضوعی که جایگاه مهم توسعه مبتنی بر ظرفیت‌های دریایی را نشان می‌دهد.

اسنادی که بر توسعه اقتصاد دریا تأکید دارند

جمهوری اسلامی ایران نیز به دلیل موقعیت ممتاز جغرافیایی و ژئوپلیتیکی، از ظرفیت بالایی برای توسعه اقتصاد دریامحور برخوردار است. ایران در جنوب غرب آسیا و در مسیر مهم انرژی و حمل‌ونقل دریایی قرار دارد و با برخورداری از منابع عظیم نفت و گاز، سواحل مناسب و نزدیکی به تنگه استراتژیک هرمز، نقش ویژه‌ای در تأمین انرژی منطقه دارد. با این حال، استفاده از این ظرفیت‌ها در مقایسه با کشورهای پیرامون خلیج‌فارس کمتر بوده است. با ابلاغ سیاست‌های توسعه دریامحور در سال ۱۴۰۲، این موضوع در برنامه هفتم پیشرفت (۱۴۰۷-۱۴۰۳) مورد توجه قرار گرفته است. بازتاب آن در فصل دوازدهم با عنوان گذر (ترانزیت) و اقتصاد دریامحور و مواد ۵۶ تا ۶۴ این برنامه، همچنین در برنامه جامع تحقق سیاست‌های کلی توسعه دریامحور (۱۴۰۳) و اسناد آمایش سرزمین (۱۳۹۹) مشهود است که همگی بر ضرورت استفاده بهینه از ظرفیت‌های دریایی کشور تأکید دارند.

اهداف کلیدی سازمان بین‌المللی دریانوردی در تحقق توسعه دریامحور

سازمان بین‌المللی دریانوردی (IMO) به‌عنوان یکی از نهادهای تخصصی سازمان ملل متحد، مسئولیت ایمنی و امنیت کشتیرانی و جلوگیری از آلودگی‌های دریایی ناشی از کشتی‌ها را برعهده دارد. این سازمان با هدف تحقق اقتصاد سبز و توسعه پایدار، توسعه دریامحور پایدار را به‌عنوان یکی از اهداف اصلی خود تعیین کرده است. بر اساس گزارش‌های منتشر شده، این سازمان با عضویت ۱۶۷ کشور که حدود ۹۸ درصد ناوگان جهانی کشتیرانی را در اختیار دارند، دستیابی به توسعه دریامحور پایدار را از مسیر اجرای مجموعه‌ای از اقدامات کلیدی دنبال می‌کند. این اقدامات شامل توسعه و به اجرا گذاشتن استانداردهای جهانی کشتیرانی سبز و پایدار، اقدامات فنی و عملیاتی برای ارتقای کارایی در مصرف انرژی و سوخت‌های فسیلی، توسعه فناوری‌های نوین برای ارتقای ایمنی، حفاظت محیط زیست، دستیابی به انرژی‌های پاک در راستای پاسخ به چالش‌های کنونی و آتی صنعت حمل‌ونقل دریایی و سایر صنایع مستقر مناطق ساحلی و فراساحلی، حمایت و پشتیبانی از تحصیلات و آموزش برای حصول اطمینان از تأمین نیروی انسانی کیفی در تمام بخش‌های عملیاتی و کارشناسی صنایع دریایی (از جمله کشتیرانی، کشتی‌سازی و صنایع تجهیزات دریایی و...)، بهبود امنیت دریانوردی با اجرای برنامه‌های بین‌المللی امنیت دریانوردی، مقابله با دزدی دریایی و مکانیسم‌های اعمال قوانین مناطق امنیتی دریانوردی و امنیت زنجیره تأمین، بهبود مدیریت ترافیک دریانوردی در تنگه‌ها و نواحی دریایی حائز اهمیت از منظر ناوبری دریایی، بهبود زیرساخت‌های دریانوردی شامل تسهیلات کمک ناوبری، تجسس و نجات، تسهیلات بندری و همکاری‌های فنی در زمینه زیرساخت‌های دریانوردی در تمام بخش‌های جهان است.

توسعه دریامحور از دیدگاه ملی

در سطح جهانی و منطقه‌ای، توسعه دریامحور با هدف تعیین وظایف و مسئولیت‌ها، تقسیم کار، کاهش تعارضات کاربری‌ها، کاهش آثار ناشی از بهره‌برداری از منابع دریایی و ایجاد هماهنگی و هم‌افزایی منطقه‌ای و بین‌المللی دنبال می‌شود. این رویکرد در پی تضمین پایداری اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی است.

در سطح ملی نیز هرچند سیاست‌ها و راهبردها متأثر از معاهدات و رویکردهای جهانی‌اند، اما هدف اصلی، استفاده و بهره‌برداری پایدار از منابع و ظرفیت‌های ساحلی و دریایی بر اساس اصول توسعه پایدار است. با این حال، وجود تعارض منافع میان بخش‌های مختلف دریامحور همچون صنایع نفت و گاز، شیلات، حمل‌ونقل و محیط زیست، ضرورت مدیریت و کاهش این تعارضات را برجسته کرده است. در همین راستا، تنظیم روابط میان کاربری‌های مختلف و سازگاری آنها با محیط زیست از مهم‌ترین وظایف برنامه‌ریزان توسعه دریامحور پایدار به شمار می‌رود. اولین گام در مسیر توسعه دریامحور، ایجاد درک و باور مشترک در میان سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و ذی‌نفعان نسبت به ضرورت‌های توسعه مبتنی بر اصول پایداری است. پس از آن باید نقشه راهی جامع و مشارکتی با حضور تمامی بخش‌های دولتی و خصوصی تدوین شود تا منافع و دغدغه‌های همه گروه‌ها مدنظر قرار گیرد. به‌عنوان نمونه، در سند توسعه دریامحور کشور آلمان، محورهایی مورد توجه قرار گرفته‌اند که شامل کشتی‌سازی، بنادر و پسکرانه‌ها، مسیرهای کشتیرانی، انرژی‌های تجدیدپذیر، شبکه‌های انتقال انرژی، حفاظت از محیط زیست و نوار ساحلی، کنترل آلودگی، شیلات و کشاورزی، استخراج مواد خام، دفاع و امنیت دریایی، گردشگری، سکونتگاه‌های شهری پایدار، ارزیابی ریسک و پدافند غیرعامل است.

تدوین و اجرای اقتصاد آبی

اقتصاد دریامحور در سطح جهانی با عناوینی چون اقتصاد آبی، دریایی یا اقیانوسی یاد می‌شود و تعریف واحدی ندارد؛ از این رو ایران نیز در حال مفهوم‌سازی بومی برای آن است. بر اساس اجماع کارگروه اقتصاد دریامحور متشکل از ۱۴ دستگاه اجرایی (سازمان برنامه و بودجه، ۱۴۰۲)، تعریف منتخب اقتصاد دریامحور در ایران به شرح زیر است: «اقتصاد دریامحور به معنای استفاده پایدار از ظرفیت منابع و گستره‌های آبی اعم از اقیانوس‌ها، دریاها، سواحل، پسکرانه‌ها و جزایر برای رشد اقتصادی، بهبود معیشت، ایجاد اشتغال و افزایش تولید ناخالص داخلی است.» حوزه‌های اصلی آن شامل حمل‌ونقل، ترانزیت و لجستیک دریایی (خدمات بندری، بانکرینگ و...)، گردشگری ساحلی و دریایی، صنایع دریایی (ساخت، تعمیر و اوراق شناور)، شیلات و آبزی‌پروری، تأمین آب از دریا و حفاظت از محیط زیست دریایی است.

> در حالی که ظرفیت ترانزیتی کشور می‌تواند سالانه ۲۰ میلیارد دلار درآمد و یک میلیون شغل ایجاد کند، بیکاری در استان‌های جنوبی به حدود ۱۲ درصد رسیده و بسیاری از ظرفیت‌های ساحلی بلااستفاده مانده‌اند

غفلت‌های ایران در اقتصاد دریایی

نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در گزارشی در سال ۱۴۰۳ با عنوان فصلنامه سیاست کلان؛ ویژه سیاست‌های کلی توسعه دریامحور، به بررسی جایگاه جمهوری اسلامی ایران در حوزه دریایی پرداخته است. در این گزارش اشاره شده است که سواحل مکران و استان‌های جنوبی ایران با وجود موقعیت و منابع غنی، همچنان از ضعف زیرساخت‌های حمل‌ونقل و صنعتی رنج می‌برند. همچنین چهار استان ساحلی جنوب، تنها میزبان ۱۲ درصد جمعیت هستند؛ در حالی که در جهان، بیش از نیمی از جمعیت در نواحی ساحلی زندگی می‌کنند. سهم اقتصاد دریایی ایران از تولید ناخالص داخلی حدود ۲ درصد است؛ رقمی بسیار پایین‌تر از میانگین جهانی که در برخی کشورها به ۵۰ درصد می‌رسد. همچنین سهم ایران در آبزی‌پروری کمتر از نیم درصد، در ناوگان تجاری زیر یک درصد و در کشتی‌سازی فقط یک‌دهم درصد است. در حالی که ظرفیت ترانزیتی کشور می‌تواند سالانه ۲۰ میلیارد دلار درآمد و یک میلیون شغل ایجاد کند، بیکاری در استان‌های جنوبی به حدود ۱۲ درصد رسیده و بسیاری از ظرفیت‌های ساحلی بلااستفاده مانده‌اند. ایران در هیچ‌یک از فهرست‌های برتر جهانی در حوزه‌های کشتیرانی، اپراتوری بندری، ساخت کشتی، خدمات دریایی یا آموزش مهندسی دریایی حضور ندارد. در بخش شیلات نیز جایگاه ایران پایین است؛ رتبه ۲۴ در تولید محصولات دریایی و رتبه ۲۶ در صید، در حالی که سرانه مصرف غذای دریایی در کشور کمتر از نصف میانگین جهانی است.

بنابراین برای تدوین و اجرای توسعه دریامحور باید با اتخاذ مجموعه‌ای از راهبردها و سیاست‌ها و با استفاده از سازوکارهای مختلف از جمله سازماندهی، تخصیص بهینه منابع، تعریف نقش‌ها، مسئولیت‌ها و کارکردها، تدوین برنامه‌ها در بازه‌های زمانی مشخص، ایجاد هماهنگی بین بخش‌ها و ذی‌نفعان مختلف، رعایت اصول پایداری محیط زیست، استفاده از ظرفیت‌های بخش‌های غیردولتی و همچنین تقویت همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و اتصال به کریدورهای حمل‌ونقلی و زنجیره‌های ارزش جهانی در مناطق ساحلی و دریایی و سایر ملاحظات، در سطح ملی حاکم شود.

عکس: سجاد صفری / ایران

اوراق و صندوق‌های ارزی چگونه می‌تواند رفتار سرمایه‌گذاری ایرانی‌ها را تغییر دهد؟

بازاری تازه برای دارایی‌های زیر بالشت‌ها

گزارش

حبیب‌آرین
گروه بورس

سال‌هاست بخش بزرگی از دارایی‌های ارزی مردم بیرون از مدار رسمی اقتصاد در گردش است؛ دارایی‌هایی که در واکنش به نوسان‌های شدید نرخ ارز و نبود ابزارهای پوشش ریسک، به شکل «دارایی‌های احتیاطی» نگهداری شده‌اند. این هفته با تصویب کلیات طرح ایجاد بازار اوراق و صندوق‌های ارزی در شورای عالی بورس، چشم‌اندازی تازه پیش روی سیاست‌گذار قرار گرفته است؛ چشم‌اندازی که در صورت طراحی درست، می‌تواند جریان این منابع را از مسیرهای غیررسمی به سازوکارهای شفاف و مولد هدایت کند و رابطه مردم با نظام مالی را وارد دوره‌ای جدید کند.

نخستین نشانه‌های تغییر در سیاست ارزی

اعلام تصویب کلیات طرح بازار اوراق و صندوق‌های ارزی در نشست اخیر هیأت نمایندگان اتاق تهران، نقطه تمایز مهمی با تجربه‌های پیشین در سیاست‌گذاری ارزی دارد. سال‌ها ایده انتشار اوراق ارزی مطرح می‌شد، اما هیچ‌گاه به مرحله‌ای نرسید که بازار سرمایه میزبان ساختارمند آن باشد. طرح‌های اولیه بانک مرکزی برای انتشار این اوراق به دلیل نبود زیرساخت نهادی، الزام‌های نظارتی یا امکان مدیریت تعهدات ارزی، به اجرا نرسید یا در میانه راه متوقف شد.

اما اکنون شرایط متفاوت است. بازار سرمایه دوره‌ای از بلوغ نهادی را پشت سر گذاشته و ابزارهای نوین مالی در سال‌های اخیر جایگاه پررنگ‌تری یافته‌اند.

از سوی دیگر، نیاز اقتصاد به استفاده از ظرفیت‌های ارزی داخلی بیش از هر زمان آشکار شده است. این دو عامل زمینه‌ای فراهم کرده که طرح جدید نه‌تنها روی کاغذ، بلکه در بستری قابل اجرا پیگیری شود.

تجربه موفق انتشار اوراق مرابحه ارزی برای پروژه پالایش گاز بیدبلند نیز به‌عنوان مصداقی قابل استناد اهمیت دارد. این تجربه نشان داد که اگر ساختار انتشار، بازپرداخت و پوشش ریسک به‌درستی تعریف شود، بازار نه‌تنها از ابزار ارزی استقبال می‌کند، بلکه توان تأمین مالی پروژه‌های بزرگ را هم دارد. همین تجربه اکنون پشتوانه مهمی برای اعتمادسازی در مسیر توسعه ابزارهای ارزی جدید محسوب می‌شود.

نیاز پنهان جامعه به ابزار رسمی پوشش ریسک

اقتصاد ایران طی سال‌های گذشته شاهد شکل‌گیری رفتارهایی تدافعی برای حفظ ارزش دارایی. نگهداری ارز و طلا در خانه، خریدهای پراکنده در بازار غیررسمی و واکنش‌های هیجانی به نوسان‌های مقطعی نرخ ارز نمونه‌هایی از این روند است. ریشه همه این رفتارها را باید در نبود ابزارهای پوشش ریسک معتبر و قابل نظارت جست‌وجو کرد؛ ابزاری که بتواند به مردم اجازه دهد بدون ورود به بازارهای غیرشفاف، ارزش سرمایه خود را حفظ کنند.

ایجاد صندوق‌ها و اوراق ارزی می‌تواند این خلأ را برطرف کند. در چنین بازاری، سرمایه‌گذار می‌تواند دارایی خود را در برابر نوسان‌ها محافظت کند، بدون آنکه درگیر قیمت‌های غیرواقعی یا معاملات پرریسک شود. این مدل نه‌تنها باعث کاهش تقاضای سفته‌بازانه می‌شود، بلکه به تدریج حجم تراکنش‌های بازار غیررسمی را کاهش می‌دهد و مسیر جریان نقدینگی را به سمت فعالیت‌های مولد تغییر می‌دهد.

> ایجاد صندوق‌ها و اوراق ارزی نه‌تنها باعث کاهش تقاضای سفته‌بازانه می‌شود، بلکه به تدریج حجم تراکنش‌های بازار غیررسمی را کاهش می‌دهد و مسیر جریان نقدینگی را به سمت فعالیت‌های مولد تغییر می‌دهد

عبور از مدیریت دستوری به نهادی‌سازی

مهدی زارع‌پور، مدیر صندوق‌های سرمایه‌گذاری تأمین سرمایه خلیج فارس، در گفت‌وگو با روزنامه ایران تصویب کلیات این طرح را یکی از مهم‌ترین نقاط چرخش سیاست ارزی می‌داند. به گفته او، این طرح بیش از آنکه یک ابزار مالی باشد، بیانگر تغییر رویکرد سیاست‌گذار است؛ تغییری از مداخله مستقیم در نرخ‌ها به سمت طراحی ابزارهایی که نیاز سرمایه‌گذار را به شکل نهادی و قانونمند پاسخ می‌دهد.

زارع‌پور بر این باور است که اقتصاد ایران سال‌ها با پدیده انباشت گسترده دارایی‌های ارزی و طلایی در خانه‌ها روبه‌رو بوده است. او این دارایی‌ها را «سرمایه‌های خاموش» می‌نامد که به جای آنکه وارد چرخه تولید شوند، در گوشه‌ای راکد می‌مانند و تنها در زمان بی‌ثباتی‌ها وارد بازار می‌شوند. همین رفتار باعث شده بخشی از تقاضای بازار ارز از جنس حفظ ارزش شکل بگیرد نه از جنس تجارت یا سرمایه‌گذاری.

به اعتقاد این کارشناس، طرح ایجاد بازار اوراق و صندوق‌های ارزی می‌تواند اولین گام عملی در تبدیل رفتارهای احتیاطی به مشارکت اقتصادی باشد. او می‌گوید اگر تنها بخش کوچکی از این دارایی‌ها به ابزارهای نوین مالی منتقل شود، ظرفیت عظیمی برای تأمین مالی پروژه‌های توسعه‌ای ایجاد خواهد شد؛ پروژه‌هایی که بازپرداخت آنها ارزی است و می‌توانند نقش مهمی در رشد پایدار اقتصادی داشته باشند.

پل اتصال بانک، بیمه و بازار سرمایه

یکی از جنبه‌های کمتر مورد توجه، پیوندی است که میان سه رکن اصلی نظام مالی ایجاد می‌کند. زارع‌پور ساختار این بازار را «پلی میان بانک، بیمه و بازار سرمایه» توصیف می‌کند. به گفته او، بانک‌ها می‌توانند زیرساخت لازم برای نگهداری دارایی پایه و ایجاد حساب‌های ارزی امن را تأمین کنند. صنعت بیمه می‌تواند پوشش ریسک انتقال ارز یا نکول را در اختیار بگذارد و بازار سرمایه نیز با شفافیت معاملاتی، قیمت‌گذاری دقیق و نقدشوندگی، بستر اعتماد عمومی را فراهم کند.

این یکپارچگی می‌تواند منجر به شکل‌گیری مدلی کامل برای مدیریت ریسک شود؛ مدلی که در آن هر ضلع نقشی مکمل دارد و نتیجه آن کاهش رفتارهای هیجانی، افزایش شفافیت و ورود سرمایه به پروژه‌های مولد است. زارع‌پور تأکید می‌کند که چنین بازاری در بلندمدت می‌تواند به «سپر دفاعی» اقتصاد در برابر شوک‌های ارزی تبدیل شود و به مدیریت جریان‌های مالی کشور نظم بیشتری بخشد.

چالش‌های پیش رو و ضرورت اعتمادسازی

با آنکه تصویب کلیات طرح، گامی بزرگ به شمار می‌آید، اما مسیر اجرای آن همچنان نیازمند دقت، انضباط و شفافیت است. کارشناسان هشدار می‌دهند که هرگونه مداخله غیرضروری یا محدودیت‌های ناگهانی می‌تواند اعتماد عمومی را تحت تأثیر قرار دهد. نقش بانک مرکزی در نحوه ورود و نظارت بر این بازار یکی از حساس‌ترین نقاط است؛ چرا که تعارض میان سیاست پولی و سازوکار بازار می‌تواند به بی‌ثباتی منجر شود.

از سوی دیگر، نحوه بازپرداخت تعهدات ارزی، الزامات مربوط به نقدشوندگی، کفایت بازار ثانویه و میزان شفافیت از عواملی هستند که می‌توانند مشارکت مردم را تقویت یا تضعیف کنند. تجربه‌های گذشته نشان داده هرگاه وعده‌ها درباره ابزارهای ارزی با ابهام مواجه شده، اعتماد عمومی آسیب دیده است. بنابراین موفقیت این طرح وابسته به آن است که تمام فعالیت‌ها با حداکثر شفافیت اجرا و نظارت شود و از هرگونه تصمیم ناگهانی پرهیز گردد.

آغاز فصل تازه‌ای در حکمرانی ارزی

طرح ایجاد بازار اوراق و صندوق‌های ارزی، اگر به‌درستی اجرا شود، می‌تواند نقطه آغاز تغییرات ساختاری در رفتار ارزی جامعه باشد. این بازار شکاف میان نیاز مردم برای حفظ ارزش دارایی و نیاز اقتصاد برای تأمین مالی پروژه‌های بزرگ را پر می‌کند و امکان می‌دهد که سرمایه‌گذار خرد با ابزارهای شفاف و قابل نظارت تصمیم بگیرد، نه تحت تأثیر نوسان‌های لحظه‌ای.

این طرح همچنین می‌تواند به تدریج مدل رابطه مردم با دارایی‌های ارزی را تغییر دهد؛ از یک رابطه مبتنی بر احتیاط و نگرانی، به رابطه‌ای مبتنی بر اعتماد و مشارکت. در نهایت، موفقیت این مسیر بستگی به نحوه اجرای آن، نقش‌آفرینی هماهنگ نهادها و مهم‌تر از همه، سازوکاری دارد که به مردم نشان دهد رفتار عقلانی نه‌تنها امکان‌پذیر است بلکه می‌تواند سودمندتر و مطمئن‌تر باشد.

> اقتصاد ایران طی سال‌های گذشته شاهد شکل‌گیری رفتارهایی بوده که از جنس سرمایه‌گذاری نیستند؛ رفتارهایی تدافعی برای حفظ ارزش دارایی. نگهداری ارز و طلا در خانه. ریشه همه این رفتارها را باید در نبود ابزارهای پوشش ریسک معتبر و قابل نظارت جست‌وجو کرد

آگهی دعوت از بستانکاران شرکت بازرگانی و خدمات پس از فروش همگام (سهامی خاص) در حال تصفیه
نوبت اول
دراجرای ماده ۲۲۵ اصلاحیه قانون تجارت از تمامی بستانکاران شرکت در حال تصفیه (سهامی خاص) به شماره ثبت ۱۶۷۳۷۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۰۹۹۰۲۵ که آگهی انحلال آن در صفحه ۴۳ روزنامه رسمی کشور به شماره ۲۲۱۸۲ مورخ ۱۴۰۰/۰۲/۲۶ درج گردیده است، دعوت به عمل می آید تا ظرف مدت حداکثر ۶ ماه از تاریخ انتشار آگهی نوبت اول با ارایه مدارک مثبته ادعای خود، به مدیر تصفیه آقای جعفر موحدنژاد به شماره ملی ۰۰۵۱۷۳۶۱۹۵ مستقر در آدرس کیلومتر ۱۳ جاده مخصوص کرج، شرکت تهیه و توزیع قطعات و لوازم یدکی ایران خودرو با کدپستی ۱۳۸۹۹۱۳۶۵۷ مراجعه نمایند. بدیهی است شرکت و مدیر تصفیه در مورد هرگونه ادعای احتمالی که خارج از مدت فوق به شرکت منعکس گردد، مسئولیتی نخواهند داشت.
مدیر تصفیه شرکت بازرگانی و خدمات پس از فروش همگام در حال تصفیه (سهامی خاص)
جعفر موحدنژاد
ایساکو
تامین قطعات | تضمین خدمات
www.isaco.ir

آگهی تغییرات شرکت سهامی خاص گلچین رسانه هوشمند
به شناسه ملی ۱۰۱۰۲۶۵۷۲۴۷ و به‌شماره ثبت ۲۲۴۵۱۰
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۲۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد روزنامه کثیرالانتشار ایران جهت نشر آگهی‌های شرکت تعیین گردید. به استناد مجوز شماره ۱۴۰۴/۱/۱۸۷۴۴ مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۸ اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان تهران اقدام گردید.
شناسه ۲۰۵۳۶۷۲
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران

آگهی مزایده عمومی فروش سهام
شرکت پتروشیمی تبریز
شماره ۱۴۰۴/۰۲
نوبت دوم
شرکت سرمایه‌گذاری توسعه پیشرو رفاه پردیس در نظر دارد نسبت به‌فروش ۴،۵ درصد از سهام شرکت پتروشیمی تبریز به تعداد ۲۲۴،۲۵۲،۴۴۳ سهم به ارزش ۱۶،۸۱۸،۹۳۳،۲۲۵،۰۰۰ ریال از طریق برگزاری مزایده عمومی به اشخاص حقیقی و حقوقی ذیصلاح اقدام نماید. متقاضیان خرید سهام مزبور می‌توانند از تاریخ انتشار این آگهی حداکثر تا پایان وقت اداری روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۰۵ با در دست داشتن معرفی‌نامه کتبی مشتمل بر درج شماره شناسه ملی (اشخاص حقوقی) به‌همراه کد ملی (اشخاص حقیقی) در ساعات اداری به شرکت سرمایه‌گذاری توسعه پیشرو رفاه پردیس، به آدرس: تهران، میدان شیخ بهایی، خیابان اوستا، خیابان ده ونک، ساختمان سینا، پلاک ۳، طبقه ۶ مراجعه و اسناد مزایده را دریافت نمایند (شماره‌های تماس: ۰۲۱۸۸۶۲۱۴۴۸-۰۲۱۸۸۶۲۹۰۰۱).
شرایط شرکت در مزایده:
۱- ارزش پایه معامله و شرایط پرداخت ثمن معامله به‌شرح جدول ذیل به‌اطلاع متقاضیان می‌رسد.
مبالغ به ریال

نام شرکت	پتروشیمی تبریز(سهامی عام)
سرمایه ثبت شده	۴،۹۸۲،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰
تعداد سهام قابل واگذاری	۲۲۴،۲۵۲،۴۴۳
قیمت پایه کل سهام قابل واگذاری	۱۶،۸۱۸،۹۳۳،۲۲۵،۰۰۰
مبلغ سپرده شرکت در مزایده	۱،۳۴۵،۵۱۴،۶۵۸،۰۰۰
شرایط واگذاری[1]	نقد و اقساط به‌صورت ۸۰ درصد نقد و الباقی اقساط ۳ ماهه طی ۳ سال با نرخ سود ۲۳ درصد سالیانه

[1] قیمت اعلامی، قیمت پایه بوده و اولویت واگذاری به ترتیب:
۱- با خریدارانی است که متقاضی خرید نقدی بوده و قیمتی بالاتر از قیمت پایه را پیشنهاد نمایند.
۲- با خریدارانی است که حصه نقدی بیشتر و قیمتی بالاتر از قیمت پایه را پیشنهاد نمایند.
۲- سپرده شرکت در مزایده معادل ۱۰ درصد ارزش حصه نقدی ثمن معامله می‌باشد که می‌بایستی به‌صورت وجه نقد واریزی به‌حساب شماره ۲۹۹۱۲۶۲۰ به‌نام شرکت سرمایه‌گذاری توسعه پیشرو رفاه پردیس نزد بانک رفاه کارگران شعبه دادمان یا ضمانت‌نامه بانکی معتبر، غیر از بانک رفاه کارگران با اعتبار سه ماهه به‌صورت عندالمطالبه قابل تمدید و بی‌قید و شرط ارائه گردد. حق فروشنده جهت بررسی، قبول یا رد و درخواست اصلاح متن ضمانت‌نامه در مهلت محدود، محفوظ و متقاضی مکلف به رعایت آن است.
۳- متقاضیان می‌بایست پیشنهادات خود را نسبت به کل سهام عرضه شده، حداکثر تا پایان وقت اداری روز یک‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۰۹ به نشانی اعلام شده فوق تحویل و رسید دریافت نمایند. بدیهی است به پیشنهاداتی که بعد از موعد مقرر واصل گردد ترتیب اثر داده نخواهد شد.
۴- شرکت در مزایده به معنی اطلاع و آگاهی کامل متقاضی نسبت به شرایط شرکت بوده و خریدار با شرکت در مزایده کلیه اختیارات خصوصاً خیار غبن ولو فاحش را از سوی خود سلب و اسقاط می‌نماید.
۵- چنانچه برنده مزایده ظرف مهلت مقرر از تاریخ ابلاغ توسط مزایده‌گزار نسبت به امضای قرارداد تدوین شده توسط حوزه حقوقی شرکت و پرداخت بخش نقدی ثمن معامله و ارائه اسناد تضمین اقدام ننماید، هیچ‌گونه ادعایی نسبت به سپرده شرکت در مزایده نخواهد داشت و مزایده‌گزار می‌تواند ضمانت‌نامه بانکی ارائه شده را به نفع خود ضبط نماید.
۶- پاکت‌های مزایده در ساعت ۱۰:۰۰ صبح روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۲ در سالن جلسات شرکت سرمایه‌گذاری توسعه پیشرو رفاه پردیس در آدرس مذکور مفتوح خواهد گردید. حضور پیشنهاد دهندگان یا نماینده قانونی آنان در جلسه با ارائه مدارک شناسایی یا معرفی‌نامه معتبر، مجاز می‌باشد. در جلسه مزبور صرفاً خریداران حائز رتبه‌های اول و دوم معرفی گردیده و برنده نهایی متعاقباً اعلام خواهد شد.
۷- استرداد سپرده شرکت در مزایده برنده دوم(وجه نقد/ضمانت‌نامه بانکی معتبر - وفق بند ۲) منوط به انعقاد قرارداد و تسویه کامل بخش نقدی ثمن معامله و دریافت اسناد تضمین از برنده اول مزایده می‌باشد. سپرده شرکت در مزایده سایر مزایده‌گران پس از برگزاری جلسه مزایده مسترد می‌گردد.
۸- فروشنده در رد یا قبول هر یک از/ کلیه پیشنهادات واصله مختار است.

آگهی مناقصه عمومی صنایع خودروسازی شهید شاهمرادی اصفهان
شماره مناقصه ۹۱-۱۴۰۴/۱۰۰
این صنایع در نظر دارد اقلام ذیل را از طریق مناقصه از تأمین‌کنندگان واجد شرایط خریداری نماید. لذا کلیه شرکت‌هایی که در این زمینه دارای تجربه، تخصص و توانایی لازم می‌باشند می‌توانند از تاریخ انتشار آگهی ظرف مدت ۱۰ روز ضمن هماهنگی با شماره تلفن ۰۳۱۵۲۳۲۲۷۴۳ و تلفکس ۰۳۱۵۲۳۲۲۹۹۲ جهت دریافت فرم پیشنهاد قیمت و شرکت در مناقصه ارتباط حاصل نمایند.
۱- خرید مجموعه باک خودرو
هزینه درج آگهی بر عهده برنده مناقصه می‌باشد.
روابط عمومی صنایع شهید شاهمرادی زرین خودرو (اصفهان)

نوبت دوم
آگهی فراخوان عمومی
مزایده شماره: AK-T-P-04-15
شرکت پتروشیمی امیرکبیر
مزایده گزار: شرکت پتروشیمی امیرکبیر
موضوع مزایده: عبارت است از فروش حلال‌های آلی ضایعاتی (پارافینی + ناخالصی) واحد LDPE مجتمع پتروشیمی امیرکبیر
متن کامل آگهی فوق در سایت شرکت پتروشیمی امیرکبیر به آدرس www.akpc.ir قابل رؤیت می‌باشد. متقاضیان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۰۶۱-۵۲۱۷۴۹۶۵ و ۰۶۱-۵۲۱۷۴۹۶۲ تماس حاصل نمایند.
درج این آگهی هیچ‌گونه تعهدی برای دستگاه مزایده‌گزار ایجاد نمی‌نماید.
شرکت پتروشیمی امیرکبیر

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده شرکت صنایع پتروشیمی شهید رئیسی گلستان (سهامی عام) به روش حضوری و الکترونیکی
شماره ثبت ۵۷۵۷ - شناسه ملی ۱۰۷۰۰۱۴۴۵۸۲ اداره ثبت شرکت‌ها و مالکیت صنعتی شهرستان گرگان سرمایه ۵،۰۰۰،۰۰۰ ریال
بدین‌وسیله از کلیه سهامداران، وکیل یا قائم مقام قانونی صاحب سهم و همچنین نماینده یا نمایندگان تام الاختیار اشخاص حقوقی سهامدار شرکت صنایع پتروشیمی شهید رئیسی گلستان(سهامی عام) دعوت می‌گردد در جلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده شرکت با دستور جلسه ذیل که در ساعت ۱۰:۰۰ صبح روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۲ در محل "سالن همایش‌های شرکت صنایع پتروشیمی خلیج‌فارس" به آدرس استان تهران، شهر تهران، میدان هفت‌تیر، ابتدای بلوار کریم خان زند، شماره ۳۸، ساختمان شرکت صنایع پتروشیمی خلیج‌فارس، طبقه همکف برگزار می‌گردد، حضور بهم رسانده و یا از طریق الکترونیکی به تارنمای https://mymajma.com مراجعه نمایند.
دستورجلسه:
۱) انتخاب اعضای هیأت‌مدیره
۲) سایر موارد قابل طرح که در صلاحیت مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده است.
نحوه حضور در جلسه(حضوری و الکترونیکی): مجمع به‌صورت حضوری و الکترونیکی برگزار می‌گردد. با عنایت به اینکه رأی‌گیری صرفا به روش الکترونیکی صورت می‌پذیرد، سهامدارانی که تمایل دارند به‌صورت الکترونیکی در مجمع شرکت کنند، می‌توانند از تاریخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۱ به تارنمای https://mymajma.com مراجعه نموده و ضمن اعلام حضور، سؤالات خود را مطرح نمایند.
هیات‌مدیره شرکت صنایع پتروشیمی شهید رئیسی گلستان(سهامی عام)

شرایط فروش

بهای فولکس واگن تمام برقی با افزایش قیمت اعلام شد

شرکت عرضه‌کننده فولکس‌واگن ID.UNYX در ایران، قیمت نهایی این کراس‌اوور تمام‌برقی را برای مدل‌های ۲۰۲۴ و ۲۰۲۵ اعلام کرد. بر اساس اطلاع‌رسانی انجام‌شده، تیپ اولترا که پیش‌تر با قیمت ۴ میلیارد و ۴۶۵ میلیون تومان عرضه می‌شد، اکنون برای مدل ۲۰۲۵ با افزایش ۱۲۵ میلیون تومانی، ۴ میلیارد و ۵۹۰ میلیون تومان قیمت‌گذاری شده است. همچنین تیپ پیور برای اولین‌بار در بازار ایران با قیمت ۳ میلیارد و ۸۸۰ میلیون تومان معرفی شده است. ID.UNYX یکی از جدیدترین محصولات الکتریکی فولکس‌واگن است که بر پایه پلتفرم اختصاصی گروه فولکس‌واگن با نام MEB طراحی شده و در سال ۲۰۲۴ به بازار معرفی شده است. طراحی کوپه‌شکل، بدنه مدرن و استفاده از فناوری‌های روز دنیا، این کراس‌اوور را به گزینه‌ای خاص در میان خودروهای الکتریکی تبدیل کرده است. فولکس واگن آی دی یونیکس از یک موتور تمام الکتریکی بهره می‌برد که حداکثر ۲۲۸ اسب بخار قدرت و ۳۱۰ نیوتن متر گشتاور تولید می‌کند. توان تولیدی این موتور از طریق یک گیربکس تک سرعته با قابلیت بازیافت انرژی به چرخ‌های عقب منتقل می‌شود. این مشخصات فنی می‌تواند این خودروی ۲۱۶۶ کیلوگرمی را در ۷٫۷ ثانیه از حالت سکون به سرعت ۱۰۰ کیلومتر بر ساعت برساند. حداکثر سرعت این خودرو نیز ۱۶۰ کیلومتر بر ساعت اعلام شده است. بر اساس استاندارد CLTC، این خودرو با یک بار شارژ کامل می‌تواند رنج پیمایش معادل ۶۱۴ کیلومتر را طی کند. اما در چرخه واقع‌بینانه WLTP، این عدد به حدود ۴۰۰ کیلومتر کاهش می‌یابد.

ماشین وارداتی

بنز هم برقی شد!

در دوره‌ای که صحبت از انرژی پاک و حرکت به سمت تکنولوژی‌های روز دنیاست، نام برندهای معروف خودرویی هم در کنار برقی‌ها به چشم می‌خورد تا جایی که بگوییم بنز هم برقی شد! و اتفاقاً به ایران هم آمده است.

یک شرکت واردکننده خصوصی اقدام به واردات بنز برقی کرده و اتفاقاً شرایط فروش آن نیز به‌تازگی اعلام شده است. مرسدس بنز EQB 260 برقی با قیمت قطعی ۸ میلیارد تومان برای فروش به بازار آمده است. این خودرو با توانایی پیمایش حدود ۵۰۰ کیلومتر در هر بار شارژ، از باتری‌های لیتیوم یونی با فناوری روز بهره می‌برد و با سیستم دیفرانسیل جلو ارائه می‌شود. فضای داخلی مجهز به صفحه نمایش بزرگ MBUX، سیستم صوتی باکیفیت و طراحی ارگونومیک، رانندگی و سواری راحتی را ارائه می‌دهد. از مزایای دیگر آن می‌توان به شتاب سریع، مصرف انرژی بهینه، کاهش آلایندگی و قابلیت شارژ سریع اشاره کرد. EQB با برد واقعی حدود ۵۰۰ کیلومتر، شارژ سریع ۳۵ دقیقه‌ای (۱۰-۸۰ درصد) و امکاناتی نظیر سیستم صوتی Burmester، سقف پانورامیک و فناوری UX، ترکیبی منحصربه‌فرد از لوکس و کاربری روزمره ارائه می‌دهد.

پیشنهاد خودرو

ماکسیما همچنان سدان محبوب و پرطرفدار

ماکسیما یکی از معدود خودروهایی است که با ورودش به ایران در اوایل دهه ۸۰، خیلی زود به «چهره محبوب جاده‌ها» تبدیل شد.

ترکیب قدرت موتور شش سیلندر، نرمی خاص خودروهای ژاپنی و وقاری که در طراحی‌اش موج می‌زد، باعث شد خیلی‌ها آن را نماد یک سدان قدرتمند و بی‌دردسر بدانند. حضور ماکسیما در خیابان‌ها همیشه نوعی حس اعتماد و کلاس ایجاد می‌کرد؛ انگار راننده‌اش دنبال زرق‌وبرق نبود، اما کیفیت را بی‌چون‌وچرا می‌خواست. بعد از توقف تولید، تصور می‌شد محبوبیتش کم‌رنگ شود، اما دقیقاً برعکس شد. در بازار دست‌دوم، ماکسیما مثل یک دارایی مطمئن باقی ماند. دوام فنی، کم‌خرج بودن نسبت به توان و البته نگاه مثبت مردم به برند ژاپنی باعث شد که این ماشین همچنان روی بورس بماند و خریداران خاص خودش را داشته باشد؛ خریدارانی که می‌دانند پشت فرمان ماکسیما چه احساسی انتظارشان را می‌کشد.

امروز با اینکه بیش از یک دهه از پایان تولیدش می‌گذرد، قیمت نمونه‌های سالم و کم‌کارکرد ماکسیما هنوز هم بالاست و بسته به مدل و وضعیت، در بازه‌ای حدود ۹۰۰ میلیون تا ۲ میلیارد تومان معامله می‌شود. این موضوع نشان می‌دهد که ماکسیما فقط یک ماشین نیست؛ یک «نام ماندگار» در بازار خودروی ایران است.

با نگاه حمایتی دولت به خودروهای برقی، نسل نو ب‌ام و i5 به ایران می‌آید

در انتظار سری پنج باشید

یک سدان مدرن و پاک با طرفداران بسیار در چهارگوشه دنیا

گزارش

ارسلان سلیمانیان
گروه خودرو

طی نزدیک به یک دهه گذشته، خودروهای برقی توانسته‌اند جایگاه خود را در بازارهای جهانی تا حد زیادی تثبیت کنند. با افزایش قیمت سوخت‌های فسیلی و سختگیری دولت‌های اروپایی در موضوعات زیست محیطی، به نظر می‌رسد آینده صنعت خودروسازی با خودروهای برقی گره خورده باشد.

چند سالی می‌شود که در کشور ما نیز بحث «برقی‌ها» حسابی داغ شده و دولت، با نگاه حمایتی به واردات و تولید خودروهای برقی، سعی در به روزرسانی صنعت خودروسازی ایران دارد. جالب آنکه امروز دیگر تنها هاچبک‌های کوچک شهری در زمره خودروهای اقتصادی قرار نمی‌گیرند؛ انواع سدان‌های فول سایز و یا شاسی بلندهای مجلل نیز دست به دامان فناوری‌های نوین کاهش مصرف سوخت از جمله موتورهای برقی و هیبریدی شده‌اند.

جدیدترین عضو باشگاه برقی‌ها که در فهرست خودروهای مجاز وارداتی به ایران (توسط ایرانیان مقیم خارج) به چشم می‌خورد، نسخه برقی سری پنج محصولات «ب‌ام‌و» است. خودرویی که با نام i5 شناخته خواهد شد.

یک سدان کاریزماتیک

بسیاری از خودرونویسان مطرح دنیا و منتقدان طراحی صنعتی معتقدند نسل نو i5، زیباترین و متناسب‌ترین طراحی برند خودروسازی «ب‌ام‌و» در چند سال اخیر است.

این سدان با طراحی سیال و در عین حال موقر توانسته نظرات مثبت بسیاری را جلب کند. از همین رو، نسل نو i5 را باید یادآور نسل طلایی سری 5 یعنی اتاق E60 دانست که بین سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۰ روی خط تولید رفت. نسل نو i5 قرار است در دو نسخه برقی i5 40 و i5 M60 به بازار ارائه شود.

اولین مدل با بهره‌گیری از یک پیشرانه ۳۳۵ اسب بخاری می‌تواند انتخاب مشتریانی باشد که کمتر به شتاب و توانایی‌های دینامیکی خودرو اهمیت می‌دهند. این نسخه دارای حدکثر گشتاور ۴۰۰ نیوتون متری بوده و توانایی دستیابی به سرعت ۱۹۰ کیلومتر بر ساعت را دارد. گفتنی آنکه i5 40 با یک بار شارژ کامل می‌تواند ۴۷۰ کیلومتر را طی کند. اما نسخه دوم و گرانقیمت‌تر i5 که قرار است با پسوند M60 عرضه شود به دو موتور برقی مجهز شده است. این دو موتور برقی می‌توانند مجموعاً ۵۹۰ اسب بخار قدرت و ۷۴۵ نیوتون متر گشتاور را تولید کنند و در اختیار راننده قرار دهند. این هیولای برقی تنها ۳/۷ ثانیه زمان نیاز دارد تا خود را از حالت سکوت به مرز سرعت ۱۰۰ کیلومتر بر ساعت برساند. همچنین i5 M60 با یک بار شارژ کامل می‌تواند ۴۱۰ کیلومتر را طی کند. باتری‌های به کاررفته در پیشرانه الکتریکی این خودرو پکیج جدیدی از نسل نوین باتری‌های لیتیوم‌یونی است که قادر هستند این سدان برقی را با آلایندگی نزدیک به صفر به حرکت درآورند. پیشرانه مدرن و کارآمد i5 M60 می‌تواند به کمک یک جعبه دنده ۸ سرعته، بدون درنگ و اتلاف وقت تمام نیروی تولیدی خود را به چرخ‌ها منتقل سازد و این خودرو را به سقف سرعت ۲۳۰ کیلومتر بر ساعت برساند. طبق اعلام شرکت سازنده، برای این خودرو پکیج باتری‌های ۸۴/۳ کیلووات ساعتی درنظر گرفته شده که با سامانه شارژ برقی ۲۰۵ کیلوواتی، می‌تواند ظرف مدت تنها ۳۰ دقیقه شارژ شود. جالب آنکه برخی دولت‌های اروپایی و آمریکایی برای تشویق مشتریان به خرید خودروهای برقی، مالکان این طیف از خودروها را به مدت ۲ تا ۳ سال از پرداخت هزینه شارژ خودرو در ایستگاه‌های «الکتریفای» معاف می‌کنند!

وضعیت در بازار

قیمت نسخه بنزینی نسل نو سری 5 از حدود ۴۵ هزار دلار آغاز می‌شود. اما با توجه به تکنولوژی پیچیده‌تر در نسخه‌های برقی، طبیعی است که i5 با قیمت گران‌تری عرضه شود. طبق اعلام شرکت «ب‌ام‌و»، نسخه i5 40 با قیمت پایه ۶۷ هزار و نسخه i5 M60 با قیمت ۸۵ هزار دلار به دست مشتریان خواهد رسید.

> جدیدترین عضو باشگاه برقی‌ها که در فهرست خودروهای مجاز وارداتی به ایران (توسط ایرانیان مقیم خارج) به چشم می‌خورد، نسخه برقی سری پنج محصولات «ب‌ام‌و» است. خودرویی که با نام i5 شناخته خواهد شد

تلاش خودروساز آمریکایی برای بازگشت

آغاز پیش‌فروش فورد برانکو الکتریکی از ۳۲,۳۰۰ دلار در چین

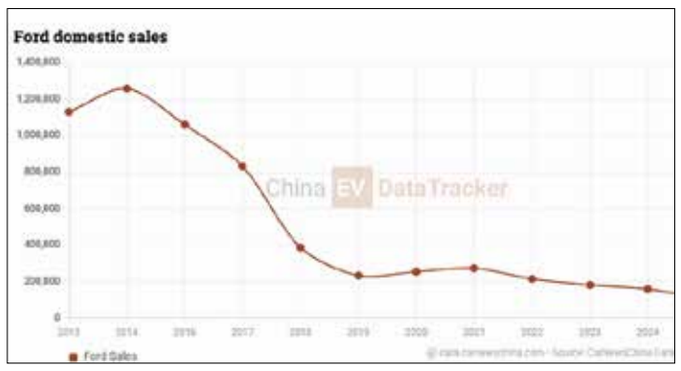

ترجمه

گروه خودرو

برانکو الکتریکی فورد پیش‌فروش خود را در چین آغاز کرد. در ۱۸ نوامبر، شاسی بلند AWD فورد برانکو که توسط جوینت‌ونچر JMC-Ford توسعه‌یافته است، رسماً پیش‌فروش خود را در چین آغاز کرد. این خودرو که محصول همکاری مشترک فورد و شرکت چینی JMC است، قیمت آن بین ۲۲۹,۸۰۰ تا ۲۸۲,۸۰۰ یوان (۳۲,۳۰۰ تا ۳۹,۸۰۰ دلار) تعیین شده و در دو تیپ BEV و سه تیپ EREV عرضه می‌شود. نسخه EREV دارای برد ترکیبی ۱,۲۰۰ کیلومتر است.

طراحی خودرو

فورد برانکو از طراحی جعبه‌ای، لوگوی BRONCO با قابلیت روشن شدن، دستگیره‌های مخفی درها و چرخ یدک خارجی عقب استفاده می‌کند. برخی تیپ‌ها به لیدار سقفی (سیستم سنجش مسافت از طریق نور) مجهز هستند که در مجموع ۳۲ سنسور را برای سیستم کمک‌راننده پیشرفته (ADAS) فراهم می‌کند. این خودرو همچنین دارای چادر سقفی پاپ‌آپ (تمام بازشو) و امکانات کمپینگ است.

بررسی ابعاد خودرو

این خودرو با ۵,۰۲۵ میلی‌متر طول، ۱,۹۶۰ میلی‌متر عرض و ۱,۸۲۵ میلی‌متر ارتفاع است و فاصله محوری ۲,۹۵۰ میلی‌متری، حتی از برانکوی چهاردر بازار آمریکا هم بزرگ‌تر است. بااین‌حال، برانکوی چینی با زوایای ورود و خروج ۳۰ و ۳۲ درجه و حداقل ارتفاع ۲۲۰ میلی‌متری از سطح زمین، توانایی‌های آفرود مناسبی خواهد داشت. وزن خالص خودرو در نسخه BEV برابر ۲,۶۳۰ کیلوگرم و در نسخه EREV برابر ۲,۵۱۰ کیلوگرم است.

مشخصات فنی

نسخه BEV به دو موتور الکتریکی مجهز است که ۱۳۰ کیلووات (۱۷۴ اسب‌بخار) در جلو و ۲۰۲ کیلووات (۲۷۱ اسب‌بخار) در عقب تولید می‌کنند. در ترکیب با یک باتری ۱۰۵٫۴ کیلووات‌ساعتی لیتیوم‌آهن‌فسفات، برد پیمایش CLTC آن ۶۵۰ کیلومتر است. نسخه EREV به یک موتور ۱.۵ لیتری توربوشارژ، دو موتور الکتریکی و باتری ۴۳٫۷ کیلووات‌ساعتی از نوع Blade ساخت BYD مجهز است.

موتور بنزینی ۱۱۰ کیلووات (۱۴۸ اسب‌بخار) تولید می‌کند و موتورهای الکتریکی ۱۳۰ کیلووات (۱۷۴ اسب‌بخار) در جلو و ۱۸۰ کیلووات (۲۴۱ اسب‌بخار) در عقب توان دارند. برد تمام‌برقی CLTC برابر ۲۲۰ کیلومتر و برد ترکیبی با باک و باتری پر برابر ۱,۲۲۰ کیلومتر است.

امکانات ایمنی و رفاهی

در داخل، کابین دارای یک فرمان D شکل، یک پنل ابزار مستطیلی، یک AR-HUD هفتاد اینچی و یک صفحه کنترل مرکزی ۱۵٫۶ اینچی با کیفیت K 2.5 است که توسط تراشه Qualcomm Snapdragon تغذیه می‌شود. یک یخچال ۷٫۵ لیتری با محدوده دمایی منفی ۶ تا ۵۰ درجه سلسیوس در کنسول مرکزی تعبیه شده است. سایر پیکربندی‌ها شامل سیستم صوتی ۲۱ بلندگو، ۱۰ کیسه هوا، یک سقف پانوراما و دریچه‌های هوای مستطیلی است. نسخه BEV همچنین دارای یک صندوق جلوی ۱۶۰ لیتری است. این خودروی الکتریکی تنها در چین عرضه می‌شود و احتمالاً این وضعیت تغییر نخواهد کرد.

تاریخچه JMC

ژیانگلینگ موتورز یک شرکت خودروسازی چینی است که با برند JMC در بازار جهانی فعالیت می‌کند. JMC با مشارکت شرکت آمریکایی فورد تأسیس شده است و خودروهای آن براساس پلتفرم و موتور خودروهای فورد توسعه می‌یابند. محصولات برند JMC شامل خودروهای شاسی بلند و پیکاپ با قابلیت آفرود و سیستم انتقال قدرت چهار چرخ محرک می‌شوند. تنها محصول شاخص این برند در ایران، شاسی بلند JMC S350 است که در تعداد محدود به بازار عرضه شده است. اما نویسنده این مقاله که منبع اصلی آن وب‌سایت خودرویی carnewschina است درباره این شرکت می‌گوید: «فورد برای چهارمین سال پیاپی با کاهش فروش در چین مواجه است. در سال ۲۰۲۵ تاکنون (ژانویه تا اکتبر)، این شرکت تنها ۱۰۴,۸۱۱ خودرو فروخته که نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۱۴٫۴٪ کاهش داشته و فاصله زیادی با سال رکوردی ۲۰۱۴ دارد که در آن ۱,۲۶۰,۰۶۹ خودرو در سرزمین چین فروخت. فهرست محصولات آن عمدتاً شامل خودروهای احتراق داخلی است که مدل غالب آن فورد موندئو است؛ مدلی که در میان مصرف‌کنندگان چینی محبوبیت خود را از دست می‌دهد. برانکو برقی تلاش چین برای آن است که دست‌کم در رقابت خودروهای برقی کشور نقشی ایفا کند و مرتبط باقی بماند. با توجه به قیمت‌گذاری که در میان جنگ قیمتی چین «تقریباً قابل‌قبول» است، سطح بومی‌سازی متوسط، و قدرت برند محدود اما همچنان موجود فورد در چین، این تلاش ارزش پیگیری را دارد.

> فورد برای چهارمین سال پیاپی با کاهش فروش در چین مواجه است. در سال ۲۰۲۵ تاکنون (ژانویه تا اکتبر)، این شرکت تنها ۱۰۴,۸۱۱ خودرو فروخته که نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۱۴٫۴٪ کاهش داشته و فاصله زیادی با سال رکوردی ۲۰۱۴ دارد که در آن ۱,۲۶۰,۰۶۹ خودرو در سرزمین چین فروخت

نیم کلاچ

واکنش بازار به ضرب الاجل خودرویی پزشکیان

قیمت خودروهای داخلی کاهشی شد

سارا غضنفری
دبیر گروه خودرو

عصر ۲۵ آبان‌ماه مسعود پزشکیان به طور قاطع در جلسه هیأت دولت به خودروسازان هشدار داد که اگر موتور خودروهای تولیدی‌شان را اصلاح نکنند تا مصرف سوخت بهینه شود، ظرف یک‌سال آینده جلوی فعالیت خودروسازی‌ها را خواهد گرفت. رئیس جمهوری در این جلسه خطاب به وزیر صمت اعلام کرد: «در جلسه‌ای با خودروسازان، صریحاً اعلام کنید که اگر تا یک سال آینده موتور خودروها اصلاح و مصرف آنها بهینه نشود، هیچ‌گونه ارزی دریافت نخواهند کرد و اجازه تولید نیز نخواهند داشت. این شرکت‌ها در صورت نیاز، فناوری روز دنیا را خریداری کنند و دولت نیز در این مسیر از آنها حمایت خواهد کرد؛ اولویت ما تولید خودروهای ایمن و برقی است.» در روزهای گذشته خودروسازان به این گفته‌های رئیس جمهوری واکنش نشان داده و اعلام کردند به سمت تکنولوژی روز و برقی‌سازی خواهند رفت. اما بازار هم به این موضوع و هشدار رئیس جمهوری واکنش نشان داده و قیمت‌های محصولات داخلی ریزش عجیبی داشتند. واکنش بازار، نشان‌دهنده این موضوع است که از بهینه‌سازی موتور خودروها و این تغییرات رضایت دارد.

بررسی قیمت‌ها در بازار خودرو

در روزهای اخیر، بازار خودروهای داخلی پس از سخنان رئیس جمهوری درباره ضرورت اصلاح موتور خودروها، کاهش مصرف سوخت و حرکت به سمت برقی‌سازی واکنشی قابل توجه نشان داده و کاهش قیمت در برخی محصولات ثبت شده است. این ریزش قیمتی هرچند محدود بوده، اما نشان‌دهنده حساسیت بازار به سیاست‌های جدید و انتظارات مثبت نسبت به آینده صنعت خودرو است. رئیس جمهوری در سخنان خود علاوه بر تأکید بر بهینه‌سازی موتورهای فعلی، به موضوع آلودگی هوا نیز پرداخت و تصریح کرد که ادامه تولید خودروهای کم‌کیفیت و پرمصرف، دیگر قابل قبول نیست. او تأکید کرد که صنعت خودرو باید به سمت فناوری‌های نوین، از جمله خودروهای برقی و هیبریدی حرکت کند. این نگاه نه‌تنها هم‌راستا با روند جهانی است، بلکه برای ایران که سال‌هاست با معضل آلودگی هوا در کلانشهرها دست‌وپنجه نرم می‌کند یک ضرورت حیاتی به شمار می‌رود. در واقع پیام اصلی دولت این است که سیاست‌های حمایتی تنها زمانی ادامه خواهد یافت که خودروسازان گام‌های جدی در مسیر ارتقای فناوری بردارند. این نکته می‌تواند صنعت خودرو را وارد دورانی تازه کند؛ دورانی که در آن کیفیت، مصرف سوخت و سازگاری با محیط زیست به عوامل تعیین‌کننده تبدیل می‌شوند. در چنین فضایی، شرکت‌ها انگیزه بیشتری برای نوسازی خطوط تولید، همکاری با شرکت‌های خارجی و سرمایه‌گذاری در موتورهای کم‌مصرف و فناوری‌های پاک خواهند داشت. این مسیر در نهایت به نفع خود صنعت خودرو است، زیرا توان رقابتی آن را در بلندمدت افزایش می‌دهد.

تنظیم انتظارات از صنعت خودرو

بازار نیز پیام را دریافت کرده است. کاهش چند میلیونی قیمت برخی مدل‌ها از جمله ری‌را، رانا پلاس و کوییک نشان می‌دهد فعالان بازار انتظار دارند با ورود استانداردهای سختگیرانه‌تر و پیشرفت فناوری، ارزش خودروهای فعلی تغییر کند. ری‌را حدود ۱۵ میلیون تومان کاهش قیمت را تجربه کرده است. کوییک هم حدود ۶ میلیون تومان کاهش قیمت داشته است. این ریزش قیمتی را می‌توان نوعی «تنظیم انتظارات» دانست؛ یعنی بازار خود را برای دوره‌ای آماده می‌کند که کیفیت و بهره‌وری حرف اول را می‌زنند و خودروهای جدید با استانداردهای بالاتر عرضه خواهند شد.

در مجموع، سخنان رئیس جمهوری نه‌تنها هشدار، بلکه فرصتی برای بازطراحی صنعت خودرو است. توجه به کاهش آلودگی هوا، حرکت به سمت خودروهای برقی و الزام به بهینه‌سازی موتورهای فعلی، می‌تواند صنعت خودروی ایران را وارد مرحله‌ای جدید و رو به جلو کند. مرحله‌ای که در آن مصرف‌کننده محصولی کارآمدتر و پاک‌تر دریافت می‌کند و بازار نیز با ثبات و اعتماد بیشتری همراه می‌شود. ریزش اخیر قیمت‌ها را شاید بتوان اولین انعکاس این تحول دانست.

سارقان به آمبولانس هم رحم نکردند

گروه حوادث/ امدادگران اورژانس که برای نجات یک بیمار به مأموریت رفته بودند هنگام برگشت متوجه سرقت تجهیزات داخل آمبولانس شدند.

شروین تبریزی سخنگوی سازمان اورژانس استان تهران در این‌باره گفت: «بامداد روز دوشنبه، تماسی با مرکز ۱۱۵ برقرار شد و در پی این گزارش، بلافاصله یک آمبولانس برای نجات جان یک بیمار قلبی، به شمال غرب تهران اعزام شد. از آنجایی که در این عملیات، ثانیه‌ها بسیار ارزش داشتند، کارشناسان اورژانس بعد از برداشتن کیف مخصوص درمان، بر سر بالین بیمار حاضر شدند و نتوانستند در آمبولانس را قفل کنند. اما وقتی کارشناسان بعد از انجام مأموریت و نجات جان بیمار، به آمبولانس برگشتند، متوجه شدند برخی تجهیزات حیاتی داخل کابین به سرقت رفته است.» وی تأکید کرد: «این موضوع توسط پلیس و مراجع قضایی در حال بررسی است؛ اما نکته قابل توجه این است که نبود هر کدام از این تجهیزات در آمبولانس، می‌تواند باعث به وجودآمدن مسائل جبران ناپذیری مثل مرگ یک بیمار را در پی داشته باشد.»

سقوط تیر دروازه جان پسر دانش‌آموز را گرفت

گروه حوادث: سقوط تیر دروازه روی سر پسر دانش‌آموز در حیاط مدرسه‌ای در شهرستان ابهر منجر به مرگ وی شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، عصر سه‌شنبه در حالی که دانش‌آموزان یکی از کلاس‌های پایه هفتم برای ورزش به حیاط مدرسه آمده و در حال بازی بودند، ناگهان یکی از پسرها که داخل دروازه فوتبال ایستاده بود بر اثر سقوط تیرک دروازه روی سرش دچار جراحت شدیدی شد و مقابل چشمان وحشت‌زده سایر بچه‌ها از هوش رفت. مسئولان مدرسه بلافاصله در تماس با اورژانس خواهان کمک شدند اما پس از انتقال پسر بچه به بیمارستان مرگ وی تأیید شد.

با اعلام موضوع به پلیس، تحقیقات برای یافتن علت حادثه و رسیدگی به شکایت والدین این پسر نوجوان از سوی پلیس و دستگاه قضایی آغاز شده است.

روابط عمومی آموزش و پرورش استان زنجان نیز در اطلاعیه‌ای اعلام کرد عصر سه‌شنبه در یکی از مدارس شهرستان ابهر متأسفانه یکی از دانش‌آموزان عزیز پسر پایه هفتم مقطع متوسطه اول این شهرستان در حین بازی دچار حادثه شده و درگذشته است. اداره کل آموزش وپرورش استان زنجان با ابراز تأسف عمیق و همدردی صمیمانه با خانواده داغدار این دانش‌آموز، اعلام می‌دارد موضوع به‌صورت فوری در دستور بررسی و پیگیری قرار گرفته و با همکاری نهادهای مسئول، علت وقوع حادثه به طور دقیق در حال بررسی است. بدیهی است پس از پایان بررسی‌های کارشناسی و آگاهی از جزئیات، نتیجه اقدامات و گزارش کامل از مسیر رسمی اطلاع‌رسانی خواهد شد. یکی از همکلاسی‌های این پسر بچه که شاهد ماجرا بود، گفت: «محمد صادق خیلی پسر مؤدب و مهربان و آرامی بود. زنگ ورزش داشتیم بازی می‌کردیم که او داخل تیردروازه ایستاد و بعد هم بالا پرید و میله تیر دروازه را گرفت که ناگهان تیردروازه روی سرش سقوط کرد و میله آهنی روی سر و گردنش افتاد و در یک لحظه چمن پر از خون شد. خیلی صحنه ترسناکی بود، اورژانس هم زود رسید و او را بردند اما دوستمان را از دست دادیم.»

مأمور پلیس به قصاص محکوم شد

گروه حوادث / مأمور پلیس که به اتهام شلیک مرگبار به قصاص محکوم اما حکمش نقض شده بود، پس از رسیدگی دوباره به پرونده‌اش بار دیگر به قصاص محکوم شد.

به گزارش «ایران»، این حادثه آذر سال ۱۴۰۱ و پس از مرگ راننده یک خودروی تیبا با شلیک گلوله مأمور پلیس آغاز شد. وقتی تیم جنایی به محل رفت، مأمور پلیس گفت: «نیمه شب در حال انجام وظیفه بودیم که متوجه شدیم یک خودروی تیبا در نزدیکی پمپ بنزین پارک کرده که کنارش توقف کردیم و از راننده خواستم تا شیشه خودرواش را پایین بکشد اما او بدون توجه به ما دنده عقب حرکت کرد. من از خودرو پیاده شدم و اسلحه‌ام را از غلاف بیرون کشیدم و اخطار دادم اما او بازهم توجهی نکرد. من ۳ گلوله هوایی شلیک کردم که به یکباره راننده تیبا با خودرواش به سمتم آمد. می‌خواستم فرار کنم که تعادلم را از دست دادم و گلوله‌ای شلیک شد.» وی در ادامه گفت: «بعد از این ماجرا یک دستگاه ضبط سرقتی از داخل خودرواش پیدا کردیم که مشخص شد دقایقی قبل با شکستن شیشه یک خودروی ۲۰۶ آن را سرقت کرده است.» پس از آن سربازی که همراه این مأمور بود مورد بازجویی قرار گرفت اما مدعی شد هیچ وسیله مسروقه ای از داخل خودرو پیدا نکرده بودند.» با تکمیل تحقیقات پرونده برای رسیدگی به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

در جلسه اول اولیای دم درخواست قصاص کردند. مأمور پلیس نیز مدعی شد شلیکش ناخواسته بوده است. با پایان اظهارات متهم، قضات وارد شور شدند و مأمور پلیس را به قصاص محکوم کردند. اما قضات دیوان عالی کشور پس از بررسی موشکافانه پرونده حکم را نقض و مقرر کردند تا پرونده بار دیگر در دادگاه کیفری مورد رسیدگی قرار گیرد. با تکمیل تحقیقات پرونده به شعبه ۱۰ دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. در این جلسه نیز پدر و مادر مقتول بار دیگر خواستار قصاص متهم شدند و متهم نیز اظهاراتش را تکرار کرد و گفت: «من اتهام قتل عمد را قبول ندارم. من برای نجات خودم فرار کردم اما پایم به جدول خیابان خورد و اسلحه شلیک کرد و گلوله به راننده تیبا خورد.» با پایان جلسه قضات متهم را بار دیگر به قصاص محکوم کردند.

انکار سفت و سخت متهمان در دادگاه

دست زن دسیسه‌گر و همدستش رو شد

گروه حوادث: کامران علمدهی/ زن معتاد که متهم است با همدستی دوست شوهرش نقشه قتل او را اجرا کرده است در دادگاه کیفری، نه خود و نه همدستش زیر بار ارتکاب قتل نرفتند.

به گزارش «ایران»، بهمن سال ۱۴۰۰ جسد مردی در اتاقک نگهبانی یکی از بوستان‌های پاکدشت پیدا و موضوع به پلیس اعلام شد. بررسی‌ها نشان داد وی مردی ۴۰ ساله بوده که با ضربات چاقو به قتل رسیده است. در حالی که تحقیقات محلی از توقف یک نیسان آبی در نزدیکی پارک و ورود و خروج زن و مردی جوان به اتاقک خبر می‌داد مأموران به بازجویی از همسر مقتول پرداختند. زن جوان گفت: «همسرم صبح برای کار از خانه خارج شد اما دیگر خبری از او نشد و نمی‌دانم چه کسی او را به قتل رسانده است.» اما در ادامه مأموران به خاطر تناقض‌گویی‌های زن جوان وی را تحت مراقبت نامحسوس قرار دادند و مشخص شد وی آخرین تماس تلفنی‌اش با همسرش بوده و در زمان وقوع قتل نیز تلفن همراهش در محدوده پارک آنتن‌دهی داشته است. همچنین مأموران دریافتند که زن جوان با دوست همسرش ارتباط پنهانی داشته است. به این ترتیب وی دستگیر شد و پس از بررسی تلفن همراهش تعدادی فیلم و عکس از روابط پنهانی او با خسرو کشف شد.

زن جوان در ادامه به قتل همسرش با همدستی خسرو اعتراف کرد و در تشریح ماجرا گفت: «روز حادثه با شوهرم تماس گرفتم و گفتم می‌خواهم از یک فروشنده مواد مخدر در پارک مواد بخرم و داخل کیوسک منتظر مواد فروش هستم و خواستم او هم بیاید. وقتی وارد کیوسک شد با آجر ضربه محکمی به سرش زدم و بعد هم خسرو با چاقو به جانش افتاد و چند ضربه به او زد و بعد هم از آنجا رفتیم.»

پس از اعتراف متهم، خسرو نیز دستگیر شد و با تأیید اظهارات متهم گفت: «من و مقتول دوستان صمیمی بودیم و به همین خاطر به خانه آنها رفت‌وآمد داشتم اما به همسرش علاقه‌مند شدم. وقتی به من گفت شوهرش او را اذیت می‌کند و باید او را از سر راهمان برداریم نقشه قتلش را کشیدیم.» با تکمیل تحقیقات پرونده برای رسیدگی به شعبه ۱۰ دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

در دادگاه چه گذشت؟

در ابتدای جلسه فرزندان و مادر مقتول درخواست قصاص کردند. یکی از فرزندان مقتول گفت: «ما از مدت‌ها قبل متوجه رابطه پنهانی مادرمان با خسرو شده بودیم اما فکر نمی‌کردیم که بخواهد پدرمان را به قتل برساند. ما به هیچ عنوان گذشت نمی‌کنیم.» پس از آن همسر مقتول به جایگاه رفت و با رد اتهامش به قضات گفت: «من هیچ نقشی در قتل همسرم نداشتم. روز حادثه در خانه خسرو بودم گفتم می‌خواهم برای پسرم کتونی بخرم که من را در نزدیکی پارک پیاده کرد می‌خواستم یک مقدار مواد تهیه کنم. اصلاً نمی‌دانم همسرم آن روز و ساعت در پارک چکار می‌کرده که با ساعت حضور من در پارک یکی شده بود.»

قاضی سؤال کرد: «پس چطور شما در دادسرا به صراحت به قتل با همدستی خسرو اعتراف کرده بودی؟»

متهم گفت: «تحت فشار ناچار به اعتراف شدم.»

پس از آن خسرو به جایگاه رفت و او نیز با رد اتهامش گفت: «من هم تحت فشار به قتل اعتراف کرده بودم وگرنه اصلاً نقشی در این ماجرا نداشتم.»

با پایان اظهارات متهمان قضات برای صدور رأی وارد شور شدند.

اخبار

مکافات پسر جوان به خاطر شب ولنتاین خونین

گروه حوادث/ پسر جوان که در شب ولنتاین دختر خاله خود را به قتل رسانده بود، در زندان به دار مجازات آویخته شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از شامگاه ۲۵ بهمن ۱۴۰۲ با گزارش قتل زن جوانی در یک خودروی پراید آغاز شد. زمانی که تیم جنایی در محل حاضر شدند، در حالی با جسد زن ۲۲ ساله روی صندلی شاگرد مواجه شدند که عامل جنایت نیز زخمی پشت فرمان افتاده بود. به دستور بازپرس جنایی، مرد زخمی به بیمارستان منتقل شد و پس از بهبودی نسبی با اعتراف به قتل گفت: «مقتول دختر خاله‌ام بود و ۶ سالی با هم نامزد بودیم. او برادری داشت که از خودش بزرگ‌تر بود. خانواده آنها می‌گفتند باید ابتدا برادرش ازدواج کند و بعد ما عروسی کنیم. اما پسرخاله‌ام تن به ازدواج نمی‌داد و این موضوع باعث اختلاف‌مان شد تا اینکه شب ولنتاین زمانی که برای صحبت با دختر خاله‌ام به دیدنش رفته بودم، او به من گفت قصد جدایی دارد. از صحبت‌هایش عصبانی شدم و با چاقو او را زخمی کرده و بعد خودم را با چاقو زدم و موقعیت مکانی‌ام را برای برادرم ارسال کردم.» با صدور و تأیید حکم قصاص برای مرد جوان، وی سحرگاه دیروز در زندان قزل حصار به دار آویخته شد.

مرگ ۹ تبعه هنگام قاچاق انسان

تصادف یک خودروی شوتی حامل ۱۵ تبعه خارجی با تریلی در محور سراوان - خاش ۹ کشته برجا گذاشت. سردار احمد کرمی‌اسد، رئیس پلیس راه راهور فراجا، گفت: «یک دستگاه سواری پژو با رانندگی مردی ایرانی که ۱۵ تبعه خارجی را در صندوق عقب، صندلی‌های عقب، بخش جلویی کابین و فضاهای استتاری جاسازی کرده بود با تریلی برخورد کرد و ۹ نفر در صحنه جان باختند و ۷ مصدوم نیز با وضعیت وخیم به مراکز درمانی منتقل شدند.»

رئیس پلیس راه راهور فراجا توضیح داد: «راننده برای فرار از دست نیروی پلیس به «تخلفات کاملاً عامدانه» زده و با سرعت‌های بسیار بالا و حرکات رعب‌آور رانندگی کرده است. او در مسیر حدود ۱۳۷ کیلومتری سراوان تا خاش، بیش از ۱۲۰ کیلومتر را با سرعت‌های بالا طی کرده و همین رفتارهای خطرناک منجر به انحراف و برخورد شدید با یک دستگاه تریلی شده است.» سردار کرمی‌اسد با ابراز تأسف نسبت به جان‌باختن اتباع خارجی گفت: «این افراد هرچند ورود غیرمجاز داشته باشند، اما انسان هستند و نباید جانشان به این شکل از بین برود.» وی با اشاره به افزایش ترددهای غیرمجاز اتباع در ماه‌های اخیر گفت: «ورودهای غیرقانونی در پوشش‌های مختلف و با روش‌های بسیار خطرناک انجام می‌شود. افراد سودجو با مخفی کردن اتباع در قسمت بار کامیون‌ها، جعبه بغل خودروهای باربری و فضاهای کاملاً غیرایمن، آنان را با ریسک جدی مرگ جابه‌جا می‌کنند.»

زن جوان جانش را پای پخت رب داد

گروه حوادث/ زن جوان گلستانی که هنگام پختن رب دچار سوختگی شدید شده بود، بعد از انتقال به تهران جانش را از دست داد. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، چند روز قبل زن جوانی در حال پختن رب بود که ناگهان دیگ بزرگ حاوی رب روی او ریخت و دچار سوختگی ۸۰ درصد شد.

او بلافاصله به بیمارستان منتقل شد اما شدت سوختگی بالا بود و پزشکان اعلام کردند باید برای درمان از استان گلستان به تهران انتقال یابد. زن جوان به بیمارستان سوانح و سوختگی در تهران منتقل شد اما مداوا بی‌نتیجه ماند و ساعت ۸ شب ۲۷ آبان‌ماه فوت کرد.

جدول سودوکو ۴۸۹۳

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچك ۳ در ۳ یکبار دیده شود

آسان

۷		۶		۸	۴		۲	
		۵	۱	۶	۲		۳	
						۶		
	۸				۷		۹	۳
	۷	۹	۴		۶	۱	۸	
۳	۵		۲				۶	
		۸						
	۶		۹	۷	۵	۸		
	۱		۸	۲		۴		۶

متوسط

۶	۹	۲			۵	۷		
۵			۸	۳		۲		
	۶					۴		۲
۹	۲			۸			۵	۳
۴		۸					۶	
		۶		۲	۸			۱
		۱	۳			۸	۲	۶

سخت

۳	۶			۹				۱
	۸		۱					
			۲	۳		۹		
		۱					۷	۹
	۲			۵			۴	
۶	۵					۳		
		۶		۱	۳			
					۷		۲	
۸				۴			۳	۵

خیلی سخت

	۱		۹	۲				
۶				۱				۹
	۷					۲		
	۴							
۲	۳	۸		۹		۱	۴	۵
							۷	
		۵					۶	
۷				۴				۸
				۷	۱		۵	

حل جدول سودوکو شماره ۴۸۹۳

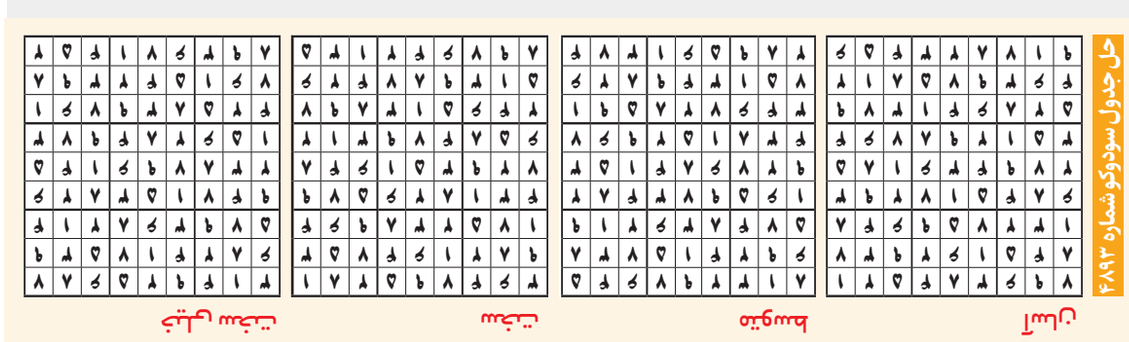

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه *ایران* دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۸۸۹۱

جدول عادی

افقی:

۱- تر و تازه - بازیگر فیلم «آقای زالو» (روی پرده سینما)
۲- شکیبایی - از آحاد زمان - اول
۳- تیرپیکاندار - خالکوبی - طیران - قسمی نان
۴- قلعه‌ای معروف در صدر اسلام - روشنایی - اسباب‌بازی قدیمی
۵- سرپرست دانش‌آموز - پیروی - سرود، دوبیتی
۶- ماه هفتم قمری - دفعه و مرحله - اسم دخترانه
۷- نوشتن ادبی - شرح و تفصیل - باغ دیدنی شیراز
۸- پسوند نظیر - خسوف - حرف گزینش
۹- آشکار شده - بوجودآورنده - نام دیگری برای خانم‌ها
۱۰- سالک، رونده - سرزمین - مخفف آگاه
۱۱- دومین عنصر سبک جهان بعد از هیدروژن - بوکسور - حرف عصا!
۱۲- جزر و مد - درخت‌افکن - حرف مجهول ریاضی
۱۳- صوت درد - تپه‌ای از دوره اشکانیان در اسلامشهر و یکی از آثار ملی ایران - روز - لنگه
۱۴- خمیر پخته برآتش - درخت آزاده! - مولد برق
۱۵- تیم آلمانی - زبان ساختگی

عمودی:

۱- حمله ناگهانی در شب - غذاخوری سنتی
۲- مرکز اقلیم کردستان عراق - ناباب و ناخلف - تیغ گل
۳- درنده - کسی که غیرت و تعصب ندارد - همدست، هم‌بهره - یادداشت
۴- مرد بی‌فرزند - مجموعه گلبرگ‌ها - ورزشی بین‌المللی
۵- برنده، قاطع - اصرار - درخور و شایسته
۶- گرمی بازار - گواهان - حکاک دوره نوزائی
۷- ویتامین جوانی - حق گردن‌کلفتی - پلاس است و نوعی فرش - در آغاز
۸- حقیقت را آشکار ساختن
۹- سهولت - خو گرفته - پایگاه‌ها و رتبه‌ها - واحد انتقال صفات ارثی
۱۰- سرباز نیروی دریایی - آواز دهنده - طلایی
۱۱- شیرینی - دلواپس - کشت و زرع
۱۲- دانه‌ای معطر و ضد نفخ در آشپزی و پزشکی - قاعده و قانون - علم احصائیه
۱۳- عصاره میوه - بلندمرتبه - حیوان دست‌آموز - دویدن
۱۴- وسیله احتیاطی - شهری در استان فارس در جنوب دریاچه بختگان - هنرپیشه
۱۵- دومین شهر بزرگ «ژاپن» - مغازه دست دوم فروشی

جدول ویژه

افقی:

۱- فالگیری - از شاخه‌های صنعت
۲- هافبک سابق سایپا - پشت سر - بیم
۳- ابر پایین آمده - سوی - کارمند را گویند - بوی کهنگی
۴- چوب باریک ویولن‌نوازی - از عشاق افسانه‌ای - قد و بالا
۵- شایسته - نوشیدنی محبوب - بازار تبادل ارز خارجی
۶- روش و طریقه - بلندقدر - اثری از «گریگوریو مارتینز سیرا»
۷- ماده قندی میوه‌ها - اسم رمز موفقیت - تلفظ «ش»
۸- وظیفه و عمل - فیلم مسعودآب‌پرور - یک و دو
۹- با «ناز» آید - گریزان - ناخوش
۱۰- هویدا - نان کاغذی - پایداری در دوستی
۱۱- ملون - پخش شده - گال
۱۲- نسب‌شناس - فلزمادر - پنبه‌زن
۱۳- تصدیق عامی - باززایی - شایسته - مخفف‌مشتی
۱۴- از میادین تهران - زمانه - سریالی با بازی ساناز سعیدی (۱۴۰۴)
۱۵- تابلویی از «ویلیام ترنر» - فیلمی به کارگردانی مرتضی علیزاده

عمودی:

۱- گیاهی طبی - از فلاسفه علوم طبیعی
۲- خوشگل - ظرف گل و یا گیاه - شهرکی در رودهن
۳- مایه - حاوی - از عناصر شیمیایی - کاشف میکروب سل
۴- شیوه گفتار - رغبت - زندگی
۵- یار مشهدی - تحمیل - نام «دکولو» ملی‌پوش تیم ملی بسکتبال فرانسه
۶- مجموعه‌ای از آب‌سنگ‌های مرجانی جلبکی - آب پاک و صاف - نورانی
۷- اشاره به دور - درخت تسبیح - آرام خودمانی - خالص
۸- دانشمند و ریاضیدان لهستانی
۹- تند و به‌سرعت - زینتی برای مژه‌ها - آفت درخت - نکوهش
۱۰- ابزار در و پنجره - میزان خلوص - اولین روز هفته
۱۱- امضا - شهر استان کرمانشاه - سمت
۱۲- کبوتر اهلی - از شهرهای زیارتی شیعیان در عراق - حزب هیتلر
۱۳- کاغذ روزنامه - از لوازم التحریر - دارنده - تیرپیکاندار
۱۴- عضو مرغ - کلانتر - نام مردانه
۱۵- اثر «ویلیام فالکنر» - ابزاری در آزمایشگاه

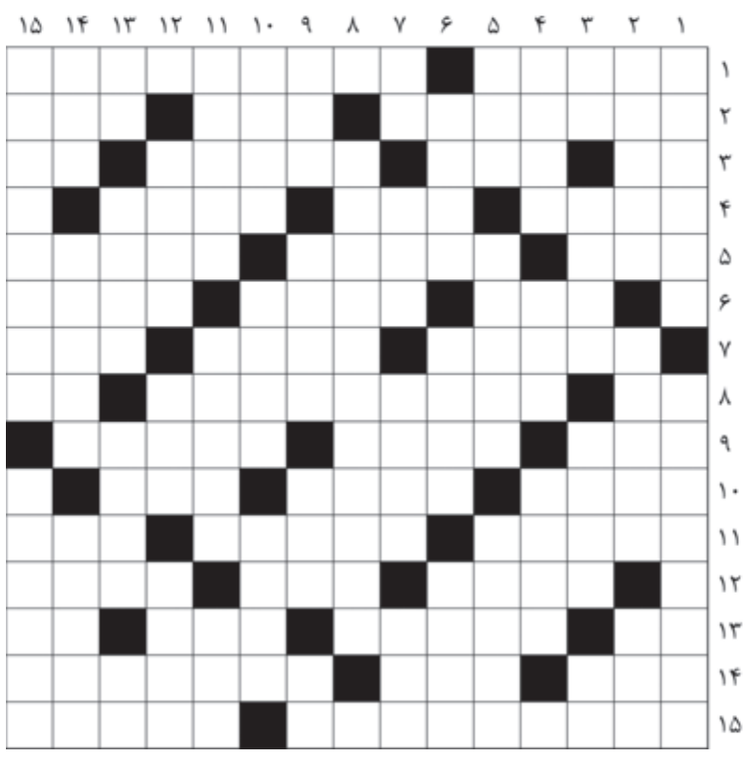

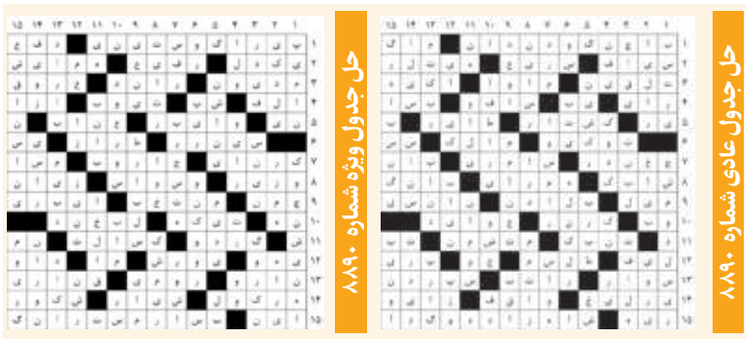

حل جدول عادی شماره ۸۸۹۰ — حل جدول ویژه شماره ۸۸۹۰

«ایران» بررسی می کند؛ عملکرد تیم‌های ملی ووشو و تکواندو در بازی‌های ریاض و چالش‌های پیش رو در جهانی و آسیایی

رسیدن به سکو آسان نیست

گروه ورزشی / در حالی که هر دو رشته ووشو و تکواندو با امید فراوان راهی بازی‌های همبستگی کشورهای اسلامی شدند، حاصل کارشان دو مسیر کاملاً متفاوت بود؛ ووشو با کسب ۴ طلا، یک نقره و یک برنز در فهرست رشته‌های موفق کاروان جای گرفت، اما تکواندو با ۲ طلا، ۲ نقره و ۴ برنز در ردیف ناکام‌ها قرار گرفت؛ تناقضی که نمی‌توان به سادگی از کنار آن گذشت.

با وجود این عملکرد ناهمگون، مسئولان کمیته ملی المپیک و فدراسیون‌های این دو رشته همچنان بر این باورند که هر دو آنها می‌توانند در آینده‌ای نه‌چندان دور در بازی‌های آسیایی به کمک کاروان ایران بیایند. اما مرور کارشناسی عملکرد تیم‌ها و بررسی سطح رقابت‌ها در ریاض، نشان می‌دهد این خوش‌بینی چندان پشتوانه فنی ندارد. واقعیت این است که بسیاری از مدعیان اصلی دو رشته در عربستان حضور نداشتند و سطح مسابقات از استاندارد معمول پایین‌تر بود؛ بنابراین نتایج به‌دست‌آمده نمی‌تواند معیار دقیقی برای سنجش توان واقعی تیم‌های ایران باشد.

آسیب‌شناسی ترکیب تیم‌ها، نحوه آماده‌سازی، نوسان عملکرد فنی و حتی انتخاب‌های بحث‌برانگیز ملی‌پوشان اعزامی به مسابقات، کلکسیونی از اتفاقات نگران کننده است که نمی‌توان آنها را نادیده گرفت. وقتی با حضور ستاره‌های جهانی سطح رقابت‌ها به‌مراتب فشرده‌تر می‌شود، مسیر رسیدن به سکو نیز دشوارتر خواهد بود؛ مسیری که اگر از امروز برای آن برنامه‌ریزی نشود، می‌تواند به یکی از چالش‌های بزرگ کاروان ایران در بازی‌های آسیایی تبدیل شود. به بیان دیگر، نتایج ریاض نه نشانه جهش و پیشرفت، بلکه هشداری برای بازنگری جدی در مسیر توسعه این دو رشته است؛ هشداری که اگر شنیده نشود، هزینه‌اش در آوردگاه‌های بزرگ‌تر بسیار سنگین‌تر خواهد بود.

مدال‌های ریاض، ملاک ارزیابی نیست

علی اسفندیاری
پیشکسوت ووشو

مدال‌های ووشوکاران در بازی‌های کشورهای اسلامی ملاک خوبی برای ارزیابی نیست. ملاک ارزیابی عملکرد فدراسیون و تیم ملی تنها در قهرمانی جهان و بازی‌های آسیایی است. چون در ریاض تیم ملی ووشوی ایران با تیم‌های سطح پایین ووشوی جهان رقابت کرد. افغانستان، یمن، سودان و عراق که در رنکینگ جهانی نیستند، ملاک ارزیابی تیم ملی نباید قرار گیرد. بر این اساس نمی‌توان عملکرد تیم ملی را تحلیل کرد. البته تیم ملی مردان باید با مدال‌های بیشتری برمی‌گشت که تنها دو مدال طلا و یک نقره گرفت. ملی‌پوشان حتی مقابل ووشوکاران مصر هم به مشکل خوردند. یکی از مسئولان ووشو مدعی شده همه قدرت‌های ووشوی دنیا به ریاض آمده‌اند، اما آنها یا قدرت‌های ووشو را نمی‌شناسند یا تعریف دیگری از قدرت‌های جهان دارند. بدترین اتفاق در ریاض این بود که رئیس فدراسیون که نهایت سابقه‌اش در ووشو داوری درجه چهار لیگ سه است در یک مسابقه ملی‌پوش کشورمان را از روی سکو هدایت می‌کرد. اوضاع در ووشو به حدی عجیب شده که حتی در مسابقه یکی از دختران پزشک تیم روی صندلی مربیگری نشسته بود.

چین مهد ووشوی دنیا است و در آسیا بجز چین، اندونزی، ویتنام، ایران و ماکائو هیچ قدرت دیگری وجود ندارد، بقیه تیم‌ها در مسابقات جهانی هم نصفه و نیمه می‌آیند. ووشوی ایران بجز ۲۰۱۰ گوانگ‌ژو توسط خدیجه آزادپور دیگر هیچ وقت در بازی‌های آسیایی مدال طلا نگرفته است. شک نکنید در ناگویا هم کار راحت نیست. چرا که ما اختلاف زیادی با چین داریم. تیمی با میانگین سنی ۴۰ سال که هیچ پشتوانه‌ای هم ندارد، نمی‌تواند از پس چین برآید. در مجموع ووشوی ایران حال و روز خوبی ندارد، به طوری که فدراسیون تنها با دو مربی کار می‌کند در حالی که بقیه خاک‌خورده‌ها خانه‌نشین شده‌اند.

مأموریت سخت ووشو، در ماکائو و ناگویا

مهری رنجبر/ قرار گرفتن ووشو در جمع رشته‌های بازی‌های همبستگی کشورهای اسلامی را می‌توان بهترین اتفاق ممکن برای کاروان ورزشی ایران دانست. کسب چهار نشان طلا، یک نقره و یک برنز توسط ووشوکاران کشورمان در ریاض نشان داد که این رشته توانایی جبران ناکامی برخی رشته‌های دیگر را دارد و می‌تواند نقش مهمی در ارتقای جایگاه ایران در جدول مدالی ایفا کند.

موفقیت چشمگیر ملی‌پوشان ووشو در ریاض، خبری امیدوارکننده برای ورزش ایران بود؛ هرچند نباید فراموش کرد که ایستادن روی سکوی بازی‌های آسیایی به مراتب دشوارتر است. با این حال، تکرار نتایج ارزشمند ریاض در بازی‌های آسیایی ناگویا دور از دسترس نخواهد بود، مشروط بر آنکه ملی‌پوشان از حواشی دور بمانند و زنان و مردان ووشوکار بتوانند آمادگی فنی و روانی خود را تا آن زمان حفظ کنند.

تیم ملی ووشوی ایران پیش از اعزام به ژاپن باید در رقابت‌های جهانی ماکائو شرکت کند؛ رویدادی که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و مستلزم آمادگی کامل ملی‌پوشان خواهد بود. برای موفقیت در این رقابت‌ها، لازم است اعضای تیم - چه در بخش بانوان و چه آقایان- با حفظ تمرکز و شرایط بدنی مطلوب، برابر رقبای قدرتمند خود ظاهر شوند تا بتوانند از جایگاه و اعتبار بین‌المللی‌شان دفاع کنند. حدود ۹۰ روز پس از پایان مسابقات جهانی، کاروان ووشوی ایران راهی بازی‌های آسیایی ناگویا خواهد شد؛ رویدادی که موفقیت در آن اهمیت فوق‌العاده‌ای برای ورزش ایران دارد و می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در تحلیل نهایی عملکرد کاروان کشورمان داشته باشد.

بی‌تردید برای تداوم درخشش ووشو در این مسیر طولانی و چالش‌برانگیز، نیاز به برنامه‌ریزی دقیق، حمایت مستمر و مدیریت منسجم دارد. تنها با چنین رویکردی است که ووشوکاران ایران خواهند توانست با حفظ روند رو به رشد خود، بار دیگر به افتخارات ارزشمند دست یابند و جایگاه کشور را در عرصه ورزش قاره‌ای و جهانی ارتقا بخشند.

با کتف مصدوم طلا گرفتم

همتی: مدال‌های ووشو در ناگویا خوشرنگ خواهد بود

گروه ورزشی / امیرحسین همتی، ملی‌پوش کشورمان، برای کسب مدال طلای بازی‌های کشورهای اسلامی، قهرمانان ووشوی جهان را شکست داد. او پس از این قهرمانی در گفت‌وگو با «ایران» می‌گوید: «در وزن منفی ۶۰ کیلوگرم، تمامی رقبای من از سطح بسیار خوبی برخوردار بودند. من در برزیل با کتف شکسته به ووشوکار ترکیه باخته بودم، ولی اینجا انتقام خود را گرفتم. ذکریا از سودان را هم چهار بار شکست داده بودم، اما رقیب مصری بسیار قدرتمند بود که پیش از این در وزن منفی ۶۵ کیلوگرم، مدال‌های جهانی اندونزی و برزیل را به گردن انداخته بود و حالا در وزن پایین‌تر، قدرتمندانه ظاهر شد، اما آنالیز سرمربی به کمکم آمد تا او را شکست دهم.» همتی در ادامه توضیح داد: «با وجود درد زیاد از ناحیه کتف، تمام وجودم را در این مبارزه گذاشتم. با ایجاد اختلاف امتیاز، در ثانیه‌های پایانی تنها مبارزه را مدیریت کردم. خوشحالم که طلا گرفتم، زیرا به مادرم قول داده بودم که با مدال به خانه برگردم.» او از سختی رقابت‌ها در بازی‌های آسیایی ناگویای ژاپن می‌گوید: «چینی‌ها در ووشوی آسیا و جهان بسیار قدرتمند هستند و من می‌خواهم در ناگویا انتقام سال‌ها شکست ملی‌پوشان ایران در فینال آسیا را بگیرم و چینی‌ها را مغلوب کنم. جوانان حاضر در تیم ملی در مبارزه بسیار باهوش عمل می‌کنند و در ناگویا مدال‌های خوش‌رنگی از ما خواهید دید.»

انتقام شهربانو را از مصری‌ها گرفتم

شفیعی: نگران تغییر وزن در بازی‌های آسیایی هستم

پریسا غفاری/ سارا شفیعی، ووشوکار وزن منفی ۵۶ کیلوگرم کشورمان، برای اولین بار پیراهن تیم ملی بزرگسالان را بر تن کرد و دلش می‌خواست اعتماد کادر فنی را جلب کند. به همین دلیل با تمام توان مبارزه می‌کرد. او در فینال، «شهد عبدالسدک» مصری سرسخت و نترس را با یک ضربه از پیش رو برداشت و صاحب مدال طلا شد.

ملی‌پوش ایران به خبرنگار «ایران» می‌گوید: «تمام رقبا در این بازی‌ها تجربه زیادی داشتند و من برای اولین بار بود که پیراهن ملی بزرگسالان را می‌پوشیدم. انرژی زیادی داشتم و دو رقیب اول را دیسکالیفه کردم. در فینال هم حریفم هنگام مبارزه جابه‌جایی‌های زیادی داشت و بسیار نترس بود. برعکس او، من بوکس و ضربات پا را با هم می‌زدم. همین باعث شد در راند اول، ضربه پایم به بینی‌اش بخورد و ترک بردارد. او فکر کرد با دیدن خون می‌ترسم، برای همین سریع بلند شد و به سمت من حمله کرد، اما نمی‌دانست من مبارزه را رها نمی‌کنم و با یک ضربه دیگر کار را تمام کردم. در واقع انتقام شهربانو منصوریان را هم از مصری‌ها گرفتم.»

او از اعزام خود به بازی‌های آسیایی ناگویا مطمئن است، اما نگرانی مهمی دارد: «در این بازی‌ها، ووشو در دو وزن ۵۲ و ۶۰ کیلوگرم برگزار می‌شود و کادر فنی گفته باید به جای وزن اصلی‌ام (۵۶ کیلو) به ۵۲ بروم. اما چون بدنم خشک و کاملاً عضلانی است، برای کم کردن وزن خیلی نگرانم. واقعاً یک ریسک بزرگ است و حتی ممکن است عمر قهرمانی‌ام کوتاه شود.»

> شفیعی: حریف مصری فکر کرد با دیدن خون می‌ترسم، اما نمی‌دانست من مبارزه را رها نمی‌کنم و با یک ضربه دیگر کار را تمام کردم

ووشوی ایران را باید در صدر جهان حفظ کنیم

محرمی: طلای برزیل را در جام جهانی تکرار می‌کنم

گروه ورزشی/ عرفان محرمی با شکست حریف قرقیزستانی خود، چهارمین مدال طلای تیم ملی ووشو را در بازی‌های کشورهای اسلامی بر گردن آویخت. او هنگام برافراشته شدن پرچم جمهوری اسلامی، ادای احترام نظامی کرد و درباره آن لحظه می‌گوید: «در آن ثانیه‌ها یاد و خاطره همه دلاورانی که برای عزت این پرچم جانفشانی کردند در ذهنم زنده شد. این حرکت از عمق وجود و قلبم بود.»

ووشوکار وزن منفی ۷۰ کیلوگرم کشورمان درباره روند مسابقات توضیح می‌دهد: «سطح رقابت‌ها بسیار بالا بود. حریف مصری‌ام که هم‌وزن و بسیار قدرتمند بود، در همان دیدار اول حذف شد و اگر در جدول دیگری قرار می‌گرفت، شانس صعود تا مراحل پایانی را داشت. صدام حسین و محمد سلطان از پاکستان و افغانستان را نیز با اقتدار شکست دادم. رقیب قرقیزستانی در فینال ضربات بوکس خوبی داشت اما با استفاده از ضربات تعیین‌کننده توانستم بر او غلبه کنم.»

ورزشکار ۲۱ ساله اردبیلی این موفقیت را آغاز مسیری تازه می‌داند: «این طلا برایم شروعی برای دستاوردهای بزرگ‌تر است. اکنون تمرکز ما روی جام جهانی چین و بازی‌های آسیایی ناگویاست. با تیمی قدرتمند و باانگیزه شرکت خواهیم کرد و هدف نهایی من در صورت حضور در ترکیب تیم ملی، کسب قهرمانی در بازی‌های آسیایی است. همچنین با سهمیه جام جهانی، اردیبهشت‌ماه به دنبال تکرار طلای برزیل این‌بار در ماکائو هستم.»

محرمی می‌گوید: «خدا را شکر آقای موحدنیا و بهمنی در تحلیل رقبا بسیار قوی هستند و با اردوهای منظم می‌توان ووشو را همیشه در صدر جهان نگه داشت.»

> محرمی: صدام حسین و محمد سلطان از پاکستان و افغانستان را با اقتدار شکست دادم

افت تکواندو در مدال‌آوری؛ زنگ خطری برای آسیایی

سینا حسینی / عملکرد ملی‌پوشان تکواندو در رقابت‌های بازی‌های همبستگی کشورهای اسلامی چندان رضایت‌بخش نبود. شاگردان مجید افلاکی و مهروز ساعی پس از عملکرد نه‌چندان موفق در رقابت‌های جهانی ووشی می‌توانستند در بازی‌های ریاض نمایش ایده‌آل‌تری ارائه دهند، اما کاهش تعداد مدال‌های تکواندو نسبت به دوره قبل نشان داد که این رشته نیز همانند جودو، بوکس و موی‌تای گرفتار چالش‌های فنی شده است. اگر برای برون‌رفت از این وضعیت راه‌حلی پیدا نشود، هوگوپوشان ایران در بازی‌های آسیایی با چالشی متفاوت و جدی روبه‌رو خواهند شد.

تکواندوکاران ایرانی حاضر در بازی‌های ریاض از مجموع ۴۸ مدال توزیع‌شده در عربستان تنها ۸ مدال کسب کردند. مقایسه کیفیت این مدال‌ها با دستاوردهای دوره گذشته در بازی‌های قونیه ترکیه نشان می‌دهد که تکواندو ایران با افت محسوسی مواجه شده است؛ افتی که در پایان مسابقات ریاض کاملاً خودنمایی می‌کرد. در دوره قبلی، تیم تکواندو ایران موفق به کسب ۵ طلا، ۴ نقره و ۴ برنز شده بود؛ به طوری که سهم پسران ۴ طلا، ۲ نقره و ۱ برنز و سهم دختران ۱ طلا، ۲ نقره و ۳ برنز بود. اما در این دوره، دختران و پسران تکواندو ایران تنها ۲ طلا، ۲ نقره و ۴ برنز به دست آوردند و تیم ملی کشورمان با مجموع ۸ نشان در جایگاه سوم رده‌بندی تکواندو قرار گرفت.

با وجود اینکه کادر فنی مردان و زنان تکواندو از نتیجه رقابت‌های ریاض ابراز رضایت کرده‌اند، اما با استناد به نتایج ووشی و ریاض، کار برای تکواندو ایران در بازی‌های آسیایی ناگویای ژاپن به‌شدت دشوار و طاقت‌فرسا خواهد بود. در بازی‌های آسیایی ۲۰۲۶، کشورهای قدرتمند شرق آسیا نیز حضور خواهند داشت و این موضوع شانس موفقیت را به‌طور چشمگیری کاهش می‌دهد. بر این اساس، به نظر می‌رسد مسئولان فدراسیون تکواندو باید با بررسی دقیق شرایط موجود و آسیب‌شناسی عملکرد تیم در بازی‌های جهانی و کشورهای اسلامی، با شناسایی نقاط ضعف و قوت، اشکالات فنی ساختار تیم ملی زنان و مردان را برطرف کنند. تنها در این صورت می‌توان به بازگشت تکواندو ایران به مسیر موفقیت در تورنمنت‌های معتبر بین‌المللی امیدوار بود؛ در غیر این صورت، بازگشت از ناگویا بدون مدال اتفاقی دور از انتظار نخواهد بود. رخدادی که بی‌تردید باب میل اهالی تکواندو و ورزش ایران نیست.

تکواندو نیازمند آسیب‌شناسی جدی

نعمت خلیفه
کارشناس تکواندو

عملکرد تکواندوی ایران در بازی‌های کشورهای اسلامی ریاض، ضعیف و دور از انتظار بود. معیار اصلی ارزیابی، مقایسه تعداد مدال‌ها و کیفیت عملکرد این دوره با دوره‌های گذشته است. برخی معتقدند شرایط این دوره متفاوت بوده، اما واقعیت این است که هیچ تفاوت بنیادینی وجود ندارد؛ پیشرفت تکنولوژی، امکانات و شرایط رقابت برای همه کشورها یکسان است. حتی اگر گفته شود ایران با تیم دوم شرکت کرده، باید یادآور شد که در دوره قبل نیز شرایط مشابهی وجود داشت. با این حال، آمار و ارقام نشان می‌دهد روند نزولی تکواندو تدریجی بوده و امروز به مرحله هشدار رسیده است. افت فعلی ناگهانی نیست؛ همان‌طور که پیشرفت پله‌پله حاصل می‌شود، عقبگرد نیز به‌تدریج شکل می‌گیرد. شاید این خطر در نگاه اول محسوس نباشد، اما ضرورت دارد منشأ این افت و زمان آغاز آن در یک بررسی کارشناسی مشخص شود. در حالی که گاهی گفته می‌شود نتیجه در تورنمنت‌ها اهمیت چندانی ندارد و ملاک اصلی بازی‌های آسیایی یا المپیک است، مقایسه عملکرد رشته‌ها نشان می‌دهد مسأله اصلی تنها شرایط کاروان نیست. وقتی والیبال و فوتسال موفق به تکرار قهرمانی‌های دوره قبل می‌شوند، ناکامی تکواندو نیازمند آسیب‌شناسی دقیق است. از سوی دیگر، رنگ مدال در بازی‌ها برای رتبه کاروان اهمیت زیادی دارد. اگر سیستم رپه‌شارژ در ریاض وجود نداشت، بسیاری از مدال‌های برنز نیز به دست نمی‌آمد؛ چرا که برخلاف قهرمانی آسیا و جهان، جدول ریاض اجازه بازگشت به رقابت را می‌داد. همین موضوع ضعف عملکرد را بیشتر آشکار می‌کند. بازی‌های آسیایی ۲۰۲۶ ناگویا با حضور قدرت‌های شرق آسیا و کشورهای در حال رشد مانند ازبکستان و قزاقستان میدان بسیار دشوارتری خواهد بود. اگر از اکنون مشکلات شناسایی و برطرف نشود، احتمال تکرار ناکامی وجود دارد. رقابت‌های جهانی زیر ۲۱ سال نیز فرصتی ارزشمند برای ارزیابی نسل جدید است، اما بدون یک آسیب‌شناسی جدی، آینده تکواندو مبهم خواهد ماند.

مبارزه با تکواندوکار ترکیه سخت‌تر از فینال بود

کریمی: ایران می‌توانست ۵ مدال طلا بگیرد

گروه ورزشی/ ساینا کریمی، تکواندوکار ۱۹ ساله ایرانی، با استعداد فوق‌العاده، در مدت کوتاهی یکی از چهره‌های درخشان تیم ملی زنان شد. کسب مدال طلای بازی‌های همبستگی کشورهای اسلامی ۲۰۲۵ و سبک مبارزه سریع و تاکتیکی او، از ساینا یک پدیده تکواندوی زنان ایران و امید آینده برای حضور در المپیک ساخته است.

تکواندوکار وزن ۴۶- کیلوگرم ایران بعد از قهرمانی در ریاض در گفت‌وگو با «ایران» می‌گوید: «من و هم‌تیمی‌هایم که روز اول مبارزه داشتیم، قرعه سختی به نام‌مان افتاده بود. من بعد از شکست حریفی از قرقیزستان، در یک چهارم نهایی با امینه گوگباکان قهرمان ترک ۲۰۲۵ جهان مبارزه کردم. در فینال هم اکبروا تکواندوکار صاحب نام آذربایجانی و نفر سوم اروپا را شکست دادم. البته فینال برایم راحت‌تر از مبارزه با هوگوپوش ترکیه‌ای بود. به هر حال خوشحالم که طلا گرفتم.»

او درباره تعداد کم مدال‌های طلای تکواندو در ششمین دوره بازی‌ها این‌طور توضیح می‌دهد: «بدشانسی آوردیم وگرنه سه مدال طلای دیگر حق تیم ایران بود. در وزن ۵۷- کیلو کارتمان سوخت. در مبارزه ملیکا میرحسینی هم اگر داور اخطار را به حریف داده بود، ملیکا برنده و فینالیست می‌شد. البته در هر وزنی رقبای جهانی و المپیکی هم حضور داشتند.»

ساینا کریمی در بازی‌های آسیایی ناگویا هوگوی ایران را می‌پوشد: «قطعاً رقبای ما در ژاپن بهتر و باتجربه‌تر هستند. بخصوص که کشورهای صاحب سبک شرق قاره همیشه در بازی‌های آسیایی با بهترینهای‌شان حضور پیدا می‌کنند. اما ما هم با انگیزه و طبق برنامه پیش می‌رویم تا مدال‌های خوشرنگ بگیریم.»

ورزش برد و باخت دارد

علیمرادیان: می‌توانستیم نتیجه بهتری بگیریم

گروه ورزشی/ علی اصغر علیمرادیان در یک مبارزه نفس‌گیر محسن رضایی، تکواندوکار افغانستانی را در فینال منفی ۶۰ کیلوگرم بازی‌های کشورهای اسلامی شکست داد و دومین طلایی شد. فینالی که حاضران در سالن مدعی بودند سخت‌ترین فینال مسابقات تکواندو بود. علیمرادیان در این باره می‌گوید: «راند اول را باختم ولی بعد از شنیدن صحبت‌های سرمربی‌ام نحوه مبارزه را تغییر دادم و ۱۵ برصفر راند دوم را بردم. چون در فینال ناک اوت نداریم، من دیگر بیشتر به خودم فشار نیاوردم تا امتیاز ۱۷ را بگیرم و بتوانم راند سوم را هم برنده بیرون بیایم. خدا را شکر تلاش‌هایم نتیجه داد و پیروز شدم. البته در مبارزه نیمه نهایی با رقیب آذربایجانی که نقره جهانی ۲۰۲۴ را داشت، خیلی سخت امتیاز گرفتم ولی دعای خیر مردم مرا برنده کرد.»

به نظر قهرمان بازی‌های کشورهای اسلامی، همیشه نباید از تکواندو توقع مدال طلا داشت: «تکواندو همه کشورها در حال پیشرفت است. دو ملی‌پوش المپیکی در جهانی نتیجه خوب نگرفتند، ولی همیشه نباید انتظار مدال داشت چرا که ممکن است یک روز، روز بازی‌ات نباشد. به هر حال نایب قهرمانی تیمی در جهان جایگاه کمی نیست. به نظرم در ریاض مدال‌های خوبی گرفتیم هر چند می شد بهتر هم باشیم.»

علیمرادیان امیدوار است تکواندو در بازی‌های آسیایی ناگویا نتیجه بهتری بگیرد: «مجید افلاکی و هادی ساعی سرمربی و رئیس فدراسیون همه تلاش خود را می‌کنند تا ملی‌پوشان بهترین نتیجه را بگیرند. هیچ بازیکنی هم کم کاری نمی‌کند. ولی ورزش برد و باخت دارد، مهم این است که همه تیم برای بهترین نتیجه تلاش می‌کنند. امیدوارم بهترین نتیجه را در ناگویا بگیریم.»

هکرها در کمین مراکز داده هوش مصنوعی

هوش مصنوعی

آرزو کیهان
گروه علم و فناوری

با رشد سریع هوش مصنوعی و تبدیل آن به یکی از دارایی‌های استراتژیک در سطح جهانی، مراکز داده این فناوری نوظهور به اهدافی جذاب برای مهاجمان سایبری تبدیل شده‌اند. به همین دلیل هم فعالان حوزه امنیت سایبری همکاری خود با شرکت‌های هوش مصنوعی را زیادتر کرده‌اند تا بتوان از داده‌ها حفاظت بیشتری کرد، هرچند هکرها و مجرمان سایبری، هر لحظه در کمین هستند تا حملات مختلفی علیه این مراکز داده طراحی کنند.

سرمایه‌گذاری تصاعدی در امنیت مراکز داده

افزایش تهدیدات پیچیده و طراحی حملات سایبری پیشرفته، بویژه بدافزارهای هوشمند، نشان می‌دهد که دیگر ابزارهای سنتی پاسخ‌گو نیستند. مقابله با این تهدیدات مستلزم بهره‌گیری از فناوری‌های نوین مانند تحلیل رفتار شبکه، یادگیری ماشین (ML) و رمزنگاری پیشرفته است. در این میان، سیستم‌های امنیتی مجهز به هوش مصنوعی می‌توانند حملات را در لحظه شناسایی کرده و حتی بدون نیاز به دخالت انسان، واکنش نشان دهند. همین امر سبب شده سرمایه‌گذاری در امنیت مراکز داده به‌شکل تصاعدی افزایش یابد. به عنوان مثال شرکت آمازون از سرمایه‌گذاری ۲۰ میلیارد دلاری برای ساخت پردیس‌های مراکز داده هوش مصنوعی امن در ایالت پنسیلوانیا خبر داد و کمی بعد، متا هم اعلام کرد در سال ۲۰۲۶، اولین مرکز داده چند گیگاواتی جهان با نام «پرومتئوس» وارد فاز بهره‌برداری خواهد شد که امنیت آن بسیار بالاست. دولت امارات نیز با همکاری آمریکا در حال ساخت بزرگ‌ترین مرکز داده هوش مصنوعی خارج از خاک آمریکاست. هرچند کارشناسان هشدار می‌دهند که این پروژه عظیم نیز در معرض تهدیدات گوناگون قرار دارد ولی گفته می‌شود برای امنیت بالای آن تلاش شده است.

حملات هدفمند با صدای فن‌ها

مراکز داده هوش مصنوعی، درست مانند مراکز داده سنتی شامل سخت‌افزار، شبکه، ذخیره‌سازی و نرم‌افزار هستند و علاوه بر حملات متداولی مانند DDoS و باج‌افزار، با «حملات کانال جانبی» نیز دست و پنجه نرم می‌کنند؛ حملاتی که در آن، از اطلاعات عملکرد سخت‌افزاری مانند فعالیت پردازنده یا حتی صدای فن‌ها برای دستیابی به داده‌های حساس استفاده می‌شود.

از آنجا که مراکز داده هوش مصنوعی، مدل‌ها و داده‌های آموزشی را در خود نگه می‌دارند، دائم با تهدیداتی همچون سرقت مدل‌ها، نشت داده‌های حساس و حتی حملات تخریبی علیه مدل مواجه‌اند. این حملات می‌توانند شامل «مسموم‌سازی مدل» باشند یعنی با دستکاری در الگوریتم، خروجی‌های جانبدارانه یا نادرست تولید می‌شود. همچنین حملاتی مانند «سرقت مدل» و «برگردانی مدل» قادرند اطلاعات حیاتی درباره ساختار مدل و داده‌های آموزشی را فاش کنند. علاوه بر این، زنجیره تأمین پیچیده‌ای که در ساخت تجهیزات مراکز داده نقش دارد، خود زمینه نفوذ و خرابکاری را فراهم می‌کند. به همین دلیل کارشناسان هشدار می‌دهند که رهبران امنیت سایبری باید سیاست‌های مربوط به چنین مراکزی را با دقت بیشتری ارزیابی کنند. کارشناسان امنیتی توصیه می‌کنند، باید علاوه بر انجام مستمر ممیزی‌های امنیتی برای شناسایی «درهای پشتی» احتمالی و نقاط آسیب‌پذیر، بازرسی‌ها از سخت‌افزارهای مراکز داده هوش مصنوعی نیز سخت‌گیرانه‌تر شود. سرمایه‌گذاری در جذب نیروهای متخصص و مطمئن هم باید در اولویت شرکت‌ها قرار گیرد.

وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات تأکید کرد

پایداری توسعه دیجیتال با وجود جنگ و تحریم

فاوا

وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات به‌عنوان یکی از سخنرانان اصلی در نشست سطح بالای کنفرانس جهانی توسعه ارتباطات (WTDC-25) در باکو، با تشریح دستاوردهای ایران در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات تأکید کرد: «موفقیت‌های اخیر ایران در حوزه تحول دیجیتال، در حالی حاصل شده که کشور در جریان جنگ ۱۲ روزه با حملات نظامی به زیرساخت‌های ارتباطی غیرنظامی، حملات سایبری و محدودیت‌های گسترده فناوری و مالی روبه‌رو بوده است.»

ستار هاشمی با بیان اینکه ایران هزینه بسته پرمصرف اینترنت موبایل را به ۰٫۳ درصد و اینترنت ثابت را به ۰٫۲ درصد از سرانه تولید ناخالص داخلی کاهش داده است، تأکید کرد: «کشور ما در جمع مقرون به صرفه‌ترین کشورهای جهان قرار گرفته و بزرگ‌ترین مانع ورود به فضای آنلاین یعنی هزینه سنگین، برطرف شده است.»

وی تصریح کرد: «ایران با ۱۶۶٫۳ اشتراک اینترنت موبایل به ازای هر ۱۰۰ نفر جمعیت و پوشش بیش از ۹۲ درصدی شبکه‌های 3G و 4G/LTE، در میان کشورهایی با گسترده‌ترین شبکه‌های دسترسی قرار دارد و استقرار شبکه 5G نیز با بیش از ۲۴۰۰ سایت فعال، سرعت گرفته است.»

هاشمی همچنین با اشاره به پیشرفت ایران در کاهش شکاف دیجیتال میان مناطق شهری و روستایی گفت: «ایران توانسته در رتبه نهم جهان در کاهش شکاف روستایی در پرداخت‌های دیجیتال قرار گیرد و فناوری مالی و خدمات آنلاین برای همه مردم، چه در شهر و روستا، تقریباً به یک اندازه در دسترس باشد.»

وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات ایجاد زیست‌بوم دیجیتال و شبکه فیبر نوری را دو برنامه ملی کلیدی وعامل موفقیت دانست و افزود: «ایجاد زیست‌بوم دیجیتال دولت با هدف تحول دیجیتال، خدمات دولتی را از طریق یک درگاه واحد و با بهره‌گیری از عامل‌های هوشمند ارائه می‌کند.» هاشمی یادآور شد: «ایران در حال مهاجرت از سیم مسی به فیبر نوری است و شبکه فیبر منازل و کسب‌وکارها را توسعه داده است.»

وی در پایان با تأکید بر اهمیت همکاری بین‌المللی برای تحقق توسعه دیجیتال فراگیر گفت: «رسیدن به چشم‌انداز ۱۰ درصدی سهم اقتصاد دیجیتال بدون همکاری جهانی ممکن نیست و جمهوری اسلامی ایران از تعامل با کشورها استقبال می‌کند تا هم‌افزایی در اجرای برنامه‌ها و تحقق توسعه دیجیتال برای همه مردم جهان ایجاد شود.»

حوزه فاوا

■ «حسین افشین»، معاون علمی و فناوری رئیس جمهور روز گذشته در حاشیه جلسه هیأت دولت گفت: «دو ماده از طرح تشکیل سازمان ملی هوش مصنوعی در مجلس به کمیسیون بازگشت داده شده است و روز سه‌شنبه در دستور کار قرار می‌گیرد.» معاون علمی رئیس جمهور همچنین با اشاره به این که موافق رفع فیلترینگ است، گفت: «هر چیزی که به زیرساخت آسیب بزند و مانع ارائه خدمات پایدار شود، توسعه را دچار خدشه می‌کند و اجازه نمی‌دهد اقتصاد رشد کند. برای هر نوع توسعه‌ای ابتدا باید زیرساخت‌های لازم فراهم باشد و در اقتصاد دیجیتال، اینترنت پایدار و پاک یعنی اینترنت بدون اختلال یک پیش‌نیاز اساسی است.»

کوتاه از فناوری

■ مایکروسافت در رویداد ایگنایت ۲۰۲۵ از پردازنده نسل جدید Cobalt 200 رونمایی کرد. این تراشه ۵۰ درصد عملکرد بهتری نسبت به Cobalt 100 دارد.

■ شرکت Cloudflare اعلام کرد، اختلال گسترده اخیر که بخش بزرگی از اینترنت را تحت‌تأثیر قرار داد، به دلیل یک «باگ پنهان» در یکی از سرویس‌های داخلی این شرکت رخ داده است.

■ شرکت مهندسی لومیا، گوشواره هوشمندی را که ترکیب زیبایی و فناوری است، معرفی کرد. این گوشواره می‌تواند جریان خون به مغز را پایش کند.

خودرو

■ لیگ مسابقات خودروهای خودران ابوظبی (A2RL) برای اولین بار میزبان ۶ خودروی بدون راننده بود که در مرحله فینال بزرگ در پیست «یاس مارینا» رودرروی یکدیگر به رقابت پرداختند. برگزارکنندگان این مسابقه، آن را یک نقطه عطف برای هوش مصنوعی و روباتیک توصیف کردند.

از هوش مصنوعی چه خبر؟

■ کمپانی xAI مدل هوش مصنوعی Grok 4.1 را در دو نسخه معمولی و Thinking معرفی کرده است. هر دو نسخه رایگان هستند اما کاربران پریمیوم محدودیت کمتری دارند. این مدل نسبت به نسخه قبلی تا سه برابر کمتر دچار هذیان می‌شود.

کهکشان

■ ستاره‌شناسان، کهکشانی کشف کرده‌اند که ستارگان در آن ۱۸۰ بار سریع‌تر از ستاره‌های کهکشان راه شیری تشکیل می‌شوند.

با روبات سریع انسان‌نمای چرخ‌دار

کارهای پرتکرار را به روبات بسپارید

برسام جنتی/ شرکت روباتیک Unitree چین از اولین روبات انسان‌نمای خود با پایه چرخ‌دار با نام G1-D رونمایی کرد؛ روباتی که با هدف جمع‌آوری داده، آموزش مدل‌های هوش مصنوعی و اجرای عملیات در محیط‌های واقعی طراحی شده و قابلیت انجام کارهای پرتکرار و پرسرعت را در صنایع مختلف دارد. این روبات با ترکیب سخت‌افزار پیشرفته و یک پلتفرم نرم‌افزاری جامع برای مدیریت کامل جریان کاری هوش مصنوعی، قرار است در مناطق صنعتی، انبارها، مراکز خدماتی و فروشگاهی به کار گرفته شده و به ابزاری کارآمد برای پژوهش و اتوماسیون تبدیل شود. هدف اصلی این روبات کمک به سازمان‌ها برای اتوماسیون وظایف پرزحمت و تکراری و در عین حال پشتیبانی از توسعه عملی هوش مصنوعی در دنیای واقعی است. G1-D در دو نسخه استاندارد و پرچم‌دار عرضه شده که ارتفاع هر دو مدل بین ۱۲۵ تا ۱۶۷ سانتی‌متر متغیر است و وزن آنها تا ۸۰ کیلوگرم می‌رسد. نسخه استاندارد این روبات ثابت است، اما مدل پرچم‌دار با استفاده از یک پایه چرخ‌دار با سیستم دیفرانسیل ویژه، توانایی جابه‌جایی دارد و با سرعت ۱.۵ متر بر ثانیه حرکت می‌کند. هر بازوی این روبات دارای هفت درجه آزادی حرکت بوده و توانایی حمل بار تا ۳ کیلوگرم را دارد. مفصل کمر روبات می‌تواند در محور Z تا ۱۵۵ درجه و در محور Y از منفی ۲.۵ تا ۱۳۵ درجه حرکت کند. G1-D به یک دوربین دوچشمی با وضوح بالا در قسمت سر مجهز است و روی هر مچ نیز دوربینی اضافی نصب شده است. این روبات با داشتن گیره‌های دو انگشتی، مهارت دست پنج انگشتی را داراست به همین دلیل می‌تواند جابه‌جایی اشیای مختلف، بازرسی دقیق و وظایف تکراری و دستی را به طور کارآمد انجام دهد. نسخه پرچم‌دار دارای ماژول قدرتمند Nvidia Jetson Orin NX با توان پردازش تا ۱۰۰ تریلیون عملیات بر ثانیه است و باتری آن می‌تواند بدون نیاز به شارژ مکرر تا ۶ ساعت کار کند.

اجرای موفق طرح «نشان‌دار کردن مالیات‌ها» در سال ۱۴۰۴

مالیات‌ها به انتخاب مردم خرج شد

طرح ملی «نشان‌دار کردن مالیات‌ها» در سال ۱۴۰۴ به‌عنوان یکی از برنامه‌های مهم تحول نظام مالیاتی کشور اجرا شد. هدف اصلی این طرح، مردمی‌سازی و شفاف‌سازی هزینه‌کرد منابع عمومی بود و توانست بیش از ۱۸ همت اعتبار برای ۸۸۱ پروژه بسیج کند و مشارکت بیش از ۳۰۰ هزار مؤدی را جلب نماید.

این طرح که از سال ۱۴۰۳ آغاز شد، مکانیزمی ایجاد کرد تا مؤدیان بدانند مالیات آن‌ها دقیقا در چه پروژه‌هایی هزینه می‌شود. در قالب این سازوکار، مؤدیان در زمان ارائه فرم تبصره ماده (۱۰۰) امکان انتخاب پروژه‌های عمرانی، آموزشی، بهداشتی یا اجتماعی را داشتند و مالیات به یک مشارکت داوطلبانه تبدیل شد.

فرآیند اجرا در پنج گام شامل شناسایی پروژه‌ها توسط سازمان برنامه و بودجه، فراهم‌سازی بستر سیستمی انتخاب پروژه، انتقال داده‌ها به خزانه، تخصیص منابع و بهره‌برداری پروژه‌ها تا پایان سال مالی ۱۴۰۴ بود. گزارش‌دهی عمومی نیز در دستور کار قرار گرفت.

آمارها نشان می‌دهد ۱۸ هزار و ۲۰۳ میلیارد تومان اعتبار در این طرح تجمیع شده و بیشترین سهم اعتبارات با ۲۹ درصد به حمل‌ونقل و عمران شهری و روستایی تعلق یافته است. پس از آن، بخش آب، کشاورزی و محیط زیست با ۱۹ درصد و آموزش و پرورش با ۱۳ درصد قرار دارند.

از میان ۳۰۰ هزار مشارکت‌کننده، حوزه حمل‌ونقل با حدود ۸۷ هزار نفر و آموزش و پرورش با ۷۳ هزار نفر بیشترین مشارکت را به خود اختصاص داده‌اند. در سطح استان‌ها، تهران با تأمین ۱۰۰ درصد اعتبارات پروژه‌های منتخب در رتبه نخست قرار دارد و پس از آن سیستان و بلوچستان با ۹۵ درصد و آذربایجان شرقی با ۷۹ درصد قرار گرفته‌اند.

همچنین، استان اصفهان با بیش از ۲۷ هزار مشارکت‌کننده بالاترین میزان مشارکت مردمی را ثبت کرده است و استان‌های خراسان رضوی و سیستان و بلوچستان در رتبه‌های بعدی هستند. برخی استان‌های کم‌برخوردار همچون کهگیلویه و بویراحمد و ایلام به دلیل مشارکت کمتر، نیاز به توجه بیشتری دارند.

در میان پروژه‌ها، پروژه‌های حمل‌ونقل، آموزش و سلامت محبوب‌ترین گزینه‌های انتخاب‌شده بودند. در صدر فهرست پروژه‌های پرمشارکت، احداث بیمارستان ۴۰۰ تختخوابی با زهرا(س) دزفول با بیش از ۴۵۰۰ مشارکت‌کننده قرار دارد. سپس اورژانس بیمارستان امام سجاد(ع) شهریار و توسعه بیمارستان کودکان امام حسین(ع) اصفهان رتبه‌های دوم و سوم پروژه‌های پرمشارکت را به خود اختصاص داده‌اند.

همچنین پروژه‌هایی مانند مرکز جامع سرطان قم، بیمارستان ۱۶۰ تختخوابی مرودشت، محور جهرم-لار و راه اصلی هراز نیز از استقبال قابل‌توجه برخوردار بوده‌اند.

اجرای طرح «نشان‌دار کردن مالیات‌ها» آثار مهمی در افزایش شفافیت، پاسخگویی مالی و اعتماد عمومی داشته است. مشاهده مستقیم نتیجه مالیات، انگیزه شهروندان برای تمکین و پرداخت داوطلبانه را افزایش داده و چرخه‌ای مثبت از پرداخت، مشاهده نتیجه و مشارکت بیشتر ایجاد کرده است.

این طرح همچنین موجب شد بخشی از مازاد درآمدهای استان‌های برخوردار مانند تهران به پروژه‌های استان‌های کم‌برخوردار اختصاص یابد که این امر به تقویت عدالت جغرافیایی کمک کرده است.

از نظر اقتصادی، تخصیص هدفمند اعتبارات و مشارکت مردم در تعیین پروژه‌ها باعث کاهش اتلاف منابع و افزایش بهره‌وری هزینه‌های عمومی شده است.

همچنین اطلاع‌رسانی شفاف درباره پیشرفت پروژه‌ها، نگاه عمومی به نظام مالیاتی را تغییر داده و آن را از یک تکلیف اجباری به مشارکت در توسعه تبدیل کرده است. این روند باعث تقویت سرمایه اجتماعی و افزایش رضایت عمومی از عملکرد دولت شده است.

در نهایت، اجرای موفق این طرح به تحکیم فرهنگ مالیاتی و ترویج حس مسؤولیت‌پذیری جمعی کمک کرده و نوعی حکمرانی مالیاتی مشارکتی را ایجاد کرده است.

اختصاص بیش از ۱۸ همت اعتبار به پروژه‌های عمرانی، آموزشی و بهداشتی، علاوه بر آثار اقتصادی، نشان‌دهنده شکل‌گیری یک فرهنگ تازه است؛ فرهنگی که در آن هر مالیات نمادی از توسعه و هر مؤدی شریک ساخت آینده‌ای بهتر محسوب می‌شود.

جدول میزان اعتبار و تعداد مشارکت‌کنندگان براساس موارد مصرف

ردیف	موارد مصرف	میزان اعتبار لازم (میلیارد تومان)	درصد اعتبارات	تعداد مشارکت‌کنندگان	درصد مشارکت‌کنندگان
۱	حمل و نقل و عمران شهری و روستایی	۵۳۱۱	۲۹	۸۶,۹۱۵	۲۹
۲	آموزش و پرورش عمومی و مهارتی	۲۴۲۸	۱۳	۷۲,۷۳۱	۲۴
۳	سلامت و رفاه اجتماعی	۱۸۱۲	۱۰	۳۹,۲۳۵	۱۳
۴	آب، کشاورزی و محیط زیست	۳۵۰۲	۱۹	۳۱,۴۴۶	۱۰
۵	آموزش عالی، تحقیقات و فن‌آوری	۱۲۲۱	۷	۲۲,۵۵۱	۷
۶	امور فرهنگی، گردشگری و ورزش	۱۸۲۰	۱۰	۲۲,۴۶۰	۷
۷	عمومی،قضایی، دفاعی و امنیتی	۱۸۰۲	۱۰	۲۰,۳۵۸	۷
۸	انرژی	۳۰۵	۲	۵,۵۷۴	۲
	مجموع	۱۸۲۰۳	۱۰۰	۳۰۱,۲۷۰	۱۰۰

نماینده صومعه‌سرا در مجلس مطرح کرد:

صورتحساب الکترونیک زمینه‌ساز اعتماد بیشتر مؤدیان به نظام مالیاتی

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی گفت: استقرار صورتحساب‌های الکترونیکی به‌عنوان یکی از وجوه کلیدی رویکرد هوشمندسازی نظام مالیاتی مطرح می‌شود که با نظارت پیشینی زمینه‌ساز حل مشکلات مؤدیان نظیر فاکتورسازی‌های جعلی را فراهم می‌آورد.

سعید رحمت‌زاده پشتیری نماینده صومعه‌سرا در مجلس شورای اسلامی در مورد صورتحساب الکترونیکی، اظهار داشت: یکی از تکالیف اصلی دولت و سازمان امور مالیاتی، هوشمندسازی فرآیندهای مالیاتی است که در بخش مالیات بر ارزش افزوده نیز مبتنی بر حذف صورتحساب‌های کاغذی و اخذ صورتحساب الکترونیکی از مؤدیان این پایه مالیاتی است.

وی با اشاره به هوشمندسازی مالیات بر ارزش افزوده با استقرار کامل صورتحساب الکترونیک، گفت: استقرار صورتحساب‌های الکترونیکی به‌عنوان یکی از وجوه کلیدی رویکرد هوشمندسازی نظام مالیاتی مطرح می‌شود که با نظارت پیشینی زمینه‌ساز حل مشکلات مؤدیان نظیر فاکتورسازی‌های جعلی را فراهم می‌آورد و همچنین اعتماد مؤدیان را نیز به نظام مالیاتی افزایش خواهد داد: اصل کلی این است که هر چه فرآیندها به‌ویژه در حوزه مالی، هوشمندتر شوند، شفافیت بیشتری حاصل خواهد شد.

عضو کمیسیون اقتصادی در ادامه اظهار کرد: با هوشمندسازی، دسترسی سریع‌تر و هوشمندسازی بسیاری از مشکلات و توقف‌ها، در حوزه اداری و تخلفات انسانی که در مسیر مالیات‌ستانی وجود داشته، کاهش می‌یابد. این امر به نوبه خود می‌تواند نارضایتی‌های سالیان گذشته مردم و مؤدیان را کاهش دهد.

رحمت‌زاده پشتیری خاطرنشان کرد: بهبود رفتار سازمان مالیاتی به‌طور مستقیم وابسته به هوشمندسازی و ماشینی شدن فرآیندهاست. بنابراین، حرکت به سمت الکترونیکی شدن صورتحساب‌ها و سایر فرآیندهای مالیاتی نه تنها به افزایش شفافیت کمک می‌کند، بلکه می‌تواند موجب اعتماد بیشتر مؤدیان به نظام مالیاتی شود.

رئیس اتاق اصناف مشهد مطرح کرد:

گام مهم نظام مالیاتی داده‌محور در اعطای اعتبار به شرکت‌ها

رئیس اتاق اصناف مشهد گفت: وقتی همه رخدادهای مالی و تراکنش‌ها در چارچوب صورتحساب الکترونیک ثبت و ضبط می‌شود، شفافیت به وجود می‌آید و شرکت‌ها براساس اعتبار مالی‌ای که دارند، می‌توانند به صدور فاکتور بپردازند.

هادی مخملی رئیس اتاق اصناف مشهد با اشاره به این موضوع که حذف روندهای دستی، سنتی و ممیزمحور مالیات‌ستانی با هدف ارتقای عدالت مالیاتی در دستور کار قرار دارد، اظهار کرد: در چارچوب سامانه مؤدیان بحث هوشمندسازی نظام مالیات‌ستانی در کشور پیگیری شد و استفاده از این سازوکارها در راستای بهره بردن از روندهای نوین مالیات‌ستانی اهمیت دارد.

رئیس اتاق اصناف مشهد خاطرنشان کرد: استفاده از روندهای نوین مالیات‌ستانی به از بین رفتن مشکلات روندهای قدیمی مالیات‌ستانی می‌انجامد.

استفاده از روندهای نوین مالیات‌ستانی و صورت‌حساب الکترونیک مثبت ارزیابی می‌شود. لازم است سازمان امور مالیاتی با در نظر گرفتن جزئیات به اجرای اصلاحات بپردازد.

مخملی ادامه داد: رتبه‌بندی و اعتبارسنجی شرکت‌ها به‌منظور مقابله با فاکتورسازی یکی از بخش‌های هوشمندسازی روندهای مالیات‌ستانی است؛ وقتی همه رخدادهای مالی و تراکنش‌ها در چارچوب صورت‌حساب الکترونیک ثبت و ضبط می‌شود، شفافیت به وجود می‌آید و شرکت‌ها براساس اعتبار مالی‌ای که دارند، می‌توانند به صدور فاکتور بپردازند؛ این به معنای مقابله با فاکتورسازی‌هاست که یکی از تبعات هوشمندسازی روندهای دریافت مالیات در کشور است.

رئیس اتاق اصناف مشهد گفت: در نظر گرفتن معاملات اعتباری و نسیه در چارچوب صورتحساب الکترونیک نیز مثبت ارزیابی می‌شود. در این سازوکار، در واقع شاهد اعتماد سازمان امور مالیاتی به مؤدی هستیم. به نحوی که پس از وصول مطالبات نسبت به پرداخت مالیات بر ارزش افزوده اقدام می‌کند. این طور اقدام‌های حمایتی در نهایت به نفع اقتصاد ملی است و گردش سرمایه را در کشور افزایش می‌دهد.

مخملی بیان کرد: موکول کردن دریافت مالیات بر ارزش افزوده به بعد از تسویه حساب نهایی، یک اقدام مؤثر در راستای حمایت از مؤدیان و افزایش گردش سرمایه در کشور است؛ گرچه بر اثر این رویه وصول درآمدهای مالیاتی دولت با تأخیر صورت می‌گیرد، اما در عوض موجب تحرک‌بخشی در اقتصاد خواهد شد.

وی ادامه داد: هر چقدر سازمان امور مالیاتی در راستای حل مشکلات مؤدیان گام بردارد و ارتباط مؤثرتری بین سازمان و مالیات‌دهندگان برقرار شود، فرهنگ مالیاتی در جامعه تقویت می‌شود و اعتماد مؤدیان به روندهای مالیاتی کشور افزایش پیدا می‌کند.

رئیس اتاق اصناف مشهد در پایان گفت: امیدواریم اصلاحات مدنظر در حوزه مالیات‌ستانی ما را به عدالت مالیاتی برساند و شرایطی مهیا شود که همه فعالان اقتصادی قدرت رقابت برابری داشته باشند.

بنگاه

دبیر اجرایی ششمین نمایشگاه کتاب کیش:

۱۷۰۰۰ عنوان کتاب در نمایشگاه کیش عرضه می‌شود

داوود رادمند، دبیر اجرایی ششمین دوره نمایشگاه کتاب کیش، در نشست خبری که در سالن اجتماعات سازمان منطقه آزاد کیش برگزار شد، گفت:«با اقدامات انجام شده در طول ماه‌های گذشته و طبق برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته، از یکم تا نهم آذرماه ۱۴۰۴ نمایشگاه کتاب کیش در محل نمایشگاه‌های بین‌المللی کیش برگزار خواهد شد.»

به گزارش اقتصاد کیش، وی افزود:«این نمایشگاه با همت سازمان منطقه آزاد کیش به‌عنوان حلقه اصلی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به‌عنوان حلقه دوم و با مشارکت بخش خصوصی به‌عنوان حلقه سوم، برگزار خواهد شد.» رادمند با بیان اینکه طبق سنوات گذشته تمام تلاش خود را در گردآوری تازه‌های نشر کشور به کار گرفته‌ایم، گفت:«ناشران برتر و برگزیده کشور در حوزه کودک و نوجوان، عمومی، زبان و ادبیات انگلیسی، روانشناسی، رمان، کتب کمک‌آموزشی و... گردهم آمده‌اند تا بتوانیم به‌روزترین کتاب‌ها در حوزه‌های متنوع را در اختیار کیشوندان و مخاطبان عزیز قرار دهیم.»

وی افزود:«بیش از ۱۷ هزار عنوان کتاب و آثار ۳۰۰ ناشر برتر در این دوره از نمایشگاه ارائه خواهد شد.» رادمند با بیان اینکه اطلاع‌رسانی هوشمند برای سهولت دسترسی مخاطبان به کتاب‌های مورد نظرشان یکی از نقاط قوت نمایشگاه خواهد بود، افزود:«اعمال تخفیف برای کتاب‌های کمک‌آموزشی و تدارک سرویس ایاب و ذهاب برای بازدید دانش‌آموزان و سایر مخاطبان از نمایشگاه، از دیگر برنامه‌های جنبی و تدارک دیده شده است.» دبیر اجرایی ششمین دوره نمایشگاه کتاب کیش با اشاره به اینکه پویایی، بالندگی و تحول فرهنگی را از یکم تا نهم آذرماه در جزیره کیش پیش رو خواهیم داشت، گفت:«سرانه مطالعه در کیش نسبت به سرانه مطالعه در کشور تفاوت قابل‌توجهی دارد و رویکرد سازمان منطقه آزاد کیش نسبت به مقوله کتاب از آن جهت ارزنده است که این تفاوت را بیشتر خواهد کرد و کتاب را در سبد خانوارها قرار خواهد داد و این الگویی برای کل کشور خواهد بود.» وی با اعلام این خبر که یارانه کتاب را با ۵۰ درصد تخفیف ارائه خواهیم داد، گفت:«هر فرد با ارائه کد ملی می‌تواند تا سقف ۶۰۰ هزار تومان با تخفیف ۵۰ درصد کتاب خریداری کند.» رادمند در پایان از برگزاری برنامه‌های مفرح جنبی همچون برگزاری کارگاه‌های آموزشی، شاهنامه‌خوانی و مراسم رونمایی از کتاب خبر داد و گفت:«اخبار تکمیلی در طول برگزاری نمایشگاه کتاب کیش به اطلاع عموم خواهد رسید.»

مدیرکل شیلات کرمانشاه پیامدهای صادرات خام آبزیان را تشریح کرد

استان پیشتاز پرورش آبزیان، بدون بازار ماهی!

گزارش

بیتا میرعظیمی
گروه ایران زمین

استان کرمانشاه با بهره‌گیری از اقلیم مساعد، منابع آبی غنی و دانش فنی بومی، به یکی از قطب‌های راهبردی صنعت شیلات کشور در میان استان‌های غیرساحلی تبدیل شده است. این استان با ظرفیت‌های چشمگیر خود، جایگاهی ممتاز در تولید ماهیان گرمابی و سردآبی کسب کرده و نقش مهمی در تأمین امنیت غذایی و توسعه پایدار آبزی‌پروری ایفا می‌کند. با این حال، نبود زیرساخت‌های مناسب عرضه و فروش، زنجیره تولید تا مصرف را مختل کرده است. در سطح استان، بویژه کلانشهر کرمانشاه، بازارچه‌های تخصصی فروش ماهی وجود نداشته و فضایی برای عرضه مستقیم محصولات تازه شیلاتی و خرید مطمئن مصرف‌کنندگان فراهم نشده است. این خلأ موجب شده بخش قابل توجهی از تولیدات به‌صورت خام و فرآوری‌نشده به بازارهای خارجی مانند عراق و روسیه صادر شود؛ صادراتی که به‌رغم درآمدزایی، فرصت‌های ارزشمند بازار داخلی، اشتغال محلی و ارتقای امنیت غذایی را از بین می‌برد. طبق گفته مدیرکل شیلات استان کرمانشاه به «ایران»، توسعه زیرساخت‌های بازاررسانی از جمله راه‌اندازی مراکز تخصصی فروش، ایجاد واحدهای فرآوری و شکل‌گیری برندهای محلی، می‌تواند نقش کلیدی در ارتقای سهم استان کرمانشاه از بازار داخلی ایفا کند. این اقدامات نه‌تنها به افزایش بهره‌وری زنجیره تولید و عرضه آبزیان منجر می‌شود، بلکه زمینه‌ساز تحقق توسعه پایدار در صنعت شیلات کشور را نیز پدیدار خواهد کرد.

«سیامک الیاس‌پور» مدیرکل شیلات استان کرمانشاه به «ایران» می‌گوید: «استان کرمانشاه با ظرفیت تولید سالانه بیش از ۲۲ هزار تُن انواع آبزیان پرورشی، از جمله ماهیان گرمابی، سردآبی و خاویاری، به‌عنوان یکی از محورهای کلیدی صنعت شیلات کشور شناخته می‌شود. این استان در میان مناطق غیرساحلی، جایگاه اول تولید ماهیان گرمابی را به خود اختصاص داده و در تولید ماهیان سردآبی نیز در رتبه ششم کشوری قرار دارد؛ جایگاهی که نشان‌دهنده تنوع زیستی و توانمندی فنی پرورش‌دهندگان منطقه است.»

فقدان بازارچه آبزیان

طبق گفته مدیرکل شیلات استان کرمانشاه، «با وجود این ظرفیت چشمگیر، فقدان زیرساخت‌های تخصصی برای عرضه مستقیم محصولات، بویژه نبود بازارچه‌های فروش ماهی در شهرستان‌ها و به‌طور خاص در کلانشهر کرمانشاه، موجب شده بخش قابل‌توجهی از تولیدات شیلاتی استان بدون فرآوری و با حداقل ارزش افزوده روانه بازارهای صادراتی شود. عراق، ارمنستان، آذربایجان و روسیه از جمله مقاصد اصلی این صادرات خام هستند؛ روندی که نه‌تنها فرصت‌های اشتغال و درآمدزایی محلی را محدود می‌سازد، بلکه مانع شکل‌گیری زنجیره ارزش داخلی در حوزه شیلات نیز می‌شود.» وی می‌افزاید: «این خلأ زیرساختی در شهری با جمعیتی بیش از یک میلیون نفر، آن هم در استانی که در تولید آبزیان پیشتاز است، نشانه‌ای از ضعف در برنامه‌ریزی شهری و بی‌توجهی به ظرفیت‌های اقتصادی و تغذیه‌ای شیلات است. نکته قابل‌تأمل آن‌که در کرمانشاه برای فروش پرندگان مکان مشخصی در نظر گرفته شده، اما برای عرضه مستقیم ماهی، محصولی با ارزش غذایی بالا و نقش‌آفرین در امنیت غذایی، تاکنون هیچ اقدام ساختاری صورت نگرفته است. این تناقض، نه‌تنها مانعی جدی در مسیر توسعه صنایع تبدیلی و فرآوری آبزیان به‌شمار می‌رود، بلکه فرصت‌های اشتغال‌زایی، ارتقای زنجیره ارزش و توسعه بازار داخلی را نیز از بین برده است.» الیاس‌پور به نقش کلیدی احداث بازارچه‌های تخصصی فروش ماهی با طراحی‌های بهداشتی، مدرن و کاربرمحور در افزایش مصرف سرانه ماهی اشاره کرده و می‌گوید: «راه‌اندازی چنین فضاهایی، فرآیند انتخاب و خرید ماهی را به تجربه‌ای آگاهانه، مطمئن و لذت‌بخش برای شهروندان تبدیل می‌کنند و با ارائه تنوعی از ماهیان تازه، محلی و سالم، زمینه‌ساز تغییر الگوی مصرف از گوشت قرمز به گزینه‌ای مغذی‌تر و اقتصادی‌تر خواهند بود. در حال حاضر، بسیاری از خانوارها به دلیل نبود دسترسی آسان یا نگرانی از کیفیت محصول، از مصرف ماهی صرف‌نظر می‌کنند؛ در حالی که توسعه بازارچه‌های تخصصی می‌تواند این روند را به نفع سلامت عمومی تغییر دهد.»

> استان کرمانشاه در میان مناطق غیرساحلی جایگاه نخست تولید ماهیان گرمابی را به خود اختصاص داده و در تولید ماهیان سردآبی نیز در رتبه ششم کشوری قرار دارد؛ جایگاهی که نشان‌دهنده تنوع زیستی و توانمندی فنی پرورش ماهی در منطقه است

ارتقای جایگاه استان در زنجیره ارزش ملی

طبق گفته مدیرکل شیلات استان کرمانشاه، «از منظر اقتصادی فروش داخلی محصولات شیلاتی به‌مراتب سودآورتر از صادرات خام است. کاهش هزینه‌های حمل‌ونقل، حذف واسطه‌های صادراتی و افزایش سود مستقیم برای تولیدکنندگان، انگیزه عرضه در بازارهای محلی را تقویت می‌کند. در مجموع، سرمایه‌گذاری در ایجاد زیرساخت‌های فروش ماهی در کرمانشاه، نه‌تنها گامی مؤثر در مسیر توسعه پایدار صنعت شیلات است، بلکه به بهبود امنیت غذایی، رونق اقتصادی منطقه و ارتقای جایگاه استان در زنجیره ارزش ملی منجر خواهد شد.» این مقام مسئول ادامه می‌دهد: «با اجرای برنامه‌های هدفمند در حوزه شیلات، پیش‌بینی می‌شود تولید انواع آبزیان در استان کرمانشاه در سال‌جاری از مرز ۲۵ هزار تُن عبور کند؛ رقمی که نسبت به تولید ۲۲ هزار تُن در سال گذشته، رشد قابل توجهی را نشان می‌دهد. این میزان شامل ۱۵ هزار تُن ماهیان سردآبی و ۱۰ هزار تُن ماهیان گرمابی خواهد بود. در کنار این افزایش کمی، تنوع تولید نیز گسترش یافته است. طبق برآوردها، امسال حدود پنج میلیون و ۵۰۰ هزار قطعه انواع ماهیان زینتی و ۳۰ تُن میگوی آب شیرین در استان تولید و روانه بازار مصرف خواهد شد.»

الیاس‌پور خاطرنشان می‌کند: «کرمانشاه در حال حاضر تنها استان کشور است که پرورش میگو در آب شیرین را به‌صورت تخصصی دنبال می‌کند. بیش از سه هزار و ۸۰۰ نفر به‌صورت مستقیم در حوزه آبزی‌پروری استان فعالیت دارند. این اشتغال در قالب ۵۰۲ واحد شیلاتی شکل گرفته که شامل ۴۲۰ مزرعه سردآبی و دو منظوره، ۸۰ مزرعه گرمابی، ۲ مزرعه پرورش ماهیان خاویاری، ۱۵ مزرعه ماهیان زینتی و ۱۲ مزرعه تولید بچه‌ماهی است. در حال حاضر، تمامی شهرستان‌های استان بجز قصرشیرین میزبان مزارع پرورش ماهی سردآبی هستند. شهرستان‌های دالاهو، پاوه و کنگاور نیز به ترتیب رتبه‌های اول تا سوم تولید ماهیان سردآبی را در سطح استان به خود اختصاص داده‌اند.»

توسعه پایدار آبزی‌پروری

مدیرکل شیلات استان کرمانشاه تصریح می‌کند: «استان کرمانشاه با ظرفیت تولید سالانه هزاران تن محصولات شیلاتی، توانایی تأمین بخش قابل‌توجهی از نیاز داخلی و بازارهای منطقه‌ای را دارد. بازارهای همسایه، بویژه عراق، تشنه محصولات شیلاتی باکیفیت هستند و کرمانشاه می‌تواند با بهره‌گیری از موقعیت جغرافیایی و منابع آبی خود، به قطب صادرات آبزیان کشور تبدیل شود. توسعه آبزی‌پروری در این استان نه‌تنها با سیاست‌های ملی سازگاری با کم‌آبی هم‌راستاست، بلکه بر افزایش بهره‌وری و مدیریت علمی منابع آبی تمرکز دارد؛ رویکردی که به جای برداشت بیشتر، براستفاده هوشمندانه از ظرفیت‌های موجود تأکید می‌کند. با این حال، نبود مدیریت یکپارچه و تصمیم‌گیری‌های پراکنده، موجب اتلاف فرصت‌های ارزشمند شده است. برای تحقق توسعه پایدار، استان نیازمند انسجام در سیاست‌گذاری و وحدت رویه در اجرای برنامه‌هاست.»

الیاس‌پور، یکی از موانع بنیادین در مسیر توسعه پایدار آبزی‌پروری را رویکرد جزیره‌ای و غیرهم‌افزای نهادهای مسئول دانسته و می‌گوید: «فقدان مدیریت یکپارچه و هماهنگ در سطح تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری کلان، موجب پراکندگی اقدامات و کاهش اثربخشی برنامه‌های توسعه‌ای شده است. تحقق پایداری در این حوزه، مستلزم استقرار نظام حکمرانی واحد با سازوکارهای هم‌راستا و شفاف است. در این چهارچوب، دولت باید از نقش تصدی‌گری فاصله گرفته و تمرکز خود را بر سه وظیفه کلیدی معطوف کند: حمایت هدفمند، تسهیل‌گری ساختاری و نظارت مؤثر. این تغییر رویکرد، زمینه‌ساز ایجاد امنیت روانی و اقتصادی برای سرمایه‌گذاران بخش خصوصی خواهد بود و آنان را به ورود فعالانه در زنجیره ارزش آبزی‌پروری ترغیب می‌کند. رونق این صنعت، به‌طور مستقیم موجب فعال‌سازی صنایع وابسته نظیر فرآوری، بسته‌بندی، حمل‌ونقل و صادرات می‌شود؛ صنایعی که ظرفیت بالایی در ایجاد اشتغال غیرمستقیم دارند و بویژه برای استان‌های مرزی، ارزش راهبردی و توسعه‌ای قابل‌توجهی به همراه خواهد داشت.»

شهرداری کرمانشاه، پیگیر راه‌اندازی بازارچه آبزیان است

برش

«هادی نوروزی» مدیرکل ارتباطات و امور بین‌الملل شهرداری کرمانشاه، در پاسخ به ابهام مطرح‌شده درباره فقدان بازارچه آبزیان در استان به «ایران» می‌گوید: «شهرداری کرمانشاه پیش‌تر اقدام به راه‌اندازی یک بازارچه ویژه فروش آبزیان کرده بود. متأسفانه به دلیل عدم استقبال مردم از خرید آبزیان، این بازارچه به تعطیلی کشیده شد. این موضوع نشان‌دهنده نیاز به بررسی علل عدم استقبال و ایجاد راهکارهای مناسب برای جذب مشتریان است.» وی ادامه می‌دهد: «با این حال، شهرداری کرمانشاه همچنان به اهمیت فروش آبزیان و تأمین پروتئین سالم برای شهروندان اعتقاد دارد. به همین دلیل، شهرداری برنامه‌ای برای راه‌اندازی ۸ بازارچه فروش در سطح شهر کرمانشاه تهیه کرده است. یکی از این بازارچه‌ها به فروش آبزیان و مواد پروتئینی اختصاص داده شده است. هدف شهرداری از اجرای این طرح، ایجاد فضایی مناسب برای عرضه محصولات تازه و باکیفیت و همچنین افزایش دسترسی شهروندان به منابع غذایی سالم است.» طبق گفته مدیرکل ارتباطات و امور بین‌الملل شهرداری کرمانشاه؛ طرح راه‌اندازی ۸ بازارچه فروش در سطح شهر کرمانشاه به شورای شهر ارائه شده و در حال حاضر منتظر تصویب آن هستیم. در صورت تصویب این طرح، بازارچه آبزیان مجدداً در کرمانشاه راه‌اندازی خواهد شد و امیدواریم با همکاری و حمایت مردم، بتوانیم فضایی جذاب و کارآمد برای خرید و فروش آبزیان ایجاد کنیم. همچنین، با توجه به تنوع محصولات موجود در این بازارچه‌ها، می‌توانیم نیازهای مختلف مردم را برآورده و فرهنگ مصرف آبزیان را در جامعه تقویت کنیم. امیدواریم با اجرای این طرح، شاهد افزایش استقبال مردم از خرید آبزیان و بهبود وضعیت بازار در کرمانشاه باشیم.

بنگاه

کتاب، چراغ عدالت فرهنگی در هرمزگان

ایران آنلاین- بندرعباس- هفته کتاب در هرمزگان، امسال به جشن بزرگ عدالت فرهنگی بدل شد؛ رویدادی که نه‌تنها کتاب را به روستاها برد، بلکه روح مشارکت و همدلی را در میان مردم زنده کرد. از اجرای نمایشی برای کودکان در کنخ تا تجلیل از نویسندگان بومی در سیریک، هر برنامه گامی در جهت ساخت جامعه‌ای آگاه‌تر بود. در جهانی که سرعت فناوری گاه کتاب را به حاشیه می‌برد، مردم هرمزگان نشان دادند هنوز ایمان دارند که هیچ ابزاری نمی‌تواند جای صفحه‌های ساده و صمیمی کتاب را بگیرد.

۲۶ عنوان رویداد فرهنگی در هرمزگان

اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی هرمزگان در هفته کتاب بیش از ۲۶ عنوان برنامه در سراسر استان اجرا کرد؛ از نمایشگاه‌های کتاب و کارگاه‌های آموزشی تا پویش اهدای کتاب و کتاب‌گردی با حضور اهل فرهنگ و هنر. شعار امسال، «بخوانیم برای ایران»، الهام‌بخش رویدادهایی بود که پیوند بین مطالعه، هویت ملی و توسعه فرهنگی کشور را بازتاب می‌داد. از روستای کنخ تا جاسک سی وسومین دوره هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران در هرمزگان، به الگویی از هم‌افزایی فرهنگی میان مردم، نویسندگان، کتابداران و نهادهای فرهنگی بدل شد. از روستاهای بندرلنگه تا شهرهای میناب و جاسک، شور و شوق کتابخوانی در قالب برنامه‌هایی متنوع، بار دیگر نشان داد که کتاب هنوز هم نیرویی زنده در بافت اجتماعی و فرهنگی این سرزمین است.

همچنین روستای رودبار بندرخمیر صحنه برگزاری جشن بزرگ کتاب بود. این آیین با استقبال گسترده مردم و مسئولان محلی، به همت شورای اسلامی و دهیاری روستا و با حمایت اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان خمیر برگزار شد. محمد میردادی، معاون فرهنگی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی هرمزگان، در این آیین با تأکید بر «عدالت فرهنگی» به‌عنوان سیاست اصلی دستگاه فرهنگی استان گفت: «کتاب فرصتی برابر برای مردم از کلانشهرها تا روستاهای دورافتاده فراهم می‌کند و مسیرآشنایی با ایده‌ها و افق‌های تازه را می‌گشاید.» در این مراسم از کتاب «دوران شیرین»، نوشته شیرین درسای، نویسنده بومی رودبار، رونمایی شد تا نقطه‌عطفی در ترویج نویسندگی محلی به شمار آید.

آغاز رسمی هفته کتاب

افتتاحیه رسمی هفته کتاب در روستای کنخ بندرلنگه برگزار شد؛ روستایی که به‌دلیل فعالیت‌های گسترده‌اش درحوزه کتابخوانی، از آن به‌عنوان «روستای دوستدارکتاب» یاد می‌شود. نمایش آموزشی و جذاب گروه کودک «چیکو» با مدیریت هانیه هادی‌نژاد فضای مراسم را آکنده از شادی و شور ساخت و کودکان و نوجوانان را با مفاهیم دوستی با کتاب، لذت مطالعه و رشد فردی آشنا کرد. در پایان برنامه، از فعالان فرهنگی و حامیان کتاب از جمله؛ شیخ محمد شریف رحمانی، زینب لاوری، نسترن مشتاقی، فرید رحیمی و جمعی دیگر، تقدیربه عمل آمد. میردادی معاون فرهنگی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی هرمزگان در سخنان خود اظهار کرد: «امید داریم نام روستای کنخ در سال ۱۴۰۴ به‌عنوان روستای دوستدار کتاب ایران ثبت شود، چرا که مردم این منطقه نشان داده‌اند کتاب بخشی از زندگی روزمره آنان است.»

کتاب در دل مدارس جاسک

برنامه‌های هفته کتاب با اهدای صد جلد کتاب کودک و نوجوان به مدارس ابتدایی آغاز شد. فاضل رستمی، رئیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی جاسک، با تأکید براهمیت آموزش در سنین پایه، از برگزاری شب شعر مشترک بشاگرد و جاسک و پخش انیمیشن‌های آموزشی در روستاهای محروم خبر داد. در شهرستان میناب نیز مصطفی کریمی، رئیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی، با کتابداران و اعضای کتابخانه‌های عمومی دیدار کرد و گفت: «کتابخانه‌ها در تکوین دانش و ارتقای کیفیت اجتماعی جامعه نقشی بی‌بدیل دارند. جامعه‌ای کتابخوان؛ جامعه‌ای فرهیخته و عدالت‌محور خواهد بود.»

رونمایی از آثار نویسندگان بومی

محمد پیشان، رئیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی سیریک، در مراسم رونمایی از سه اثر تازه تألیف‌شده نویسندگان محلی گفت: «تا زمانی که صدای نویسندگان بومی طنین‌انداز نشود، فرهنگ بومی نیز مکتوب نخواهد ماند.» در این مراسم از کتاب‌های «شرجی خیال» اثر خاتون سعدینی و دو مجموعه شعر «آوای غزل» و «میل عشق» نوشته عبدالله کرمی روتانی رونمایی شد و از نویسندگان نیز با اهدای لوح تقدیر قدردانی به عمل آمد.

نوبت اول
شهرداری شمشک دربندسر
آگهی تجدید مناقصه عمومی یک مرحله‌ای
(شماره ثبت سامانه ۲۰۰۴۱۰۰۳۰۱۰۰۰۰۳۲)
شهرداری شمشک دربندسر در نظر دارد به استناد ردیف ۴۰۱۰۲۰۳ بودجه مصوب سال ۱۴۰۴ پروژه عملیات اجرای سنگچین لاشه پله جیرود به مبلغ برآورد ۲۱/۳۱۳/۹۲۳/۶۱۳ ریال (بیست و یک میلیارد و سیصد و سیزده میلیون و نهصد و بیست و سه هزار و ششصد و سیزده ریال) را از طریق برگزاری مناقصه عمومی به اشخاص حقوقی واجد شرایط و دارای گواهی‌نامه صلاحیت پیمانکاری مرتبط واگذار نماید.
لذا بدین‌وسیله از کلیه شرکت‌های دارای سوابق و شرایط دعوت می‌گردد برای کسب اطلاعات بیشتر و شرکت در مناقصه به سایت اینترنتی www.setadiran.ir مراجعه نمایند.
۱- مهلت دریافت اسناد مناقصه از سایت:
تا روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۰۶ ساعت ۱۴:۰۰ می باشد.
۲- مهلت زمان ارائه پیشنهاد:
روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۶ ساعت ۱۴:۰۰ می‌باشد.
۳- متقاضیان برای شرکت در مناقصه می بایست نسبت به ثبت نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی (توکن) به آدرس اینترنتی سامانه ستاد مراجعه نمایند.
۴- برگزاری مناقصه صرفاً از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس فوق‌الذکر می باشد.
۵- متقاضیان قبل از ارائه پیشنهاد قیمت حتماً و با دقت برگ شرایط شرکت در مناقصه را مطالعه نمایند.
اطلاعات تماس دستگاه مناقصه‌گزار واحد امور قراردادها جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکت الف:
نشانی: تهران - شمیرانات - رودبار قصران - شهر شمشک در بند سر جاده دیزین - شهرداری شمشک دربندسر (تلفن تماس: ۲۴۸۷۳۰۰۰ - ۲۶۵۲۶۹۴۹)
شهرداری شمشک دربندسر

آگهی فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله ای (نوبت اول)
قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء (ص) - مؤسسه نوین ابنیه، مناقصه ای به شرح زیر برگزار می نماید:
موضوع مناقصه: تهیه کلیه ورق و آهن آلات، رنگ، پیچ و مهره ها و دستمزد ساخت کامل، بارگیری، حمل، تخلیه، جابجایی و نصب کامل اسکلت پیچ و مهره ای بلوک ۲، مطابق با مشخصات فنی مندرج در اسناد مناقصه مربوط به پروژه ساخت بیمارستان ۳۵۰ تختخوابی پورسینا رشت
محل انجام کار: استان گیلان، شهر رشت، خیابان پرستار، پروژه ساخت بیمارستان ۳۵۰ تختخوابی پورسینا
مدت فعالیت: ۶ ماه شمسی پس از امضاء و ابلاغ قرارداد.
شرایط شرکت کنندگان: داشتن سوابق مرتبط با موضوع مناقصه.
مهلت، نحوه و محل دریافت اسناد: متقاضیان می توانند جهت دریافت اسناد مناقصه از تاریخ درج آگهی تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۰۶ روز پنجشنبه ساعت ۱۵ با در دست داشتن کارت ملی، معرفی نامه معتبر و اسناد مثبته در خصوص احراز صلاحیت شرکت در مناقصه به آدرس استان گیلان، شهر رشت، خیابان پرستار پروژه ساخت بیمارستان ۳۵۰ تختخوابی پورسینا رشت و یا تهران، بلوار نلسون ماندلا، خیابان ناهید غربی، کوچه احترام، ساختمان الماس، طبقه اول، موسسه نوین ابنیه، واحد امور پیمان ها و مناقصات مراجعه نمایند و برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره ۰۹۱۲۱۴۳۸۲۴۰ آقای مهندس جمالی تماس حاصل نمایند.
مبلغ ضمانت نامه شرکت در مناقصه: ۳۶,۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰ (سی و شش میلیارد و یکصد میلیون ریال) که می بایست به صورت ضمانت نامه بانکی یا رسید پرداخت نقدی یا رسید کسر از مطالبات (برای متقاضیان دارای سابقه همکاری با قرارگاه) تهیه و ارائه گردد.
مهلت و محل ارائه پیشنهادات: تا ساعت ۱۶ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۶ و در محل دریافت اسناد.
سایر شرایط: به پیشنهادهای فاقد امضاء، مخدوش و پیشنهاداتی که پس از انقضاء مدت مقرر در فراخوان ارسال شود، ترتیب اثر داده نخواهد شد.

اصلاحیه آگهی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای
اداره کل غله و خدمات بازرگانی
حفاظت فیزیکی در ساختمان‌ها و انبارهای ملکی و در اختیار اداره کل غله و خدمات بازرگانی استان هرمزگان
در راستای آگهی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای حفاظت فیزیکی در ساختمان‌ها و انبارهای ملکی و در اختیار اداره کل غله و خدمات بازرگانی استان هرمزگان منتشره در روزنامه محلی ندای هرمزگان در مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۲۷ و ۱۴۰۴/۰۸/۲۸ و روزنامه ایران مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۲۷ بدین‌وسیله موارد اصلاحی به‌شرح ذیل اعلام می‌گردد.
۱-تاریخ انتشار مناقصه در سامانه ستاد: ۱۴۰۴/۰۸/۲۹ از ساعت ۱۱:۰۰ لغایت ۱۹:۰۰
۲-مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سامانه: ۱۴۰۴/۰۸/۲۹ از ساعت ۱۱:۰۰ لغایت ۱۹:۰۰
بدیهی است سایر موارد مندرج در اسناد مناقصه به قوت خود باقی است.
شماره: ۳۰۵۳۷۶۳
واحد حقوقی اداره کل غله و خدمات بازرگانی استان هرمزگان

ایران
پذیرش آگهی‌های روزنامه ایران ۱۸۷۷

شرکت حمل و نقل ترکیبی مواد معدنی گهر ترابر سیرجان (سهامی عام)
آگهی فراخوان (نوبت سوم) مناقصه عمومی شماره ۰۲-۰۲۲۳/۱۴۰۴
(تأمین ۱۲۰ عدد چرخ مونوبلوک لکوموتیو چینی مطابق نقشه پیوست شرکت گهر ترابر سیرجان)
شرکت حمل‌ونقل ترکیبی مواد معدنی گهر ترابر سیرجان (سهامی عام) در نظر دارد به‌منظور تأمین ۱۲۰ عدد چرخ مونوبلوک لکوموتیو چینی (مطابق نقشه پیوست) اقدام به برگزاری مناقصه عمومی نماید. لذا کلیه تأمین‌کنندگان می‌توانند با مراجعه به وب‌سایت رسمی شرکت به نشانی‌های www.gttmco.ir و www.35114.ir (بخش اخبار و مناقصه) نسبت به مشاهده شرایط و دریافت اسناد مناقصه اقدام نمایند.
• شرکت گهر ترابر سیرجان حق رد یا قبول هر یک از پیشنهادات شرکت‌کنندگان را محفوظ داشته و صرفاً شرکت در مناقصه هیچ‌گونه حقی برای هیچ‌یک از شرکت‌کنندگان ایجاد نخواهد کرد.
• هزینه آگهی بر عهده برنده مناقصه خواهد بود.
• مهلت تحویل پاکات: تا ساعت ۱۴ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۰۵
• نشانی محل تحویل اسناد: سیرجان، بلوار صفارزاده، روبه‌روی دادسرا، نبش صفارزاده ۳، دبیرخانه شرکت گهر ترابر سیرجان.
• تلفن جهت کسب اطلاعات بیشتر یا سایر هماهنگی‌ها: ۰۹۱۲۴۳۱۹۹۵۲ (آقای کشاورزیان)
مدیریت حقوقی و قراردادهای شرکت حمل‌ونقل ترکیبی مواد معدنی گهر ترابر سیرجان (سهامی عام)

جادوی کتاب

معرفی سه کتاب جذاب به مناسبت روز جهانی کودک

ادبیات کودک

راضیه خوئینی
گروه کتاب

امروز، روزی ویژه و پر از رنگ و شادی برای همه کودکان جهان است! روزی که به نام شما عزیزان ثبت شده تا دنیای زیبا و رنگارنگ‌تان را جشن بگیریم. اما این روز با یک رویداد جالب دیگر گره خورده است: هفته کتاب و کتابخوانی که هر سال از ۲۴ آبان آغاز می‌شود. این نشان می‌دهد که کتاب چقدر ارزشمند است، چرا که هر سال یک هفته را به آن اختصاص داده‌اند، درست همان‌طور که شما بچه‌ها نیز یک روز مخصوص به خود دارید. حالا، چه هدیه‌ای می‌تواند در این روز زیباتر و ارزشمندتر از یک کتاب باشد؟ کتاب‌هایی که پر از دوستی، تخیل و کشف دنیای نو هستند. از کرگدن مهربانی که با دوستانش بازی می‌کند، تا سفر شگفت‌انگیز به شهری زیر ذره‌بین و آرامش یافتن با «روح گمشده»، این سه کتاب شگفت‌انگیز همچون پنجره‌هایی به سوی دنیای شگفتی‌ها هستند. این کتاب‌ها هریک به نوبه خود، درس‌هایی از مهربانی، کشف تازه‌ها و درک آرامش را با زبانی دل‌نشین برای شما روایت می‌کنند و یادآور می‌شوند که دنیایی پر از شگفتی و زیبایی در انتظار شماست. پس بیایید با هم، این روز را جشن بگیریم و با کتاب‌هایمان به دنیای خیال و ماجراجویی سفر کنیم!

قصه‌ای آرامش‌بخش

سفری به عمق وجودتان با کتاب روح گمشده

اگر کسی از فراز آسمان به ما می‌نگریست، جهانی را می‌دید، پر از انسان‌هایی که با شتاب و عرق‌ریزان، خسته و نگران، در حال دویدن به این سو و آن سو هستند. روح‌های این آدم‌ها همیشه از شتاب زندگی آنها عقب می‌مانند و در نهایت توی این هیاهو گم می‌شوند. «روح گمشده» کتابی است که با وجود نام ترسناکش، همانند یک نسخه پزشکی به ما کمک می‌کند تا به زندگی‌مان عمیق‌تر نگاه کنیم و به آرامش برسیم. این اثر با ترجمه حسین عیدی‌زاده، می‌تواند مرهمی باشد بر اضطراب، ناامنی و غم‌هایی که این روزها بسیاری از ما را درگیر کرده است. اُلگا توکارچوک، نویسنده لهستانی و برنده نوبل ادبیات، این کتاب را به عنوان یک زنگ هشدار ملایم طراحی کرده است؛ دعوت‌نامه‌ای برای همه، از کودک تا بزرگسال، تا لحظه‌ای بایستند، نفس بکشند و با خود و روحشان آشتی کنند. این کتاب تصویری، با تصویرگری شگفت‌انگیز یوانا کنسیو، سفری کوچک اما عمیق به درون خودمان و یافتن معنای آرامش و صبر است. جایی در میان انبوه جنگل از شما می‌خواهد همکاری و تعاملی با تصاویر داشته باشید و خود را در نقطه‌ای تسکین‌دهنده تجسم کنید و صبر کنید. نقطه‌ای که خود را از مسابقه با ثانیه‌ها رها و احساس می‌کنید زمان متوقف شده است. پس بیایید این سفر را آغاز کنید و به خود فرصتی برای آرامش و بازگشت به خویشتن بدهید. «روح گمشده» می‌تواند نگاه شما به زندگی را تغییر دهد.

چرا بچه‌ها «روح گمشده» را دوست دارند؟

عکس‌ها و تصاویر رویایی آن همه را جذب می‌کند؛ نقاشی‌های هنرمندانه یوانا کنسیو، مخاطب را به شکلی ماهرانه به اعماق باغی زیبا می‌برد. هر صفحه، دنیای خود را دارد. بعضی صفحه‌ها ساده، شفاف و بدون طرح هستند و حس معلق بودن در دنیایی خیال‌انگیز را القا می‌کنند.

داستان کم‌کم رنگ می‌گیرد؛ مثل جسمی که جان می‌گیرد. بچه‌ها با ورق زدن کتاب می‌بینند رنگ‌ها در صفحات آخر پررنگ‌تر، براق‌تر و روشن‌تر می‌شوند. این تغییر بصری آنها را به کشفی جالب می‌رساند؛ زندگی و روح مرد با رنگ‌ها برمی‌گردد.

مسیری آرام برای اندیشیدن؛ این کتابی از مجموعه «قصه‌هایی برای فکر کردن» انتشارات اندیشه است و بچه‌ها را ترغیب می‌کند درباره آرامش، صبوری، شلوغ نکردن بیش از حد زندگی فکر کنند و به خودشان بیشتر اهمیت بدهند.

داستان یک صفحه‌ای، اما اثربخش؛ بچه‌ها اصلاً حوصله داستان‌های بلند را ندارند. «روح گمشده» دقیقاً به اندازه‌ای است که آنها را به تفکر وادارد.

در پایان بچه‌ها می‌فهمند باید با ریتمی آهسته‌تر حرکت کنند تا خودِ واقعی‌شان بتواند با آنها هم‌قدم شود.

چرا «روح گمشده» انتخاب خوبی است؟

تحلیلی ویژه والدین: «روح گمشده» از آن دسته کتاب‌هایی است که هم برای کودکان مفید است و هم برای بزرگسالان. در بسیاری از کشورها، آن را «کتاب تصویری بین‌نسلی» می‌دانند؛ یعنی کتابی که خواندنش مختص کودکان نیست و حتی روی والدین اثربخش است؛ مثل یک تجربه احساسی ارزشمند. هدف این کتاب، بالا بردن درک کودک از مفهوم «آرام زیستن» در جهانی پرسرعت است. کودکان امروزی در محیطی زندگی می‌کنند که سرعت آن برای جثه‌های کوچک آنان خیلی بالاست. تصور کنید، کلاس‌های متعدد، سرگرمی‌های دیجیتال، تکالیف زیاد و کمبود زمان برای بازی آزاد از مضرات زندگی مدرن امروزی است. این کتاب، در برابر این جریان پرسرعت مانند تابلوی قرمز ایست است؛ با پیام «کم کردن سرعت برای رسیدگی به خویشتن»؛ پیامی که در سطحی ساده و تصویری به کودکان منتقل می‌شود و ذهن آنها را غیرمستقیم با آرامش و صبوری آشنا می‌کند.

فرصتی برای گفت‌وگوی خانوادگی

والدین می‌توانند هنگام خواندن این کتاب با فرزندشان درباره موضوعاتی مانند: خستگی ذهنی، اهمیت بازی، احساسات واقعی، «خود وجودی ما» و نیازهایش و «معنای روح» به‌عنوان استعاره‌ای از هویت صحبت کنند. این کتاب دقیقاً به همین دلیل در فهرست کلاغ سفید و IBBY قرار گرفته است: چون فرصت گفت‌وگو میان اعضای خانواده را خلق می‌کند.

کیفیت هنری بالا و آشنا کردن بچه‌ها با ادبیات و هنر جهانی از دیگر مزایای این کتاب است. کتابی که فقط داستان نیست و هنر در میان صفحاتش انسان را به وجد می‌آورد. بچه‌ها نوعی زیبایی‌شناسی را تجربه می‌کنند که با مدادهای نرم، رنگ‌گذاری تدریجی، ترکیب‌بندی‌های شاعرانه، بازی با نور و سایه خلق شده است. این کتاب تجربه‌ای بصری است که نگاه بچه‌ها را تقویت می‌کند، زیرا هر صفحه مانند یک پازل کوچک است. بخش زیادی از معناها در تصاویر پنهان شده‌اند؛ بنابراین فرزندتان مجبور می‌شود دقیق‌تر به جزئیات نگاه کند و با تصاویر مختلف و ریز ارتباط بگیرد. این مهارت بعدها در درس خواندن، محیط‌پذیری و تحلیل مسائل به کار خواهد آمد.

روح گمشده
قصه‌هایی برای فکر کردن
- نویسنده: اُلگا توکارچوک
- تصویرگر: یوانا کنسیو
- مترجم: حسین عیدی‌زاده
- انتشارات: کتاب چ
- تعداد صفحات: ۴۸ صفحه
- قیمت: ۲۹۰۰۰۰ تومان

بازیابی کودک درون

این اثر والدین را هم جذب می‌کند و بیشتر به هشداری لطیف و عمیق می‌ماند؛ در شلوغی زندگی، روح خود را رها و گم نکنید. این پیام دقیقاً چیزی است که امروز بسیاری از والدین در جست‌وجویش هستند. خواندن این کتاب کنار فرزندتان، یک یادآوری شاعرانه است درباره اینکه فرزندان، سرعتِ طبیعی زندگی را بهتر از ما بلد هستند. نسخه فارسی کتاب از کیفیت چاپ، صفحه‌آرایی و پردازش تصویری بالایی برخوردار است و با ۴۸ صفحه رنگی، کاغذ مرغوب و طراحی تأمل‌برانگیز منتشر شده و ارزش سال‌ها ماندن در کتابخانه خانوادگی شما را دارد. در نهایت می‌توان گفت «روح گمشده» یک لحظه تنفس، مکث و درس آرام زیستن است؛ کتابی برای کنار هم نشستن، آهسته ورق زدن و با دقت نگاه کردن.

سخنی با بچه‌ها!

این کتاب برای گروه سنی (ج) و بالاتر مناسب است؛ یعنی دانش‌آموزانی که کلاس چهارم، پنجم یا ششم و حتی بزرگ‌تر هستند. «روح گمشده» شما را دعوت می‌کند تا در دنیایی سرشار از آرامش و خیال پا بگذارید. اگر دنیای شما پر از بازی، هیجان و تحرک شده یا از بازی با گوشی خسته شده‌اید، کتاب «روح گمشده» برای شما عالی است. چون بعضی وقت‌ها وسط همین بازی‌ها باید مکث کوچکی داشته باشید؛ مثل تابلوی ایست! بعد ببینید دلتان چه می‌خواهد؟ واقعاً فکر کنید؛ خسته‌اید از این همه تکرار؟ این کتاب مخصوص همین لحظات است؛ مثل دوستی مهربان، قصه‌ای کوچک و جادویی تعریف می‌کند؛ قصه مردی که آن‌قدر عجله داشت که روحش جا ماند! بله، دقیقاً درست متوجه شدید او روحش را گم کرد... ولی نترسید؛ این قصه ترسناک نیست.

برعکس، آرامش‌بخش است و شما را به دنیایی می‌برد که صدای طبیعت، خش‌خش برگ‌ها و وزیدن باد از میان درخت‌ها را می‌شنوید. کم‌کم رنگ‌های خاکستری و تیره جای خود را به رنگ‌های سبز و لطیف می‌بخشند و زندگی در این کتاب با ریتمی آهسته زیباتر می‌شود. شما همسفر این مرد خسته می‌شوید و به او کمک می‌کنید تا روحش را پیدا کند. در این کتاب، روح مرد در شمایل یک دختربچه به تصویر کشیده شده؛ دختری آرام که کتی چهارخانه با یقه خزدار به تن دارد. همین تصویر باعث می‌شود، حس کنید روح، ترسناک و عجیب نیست، بلکه شبیه همان «کودک درون» خودمان است که لبخند می‌زند، بازی دوست دارد و جهان را با دقت می‌بیند.

کرگدن بامزه

توبی کتابی پر از دوستی و شادی

این روزها که کودکان در جهانی پرهیاهو زندگی می‌کنند، داستان‌ها همچنان دلنشین‌ترین و امن‌ترین پناهگاه برای رشد عاطفی و خیال‌پردازی آنهاست. این‌بار، مجموعه محبوب «قصه‌هایی برای دوست داشتن» در کتاب چ (بخش کودک و نوجوان نشر چشمه)، میهمان تازه‌ای دارد: «توبی»، کرگدن آبی بسیار بزرگ با قلبی مهربان. او آمده است تا به بچه‌ها یادآوری کند متفاوت بودن، دست‌وپاچلفتی بودن، حتی اشتباه کردن، پایان دنیا نیست؛ گاهی وقت‌ها همین ویژگی‌ها که خیال می‌کنیم مشکل بزرگی‌اند، تبدیل به نقطه قوت ما می‌شود. کتاب خوش‌رنگ و پرشور «توبی؛ کرگدنی که می‌خواست با همه بازی کند» با ترجمه نیلوفر کشتیاری، شادی، پذیرفتن اشتباه و دوست‌یابی را به کودکان ۳ سال به بالا می‌آموزد. این کتاب با تصویرگری جسورانه، طنزی بامزه و روایتی ساده اما پراحساس از همان صفحه اول کودک را جذب می‌کند.

توبی آن‌قدر بزرگ است که گاهی توی یک صفحه جا نمی‌شود و مهم‌تر از آن، آن‌قدر هیجان‌زده است که اغلب پیش از آنکه به هیکل بزرگش فکر کند، وارد بازی با دوستان ریزه‌میزه خود می‌شود. همین اشتیاق کنترل‌نشده، او را وارد ماجراهایی می‌کند که خنده‌دار و آموزنده است. همین بامزگی با ظرافتی خاص به کوچولوها درک حجم، ظرفیت و اندازه بزرگی یا کوچکی را می‌آموزد و اینکه هر کسی با توجه به شرایطش می‌تواند کاری انجام بدهد.

ماجراهای توبی در دنیایی پر از پرندگان ماشین‌سوار، موش‌های موسیقی‌دان و حیوانات آشپز شکل می‌گیرد. هر بار که توبی به جمع آنها می‌پیوندد، فاجعه‌ای رخ می‌دهد. مثلاً اتوبوسی زیروزبر او طاقت نمی‌آورد و خم می‌شود. با صدای گوشخراش آواز می‌خواند و ارکستر موش‌های کوچک را به هم می‌زند. توبی حتی نتوانست با هیکل گنده‌اش هنگام پخت شیرینی به دوستانش کمک کند و شاخ او کتاب را سوراخ می‌کند. این سوراخ واقعی روی صفحه کتاب و بالای شاخ توبی، خلاقیتی است که ذهن کودک را بیشتر درگیر می‌کند؛ یک بازی تصویری هوشمندانه که کودک را شگفت‌زده می‌کند و بخشی از طنز دیداری کتاب است. توبی در نهایت از اشتباهاتش خسته و غمگین می‌شود. خودش را روی آب غوطه‌ور می‌کند و وقتی در سکوت آرامش پیدا می‌کند، ایده‌ای جالب در ذهنش جرقه می‌زند: ساختن بزرگ‌ترین قایق کرگدنی جهان. او با فکری خلاقانه، دوستان کوچک زیادی پیدا می‌کند. حیواناتی که بلد نیستند شنا کنند روی پشتش سوار می‌شوند و او تبدیل به باحال‌ترین قایق-گَدَن برای دوستانش می‌شود. این کتاب می‌آموزد که اندازه آدم‌ها، توانایی‌ها یا اشتباهات‌شان، تعریف‌کننده ارزش آنها نیست و فقط دل بزرگ و تلاش آنها برای یافتن راهی بهتر اهمیت دارد.

توبی
کرگدنی که می‌خواست با همه بازی کند
- نویسنده و تصویرگر: لو کل
- مترجم: نیلوفر کشتیاری
- انتشارات: کتاب چ
- تعداد صفحات: ۳۰ صفحه
- قیمت: ۱۸۰۰۰۰ هزار تومان

چرا توبی انتخاب خوبی است؟

تحلیلی ویژه والدین: این کتاب ارزشمند است، زیرا باعث تقویت عزت نفس و درک تفاوت‌ها در کودکان می‌شود. توبی نمادی از بچه‌هایی است که پرانرژی، مشتاق، هیجان‌زده و گاهی بی‌دقت هستند. بسیاری از کودکان احساس می‌کنند زیادی پرشور، شلوغ یا متفاوت هستند. این کتاب به بچه‌ها می‌آموزد: «تو کافی هستی؛ فقط باید راه خودت را پیدا کنی.» والدین هم هنگام خواندن کتاب کمک می‌کنند تا کودک احساساتش را بشناسد و خودش را همان‌طور که هست دوست بدارد. دومین ویژگی کتاب آموزش مهارت‌های اجتماعی با زبان قصه است. توبی با موقعیت‌های ساده و کودکانه، مفاهیمی چون رعایت نوبت، توجه به کوچک‌ترها، کنترل هیجان، حل مسأله، کار گروهی بدون قهر و ناراحتی را می‌آموزد و این آموزش مهارت‌ها به شکل تجربی در جریان روایتی شاد انجام می‌شود. سومین مزیت آن، تقویت تفکر خلاق و ناامید نشدن در هر شرایطی است: توبی پس از ناکامی‌های مختلف، به‌جای گریه کردن یا کنارکشیدن، به فکر راه‌حل می‌افتد. دیگر ویژگی مثبت جذابیت بصری و تقویت حس زیبایی‌شناسی است. لو کل، نویسنده انگلیسی به‌دلیل مهارت در تصویرگری، صفحه‌هایی خلق کرده که کودک را به کشف جزئیات دعوت می‌کند. رنگ‌های زنده، ترکیب‌بندی‌های جسورانه و شخصیت‌های بامزه، ذهن کودک را فعال نگه می‌دارند و او بارها می‌خواهد آن را دوباره برایش بخوانید. «توبی؛ کرگدنی که می‌خواست با همه بازی کند» کتابی است درباره شور زندگی، اهمیت دوستی و زیبایی و اینکه همه یک شکل و یکسان نیستند؛ اما می‌توانند شخص مهمی باشند. این کتاب با تصویرهایی جسورانه و داستانی ساده، اما پراحساس، قلب کودکان و ذهن والدین را به یک اندازه تسخیر می‌کند.

سخنی با کودکانِ دوست‌داشتنی

سلام کوچولوهای عزیز!

این کتاب درباره یک کرگدن بزرگ و مهربون به اسم توبیه. توبی خیلی دوست داره با همه بازی کنه. اون ماشین‌سواری دوست داره، موسیقی دوست داره، آشپزی هم خیلی براش هیجان‌انگیزه! ولی گاهی چون خیلی ذوق‌زده می‌شه، یه‌کوچولو خرابکاری می‌کنه... مثلاً اتوبوس رو له می‌کنه یا صدای موسیقی دوستانش رو با صدای کلفتش قاطی می‌کنه! اما می‌دونی چی می‌شه؟ توبی ناراحت نمی‌مونه. یه فکر بامزه به ذهنش می‌رسه و تبدیل به یک قایق بزرگ برای دوستانش می‌شه؛ اون‌قدر بزرگ که همه می‌تونن سوارش بشن و با هم خوش بگذرونن. این کتاب به تو یاد می‌ده اگر گاهی اشتباه کردی، ناراحت نشی؛ چون می‌تونی دوباره امتحان کنی، فکر جدیدی پیدا کنی و بهترین کار رو انجام بدی. تو هم مثل توبی خاص و مهم هستی و می‌تونی برای خودت و دوستانت دنیای شادی رو بسازی.

جادویی‌ترین سفر

کشف عجایب زندگی در شهر زیر ذره‌بین

کتاب «شهر زیر ذره‌بین» با ترجمه لیلا حسین‌رشیدی، کشف حقایقی شگفت‌انگیز درباره جهانی کوچک و پنهان در زیر پاهای ما است. جزئیات ریزی که اغلب آنها را نادیده می‌گیریم و از کنارشان بی‌تفاوت رد می‌شویم. حالا این جزئیات ریز در انتظار بیننده‌های کنجکاوی هستند که دوست دارند با طبیعت ارتباط بگیرند. لازم نیست برای کشف این دنیای عجیب راه دور و درازی بروید؛ کافی است کمی چشم خود را باز کنید و روی زمین را با دقت ببینید. در میان برج‌های سر به فلک کشیده و چهره سنگی شهر، طبیعتی سرسبز به شیوه‌های کوچک و سرگرم کننده شکوفا می‌شود. در میان ساختمان‌های بزرگ، مورچه‌ای را می‌بینید و دنبالش می‌کنید. حتی تکه‌هایی از طبیعت بکر در بزم شاعرانه گیاهان و جانوران شهری پنهان شده‌اند که شما می‌توانید آن را پیدا کنید. این کتاب را دبورا فرنکل نوشته، اینگرید بارتکوویاک تصویرسازی کرده و برای گروه سنی ۴ سال به بالا مناسب است. این کتاب آنقدر خوب و تأثیرگذار بوده که برنده طلایی جایزه ناتیلوس شد و شایسته تقدیر توسط شورای کتاب کودک استرالیا.

چرا شهر زیر ذره‌بین انتخابی ارزشمند است؟

تحلیلی ویژه والدین: «شهر زیر ذره‌بین» تنها یک کتاب مصور نیست؛ بلکه تجربه نگریستن دقیق به جزئیات ریز، کشف و پرورش حس توجه و آگاهی در کودکان است. دبورا فرانکل در این اثر با ترکیب شعرگونه متن و نکات علمی بسیار دقیق، کودکان را تشویق می‌کند تا فضای شهری اطرافشان را دوباره کشف کنند. این کتاب در عین سادگی، نگاه علمی مهمی را با تخیل کودکانه پیوند می‌دهد؛ هر صفحه یک داستان کوچک دارد و در کنار آن یک «حقیقت علمی کوتاه» درباره گیاهان یا جانوران شهری ارائه می‌دهد. بنابراین هم برای مطالعه در خانه و هم برای استفاده آموزشی در کلاس‌های درس ایده‌آل است.

تصویرگری؛ ترکیبی از واقع‌گرایی علمی و شاعرانه هنری

تصویرگری اینگرید بارت‌کویاک نقطه قوت این کتاب است؛ چراکه رنگ‌های بسیار زنده و چشم‌نواز را برای نشان دادن شلوغی شهر به کار برده. او با استفاده از آبرنگ و رنگ روغن، تصاویری جذاب خلق کرده است؛ جزئیاتی ریز و دقیق در تصاویر، حس مشاهده‌گری انسان را تقویت می‌کند. وضوح علمی لازم برای شناخت گونه‌ها و فضای شاعرانه تصویرها، به کتاب عمقی احساسی و علمی می‌بخشد و از نظر تربیتی، این کتاب پیام مهم دارد: تاب‌آوری؛ یعنی طبیعت حتی در سخت‌ترین محیط‌ها راه خود را پیدا می‌کند.

دقت نظر و احساس نسبت جزئیات کوچک؛ مهارتی که در رشد ذهنی و هیجانی کودکان نقش کلیدی دارد. ارتباط با محیط زیست و آشنایی عملی با مفاهیم بوم‌شناسی از سنین پایین. تصاویر این کتاب برای کودکانی که به نقاشی و هنر علاقه دارند می‌تواند الهام‌بخش باشد و از آن الگو بگیرند. اگر به دنبال کتابی هستید که می‌خواهید کودک خود را به مشاهده و کنجکاوی تشویق کنید و نگاه او را از صفحه موبایل به دنیای واقعی اطرافش بازگردانید، در عین حال هم قصه داشته باشد، هم دانش، زیبا، هنری و چشم‌نواز باشد، کتاب «شهر زیر ذره‌بین» یکی از بهترین انتخاب‌ها خواهد بود و شما را به اهدافتان نزدیک خواهد کرد.

کتابی که نه‌تنها خوانده می‌شود، بلکه زیسته می‌شود. پس از خواندنش، کودکتان هنگام بیرون رفتن و عبور از هر کوچه و خیابانی، با نگاهی تازه روی سنگفرش‌های پیاده‌رو پا خواهد گذاشت. یکی از جذاب‌ترین ویژگی‌های «شهر زیر ذره‌بین» این است که دنیای طبیعی را از دیدگاهی بررسی می‌کند که معمولاً کمتر به آن توجه می‌کنیم؛ زاویه دید موجودات ریز و پنهان. کودک هنگام خواندن کتاب، نه فقط ناظر، بلکه همراهِ موجودات کوچک می‌شود. او هم‌قدِ مورچه‌ها راه می‌رود، هم‌قد قاصدک‌ها می‌ایستد و جهان را از فاصله‌ای می‌بیند که برای انسان‌های بزرگسال کاملاً ناشناخته است. این تجربه تغییر زاویه دید، که با تصویرگری هنرمندانه و متن شاعرانه در هم تنیده شده، باعث می‌شود کودک درک عمیق‌تری از زندگی، احترام به طبیعت و ارزش‌های جزئیات ریز پیدا کند؛ مهارت‌هایی که روان‌شناسان رشد آنها را بخشی از شکل‌گیری شخصیت سالم و کنجکاو در سال‌های آغازین زندگی می‌دانند.

زیبایی پنهان در دل شهر: دعوت به کشف، نه تماشا

یکی از پیام‌های محوری کتاب این است که زیبایی، همیشه در دوردست‌ها نیست. در هر پیاده‌رو، میان شکاف آجرها، زیر هر برگ خشکیده، یک جهان دیگر وجود دارد. دبورا فرانکل این پیام را با جمله‌ای شاعرانه آغاز می‌کند: «دقیق‌تر نگاه کن... شاید جنگلی پیدا کنی.» این کتاب به کودکان می‌آموزد که دیدن کافی نیست؛ باید نگاه کرد؛ نگاهی متفکرانه، دقیق و کنجکاوانه. همین پیام ساده، درعین‌حال عمیق، می‌تواند نقطه شروعی برای پرورش مهارتی باشد که امروزه در بسیاری از کودکان و حتی بزرگسالان کمیاب شده است؛ مهارت تمرکز.

شهر زیر ذره‌بین
قصه‌هایی برای آموختن
- نویسنده: دبورا فرانکل
- تصویرگر: اینگرید بارت کویاک
- مترجم: لیلا حسین‌رشیدی
- انتشارات: کتاب چ
- تعداد صفحات: ۳۶ صفحه
- قیمت: ۲۲۰۰۰۰ تومان

شخصیت‌پردازی از موجودات کوچک

این کتاب با حضور یک مورچه خاص - مورچه ماسه‌ای یا گوشت‌خوار - شروع می‌شود. اما این مورچه فقط یک حشره نیست؛ بلکه اولین راهنمای کودک برای ورود به دنیای پنهان شهر است. نویسنده با افزودن توضیحات واقعی درباره رفتار این مورچه‌ها، مثل: زندگی در لانه‌های بزرگ، تقسیم کار در میان اعضای کلنی و جست‌وجوی طولانی برای غذا؛ به کودکان می‌آموزد که حتی موجودات ظاهراً کوچک هم نظم، همکاری و مسئولیت‌پذیری دارند. این پیام اخلاقی به‌صورت غیرمستقیم و کاملاً طبیعی منتقل می‌شود، بدون آنکه لحن آموزشی خشک پیدا کند.

پس از مورچه، نوبت موجودات دیگر می‌رسد: قاصدک‌هایی که مثل پیام‌رسان‌های باد حرکت می‌کنند، سرخس‌هایی که در تاریکی هم امید به رشد دارند و عنکبوت‌هایی که تارهایشان مانند معماری‌های هنری در نور می‌درخشد. این مجموعه کوچک نشان می‌دهد طبیعت هیچ‌گاه تسلیم نمی‌شود.

سخنی با بچه‌ها!

بچه‌ها! آیا تا به حال فکر کرده‌اید که در میان ساختمان‌های بلند و خیابان‌های شلوغ، چه دنیای کوچک و عجیبی قایم شده است؟ کتاب «شهر زیر ذره‌بین» شما را به یک سفر جادویی می‌برد! این سفر از پیاده‌روها و حیاط خانه‌هایی شروع می‌شود که هر روز از کنارشان رد می‌شوید. هر صفحه از این کتاب شما را دعوت می‌کند که بگویید: «نگاه کن... اینجا را ببین... شاید چیز جالب‌تری هم باشد!»

این دعوت به جست‌وجو باعث می‌شود که شما مثل یک کاوشگر کوچک فکر کنید. اینجا، در دل شهر خاکستری، موجودات ریزی زندگی می‌کنند که فقط یک چیز می‌خواهند: چشمان کنجکاو مثل چشمان تو! شما در این کتاب همراه یک مورچه پرکار و قهرمان سفر می‌کنید تا دانه‌های قاصدکی را ببینید که مثل بادبادک‌های کوچک در هوا می‌رقصند. سرخس‌های نازک را پیدا کنید که آرام و بی‌صدا از دل دیوارهای نمور بیرون زده‌اند. عنکبوت‌های هنرمند را تماشا می‌کنید که تارهایشان را مثل یک نقاشی زیبا می‌بافند. یاد بگیرید که حتی کوچک‌ترین موجودات هم نقش مهمی در شهر دارند!

تصویرهای این کتاب آن‌قدر زیبا و زنده‌اند که انگار یک ذره‌بین جادویی در دست دارید و وارد جنگلی پنهانی شده‌اید. این کتاب به شما یاد می‌دهد که اگر دقیق‌تر نگاه کنید، شهر هم خودش یک جنگل است!

> «شهر زیر ذره‌بین» تنها یک کتاب مصور نیست؛ بلکه تجربه نگریستن دقیق به جزئیات ریز، کشف و پرورش حس توجه و آگاهی در کودکان است

> کتاب «توبی» ارزشمند است، زیرا باعث تقویت عزت نفس و درک تفاوت‌ها در کودکان می‌شود. توبی نمادی از بچه‌هایی است که پرانرژی، مشتاق، هیجان‌زده و گاهی بی‌دقت هستند

ایران Iran Newspaper
پنجشنبه ۲۹ آبان ۱۴۰۴ شماره ۸۸۹۱
irannewspaper irannewspapper

روایت نقش‌آفرینی **پسران خوزستان** در قهرمانی کشتی فرنگی ایران

این جوان‌ها فاصله میان رویا و خاطره را برداشتند

گزارش

سهیلا نوری

ترس و امید در قلبش دست به دست هم داده‌اند؛ ترس از شکست و امید به پیروزی. با لحظه‌ها در نبرد است. زمان برایش گاه به سرعت برق و باد و گاه به کندی سایه‌ای کشدار از سر دیواری بلند می‌گذرد. صدای تشویق‌ها، فریادهای مربی و هیاهوی سالن در گوشش به هم می‌پیچد. نفس‌هایش به شماره افتاده، قلبش با تندترین ریتم ممکن بر سینه می‌کوبد و با هر تپش این جمله در سرش طنین می‌اندازد که «این لحظه توست؛ بهترین باش.» روی تشک کشتی، ثانیه‌ها حکم طلا را دارند. رقابت لحظه‌ها در جریان و ذهن کشتی‌گیر پر است از تصاویر و افکار زاییده تمرین‌های سخت، نگاه‌های منتظر و مسئولیت بزرگی که بر دوش دارد، اما باید متمرکز باشد تا نه فقط در برابر حریف که برای اهتزاز پرچم کشورش برنده میدان باشد؛ صحنه‌ای که چند جوان تحسین‌برانگیز کشورمان با اراده مثال‌زدنی‌شان چندین مرتبه به تصویر کشیدند تا بار دیگر به ایرانی بودن‌مان افتخار کنیم. در بین این جوانان که رویای فتح قله‌ها را در سر دارند، پسران فرنگی‌کار ایذه کاری کرده‌اند کارستان. آنها مسیری را که آکنده بود از پیچ‌های سخت، با گام‌هایی استوار پیمودند و حالا در آستانه رسیدن به افق‌های بلند جهانی، به امیدهای آینده ایران بدل شده‌اند. جوان‌هایی که چون مرد روزهای سخت‌اند و معنای امید را بهتر از هر کسی می‌دانند، با اینکه روی سکوهای قهرمانی جهان ایستادند، از اینکه موفق به کسب مدال طلا نشدند، نه یک بار که به تکرار چشم در چشم هموطنان‌شان از شرمندگی و تلاش برای جبران مافات گفتند.

ایذه نسلی طلایی به خود دیده است؛ جوانان غیرتمندی که سهم چشمگیری در قهرمانی تیم ملی کشتی‌فرنگی ایران دارند و تک‌تک‌شان «حمید سوریان» برترین کشتی‌گیر قرن بیست و یک و ژنرال ۷ ستاره ایران را الگوی خود می‌دانند.

> من در ایذه‌ای بزرگ شده‌ام که بین مردمانش غیرت حرف اول را می‌زند. هرچند حریف اصلی را که قهرمان جهان بود شکست دادم، ولی خوب می‌دانستم مردم ایران با کسب مدال طلا خیلی خوشحال می‌شوند و دوست داشتم دلیل این خوشحالی باشم

یکی از این پسران ایذه، پیش از ۲۰ سالگی پیام‌آور آینده‌ای روشن شد. او روزهایی که در پارک «بی‌بی مریم» اسباب‌بازی و پشمک می‌فروخت، در روشنای اراده‌ای آهنین، از کنار بساط دستفروشی به بلندای سکوهای جهانی چشم دوخته بود؛ جایگاهی که از امید و تلاش بی‌پایان ساخته خواهد شد. دنیای ورزش سراسر غافلگیری است و اگرچه کیلومترها آن‌سوتر در کشور آرژانتین «لوتارو ریورو» مدافع ۲۱ ساله ریورپلاته درحالی برای اولین‌بار پیراهن تیم ملی کشورش را به تن کرد که تا ۲ سال پیش در خیابان‌های بوینس‌آیرس دستفروشی می‌کرد، اما شیرینی پیروزی «**پیام احمدی بلوطکی**» ما فراموش‌نشدنی‌تر است؛ او در رقابت‌های جهانی ۲۰۲۵ زاگرب جای هیچ شکی باقی نگذاشت و با عملکردش به چهره آینده‌دار کشتی ایران و جهان تبدیل شد.

پیام‌آور پیروزی

دوم آبان تازه ۱۹ ساله شد، اما بدون شک رد پای این پسر ایذه، بر لوح تاریخ معاصر کشورمان به عنوان نماد اراده، پشتکار و امید حک خواهد شد. دارنده مدال نقره رقابت‌های جهانی زاگرب نه فقط به حکم استعداد که به واسطه اراده قوی و رویاهای بزرگی که در سر داشت، علاوه بر اینکه مسیرهای نوینی را در عرصه فعالیت‌های خود باز کرد، نماینده آن دسته از جوانان ایرانی شد که در سایه باور به توانایی‌های خود، از قلب تاریکی و محرومیت، به اوج موفقیت پل می‌زنند.

«پیام» تجربه حضور در میادین جهانی این‌چنینی را نداشت، برای اولین‌بار در جمع بزرگسالان کشتی عرض اندام می‌کرد و البته بسیار جسور و جنگنده ظاهر شده بود، با وجود این و به رغم اینکه مدال نقره به گردن داشت، سر به زیر روی سکوی دوم جهان ایستاده بود و با نجابت و شرمساری غریبی قطره‌های اشک را از گوشه چشمش پاک می‌کرد. از اینکه طلای جهان را از آن خود نکرده خجالت‌زده بود و چند دقیقه بعد هم از دریچه دوربین‌ها، چشم در چشم مردم ایران ابراز شرمندگی کرد. دلیل این واکنش کمتر آشنا را از او می‌پرسم و می‌گوید: «من در ایذه‌ای بزرگ شده‌ام که بین مردمانش غیرت حرف اول را می‌زند. هرچند حریف اصلی را که قهرمان جهان بود شکست دادم، ولی توی فینال به دلیل یکسری اشتباهات، مسابقه را واگذار کردم. من در همه مسابقه‌ها برای طلا می‌جنگم، اما در زاگرب موفق نشدم و این دلیل شرمندگی من بود. از طرفی خوب می‌دانستم مردم ایران با کسب مدال طلا خیلی خوشحال می‌شوند و دوست داشتم دلیل این خوشحالی باشم برای همین وقتی موفق نشدم چیزی جز شرمندگی توی سرم نمی‌چرخید.»

از پارک بی‌بی مریم تا زاگرب

با شکست «عزیزلی» کشتی‌گیر اهل جمهوری آذربایجان و دارنده ۴ طلای جهان در مرحله نیمه‌نهایی، شمارش معکوس موفقیت‌های «پیام» تازه آغاز شد. «عزیزلی» در ۳ سال اخیر ۳ قهرمانی به دست آورده و پیام در ۱۹ سالگی و در اوج تسلط، در نیمه‌نهایی وزن ۵۵ کیلوگرم مسابقات زاگرب، این قهرمان جهان را کنار زد و راهی فینال شد. هرچند رقابت نهایی را با نتیجه ۹ بر ۷ به «واختانگ لولوآ» گرجستانی باخت، اما این نوید را به کشتی‌دوستان کشورمان داد که با جسارت و روحیه مثال‌زدنی‌اش، در سال‌های پیش رو برای کشتی فرنگی ایران در وزن حمید سوریان شگفتی‌ساز خواهد بود.

۴ سال پیش که «پیام» در یک مصاحبه تصویری گفته بود «ما داخل پارک بی‌بی مریم وسایل، بادکنک و پشمک می‌فروشیم و به غیر از سختی تمرین، سختی زندگی هم داریم؛ باید کار کنیم تا پول کشتی و خرج‌مان را به دست بیاوریم وگرنه نمی‌توانیم تمرین کنیم.» کمتر کسی تصور می‌کرد، تا درخشش در صحنه جهانی راه زیادی برایش باقی نمانده است. این جوان خوش‌آتیه کشورمان که با پشتکار خود فاصله میان رویا و خاطره را برداشت، آن روزها را مرور و اضافه می‌کند: «من پشتوانه مالی قوی نداشتم، اما رویاهای پرقدرتی داشتم و وضعیت اقتصادی در مقابل هدف بزرگی که داشتم اهمیت نداشت. مثل اغلب ورزشکارها رسیدن به طلای المپیک بزرگ‌ترین رویای من بود و هست و تا به آن نرسم دست‌بردار نیستم. من هنوز کار خاصی انجام نداده‌ام، این تازه اول راهم هست؛ سختی‌هایی که خانواده‌ام کشیدند بزرگ‌ترین انگیزه من برای ادامه این راه هست؛ من به پدر و مادرم قول دادم که سربلندشان کنم.»

«پیام» بعد از طلایی شدن در رقابت‌های قهرمان جوانان جهان بلغارستان، تنها ۸ روز مانده تا اعزام تیم ملی بزرگسالان فرنگی به جهانی زاگرب، در یک رقابت نفسگیر جایگزین «پویا دادمرز» دیگر کشتی‌گیر مستعد و ارزنده کشورمان شد. این مسیر پرچالش به نوعی مهر تأییدی براین گزاره است که جوان‌های سختی کشیده‌ای شبیه او خوب یادگرفته‌اند بهانه‌های جور واجور را کنار بگذارند و تنها در رسیدن به هدف مهمی که در سر دارند یعنی ساختن فردای بهتر برای ایران سهم داشته باشند. با همین مضمون «پیام» به موضوعی اشاره می‌کند که برای اولین بار آن را با «ایران» درمیان می‌گذارد؛ «بعد از اردوهای سنگین، تازه از مسابقات جوانان جهان برگشته بودم که برای بزرگسالان زاگرب انتخاب شدم. شرایطم خیلی پیچیده بود چون در مسابقه انتخابی با همشهری خودم «پویا دادمرز» گوشم بشدت آسیب دید و بیشتر از روزی ۲،۳ ساعت نمی‌توانستم بخوابم. از طرفی باید حریفانم را هم آنالیز می‌کردم. خلاصه که روزهای سختی را می‌گذراندم ولی به خودم قول داده بودم اعتماد کادر فنی را جبران کنم. در زاگرب هم قرعه من طوری بود که کمتر کسی شانس پیروزی برای من قائل بود، ولی به لطف خدا خوب پیش رفتم و شک نکنید در آینده کشتی‌های خیلی بهتری می‌گیرم. راستش این مدت فرصتی پیش نیامد که این را بگویم؛ بعد از کشتی انتخابی، من تقریباً مطمئن بودم حریفی مثل عزیزلی را شکست می‌دهم، ولی شاید آن موقع کمترکسی من را باور داشت وخوشحالم که شرمنده خودم و باورم نشدم. هرچند نشد با مدال طلا از اعتماد علیرضا دبیر و حسن رنگرز تشکر کنم، ولی خدا را شاکرم که در اولین حضورم در گروه بزرگسالان و در ۱۸ سالگی، نقره جهان را گرفتم.»

همه کشتی‌گیران موفق، از فردای روزی که دارنده عنوان جهانی می‌شوند، برمی‌گردند سراغ تمرین‌های سخت و خود را برای رقابت بعدی آماده می‌کنند. «پیام احمدی» هم که از این قاعده مستثنی نیست و در پاسخ به این سؤال که از فردای نایب قهرمانی، چه قولی به خودش داد و قرار است در آینده شاهد چه نسخه تازه‌ای از او باشیم، می‌گوید: «باید یکسری کارها توی فینال انجام می‌دادم که نشد، برای همین از فردای همان روز تصمیم گرفتم روی نقص‌ها بیشتر کار کنم. به اضافه اینکه من شیفته کشتی‌های حمید سوریان هستم و او الگوی مهمی در زندگی من هست. مثل او تلاش می‌کنم و به کشتی‌دوستان و کادر فنی هم قول می‌دهم در آینده نسخه فنی‌تری از من ببینند.»

کارستان لحظه آخری

ثانیه‌های آخر رقابت‌های حساس، بسیار کند می‌گذرد، صدای هیاهوی سالن و ضربان قلب ورزشکار در هم می‌پیچد و در آن لحظات افکار عجیب و غریبی در سرش می‌چرخد. مرور آن لحظات از زبان پیام این گونه است؛ «در ثانیه‌های آخر مخصوصاً در رقابتم با عزیزلی، ضربان قلبم به بالاترین حد رسیده بود. انگار ثانیه‌ها هم تند و هم کند می‌شدند. صدای اطراف می‌خواست گوشم را کر کند. در آن ثانیه‌ها هیچ چیزی توی سرم نبود جز این فکر که ایرانی‌ها با این پیروزی خیلی خوشحال می‌شوند. مردم ایران، مردم ایذه و خانواده‌ام همه انگیزه من شده بودند.» رابطه نایب قهرمان جهان و مادرش رابطه صمیمی و محترمی است. این طور که تعریف می‌کند وقتی از مادرش می‌شنود؛ «هرجا میرم و تو را می‌شناسند سرم را بالا می‌گیرم» قند توی دلش آب می‌شود. می‌خواهد همانی بشود که مادرش می‌گوید؛ افتخار ایذه و مردم ایران. به غیر از خانواده ۹ نفره‌اش، مادربزرگ ۷۳ ساله «پیام» هم خیلی جدی کشتی‌های او را دنبال می‌کنند. این جمع خانوادگی و صمیمی انگیزه بزرگی برایش هستند؛ از اینها مهم‌تر خوشحال است که پدرش به او افتخار می‌کند؛ از زاگرب که برگشت تا چشم پدر به صورت پسر افتاد، اولین جمله‌ای که گفت این بود: «برای مدال المپیک خیلی تلاش کن، ولی همین طور خوب بمان و رفتارت را با مردم عوض نکن.»

> بعد از اینکه کشتی را به غانم باختم، فشار روانی زیادی روی من بود. دوست داشتم با مدال طلا از زاگرب برگردم، ولی خب دست تقدیر همیشه چیزی را که ما می‌خواهیم رو نمی‌کند. خیلی سعی کردم خودم را جمع و جور کنم. در آن لحظه‌ها تصور شادی پدر و مادرم، مردم ایران و درمان برادرم به دادم رسید و به من قوت داد

کم لطفی بود اگر بدون مدال برمی‌گشتم

شاید دوست داشت با قلبی شکسته سالن را ترک کند، اما او برای اتفاق‌های مهم‌تری به زاگرب آمده بود. قصد نداشت نقش‌آفرینی‌اش ناتمام بماند. فرنگی‌کار وزن ۷۲ کیلوگرم کشورمان آن زمان که جوان‌های هم‌سن و سالش، پی تفریح و خوشگذرانی یا حتی استراحت بودند، مشغول تمرین‌های سخت بود. تمرین‌هایی که لابه‌لای آنها نقشه درمان برادرش را می‌کشید و برای آینده‌اش رویاهایی می‌بافت که قرار بود به سرعت واقعی شوند.

داستان زندگی «**دانیال سهرابی**» الهام‌بخش نسلی است که بی‌رسمی را برنمی‌تابند و برای آنکه توانمندی‌هایشان را اثبات کنند، از جان مایه می‌گذارند. در ۲۲ سالگی در قامت یک بزرگ‌مرد ظاهر شد و بی‌عدالتی را به زانو درآورد، حق طلبید و درخشید. او در صحنه‌ای جهانی، نماینده کسانی شد که چاره‌ای ندارند جز ایستادگی در برابر ناملایمات و با عزمی راسخ، پیشگام آنهایی شد که مسیر زندگی را نه فقط برای خود که برای سایرین نیز روشن و هموار می‌کنند و همواره در پی عزت و کرامت‌اند.

«دانیال» پسر جسور خوزستان، در آوردگاه زاگرب ارزش‌هایی را ارج نهاد که هرگز نمی‌میرند. او مسئولیت‌پذیر عمل کرد؛ درست شبیه فردی که به خوبی می‌داند موفقیت واقعی زمانی حاصل می‌شود که به دیگران نیز کمک کند. همین وجوه شخصیتی، دانیال را به فردی بدل کرد که حضورش برای اطرافیان مایه آرامش و امید است؛ او روی سکوی جهانی هم به برادر بیمارش فکر کرد، به کسی که قوت بازوان و توان گام‌هایش شده بود. غرور ایرانیان را بر ا نگیخت وقتی روی تشک تا سرحد توان جنگید. کم سن و سال و کم‌تجربه بود، اما با شجاعت تمام و اراده‌ای قوی در برابر ناملایمت‌ها ایستاد و در تاریک‌ترین لحظات هم شعله امید را زنده نگه داشت. با روحیه‌ای تحسین‌برانگیز به هرآنچه مانع رسیدنش به مدال زرین این دوره از مسابقات جهانی شد، ثابت کرد درد و زخم در برابر اراده‌اش کوچک‌اند و قرار نیست به راحتی تسلیم شود. همه این توصیف‌ها در جمله‌های ساده و صادقانه دانیال پیداست. آنجایی که می‌گوید: «کم‌لطفی بود اگر بدون مدال برمی‌گشتم؛ من برای مردم ایران و خانواده‌ام جنگیدم و حالا هزار بار خدا را شکر می‌کنم که دستم از مدال جهان کوتاه نماند. البته امیدوارم تمام همشهری‌هایم، مردم ایران و خانواده‌ام مدال برنز را از من قبول کرده باشند.»

دانیال در حقیقت به قانون استراحت پزشکی باخت که در جهان کشتی به قانون «حسن یزدانی» معروف است؛ سال‌ها پیش در فینال وزن ۷۴ کیلوگرم المپیک ۲۰۱۶ ریو، «حسن یزدانی» با «انور گودیوف» قهرمان روسیه کشتی گرفت. به دلیل مصدومیت‌های پی در پی «گودیوف»، رقابتی که باید ۶ دقیقه ادامه پیدا می‌کرد بیش از ۱۶ دقیقه طول کشید. پس از پایان این رقابت‌ها قانون تازه‌ای وضع شد تا بر اساس آن هر کشتی‌گیر فقط مجاز باشد ۴ دقیقه از وقت پزشکی استفاده کند. هرچند در ریو «حسن یزدانی» پیروز میدان شد و این قانون به واسطه رقابت عجیب و غریب او در فینال وضع شد، اما همین قانون در زاگرب، «دانیال سهرابی» را مغلوب حریفش از فرانسه کرد؛ او در سومین مبارزه و در مرحله یک چهارم نهایی روبه‌روی «ابراهیم غانم» دارنده مدال‌های طلا و نقره جهان ایستاد. در این مسابقه به دلیل ضربه کشتی‌گیر فرانسوی، دانیال بارها از ناحیه چانه دچار خونریزی شد و در نهایت به دلیل استفاده از ۴ دقیقه استراحت پزشکی، یک دقیقه و ۲۶ ثانیه پیش از سوت پایان، مسابقه را واگذار کرد و از مرحله نیمه نهایی جاماند، اما خوشبختانه حریفش به فینال راه پیدا کرد و دانیال به گروه بازنده‌ها رسید تا با رقابت در جدول شانس مجدد، در یک نمایش خیره‌کننده با نتیجه ۹ بر صفر، حریف و هرچه ناملایمتی را که سر راهش قرار گرفته بود ضربه فنی کند.

ضربه فنی طلایی

حریف سعی می‌کرد با رقص پای دائم تمرکز دانیال را با صورتی پر از رد زخم و بخیه و با بانداژی که باید زودتر از اینها مانع آن خونریزی لعنتی می‌شد، برهم بزند، اما او این چیزها سرش نمی‌شد. به پدرش قول داده بود روسفیدش کند. در آن لحظات پدر اما در «اندیمشک» جلوتر از همه اقوام رو به روی تلویزیون خانه‌شان ایستاده بود و فریاد کشید؛ «خدایا خودت کمکش کن.» گویی موج صدای آمین فامیل که دورش را گرفته بودند از آسمان اندیمشک گذشت، فرسخ‌ها را درنوردید و از در سالن مسابقه داخل شد و شرید توی گوش دانیال. جوری حریف را ضربه فنی کرد که انگار می‌خواست به جهان ثابت کند آماده و آمده بود تا گردن‌آویز طلایی را با خود ببرد، اما به یک قانون باخت.

اینکه قبل از آخرین کشتی (کشتی رده‌بندی) توی سرش چه می‌گذشت، با خودش چه گفت و چه قولی به خودش داده بود که آن‌طور خیره‌کننده کشتی گرفت و با نتیجه ۸ بر صفر «مری مایولیتکانوف» قزاق را شکست داد و برنزی شد سؤال من از دانیال است. بدون مکث جواب می‌دهد: «بعد از اینکه کشتی را به غانم باختم، فشار روانی زیادی روی من بود. در طول سال‌های ورزشی زجر زیادی کشیدم و دوست داشتم با مدال طلا از زاگرب برگردم، ولی خب دست تقدیر همیشه چیزی را که ما می‌خواهیم رو نمی‌کند. با این حال من برای خانواده‌ام، برادرم و تمام مردم ایران به زاگرب رفته بودم و نباید بدون مدال برمی‌گشتم. یادم هست خیلی سعی کردم تا خودم را جمع و جور کنم. مدام سختی‌هایی را که کشیده بودم مرور می‌کردم. در آن لحظه‌ها تصور شادی پدر و مادرم، مردم ایران و درمان برادرم به دادم رسید و به من قوت داد.» بدون شک در آن شرایط حساس، اطرافیان دانیال در بازیافتن روحیه از دست رفته‌اش بسیار مؤثر بودند. او جوآن روزهای شهریورماه را چنین توصیف می‌کند: «دکتر رنگرز و دبیر، ایمان علیزاده، مرتضی محمدی و مجید رمضانی که گچ (راهنمایی بازیکن توسط مربی) من نشست جای خود دارند و خیلی برای من زحمت کشیدند، اما صحبت‌های «هادی ساروی» به عنوان قهرمان المپیک و نمونه بارز پهلوانی من را زیر و رو کرد، به خودم آمدم و خوشبختانه با فک بخیه خورده و ابرو و لب شکافته کشتی قابل قبولی گرفتم.» دانیال که برای درمان برادرش، برای شاد کردن قلب مادرش و برای اهتزاز پرچم ایران می‌جنگد، به صراحت خودش را کوچک مردم ایران معرفی می‌کند و از آنها می‌خواهد فرزندشان را دعا کنند تا در میادین بعدی، با مدال زرین طلا خوشحال‌شان کند.

> در بچگی هر مسابقه که حمید سوریان برنده می‌شد خودم را جای او می‌گذاشتم. عاشق کشتی‌های این اعجوبه بودم و خیلی متأسفم از نزدیک کشتی‌های او را ندیدم. اینکه آدم پرتلاشی بود از آقا حمید برای نسل من یک الگو ساخته است

از کوچه‌های خاکی تا سکوهای جهانی

۱۳ آبان ۱۳۸۳ به دنیا آمده و در حالی مدال برنز کشتی فرنگی زیر ۲۳ سال جهان را به دست آورد که تنها ۲۱ سال دارد. از ۱۲ سالگی کشتی را شروع کرد و همان سال اول، اولین مدال استانی‌اش را گرفت. از بچگی با ورزش کشتی آشنا شد؛ پسرعموهایش و تعداد زیادی از نوجوان‌های طایفه بُویری در ایذه کشتی‌گیر بودند و چندان دور از ذهن نبود که «**ابوالفضل مهمدی**» هم به کشتی فرنگی علاقه پیدا کند. زمانی که «حمید سوریان» و «حسن یزدانی» مسابقه داشتند جلوی تلویزیون میخکوب می‌شد. گاهی هم غصه می‌خورد که دوره کشتی‌گیرهای بزرگ ایران، در سن و سالی نبود که کشتی آنها را از نزدیک ببیند و لذت ببرد، اما اینکه در شهر کشتی‌دوست ایذه بزرگ شده و هم‌نسل‌هایش آینده درخشانی را برای کشتی فرنگی ایران رقم خواهند زد، مایه خوشحالی اوست. از نشانه کشتی‌دوست بودن مردم ایذه می‌پرسم و می‌گوید: «کافی است در شهر ما مسابقه کشتی برگزار شود. به جرأت می‌گویم نصف مردم شهر خودشان را به سالن می‌رسانند، حتی اگر قرار باشد جلوی در سالن بنشینند و کشتی را تماشا کنند. این صحنه را ۳-۴ سال پیش به چشم خودم دیدم. مسابقات کشتی در ایذه برگزار شده بود و خیلی‌ها از پنجره سالن، کشتی را تماشا می‌کردند. در شهر ما وقتی به بهانه عروسی یا دورهمی صمیمی اقوام دور هم جمع شوند، حتماً یکی از اتفاق‌های تکراری این است که چند نفر با هم کشتی می‌گیرند. به قول ما کشتی در ایذه دیگر حیثیتی شده است.» ابوالفضل، کشتی ایذه را به نوعی مدیون علیرضا دبیر و حسن رنگرز می‌داند؛ «این دو نفر به استاندارد شدن وضعیت کشتی در ایذه خیلی کمک کردند. ما نه تشک درست و حسابی داشتیم نه وسایل سرمایشی و گرمایشی. خیلی وقت‌ها بچه‌ها روی همین تشک‌ها ناراحتی پوستی گرفتند. ولی عشق مربی کاردرست شهرمان استاد ملک‌محمد بُویری و همراهی آقایان دبیر و رنگرز همه چیز را تغییر داد. حالا ما ایذه‌ای‌ها توی کشتی حرف‌های زیادی برای گفتن داریم.»

خاطره اولین مرتبه‌ای هم که «ابوالفضل» پا روی تشک کشتی گذاشت شنیدنی است: «بچه که بودم هر روز توی کوچه و روی زمین خاکی و آسفالت با پسرهای محل کشتی می‌گرفتم. یک روز که پسرعمویم (ایمان محمدی) می‌رفت سمت باشگاه، کنجکاو شدم ببینم سالن کشتی چه شکلی است. وقتی تشک کشتی را دیدم اولین چیزی که گفتم این بود، خب جای اینکه هر روز روی آسفالت بجنگم چرا روی تشک، کشتی نگیرم که هم کمتر زخمی بشوم هم جایزه بگیرم. تازه امکانات آن زمان که من ۱۲-۱۰ ساله بودم با امروز زمین تا آسمان فرق داشت. از جلسه بعد من هم ثبت‌نام کردم و چند ماه بعد در مسابقات استانی سوم شدم.»

ابوالفضل هم مثل بیشتر هم‌نسل‌هایش شیفته کشتی «حمید سوریان» بود. او در پاسخ به این سؤال که در بچگی خودت را جای کدام کشتی‌گیر تصور می‌کردی، این دارنده ۷ مدال پی‌درپی جهان و المپیک را مثال می‌زند و می‌گوید؛ «در هر مسابقه که برنده می‌شد خودم را جای او می‌گذاشتم. عاشق کشتی‌های این اعجوبه بودم. از استان خودمان هم که حبیب‌الله اخلاقی خیلی خوب کشتی می‌گرفت، اما آقا حمید الگوی تمام کشتی‌گیرهای هم‌نسل من است.»

می‌پرسم کدام ویژگی حمید سوریان او را به الگوی نسل شما بدل کرده، او ادامه می‌دهد: «اولش بگویم که خیلی متأسفم از نزدیک کشتی‌های آقا حمید را ندیدم و حداقل نتوانستم با او تمرین کنم، اما در جواب سؤال شما باید بگویم، نظم و سختکوشی آقا حمید را همه مثال می‌زنند؛ به نظر من اینکه آدم پرتلاشی بود از او برای نسل من یک الگو ساخته است.»

موانعی که سکوی پرواز شدند

بارها دیده‌ایم که کشتی‌گیران شمال کشور، اوقات زیادی را به صورت گروهی در ساحل دریا یا در ارتفاعات تمرین می‌کنند. پسران کشتی‌گیر ایذه این تمرین گروهی را در ارتفاعات «الَهَک» تجربه می‌کنند. به گفته «ابوالفضل» اگر قرار باشد به همراه چند نفر از بچه‌های تیم ملی که همشهری‌هایش هستند، برای تمرین یکی از مناطق ایذه را انتخاب کنند، آنجا بام این شهر است؛ «کلاً تمرین کشتی توی شهرهای کم‌امکانات خیلی سخت است، با این حال ما بچه‌های تنبلی نیستیم. در ایذه کوهی هست به نام الَهَک که بام شهر ماست. تمرین در این منطقه خیلی سخت‌تر می‌شود و ما معمولاً هفته‌ای یک مرتبه ساعت‌های اول صبح که هوا خنک‌تر باشد به آنجا می‌رویم.»

با این اوصاف باید حضور در اردوهای تیم ملی برای بچه‌های ایذه بسیار مؤثر باشد. ابوالفضل با خنده این موضوع را تأیید و اضافه می‌کند: «ما بچه‌های ایذه بین خودمان که حرف می‌زنیم این جمله را زیاد تکرار می‌کنیم؛ اردوی تیم ملی برای ما یک‌جور استراحت است. چون ما عاشق تمرین‌های کشتی هستیم و از بس تمرین در سالن‌های غیراستاندارد و با وسایل نامناسب کار سختی هست که اردوی تیم ملی با آن همه امکانات استاندارد، حال ما را خوب می‌کند.»

تا قبل از رسیدن به طلای المپیک که مهم‌ترین و اصلی‌ترین هدف هر کشتی‌گیر است، باید هدف‌های کوچک‌تری را تیک بزنند، از ابوالفضل می‌خواهم این هدف‌های کوچک به واقعیت پیوسته را بشمارد؛ «اوایل که کشتی می‌گرفتم، دوست داشتم در سطح استان موفق شوم و بعدها دلم می‌خواست دوبنده تیم ملی را بپوشم که به لطف خدا اتفاق افتاد، اما همیشه دوست داشتم با «رومن ولاسوف» ملی‌پوش کشتی فرنگی روسیه و دارنده چندین مدال المپیک کشتی بگیرم. خیلی وقت‌ها مسابقه خودم با او را هم تجسم می‌کردم، اما این اتفاق نیفتاد و متأسفانه از دنیای کشتی خداحافظی کرد و این هدفم واقعی نشد، ولی هدف دیگرم که برنده شدن در مسابقات کشتی زیر ۲۳ سال جهان بود کم و بیش واقعی شد و با اینکه ۱۵-۱۰ ثانیه آخر کشتی از دستم در رفت، شکر خدا دست خالی برنگشتم و شرمنده مردم نشدم. بعد از این هم تلاشم را می‌کنم تا پیش خودم بدقول نشوم و آنقدر در مسابقات مختلف تجربه به دست بیاورم تا بالاخره به هدف اصلی‌ام یعنی مدال المپیک برسم.»

> در ایذه به «یاغی» معروف است؛ تصویر زمینه موبایل ایمان، یک مدال طلای المپیک است؛ هر روز بارها به این عکس خیره می‌شود. حتی زمانی که روی سکوی اول رقابت‌های صربستان ایستاده بود، خودش را روی سکوی المپیک تصور می‌کرد

ایمان ایذه

«**ایمان محمدی** قهرمان کشتی فرنگی امیدهای جهان شد.» همین جمله کوتاه در آخرین روز از مهرماه سال‌جاری یک بار دیگر نام «ایذه» را سر زبان‌ها انداخت.

در قلب شهری که هنوز بوی گرما، خاک و رنج در کوچه‌هایش جاری است، پسری قد کشید که از ۱۰ سالگی قدم روی تشک کشتی گذاشت. کوچک‌ترین فرزند یک خانواده ۹ نفره و آغازگر رویایی بزرگ. متولد ۱۳۸۱ در ایذه و حالا یکی از امیدهای کشتی فرنگی ایران است؛ جوانی که از دل کمترین امکانات، بیشترین نتیجه را بیرون کشید و امروز مسیر تازه‌ای برای نسل بعدی این شهر کشتی‌خیز گشوده است. ایمان مثل پیام احمدی، دانیال سهرابی، علیرضا و ابوالفضل مهمدی همان سال‌هایی کشتی را آغاز کرد که هنوز سالن شهرشان فقط یک تشک فرسوده داشت؛ نه سیستم سرمایشی بود، نه گرمایشی و نه کوچک‌ترین تشکیلات استاندارد. آن روزها را این‌طور توصیف می‌کند: «در شهر ما واقعاً چیزی به اسم امکانات برای ورزش کشتی وجود نداشت. خیلی وقت‌ها در حالت عادی دمای شهر به ۵۰ درجه می‌رسد، همین دما وقتی ۱۰۰ نفر کنار هم در سالن تمرین می‌کنند به ۷۰ - ۶۰ درجه می‌رسد. رسماً موقع تمرین نفس کم می‌آوردیم، آن هم وقتی که روی ضربان ۲۰۰ کشتی می‌گرفتیم.»

همین جنگ با سختی‌ها، ایمانِ ۱۰ساله آن روز را به ایمان امروز تبدیل کرد تا بعد از کنار زدن رقبایی از اوکراین، مجارستان، آذربایجان و ارمنستان، در نهایت با غلبه بر حریف ازبک در فینال وزن ۷۲ کیلوگرم رقابت‌های زیر ۲۳ سال صربستان، قهرمان جهان شود و در قهرمانی تیم ملی ایران در این دوره از مسابقات سهم مهمی داشته باشد.

از سالن‌های داغ ایذه تا سکوهای جهانی

جرقه عشق به کشتی برای ایمان از المپیک لندن روشن شد؛ جایی که فرنگی‌کاران ایران طلا را در آغوش کشیدند؛ «از تلویزیون مسابقه‌ها را می‌دیدم. همانجا بود که گفتم منم باید یک روز قهرمان المپیک بشوم. خودم را جای حمید سوریان و نوروزی می‌دیدم. با اینکه امکانات کم و زندگی ساده‌ای داشتیم ولی خانواده پشتم بودند و من با همین دلخوشی فقط می‌جنگیدم. زمان مدرسه زنگ آخر بچه‌ها برای بازی و تفریح می‌دویدند، اما من برای رسیدن به سالن کشتی. هم درس می‌خواندم و هم کشتی می‌گرفتم. از ۱۰ سالگی هر سال در اردوی تیم ملی بودم. همراهی و زحمات معلم‌ها را فراموش نمی‌کنم. خانواده که جای خود دارند. برای من کم نگذاشتند که هیچ، هنوز هم سعی می‌کنند مشکلات مالی خانواده به گوش من نرسد. برای همین‌هاست که من رویایی ندارم جز موفقیت در المپیک.»

۳ سال پیش دیپلم گرفته و حالا دانشجوی تربیت‌بدنی است، اما اصلی‌ترین درس زندگی را روی تشک کشتی یاد گرفت؛ کشتی قبل از بدن باید اخلاق آدمی را بسازد. گوش‌شکسته‌ها از کودکی حرمت مربی، زمین رقابت و مردم کشورشان را می‌آموزند. ایذه نسلی طلایی به خود دیده؛ از عبدولی تا طاهری و بُویری. نسلی که انگیزه‌ای شد برای ایمان و هم‌نسل‌هایش تا همین پسران جنگجو حالا، ۳۰ تا ۴۰ درصد تیم ملی کشتی فرنگی کشورمان را تشکیل دهند.

یاغی شهر

در ایذه به «یاغی» معروف است؛ بعد از مسابقات جهانی و احتمالاً از سر تب و تاب سریال «یاغی»، این لقب روی ایمان ماند. او حالا یکی از چهره‌های محبوب ایذه است؛ کودکان به سمتش می‌آیند، بزرگ‌ترها تشویقش می‌کنند و مردم شهر دوست دارند از او فن یاد بگیرند. حرف‌هایمان درباره مسابقات امیدهای جهان صربستان می‌رسد به مسابقه فینال وزن ۷۲ کیلوگرم؛ آنجایی که حریف ازبک ضربه‌ای به صورت ایمان می‌زند و او جز فروتنی واکنشی نشان نمی‌دهد؛ «آتابایف» از ازبکستان، در میانه رقابت و بعد از «فیتو» ۴ امتیازی ایمان، طی یک حرکت غیرحرفه‌ای ضربه‌ای به صورت ایمان می‌زند و او نه تنها واکنشی نشان نمی‌دهد که کشتی را به شکلی حرفه‌ای اداره و در برابر اخطار تأمل‌برانگیز داور هم به خوبی مقاومت می‌کند و در نهایت هم با نتیجه ۵ بر ۱ پیروز میدان و صاحب مدال طلای این وزن می‌شود. توضیحات ایمان درباره این لحظات در همین چند جمله خلاصه می‌شود: «طی آنالیزهایی که داشتیم احتمال می‌دادیم حریف ازبک بخواهد با ضربه یا وقفه روند مبارزه من را خراب کند. از طرفی در کشتی یاد گرفته‌ایم که قبل از قهرمان بودن، پهلوان باشیم. وقتی متوجه می‌شدم می‌خواهد با همین کارها به من فشار بیاورد، سعی کردم با کمترین واکنش اشتباه، فقط ادامه بدهم. حتی بعد از پایان کشتی هم رفتم از او عذرخواهی کردم که باعث شدم کنترل خودش را از دست بدهد. مرام ما کشتی‌گیرهای ایرانی جز این نیست؛ کشتی به جای بحث و دعوا به ما یاد داده سربه‌زیر باشیم و تلاش کنیم بیشتر پهلوان باشیم تا قهرمان.»

رویای المپیک

تصویر زمینه موبایل ایمان، یک مدال طلای المپیک است؛ هر روز بارها به این عکس خیره می‌شود. حتی زمانی که روی سکوی اول رقابت‌های صربستان ایستاده بود، خودش را روی سکوی المپیک تصور می‌کرد. او هم مثل همه کشتی‌گیران موفق، رویای المپیک در سر دارد، اما وقتی از او می‌پرسم اگر کشتی‌گیر نمی‌شدی، چه کار یا ورزشی را دنبال می‌کردی، پاسخ جالبی می‌دهد؛ «چند سال قبل حتماً جوابم این بود که فوتبالیست می‌شدم، چون تا چند سال پیش فوتبالم خیلی خوب بود ولی الان کلاً بی‌خیالش شدم و به چیزی جز موفقیت در المپیک فکر نمی‌کنم. اگر هم کشتی‌گیر نشده بودم چون در شهر ما امکانات زیادی نیست، احتمالاً مثل خیلی از جوان‌ها می‌رفتم سراغ کارهای سخت پروژه‌ای در شهرهای اطراف. ولی حالا که به لطف خدا و خانواده در این ورزش به یک جاهایی رسیدم و هنوز مسیر سختی پیش روی من است، سعی می‌کنم ۱۵-۱۰ سال سختی را تحمل کنم ولی بعدش زندگی خوبی بسازم که ارزش این سختی‌ها را داشته باشد.»

ایرانِ سربلندی داریم که فرزندان آن آموخته‌اند بهانه و توجیه‌های جور واجور را کنار بگذارند و در ساختن فردایی بهتر سهیم باشند؛ جوانانی که از قلب تاریکی، به چهره ایران نور پاشیدند.

ایران
Iran Newspaper
پنجشنبه ۲۹ آبان ۱۴۰۴ شماره ۸۸۹۱
irannewspaper irannewspaper

روایت نقش‌آفرینی پسران خوزستان در قهرمانی کشتی فرنگی ایران

این جوان‌ها فاصله میان رویا و خاطره را برداشتند

گزارش

سهیلا نوری

ترس و امید در قلبش دست به دست هم داده‌اند؛ ترس از شکست و امید به پیروزی. با لحظه‌ها در نبرد است. زمان برایش گاه به سرعت برق و باد و گاه به کندی سایه‌ای کشدار از سر دیواری بلند می‌گذرد. صدای تشویق‌ها، فریادهای مربی و هیاهوی سالن در گوشش به هم می‌پیچد. نفس‌هایش به شماره افتاده، قلبش با تندترین ریتم ممکن بر سینه می‌کوبد و با هر تپش این جمله در سرش طنین می‌اندازد که «این لحظه توست؛ بهترین باش.» روی تشک کشتی، ثانیه‌ها حکم طلا را دارند. رقابت لحظه‌ها در جریان و ذهن کشتی‌گیر پر است از تصاویر و افکار زاییده تمرین‌های سخت، نگاه‌های منتظر و مسئولیت بزرگی که بر دوش دارد، اما باید متمرکز باشد تا نه فقط در برابر حریف که برای اهتزاز پرچم کشورش برنده میدان باشد؛ صحنه‌ای که چند جوان تحسین‌برانگیز کشورمان با اراده مثال‌زدنی‌شان چندین مرتبه به تصویر کشیدند تا بار دیگر به ایرانی بودن‌مان افتخار کنیم. در بین این جوانان که رویای فتح قله‌ها را در سر دارند، پسران فرنگی‌کار ایذه کاری کرده‌اند کارستان. آنها مسیری را که آکنده بود از پیچ‌های سخت، با گام‌هایی استوار پیمودند و حالا در آستانه رسیدن به افق‌های بلند جهانی، به امیدهای آینده ایران بدل شده‌اند. جوان‌هایی که چون مرد روزهای سخت‌اند و معنای امید را بهتر از هر کسی می‌دانند، با اینکه روی سکوهای قهرمانی جهان ایستادند، از اینکه موفق به کسب مدال طلا نشدند، نه یک بار که به تکرار چشم در چشم هموطنان‌شان از شرمندگی و تلاش برای جبران مافات گفتند.

ایذه نسلی طلایی به خود دیده است: جوانان غیرتمندی که سهم چشمگیری در قهرمانی تیم ملی کشتی فرنگی ایران دارند و تک‌تک‌شان «حمید سوریان» برترین کشتی‌گیر قرن بیست و یک و ژنرال ۷ ستاره ایران را الگوی خود می‌دانند.

یکی از این پسران ایذه، پیش از ۲۰ سالگی پیام‌آور آینده‌ای روشن شد. او روزهایی که در پارک «بی‌بی مریم» اسباب‌بازی و پشمک می‌فروخت، در روشنای اراده‌ای آهنین، از کنار بساط دستفروشی به بلندای سکوهای جهانی چشم دوخته بود؛ جایگاهی که از امید و تلاش بی‌پایان ساخته خواهد شد. دنیای ورزش سراسر غافلگیری است و اگرچه کیلومترها آن‌سوتر در کشور آرژانتین «لوتارو ریورو» مدافع ۲۱ ساله ریورپلاته درحالی برای اولین‌بار پیراهن تیم ملی کشورش را به تن کرد که تا ۲ سال پیش در خیابان‌های بوینس‌آیرس دستفروشی می‌کرد، اما شیرینی پیروزی «**پیام احمدی بلوطکی**» ما فراموش‌نشدنی‌تر است؛ او در رقابت‌های جهانی ۲۰۲۵ زاگرب جای هیچ شکی باقی نگذاشت و با عملکردش به چهره آینده‌دار کشتی ایران و جهان تبدیل شد.

پیام‌آور پیروزی

دوم آبان تازه ۱۹ ساله شد، اما بدون شک رد پای این پسر ایذه، بر لوح تاریخ معاصر کشورمان به عنوان نماد اراده، پشتکار و امید حک خواهد شد. دارنده مدال نقره رقابت‌های جهانی زاگرب نه فقط به حکم استعداد که به واسطه اراده قوی و رویاهای بزرگی که در سر داشت، علاوه بر اینکه مسیرهای نوینی را در عرصه فعالیت‌های خود باز کرد، نماینده آن دسته از جوانان ایرانی شد که در سایه باور به توانایی‌های خود، از قلب تاریکی و محرومیت، به اوج موفقیت پل می‌زنند.

«پیام» تجربه حضور در میادین جهانی این‌چنینی را نداشت، برای اولین‌بار در جمع بزرگسالان کشتی عرض اندام می‌کرد و البته بسیار جسور و جنگنده ظاهر شده بود، با وجود این و به رغم اینکه مدال نقره به گردن داشت، سر به زیر روی سکوی دوم جهان ایستاده بود و با نجابت و شرمساری غریبی قطره‌های اشک را از گوشه چشمش پاک می‌کرد. از اینکه طلای جهان را از آن خود نکرده خجالت‌زده بود و چند دقیقه بعد هم از دریچه دوربین‌ها، چشم در چشم مردم ایران ابراز شرمندگی کرد. دلیل این واکنش کمتر آشنا را از او می‌پرسم و می‌گوید: «من در ایذه‌ای بزرگ شده‌ام که بین مردمانش غیرت حرف اول را می‌زند. هرچند حریف اصلی را که قهرمان جهان بود شکست دادم، ولی توی فینال به دلیل یکسری اشتباهات، مسابقه را واگذار کردم. من در همه مسابقه‌ها برای طلا می‌جنگم، اما در زاگرب موفق نشدم و این دلیل شرمندگی من بود. از طرفی خوب می‌دانستم مردم ایران با کسب مدال طلا خیلی خوشحال می‌شوند و دوست داشتم دلیل این خوشحالی باشم برای همین وقتی موفق نشدم چیزی جز شرمندگی توی سرم نمی‌چرخید.»

از پارک بی‌بی مریم تا زاگراب

با شکست «عزیزلی» کشتی‌گیر اهل جمهوری آذربایجان و دارنده ۴ طلای جهان در مرحله نیمه‌نهایی، شمارش معکوس موفقیت‌های «پیام» تازه آغاز شد. «عزیزلی» در ۳ سال اخیر ۳ قهرمانی به دست آورده و پیام در ۱۹ سالگی و در اوج تسلط، در نیمه‌نهایی وزن ۵۵ کیلوگرم مسابقات زاگرب، این قهرمان جهان را کنار زد و راهی فینال شد. هرچند رقابت نهایی را با نتیجه ۹ بر ۷ به «واختانگ لولوآ» گرجستانی باخت، اما این نوید را به کشتی‌دوستان کشورمان داد که با جسارت و روحیه مثال‌زدنی‌اش، در سال‌های پیش رو برای کشتی فرنگی ایران در وزن حمید سوریان شگفتی‌ساز خواهد بود.

۴ سال پیش که «پیام» در یک مصاحبه تصویری گفته بود «ما داخل پارک بی‌بی مریم وسایل، بادکنک و پشمک می‌فروشیم و به غیر از سختی تمرین، سختی زندگی هم داریم؛ باید کار کنیم تا پول کشتی و خرج‌مان را به دست بیاوریم وگرنه نمی‌توانیم تمرین کنیم.» کمتر کسی تصور می‌کرد، تا درخشش در صحنه جهانی راه زیادی برایش باقی نمانده است. این جوان خوش‌آتیه کشورمان که با پشتکار خود فاصله میان رویا و خاطره را برداشت، آن روزها را مرور و اضافه می‌کند: «من پشتوانه مالی قوی نداشتم، اما رویاهای پرقدرتی داشتم و وضعیت اقتصادی در مقابل هدف بزرگی که داشتم اهمیت نداشت. مثل اغلب ورزشکارها رسیدن به طلای المپیک بزرگ‌ترین رویای من بود و هست و تا به آن نرسم دست‌بردار نیستم. من هنوز کار خاصی انجام نداده‌ام، این تازه اول راهم هست؛ سختی‌هایی که خانواده‌ام کشیدند بزرگ‌ترین انگیزه من برای ادامه این راه هست؛ من به پدر و مادرم قول دادم که سربلندشان کنم.»

«پیام» بعد از طلایی شدن در رقابت‌های قهرمان جوانان جهان بلغارستان، تنها ۸ روز مانده تا اعزام تیم ملی بزرگسالان فرنگی به جهانی زاگرب، در یک رقابت نفسگیر جایگزین «پویا دادمرز» دیگر کشتی‌گیر مستعد و ارزنده کشورمان شد. این مسیر پرچالش به نوعی مهر تأییدی براین گزاره است که جوان‌های سختی کشیده‌ای شبیه او خوب یادگرفته‌اند بهانه‌های جور واجور را کنار بگذارند و تنها در رسیدن به هدف مهمی که در سر دارند یعنی ساختن فردای بهتر برای ایران سهم داشته باشند. با همین مضمون «پیام» به موضوعی اشاره می‌کند که برای اولین بار آن را با «ایران» درمیان می‌گذارد؛ «بعد از اردوهای سنگین، تازه از مسابقات جوانان جهان برگشته بودم که برای بزرگسالان زاگرب انتخاب شدم. شرایطم خیلی پیچیده بود چون در مسابقه انتخابی با همشهری خودم «پویا دادمرز» گوشم بشدت آسیب دید و بیشتر از روزی ۲،۳ ساعت نمی‌توانستم بخوابم. از طرفی باید حریفانم را هم آنالیز می‌کردم. خلاصه که روزهای سختی را می‌گذراندم ولی به خودم قول داده بودم اعتماد کادر فنی را جبران کنم. در زاگرب هم قرعه من طوری بود که کمتر کسی شانس پیروزی برای من قائل بود، ولی به لطف خدا خوب پیش رفتم و شک نکنید در آینده کشتی‌های خیلی بهتری می‌گیرم. راستش این مدت فرصتی پیش نیامد که این را بگویم؛ بعد از کشتی انتخابی، من تقریباً مطمئن بودم حریفی مثل عزیزلی را شکست می‌دهم، ولی شاید آن موقع کمتر کسی من را باور داشت وخوشحالم که شرمنده خودم و باورم نشدم. هرچند نشد با مدال طلا از اعتماد علیرضا دبیر و حسن رنگرز تشکر کنم، ولی خدا را شاکرم که در اولین حضورم در گروه بزرگسالان و در ۱۸ سالگی، نقره جهان را گرفتم.»

همه کشتی‌گیران موفق، از فردای روزی که دارنده عنوان جهانی می‌شوند، برمی‌گردند سراغ تمرین‌های سخت و خود را برای رقابت بعدی آماده می‌کنند. «پیام احمدی» هم که از این قاعده مستثنی نیست و در پاسخ به این سؤال که از فردای نایب قهرمانی، چه قولی به خودش داد و قرار است در آینده شاهد چه نسخه تازه‌ای از او باشیم، می‌گوید: «باید یکسری کارها توی فینال انجام می‌دادم که نشد، برای همین از فردای همان روز تصمیم گرفتم روی نقص‌ها بیشتر کار کنم. به اضافه اینکه من شیفته کشتی‌های حمید سوریان هستم و او الگوی مهمی در زندگی من هست. مثل او تلاش می‌کنم و به کشتی‌دوستان و کادر فنی هم قول می‌دهم در آینده نسخه فنی‌تری از من ببینند.»

کارستان لحظه آخری

ثانیه‌های آخر رقابت‌های حساس، بسیار کند می‌گذرد، صدای هیاهوی سالن و ضربان قلب ورزشکار در هم می‌پیچد و در آن لحظات افکار عجیب و غریبی در سرش می‌چرخد. مرور آن لحظات از زبان پیام این گونه است؛ «در ثانیه‌های آخر مخصوصاً در رقابتم با عزیزلی، ضربان قلبم به بالاترین حد رسیده بود. انگار ثانیه‌ها هم تند و هم کند می‌شدند. صدای اطراف می‌خواست گوشم را کر کند. در آن ثانیه‌ها هیچ چیزی توی سرم نبود جز این فکر که ایرانی‌ها با این پیروزی خیلی خوشحال می‌شوند. مردم ایران، مردم ایذه و خانواده‌ام همه انگیزه من شده بودند.» رابطه نایب قهرمان جهان و مادرش رابطه صمیمی و محترمی است. این طور که تعریف می‌کند وقتی از مادرش می‌شنود؛ «هرجا میرم و تو را می‌شناسند سرم را بالا می‌گیرم» قند توی دلش آب می‌شود. می‌خواهد همانی بشود که مادرش می‌گوید؛ افتخار ایذه و مردم ایران. به غیر از خانواده ۹ نفره‌اش، مادربزرگ ۷۳ ساله «پیام» هم خیلی جدی کشتی‌های او را دنبال می‌کنند. این جمع خانوادگی و صمیمی انگیزه بزرگی برایش هستند؛ از اینها مهم‌تر خوشحال است که پدرش به او افتخار می‌کند؛ از زاگرب که برگشت تا چشم پدر به صورت پسر افتاد، اولین جمله‌ای که گفت این بود: «برای مدال المپیک خیلی تلاش کن، ولی همین طور خوب بمان و رفتارت را با مردم عوض نکن.»

> من در ایذه‌ای بزرگ شده‌ام که بین مردمانش غیرت حرف اول را می‌زند. هرچند حریف اصلی را که قهرمان جهان بود شکست دادم، ولی خوب می‌دانستم مردم ایران با کسب مدال طلا خیلی خوشحال می‌شوند و دوست داشتم دلیل این خوشحالی باشم

کم لطفی بود اگر بدون مدال برمی‌گشتم

شاید دوست داشت با قلبی شکسته سالن را ترک کند، اما او برای اتفاق‌های مهم‌تری به زاگرب آمده بود. قصد نداشت نقش‌آفرینی‌اش ناتمام بماند. فرنگی‌کار وزن ۷۲ کیلوگرم کشورمان آن زمان که جوان‌های هم‌سن و سالش، پی تفریح و خوشگذرانی یا حتی استراحت بودند، مشغول تمرین‌های سخت بود. تمرین‌هایی که لابه‌لای آنها نقشه درمان برادرش را می‌کشید و برای آینده‌اش رویاهایی می‌بافت که قرار بود به سرعت واقعی شوند.

داستان زندگی «**دانیال سهرابی**» الهام‌بخش نسلی است که بی‌رسمی را برنمی‌تابند و برای آنکه توانمندی‌هایشان را اثبات کنند، از جان مایه می‌گذارند. در ۲۲ سالگی در قامت یک بزرگ‌مرد ظاهر شد و بی‌عدالتی را به زانو درآورد، حق طلبید و درخشید. او در صحنه‌ای جهانی، نماینده کسانی شد که چاره‌ای ندارند جز ایستادگی در برابر ناملایمات و با عزمی راسخ، پیشگام آنهایی شد که مسیر زندگی را نه فقط برای خود که برای سایرین نیز روشن و هموار می‌کنند و همواره در پی عزت و کرامت‌اند.

«دانیال» پسر جسور خوزستان، در آوردگاه زاگرب ارزش‌هایی را ارج نهاد که هرگز نمی‌میرند. او مسئولیت‌پذیر عمل کرد؛ درست شبیه فردی که به خوبی می‌داند موفقیت واقعی زمانی حاصل می‌شود که به دیگران نیز کمک کند. همین وجوه شخصیتی، دانیال را به فردی بدل کرد که حضورش برای اطرافیان مایه آرامش و امید است؛ او روی سکوی جهانی هم به برادر بیمارش فکر کرد، به کسی که قوت بازوان و توان گام‌هایش شده بود. غرور ایرانیان را برانگیخت وقتی روی تشک تا سرحد توان جنگید. کم سن و سال و کم‌تجربه بود، اما با شجاعت تمام و اراده‌ای قوی در برابر ناملایمت‌ها ایستاد و در تاریک‌ترین لحظات هم شعله امید را زنده نگه داشت. با روحیه‌ای تحسین‌برانگیز به هرآنچه مانع رسیدنش به مدال زرین این دوره از مسابقات جهانی شد، ثابت کرد درد و زخم در برابر اراده‌اش کوچک‌اند و قرار نیست به راحتی تسلیم شود. همه این توصیف‌ها در جمله‌های ساده و صادقانه دانیال پیداست. آنجایی که می‌گوید: «کم‌لطفی بود اگر بدون مدال برمی‌گشتم؛ من برای مردم ایران و خانواده‌ام جنگیدم و حالا هزار بار خدا را شکر می‌کنم که دستم از مدال جهان کوتاه نماند. البته امیدوارم تمام همشهری‌هایم، مردم ایران و خانواده‌ام مدال برنز را از من قبول کرده باشند.»

دانیال در حقیقت به قانون استراحت پزشکی باخت که در جهان کشتی به قانون «حسن یزدانی» معروف است؛ سال‌ها پیش در فینال وزن ۷۴ کیلوگرم المپیک ۲۰۱۶ ریو، «حسن یزدانی» با «انور گودیوف» قهرمان روسیه کشتی گرفت. به دلیل مصدومیت‌های پی در پی «گودیوف»، رقابتی که باید ۶ دقیقه ادامه پیدا می‌کرد بیش از ۱۶ دقیقه طول کشید. پس از پایان این رقابت‌ها قانون تازه‌ای وضع شد تا بر اساس آن هر کشتی‌گیر فقط مجاز باشد ۴ دقیقه از وقت پزشکی استفاده کند. هرچند در ریو «حسن یزدانی» پیروز میدان شد و این قانون به واسطه رقابت عجیب و غریب او در فینال وضع شد، اما همین قانون در زاگرب، «دانیال سهرابی» را مغلوب حریفش از فرانسه کرد؛ او در سومین مبارزه و در مرحله یک چهارم نهایی روبه‌روی «ابراهیم غانم» دارنده مدال‌های طلا و نقره جهان ایستاد. در این مسابقه به دلیل ضربه کشتی‌گیر فرانسوی، دانیال بارها از ناحیه چانه دچار خونریزی شد و در نهایت به دلیل استفاده از ۴ دقیقه استراحت پزشکی، یک دقیقه و ۲۶ ثانیه پیش از سوت پایان، مسابقه را واگذار کرد و از مرحله نیمه نهایی جاماند، اما خوشبختانه حریفش به فینال راه پیدا کرد و دانیال به گروه بازنده‌ها رسید تا با رقابت در جدول شانس مجدد، در یک نمایش خیره‌کننده با نتیجه ۹ بر صفر، حریف و هرچه ناملایمتی را که سر راهش قرار گرفته بود ضربه فنی کند.

ضربه فنی طلایی

حریف سعی می‌کرد با رقص پای دائم تمرکز دانیال را با صورتی پر از رد زخم و بخیه و با بانداژی که باید زودتر از اینها مانع آن خونریزی لعنتی می‌شد، برهم بزند، اما او این چیزها سرش نمی‌شد. به پدرش قول داده بود روسفیدش کند. در آن لحظات پدر اما در «اندیمشک» جلوتر از همه اقوام رو به روی تلویزیون خانه‌شان ایستاده بود و فریاد کشید؛ «خدایا خودت کمکش کن.» گویی موج صدای آمین فامیل که دورش را گرفته بودند از آسمان اندیمشک گذشت، فرسخ‌ها را درنوردید و از درِ سالن مسابقه داخل شد و سُرید توی گوش دانیال. جوری حریف را ضربه فنی کرد که انگار می‌خواست به جهان ثابت کند آماده و آمده بود تا گردن‌آویز طلایی را با خود ببرد، اما به یک قانون باخت.

اینکه قبل از آخرین کشتی (کشتی رده‌بندی) توی سرش چه می‌گذشت، با خودش چه گفت و چه قولی به خودش داده بود که آن‌طور خیره‌کننده کشتی گرفت و با نتیجه ۸ بر صفر «مری مایولیتکانوف» قزاق را شکست داد و برنزی شد سؤال من از دانیال است. بدون مکث جواب می‌دهد: «بعد از اینکه کشتی را به غانم باختم، فشار روانی زیادی روی من بود. در طول سال‌های ورزشی زجر زیادی کشیدم و دوست داشتم با مدال طلا از زاگرب برگردم، ولی خب دست تقدیر همیشه چیزی را که ما می‌خواهیم رو نمی‌کند. با این حال من برای خانواده‌ام، برادرم و تمام مردم ایران به زاگرب رفته بودم و نباید بدون مدال برمی‌گشتم. یادم هست خیلی سعی کردم تا خودم را جمع و جور کنم. مدام سختی هایی را که کشیده بودم مرور می‌کردم. در آن لحظه‌ها تصور شادی پدر و مادرم، مردم ایران و درمان برادرم به دادم رسید و به من قوت داد.»

بدون شک در آن شرایط حساس، اطرافیان دانیال در بازیافتن روحیه از دست رفته‌اش بسیار مؤثر بودند. او جو آن روزهای شهریورماه را چنین توصیف می‌کند: «دکتر رنگرز و دبیر، ایمان علیزاده، مرتضی محمدی و مجید رمضانی که گچ (راهنمایی بازیکن توسط مربی) من نشست جای خود دارند و خیلی برای من زحمت کشیدند، اما صحبت‌های «هادی ساروی» به عنوان قهرمان المپیک و نمونه بارز پهلوانی من را زیر و رو کرد، به خودم آمدم و خوشبختانه با فک بخیه خورده و ابرو و لب شکافته کشتی قابل قبولی گرفتم.»

دانیال که برای درمان برادرش، برای شاد کردن قلب مادرش و برای اهتزاز پرچم ایران می‌جنگد، به صراحت خودش را کوچک مردم ایران معرفی می‌کند و از آنها می‌خواهد فرزندشان را دعا کنند تا در میادین بعدی، با مدال زرین طلا خوشحال‌شان کند.

> بعد از اینکه کشتی را به غانم باختم، فشار روانی زیادی روی من بود. دوست داشتم با مدال طلا از زاگرب برگردم، ولی خب دست تقدیر همیشه چیزی را که ما می‌خواهیم رو نمی‌کند. خیلی سعی کردم خودم را جمع و جور کنم. در آن لحظه‌ها تصور شادی پدر و مادرم، مردم ایران و درمان برادرم به دادم رسید و به من قوت داد

از کوچه‌های خاکی تا سکوهای جهانی

۱۳ آبان ۱۳۸۳ به دنیا آمده و در حالی مدال برنز کشتی فرنگی زیر ۲۳ سال جهان را به دست آورد که تنها ۲۱ سال دارد. از ۱۲ سالگی کشتی را شروع کرد و همان سال اول، اولین مدال استانی‌اش را گرفت. از بچگی با ورزش کشتی آشنا شد؛ پسرعموهایش و تعداد زیادی از نوجوان‌های طایفه بُویری در ایذه کشتی‌گیر بودند و چندان دور از ذهن نبود که «**ابوالفضل مهمدی**» هم به کشتی فرنگی علاقه پیدا کند. زمانی که «حمید سوریان» و «حسن یزدانی» مسابقه داشتند جلوی تلویزیون میخکوب می‌شد. گاهی هم غصه می‌خورد که دوره کشتی‌گیرهای بزرگ ایران، در سن و سالی نبود که کشتی آنها را از نزدیک ببیند و لذت ببرد، اما اینکه در شهر کشتی‌دوست ایذه بزرگ شده و هم‌نسل‌هایش آینده درخشانی را برای کشتی فرنگی ایران رقم خواهند زد، مایه خوشحالی اوست. از نشانه کشتی‌دوست بودن مردم ایذه می‌پرسم و می‌گوید: «کافی است در شهر ما مسابقه کشتی برگزار شود. به جرأت می‌گویم نصف مردم شهر خودشان را به سالن می‌رسانند، حتی اگر قرار باشد جلوی در سالن بنشینند و کشتی را تماشا کنند. این صحنه را ۴-۳ سال پیش به چشم خودم دیدم. مسابقات کشتی در ایذه برگزار شده بود و خیلی‌ها از پنجره سالن، کشتی را تماشا می‌کردند. در شهر ما وقتی به بهانه عروسی یا دورهمی صمیمی اقوام دور هم جمع شوند، حتماً یکی از اتفاق‌های تکراری این است که چند نفر با هم کشتی می‌گیرند. به قول ما کشتی در ایذه دیگر حیثیتی شده است.»

ابوالفضل، کشتی ایذه را به نوعی مدیون علیرضا دبیر و حسن رنگرز می‌داند؛ «این دو نفر به استاندارد شدن وضعیت کشتی در ایذه خیلی کمک کردند. ما نه تشک درست و حسابی داشتیم نه وسایل سرمایشی و گرمایشی. خیلی وقت‌ها بچه‌ها روی همین تشک‌ها ناراحتی پوستی گرفتند. ولی عشق مربی کاردرست شهرمان استاد ملک‌محمد بُویری و همراهی آقایان دبیر و رنگرز همه چیز را تغییر داد. حالا ما ایذه‌ای‌ها توی کشتی حرف‌های زیادی برای گفتن داریم.»

خاطره اولین مرتبه‌ای هم که «ابوالفضل» پا روی تشک کشتی گذاشت شنیدنی است: «بچه که بودم هر روز توی کوچه و روی زمین خاکی و آسفالت با پسرهای محل کشتی می‌گرفتم. یک روز که پسرعمویم (ایمان محمدی) می‌رفت سمت باشگاه، کنجکاو شدم ببینم سالن کشتی چه شکلی است. وقتی تشک کشتی را دیدم اولین چیزی که گفتم این بود، خب جای اینکه هر روز روی آسفالت بجنگم چرا روی تشک، کشتی نگیرم که هم کمتر زخمی بشوم هم جایزه بگیرم. تازه امکانات آن زمان که من ۱۲-۱۰ ساله بودم با امروز زمین تا آسمان فرق داشت. از جلسه بعد من هم ثبت‌نام کردم و چند ماه بعد در مسابقات استانی سوم شدم.»

ابوالفضل هم مثل بیشتر هم‌نسل‌هایش شیفته کشتی «حمید سوریان» بود. او در پاسخ به این سؤال که در بچگی خودت را جای کدام کشتی‌گیر تصور می‌کردی، این دارنده ۷ مدال پی‌درپی جهان و المپیک را مثال می‌زند و می‌گوید؛ «در هر مسابقه که برنده می‌شد خودم را جای او می‌گذاشتم. عاشق کشتی‌های این اعجوبه بودم. از استان خودمان هم که حبیب‌الله اخلاقی خیلی خوب کشتی می‌گرفت، اما آقا حمید الگوی تمام کشتی‌گیرهای هم‌نسل من است.»

می‌پرسم کدام ویژگی حمید سوریان او را به الگوی نسل شما بدل کرده، او ادامه می‌دهد: «اولش بگویم که خیلی متأسفم از نزدیک کشتی‌های آقا حمید را ندیدم و حداقل نتوانستم با او تمرین کنم، اما در جواب سؤال شما باید بگویم، نظم و سختکوشی آقا حمید را همه مثال می‌زنند؛ به نظر من اینکه آدم پرتلاشی بود از او برای نسل من یک الگو ساخته است.»

موانعی که سکوی پرواز شدند

بارها دیده‌ایم که کشتی‌گیران شمال کشور، اوقات زیادی را به صورت گروهی در ساحل دریا یا در ارتفاعات تمرین می‌کنند. پسران کشتی‌گیر ایذه این تمرین گروهی را در ارتفاعات «اَلهَک» تجربه می‌کنند. به گفته «ابوالفضل» اگر قرار باشد به همراه چند نفر از بچه‌های تیم ملی که همشهری‌هایش هستند، برای تمرین یکی از مناطق ایذه را انتخاب کنند، آنجا بام این شهر است؛ «کلاً تمرین کشتی توی شهرهای کم‌امکانات خیلی سخت است، با این حال ما بچه‌های تنبلی نیستیم. در ایذه کوهی هست به نام اَلهَک که بام شهر ماست. تمرین در این منطقه خیلی سخت‌تر می‌شود و ما معمولاً هفته‌ای یک مرتبه ساعت‌های اول صبح که هوا خنک‌تر باشد به آنجا می‌رویم.»

با این اوصاف باید حضور در اردوهای تیم ملی برای بچه‌های ایذه بسیار مؤثر باشد. ابوالفضل با خنده این موضوع را تأیید و اضافه می‌کند: «ما بچه‌های ایذه بین خودمان که حرف می‌زنیم این جمله را زیاد تکرار می‌کنیم؛ اردوی تیم ملی برای ما یک‌جور استراحت است. چون ما عاشق تمرین‌های کشتی هستیم و از بس تمرین در سالن‌های غیراستاندارد و با وسایل نامناسب کار سختی هست که اردوی تیم ملی با آن همه امکانات استاندارد، حال ما را خوب می‌کند.»

تا قبل از رسیدن به طلای المپیک که مهم‌ترین و اصلی‌ترین هدف هر کشتی‌گیر است، باید هدف‌های کوچک‌تری را تیک بزنند، از ابوالفضل می‌خواهم این هدف‌های کوچک به واقعیت پیوسته را بشمارد؛ «اوایل که کشتی می‌گرفتم، دوست داشتم در سطح استان موفق شوم و بعدها دلم می‌خواست دوبنده تیم ملی را بپوشم که به لطف خدا اتفاق افتاد، اما همیشه دوست داشتم با «رومن ولاسوف» ملی‌پوش کشتی فرنگی روسیه و دارنده چندین مدال المپیک کشتی بگیرم. خیلی وقت‌ها مسابقه خودم با او را هم تجسم می‌کردم، اما این اتفاق نیفتاد و متأسفانه از دنیای کشتی خداحافظی کرد و این هدفم واقعی نشد، ولی هدف دیگرم که برنده شدن در مسابقات کشتی زیر ۲۳ سال جهان بود کم و بیش واقعی شد و با اینکه ۱۵-۱۰ ثانیه آخر کشتی از دستم در رفت، شکر خدا دست خالی برنگشتم و شرمنده مردم نشدم. بعد از این هم تلاشم را می‌کنم تا پیش خودم بدقول نشوم و آنقدر در مسابقات مختلف تجربه به دست بیاورم تا بالاخره به هدف اصلی‌ام یعنی مدال المپیک برسم.»

> در بچگی هر مسابقه که حمید سوریان برنده می‌شد خودم را جای او می‌گذاشتم. عاشق کشتی‌های این اعجوبه بودم و خیلی متأسفم از نزدیک کشتی‌های او را ندیدم. اینکه آدم پرتلاشی بود از آقا حمید برای نسل من یک الگو ساخته است

ایمان ایذه

«**ایمان محمدی** قهرمان کشتی فرنگی امیدهای جهان شد.» همین جمله کوتاه در آخرین روز از مهرماه سال‌جاری یک بار دیگر نام «ایذه» را سر زبان‌ها انداخت.

در قلب شهری که هنوز بوی گرما، خاک و رنج در کوچه‌هایش جاری است، پسری قد کشید که از ۱۰ سالگی قدم روی تشک کشتی گذاشت. کوچک‌ترین فرزند یک خانواده ۹ نفره و آغازگر رویایی بزرگ. متولد ۱۳۸۱ در ایذه و حالا یکی از امیدهای کشتی فرنگی ایران است؛ جوانی که از دل کمترین امکانات، بیشترین نتیجه را بیرون کشید و امروز مسیر تازه‌ای برای نسل بعدی این شهر کشتی‌خیز گشوده است. ایمان مثل پیام احمدی، دانیال سهرابی، علیرضا و ابوالفضل مهمدی همان سال‌هایی کشتی را آغاز کرد که هنوز سالن شهرشان فقط یک تشک فرسوده داشت؛ نه سیستم سرمایشی بود، نه گرمایشی و نه کوچک‌ترین تشکیلات استاندارد. آن روزها را این‌طور توصیف می‌کند: «در شهر ما واقعاً چیزی به اسم امکانات برای ورزش کشتی وجود نداشت. خیلی وقت‌ها در حالت عادی دمای شهر به ۵۰ درجه می‌رسد، همین دما وقتی ۱۰۰ نفر کنار هم در سالن تمرین می‌کنند به ۷۰ - ۶۰ درجه می‌رسد. رسماً موقع تمرین نفس کم می‌آوردیم، آن هم وقتی که روی ضربان ۲۰۰ کشتی می‌گرفتیم.»

همین جنگ با سختی‌ها، ایمانِ ۱۰ساله آن روز را به ایمان امروز تبدیل کرد تا بعد از کنار زدن رقبایی از اوکراین، مجارستان، آذربایجان و ارمنستان، در نهایت با غلبه بر حریف ازبک در فینال وزن ۷۲ کیلوگرم رقابت‌های زیر ۲۳ سال صربستان، قهرمان جهان شود و در قهرمانی تیم ملی ایران در این دوره از مسابقات سهم مهمی داشته باشد.

از سالن‌های داغ ایذه تا سکوهای جهانی

جرقه عشق به کشتی برای ایمان از المپیک لندن روشن شد؛ جایی که فرنگی‌کاران ایران طلا را در آغوش کشیدند؛ «از تلویزیون مسابقه‌ها را می‌دیدم. همانجا بود که گفتم منم باید یک روز قهرمان المپیک بشوم. خودم را جای حمید سوریان و نوروزی می‌دیدم. با اینکه امکانات کم و زندگی ساده‌ای داشتیم ولی خانواده پشتم بودند و من با همین دلخوشی فقط می‌جنگیدم. زمان مدرسه زنگ آخر بچه‌ها برای بازی و تفریح می‌دویدند، اما من برای رسیدن به سالن کشتی. هم درس می‌خواندم و هم کشتی می‌گرفتم. از ۱۰ سالگی هر سال در اردوی تیم ملی بودم. همراهی و زحمات معلم‌ها را فراموش نمی‌کنم. خانواده که جای خود دارند. برای من کم نگذاشتند که هیچ، هنوز هم سعی می‌کنند مشکلات مالی خانواده به گوش من نرسد. برای همین‌هاست که من رویایی ندارم جز موفقیت در المپیک.»

۳ سال پیش دیپلم گرفته و حالا دانشجوی تربیت‌بدنی است، اما اصلی‌ترین درس زندگی را روی تشک کشتی یاد گرفت؛ کشتی قبل از بدن باید اخلاق آدمی را بسازد. گوش‌شکسته‌ها از کودکی حرمت مربی، زمین رقابت و مردم کشورشان را می‌آموزند. ایذه نسلی طلایی به خود دیده؛ از عبدولی تا طاهری و بُویری. نسلی که انگیزه‌ای شد برای ایمان و هم‌نسل‌هایش تا همین پسران جنگجو حالا، ۳۰ تا ۴۰ درصد تیم ملی کشتی فرنگی کشورمان را تشکیل دهند.

یاغی شهر

در ایذه به «یاغی» معروف است؛ بعد از مسابقات جهانی و احتمالاً از سر تب و تاب سریال «یاغی»، این لقب روی ایمان ماند. او حالا یکی از چهره‌های محبوب ایذه است؛ کودکان به سمتش می‌آیند، بزرگ‌ترها تشویقش می‌کنند و مردم شهر دوست دارند از او فن یاد بگیرند. حرف‌هایمان درباره مسابقات امیدهای جهان صربستان می‌رسد به مسابقه فینال وزن ۷۲ کیلوگرم؛ آنجایی که حریف ازبک ضربه‌ای به صورت ایمان می‌زند و او جز فروتنی واکنشی نشان نمی‌دهد؛ «آتابایف» از ازبکستان، در میانه رقابت و بعد از «فیتو» ۴ امتیازی ایمان، طی یک حرکت غیرحرفه‌ای ضربه‌ای به صورت ایمان می‌زند و او نه تنها واکنشی نشان نمی‌دهد که کشتی را به شکلی حرفه‌ای اداره و در برابر اخطار تأمل‌برانگیز داور هم به خوبی مقاومت می‌کند و در نهایت هم با نتیجه ۵ بر ۱ پیروز میدان و صاحب مدال طلای این وزن می‌شود. توضیحات ایمان درباره این لحظات در همین چند جمله خلاصه می‌شود: «طی آنالیزهایی که داشتیم احتمال می‌دادیم حریف ازبک بخواهد با ضربه یا وقفه روند مبارزه من را خراب کند. از طرفی در کشتی یاد گرفته‌ایم که قبل از قهرمان بودن، پهلوان باشیم. وقتی متوجه می‌شدم می‌خواهد با همین کارها به من فشار بیاورد، سعی کردم با کمترین واکنش اشتباه، فقط ادامه بدهم. حتی بعد از پایان کشتی هم رفتم از او عذرخواهی کردم که باعث شدم کنترل خودش را از دست بدهد. مرام ما کشتی‌گیرهای ایرانی جز این نیست؛ کشتی به جای بحث و دعوا به ما یاد داده سربه‌زیر باشیم و تلاش کنیم بیشتر پهلوان باشیم تا قهرمان.»

رویای المپیک

تصویر زمینه موبایل ایمان، یک مدال طلای المپیک است؛ هر روز بارها به این عکس خیره می‌شود. حتی زمانی که روی سکوی اول رقابت‌های صربستان ایستاده بود، خودش را روی سکوی المپیک تصور می‌کرد. او هم مثل همه کشتی‌گیران موفق، رویای المپیک در سر دارد، اما وقتی از او می‌پرسم اگر کشتی‌گیر نمی‌شدی، چه کار یا ورزشی را دنبال می‌کردی، پاسخ جالبی می‌دهد؛ «چند سال قبل حتماً جوابم این بود که فوتبالیست می‌شدم، چون تا چند سال پیش فوتبالم خیلی خوب بود ولی الان کلاً بی‌خیالش شدم و به چیزی جز موفقیت در المپیک فکر نمی‌کنم. اگر هم کشتی‌گیر نشده بودم چون در شهر ما امکانات زیادی نیست، احتمالاً مثل خیلی از جوان‌ها می‌رفتم سراغ کارهای سخت پروژه‌ای در شهرهای اطراف. ولی حالا که به لطف خدا و خانواده در این ورزش به یک جاهایی رسیدم و هنوز مسیر سختی پیش روی من است، سعی می‌کنم ۱۵-۱۰ سال سختی را تحمل کنم ولی بعدش زندگی خوبی بسازم که ارزش این سختی‌ها را داشته باشد.»

ایرانِ سربلندی داریم که فرزندان آن آموخته‌اند بهانه و توجیه‌های جور واجور را کنار بگذارند و در ساختن فردایی بهتر سهیم باشند؛ جوانانی که از قلب تاریکی، به چهره ایران نور پاشیدند.

> در ایذه به «یاغی» معروف است؛ تصویر زمینه موبایل ایمان، یک مدال طلای المپیک است؛ هر روز بارها به این عکس خیره می‌شود. حتی زمانی که روی سکوی اول رقابت‌های صربستان ایستاده بود، خودش را روی سکوی المپیک تصور می‌کرد

دستاورد دو دهه تلاش عبدالحکیم بهار، شهروند بلوچی برای ترویج کتابخوانی

«رمین» کتابخوان‌ترین روستای ایران

گزارش

مرجان‌قندی
گروه گزارش

کتابخانه روستای رمین، روستایی در بخش مرکزی شهرستان چابهار در استان سیستان و بلوچستان در ایام هفته کتاب و کتابخوانی که از بیست و چهارم آبان ماه آغاز شد، روزهای شلوغی را تجربه کرد. در دومین روز این هفته بود که دانش‌آموزان دو دبیرستان پسرانه این روستا به اتفاق معلمان و مربیان‌شان روز خود را با کتابخوانی و فعالیت‌های کتاب محور در کتابخانه تخصصی کودک و نوجوان «بهار» پشت سر گذاشتند. در این فعالیت فرهنگی دانش‌آموزان علاوه بر خواندن، پای صحبت‌های شرمین نادری، نویسنده که به روستایشان سفر کرده هم نشستند. نادری برای آنها از تجربه‌های نوشتن گفت و از آنها خواست قدر خود، کتابخانه و موقعیتی را که برای رشدشان فراهم شده، بدانند. در هفته کتاب و کتابخوانی خیلی از شهرها و روستاهای ایران بوی کتاب به خود گرفته‌اند. اما این موضوع در برخی مناطق مثل روستای رمین فقط محدود به هفته کتاب نمی‌شود و اهالی این منطقه طی سال شاهد برپایی نمایشگاه‌های کتاب و برنامه‌های کتابخوانی هستند. عبدالحکیم بهار، نویسنده و شاعر کودکان و نوجوانان مردی باذوق و تلاشگر است که بیش از بیست سال است در حوزه ادبیات کودک و نوجوان فعالیت می‌کند. او با ترویج کتاب و کتابخوانی در این منطقه نام روستای رمین در چابهار را به‌عنوان کتابخوان‌ترین روستای کشور مطرح کرده است.

بهار که مؤسس اولین کتابخانه غیردولتی روستایی سیستان و بلوچستان است درباره تجربه خود در ترویج کتابخوانی می‌گوید: «این فعالیت را حدود ۲۰ سال قبل در سال ۱۳۸۴ آغاز کردم. آن زمان فضای مناسبی برای فعالیت‌های فرهنگی نداشتم و مجبور شدم از خانه شخصی‌ام شروع کنم. مجموعه‌ای درست کردم که حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ جلد کتاب داشت. در استان سیستان و بلوچستان و بسیاری از شهرها و روستاها، روش‌های ترویج کتابخوانی به شکل امروزی نبود و فعالیت‌ها داوطلبانه انجام نمی‌شد. فعالیت‌های ما در زمینه راه‌اندازی کتابخانه در همان سال آغاز شد و خیلی زود در خانه ما رونق گرفت. در مدت کوتاهی تعداد زیادی عضو جذب کتابخانه شدند و کتاب‌های متنوعی هم به آن اضافه شد. منابع کتابخانه از ۳۰۰ جلد کتاب به بیش از ۱۵ هزار جلد رسید. امروز همه منابع کتابخانه تازه و به‌روز هستند و مورد استفاده کودکان و مردم قرار می‌گیرند.»

او بر اهمیت و ارزش فعالیت‌های داوطلبانه در ترویج فرهنگ مطالعه تأکید می‌کند و می‌گوید: «بخش اصلی و مورد تمرکز ما انجام فعالیت‌های تخصصی در حوزه کودک و نوجوان است. اما ما علاوه بر آن توانسته‌ایم در کتابخانه، بخش پژوهشی و بخش بزرگسال هم راه‌اندازی کنیم. بخش کودک و نوجوان به طور عمومی در اختیار استفاده‌کنندگان قرار دارد و این توسعه و تنوع برای من بسیار خوشایند است. من معتقدم که کتابخانه‌های مردمی و داوطلبانه و مروجین کتابخوانی که با مردم، بویژه کودکان و افراد مختلف، فعالیت می‌کنند، توانایی‌های بسیار بالاتری نسبت به برخی کتابخانه‌های رسمی دارند و کارهای ارزشمندی انجام می‌دهند که باید مورد توجه مسئولان قرار بگیرد. این افراد، هرچند به طور داوطلبانه و بدون انتظار مالی فعالیت می‌کنند، اما نقش مهمی در ترویج فرهنگ مطالعه ایفا می‌کنند و نقطه قوت جامعه در این حوزه هستند. فعالیت‌های این داوطلبان و میزان اثرگذاری آنها در آمار و ارقام رسمی ثبت نمی‌شود و هیچ آماری درباره فعالیت‌های آنان موجود نیست. مثل اینکه در این روستا حدود ۲ هزار دانش‌آموز وجود دارد و فعالیت‌های کتابخوانی در قالب کتابخانه‌های روستایی انجام می‌شود، اما هنوز آمار دقیقی از میزان فعالیت و تأثیر این برنامه‌ها در دست نیست.» بهار درباره تجربه‌ها و دستاوردهای کتابخانه بهار در ترویج کتابخوانی می‌گوید: «در سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴، زمانی که کتابخانه را راه‌اندازی کرده بودم، امروز را می‌دیدم اما در این مسیر با مشکلات زیادی ازجمله نبود مکان مناسب، کتاب و امکانات لازم مواجه بودم. سختی‌های فراوانی را تحمل کردم، اما با وجود همه چالش‌ها، من و همراهانم کوتاه نیامدیم و با تلاش و پایداری توانستیم بر موانع غلبه کنیم.» امروز، او از موفقیت‌های خود و همراهانش در این مسیر ابراز رضایت می‌کند و توضیح می‌دهد: «کتابخانه داوطلبانه‌ای که ساخته‌ایم و بخش سیار آن، به‌عنوان الگویی برای ترویج کتابخوانی در استان شناخته شده‌اند. این کتابخانه‌ها نه فقط در سطح استان بلکه در سطح ملی هم مطرح شده‌اند و توانسته‌اند شبکه‌ای از مروجین کتابخوانی را زیر یک چتر جمع کنند. این مروجین با کمترین امکانات در مناطق مختلف فعالیت می‌کنند و با تشویق و انگیزه، فرهنگ کتابخوانی را گسترش می‌دهند. اگر ما این مسیر را ادامه دهیم، در آینده می‌توانیم در حوزه کتاب و ترویج کتابخوانی حرف‌های بهتری برای گفتن داشته باشیم. این دستاوردها نشان‌دهنده تلاش مستمر و موفقیت در توسعه فرهنگ مطالعه در جامعه است.»

کتاب‌هایی به یادگار از سال ۶۵ و خانه کپری بی‌بی

بهار از انگیزه و علاقه‌اش به کتاب و تأسیس کتابخانه می‌گوید: «از دوران کودکی به خواندن، نوشتن و مطالعه علاقه‌مند بودم و هر کتابی که می‌دیدم، بدون تردید آن را می‌خواندم. این علاقه باعث شد که به کتاب‌ها وابسته شوم. از زمان مدرسه، در کنار کتاب‌های درسی، کتاب‌های غیردرسی زیادی مطالعه می‌کردم، اما در آن زمان پیدا کردن کتاب برایم بسیار سخت و مشکل بود. این سختی‌ها و مشکلات، انگیزه‌ای شد تا تصمیم بگیرم برای کودکان منطقه خودم کتابخانه‌ای راه‌اندازی کنم. هدفم این بود که دسترسی آسان‌تر به کتاب‌ها برایشان فراهم شود و حسرت نبود کتاب در دوران کودکی‌ام برای آنها تکرار نشود.»

این نویسنده و شاعر کودک و نوجوان به خاطره‌ای از دوران نوجوانی‌اش اشاره می‌کند و با لهجه شیرین‌اش تعریف می‌کند: «با خودم می‌برمتان به سال ۱۳۶۵ و آن روزها. خانه کپری بی‌بی گنج خاتون کنار خانه ما بود. اسماعیل، دادرحیم، دادرحمان، ابراهیم و دلوش نوه‌های بی‌بی بودند که هر کدام یکی دو کلاس درس خوانده بودند و به قول خود بی‌بی «الف و بایی» آموخته بودند و می‌توانستند نام و نشان خود را روی کاغذ بنویسند. فقط دلوش کوچک بود و هنوز به مدرسه نرفته بود. دادرحمان، دادرحیم، اسماعیل و ابراهیم تا قبل از سال ۶۵ درس را رها کرده بودند و جاشوی قایق ماهیگیری پدرشان شده بودند. اهالی روستا تصمیم گرفتند خانه کپری کوچک بی‌بی را خراب کنند و به جایش خانه‌ای بزرگ‌تر بسازند. روز جمعه که کار صید و صیادی تعطیل بود، همه دست به کار شدند. وسایل اضافی خانه بیرون ریخته شد؛ از شانه و ظرف و ظروف گرفته تا شیشه‌های خالی، داروهای نیمه‌خورده و هرچه به درد نمی‌خورد. ما بچه‌های ۱۰ تا ۱۲ ساله هم آنجا می‌پلکیدیم و کمک می‌کردیم. خانه کپری جدید در کمتر از یکی دو ساعت ساخته شد. وقتی وسایل دور ریختنی را برای نابود کردن بردند، دو کتاب نظر مرا جلب کرد. جلد ۱ و جلد ۶ «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» را جدا کردم و نگذاشتم بسوزند. آنها را با چسب سیریش و صمغ ترمیم و شروع به خواندن کردم. تا آن موقع قصه‌هایی به این زیبایی نخوانده بودم. فقط دو روز طول کشید تا هر دو جلد را تمام کنم. شیرینی قصه‌های مهدی آذریزدی مرا واداشت سراغ بی‌بی بروم و بپرسم این کتاب‌ها چطور در خانه‌اش بود. فهمیدم نوه‌اش ابراهیم آنها را از شهر خریده و با دادرحیم بر سرشان دعوا کرده بود.

بی‌بی کتاب‌ها را زیر تشک و پتوهایش مخفی کرده بود و حالا نصیب من شده بود. بعد که موضوع را با دادرحیم و ابراهیم در میان گذاشتم، کلی خندیدیم و گفتند دعوایی در کار نبوده، بلکه با شخصیت‌های قصه‌ها نقش بازی می‌کردند و بی‌بی هم حال و حوصله نقش بازی کردن آنها را نداشته! هنوز هم بعد از ۳۸ سال آن دو کتاب را نگه داشته‌ام. هر وقت چشمم به آنها می‌افتد، یاد بی‌بی گنج خاتون، خانه کپری‌اش و روزهای نوجوانی‌ام زنده می‌شود.»

> بخشی از فعالیت‌های کتابخانه، تمرکز بر بومی‌سازی و حفظ فرهنگ محلی است. این بخش، «افسانه‌ها» نام دارد و در آن قصه‌هایی مرتبط با منطقه سیستان و بلوچستان برای کودکان روایت می‌شود. هدف اصلی این فعالیت حفظ و نگهداری زیست‌بوم فرهنگی و ادبیات محلی است تا کودکان بتوانند با آنها آشنا شوند و یاد بگیرند که فرهنگ و زندگی در گذشته چگونه بوده است و امروز به چه شکل تغییر یافته است

از صید ماهی تا صید قصه‌ها

بهار حدود هشت سال در حوزه صید و صیادی، ماهیگیری و فعالیت‌های مربوط به لنج و سفرهای دریایی حضور داشته است. او حتی در آن سال‌ها هم دست از ترویج کتاب برنداشت و با هدف تقویت فرهنگ مطالعه و ایجاد ارتباط فرهنگی میان افراد در مناطق ساحلی، طرحی نو اجرا کرد. او می‌گوید: «با توجه به تجربه‌هایی که در حوزه کتاب در میان اهالی روستا داشتم، تصمیم گرفتم ایده‌ای مطرح و اجرا کنم. بنابراین تعدادی کتاب از کتابخانه تهیه کردم و در اختیار لنج‌داران گذاشتم، به‌طوری که در طول سفرهای دریایی بتوانند کتاب‌ها را با هم مطالعه و معاوضه کنند و پس از پایان سفر، لنج‌داران کتاب‌ها را به کتابخانه برگردانند. این طرح در سال ۱۳۹۴ آغاز شد و تا الان هم ادامه دارد.»

بهار با بیان اینکه اقشار مختلفی مانند صیادان جزو اعضای کتابخانه هستند و از خدمات آن استفاده می‌کنند، درباره اعضای کتابخانه می‌گوید: «تعداد اعضای کتابخانه ما بسیار زیاد است و خوشبختانه تعداد آنها روزبه‌روز افزایش می‌یابد. حدود دو هزار نفر از این اعضا دانش‌آموز هستند که در کنار دانشجویان، معلمان، مادران و بانوان به کتابخانه مراجعه می‌کنند و از ظرفیت آن بهره‌مند می‌شوند. در مجموع، کتابخانه توانسته است جامعه‌ای متنوع و گسترده را پوشش دهد و اعضای مختلف با نیازهای متفاوت از امکانات آن بهره‌مند شوند.»

او توضیح می‌دهد: «روستای ما از سال ۱۳۹۳، به‌عنوان یکی از روستاهای برگزیده در حوزه کتاب و فرهنگ شناخته شده است. در سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ این روستا در برنامه‌های کتابخوانی به‌عنوان روستای برگزیده انتخاب شد و در سال ۱۳۹۴ هم نشان استمرار این جشنواره را دریافت کرده است. پس از این موفقیت‌ها، فعالیت‌های فرهنگی در روستا شدت گرفت و روند توسعه آن ادامه یافت، به طوری که موفق به کسب عنوان جام باشگاه کتابخوانی شد.»

برش

بهار، افتخار جهانی ایران

این نویسنده کودک و نوجوان که به مدت دو سال از طرف انجمن نویسندگان کودک و نوجوان و شورای کتاب کودک، نامزد دریافت جایزه «آسترید لیندگرن» بزرگ‌ترین جایزه ادبیات کودکان و نوجوانان و دومین جایزه بزرگ ادبیات در جهان شده است، با بیان اینکه بچه‌های عضو کتابخانه بهار در حوزه‌های مختلفی از جمله روزنامه‌نگاری و فعالیت‌های فرهنگی دیگر فعال هستند، می‌گوید: «در کنار فعالیت‌های کتابخوانی در کتابخانه و همکاری با بچه‌ها، در فرآیند انتخاب پایتخت کتاب ایران نقش داشتم و به‌عنوان داور در این رویداد حضور یافتم. این تجربه برای من بسیار ارزشمند و مثبت بود، زیرا فرصت دیدن ظرفیت‌های مختلف شهرها و بهره‌گیری از این تجربیات برای بهبود برنامه‌های کتابخوانی در روستا و منطقه‌ام را فراهم کرد. این تجربیات نه فقط برای خودم، بلکه برای توسعه فرهنگی و ارتقای سطح فعالیت‌های فرهنگی در منطقه هم مفید و مؤثر بوده است.»

بهار به تلاش‌ها و پیشرفت‌های انجام شده در زمینه ترویج کتابخوانی در منطقه چابهار اشاره می‌کند و می‌گوید: «بخشی از فعالیت‌های کتابخانه، تمرکز بر بومی‌سازی و حفظ فرهنگ محلی است. این بخش، «افسانه‌ها» نام دارد و در آن قصه‌هایی مرتبط با منطقه سیستان و بلوچستان برای کودکان روایت می‌شود. هدف اصلی این فعالیت حفظ و نگهداری زیست‌بوم فرهنگی و ادبیات محلی است تا کودکان بتوانند با آنها آشنا شوند و یاد بگیرند که فرهنگ و زندگی در گذشته چگونه بوده است و امروز به چه شکل تغییر یافته است. این تلاش‌ها بخشی از کوشش‌های فرهنگی برای زنده نگه داشتن هویت و میراث بومی منطقه است.» این نویسنده می‌گوید: «امروز شرایط برای مروجین کتابخوانی فراهم شده است و آموزش و پرورش برنامه‌ریزی‌های مثبتی در این زمینه دارد. در گذشته، هنگام تلاش برای راه‌اندازی اولین کتابخانه در رمین، با موانع و مخالفت‌هایی روبه‌رو بودم. آموزش و پرورش اجازه نمی‌داد این فعالیت‌ها انجام شود و مراحل اداری و سختی‌های زیادی وجود داشت. اما پس از رویدادهایی که برگزار کردیم و ارتباطاتی که برقرار شد، آموزش و پرورش چابهار همکاری خوبی با مروجین کتاب، کتابخانه‌ها و نهادهای فرهنگی داشته است. همکاری‌هایی مثل اجازه فعالیت‌های فرهنگی در مدارس، دعوت از دانش‌آموزان و معلمان برای استفاده گروهی از کتابخانه‌ها و اجرای برنامه‌های فرهنگی. تغییرات امروز همان آرزوهایی است که ۱۵ تا ۲۰ سال قبل در ذهن داشتم و الان به واقعیت پیوسته است.

درحال حاضر ما با کتابخانه سیار به مدارس و روستاهای منطقه می‌رویم تا کتاب‌ها را توزیع و کودکان را به مطالعه تشویق کنیم که معتقدم این اقدامات گام‌های مهمی در جهت ترویج فرهنگ کتابخوانی در منطقه چابهار است.»

بهار با تأکید بر اینکه هفته کتاب به‌عنوان یک رویداد نمادین، اهمیت و ارزش خاصی دارد که باید فراتر از یک هفته محدود دیده شود، می‌گوید: «این هفته فرصت مناسبی است تا مردم، چه خانواده‌ها و چه افراد، به مطالعه و کتابخوانی توجه بیشتری داشته باشند. در واقع، نباید خواندن را فقط محدود به این هفته کنیم، بلکه باید آن را به عنوان یک عادت دائمی در نظر بگیریم. با توجه به شرایط سخت اقتصادی و محدودیت‌های امکانات، بسیاری از مردم فرصت و زمان کافی برای مطالعه ندارند و در مقابل، شبکه‌های اجتماعی، اینترنت و دنیای مجازی آنها را درگیر کرده است. اما هنوز بخش قابل توجهی از جامعه به کتاب و مطالعه اهمیت می‌دهد و نیاز است که مردم به منابع موثق و کتاب‌های مختلف دسترسی پیدا کنند و از آنها بهره‌مند شوند. در عین حال، با وجود مشکلات، مراجعه به کتابخانه‌ها و مطالعه کتاب‌ها همچنان زنده است و باید بیشتر ترویج شود. یکی از پیشنهادهای مهم این است که خانواده‌ها در طول هفته کتاب، اعضای خانواده خود را تشویق کنند که حداقل یک کتاب بخوانند. این اقدام می‌تواند تأثیر زیادی در ایجاد علاقه و حس خوب نسبت به مطالعه داشته باشد و در نهایت، مردم را به سمت مطالعه و کتابخوانی ترغیب کند. اگر این روند ادامه یابد و مردم طعم لذت مطالعه را بچشند، بسیاری از آنها به سمت کتاب و مطالعه جذب خواهند شد. هفته کتاب، به عنوان یک فرصت مناسب، می‌تواند انگیزه‌ای باشد تا افرادی که عادت به مطالعه ندارند، به سمت آن سوق داده شوند و فرهنگ کتابخوانی در جامعه نهادینه شود.»

عبدالحکیم بهار با عایده جدگال
قهرمان نوجوان موج سواری ایران و سفیر خواندن و دانایی روستای «رمین»

«ایران» چگونگی ایجاد پیوندهای اجتماعی افراد دارای معلولیت را بررسی می‌کند

انگ‌زدایی از معلولیت، شاه‌کلید بازپیوند اجتماعی

گزارش

سمیه افشین فر
گروه اجتماعی

حدود دو درصد از جامعه ما را افرادی تشکیل می‌دهند که در توانایی‌های جسمی و حرکتی، بینایی، شنوایی و قابلیت‌های ذهنی و روانی، با محدودیت‌ها و مشکلاتی مواجه هستند و به آنها افراد دارای معلولیت گفته می‌شود. اما این افراد در مواجهه با افراد عادی در جامعه با مشکلاتی روبه‌رو هستند. هنوز واژه معلول بار منفی دارد در حالی که تعداد زیادی از این افراد با تکیه بر استعدادها و ظرفیت‌های فردی، علی‌رغم مواجهه با موانع بسیار در مسیر پرپیچ و خم زندگی قدم می‌گذارند، در مدارس و دانشگاه‌ها آموزش می‌بینند، به مهارت‌های شغلی دست پیدا می‌کنند، خانواده تشکیل می‌دهند و خدمات ارزشمندی را به اقشار مختلف مردم ارائه می‌کنند.

طبیعتاً هرچه شناخت ما نسبت به این گروه از جامعه بیشتر باشد، می‌توانیم پیوندهای دوستی و ارتباط‌های اجتماعی مؤثرتری با آنها داشته باشیم اما چه چیزی مانع این پیوند می‌شود؟

دکتر حمدالله خواجه حسینی روانشناس به «ایران» می‌گوید: «وجود نگرش‌های منفی و پیشداوری‌های عجولانه باعث می‌شود به افراد معلول برچسب‌های ناخوشایند بزنیم، آنها را برنجانیم و از آنها فاصله بگیریم.» به اعتقاد این روانشناس متأسفانه هنوز هم در برخی از داستان‌ها، فیلم‌ها و نمایشنامه‌ها، به فرد دارای معلولیت، انگ گناهکار بودن زده می‌شود و به مخاطبان این‌گونه القا می‌شود که خداوند افراد ظالم و گناهکار را با ایجاد نقص عضو مجازات می‌کند. درحالی که واقعیت این نیست و معلولیت، نه حاصل کارهای زشت بلکه نتیجه عوامل ژنتیکی، مادرزادی و محیطی است و انگ گناهکار بودن به فرد معلول و خانواده او، رنج بسیاری را بر آنها تحمیل می‌کند. خواجه حسینی می‌گوید: «این که کودک نابینا، ناشنوا یا دارای معلولیت جسمی، نمی‌تواند با دیگر کودکان بازی کند، رفتارش ناخوشایند و وجودش باعث ناراحتی دیگران است، نظافت و بهداشت را رعایت نمی‌کند و باید از بقیه جدا باشد، از برچسب‌های والدین کودکان غیر معلول نسبت به کودکان معلول در مدارس و مهدهای کودک است که تجربه آن برای کودک دارای معلولیت و خانواده او بسیار دردناک است.» به گفته این روانشناس، کودکان معلول درصورت تشخیص بهنگام معلولیت و ارجاع بموقع به مراکز آموزشی و توانبخشی، می‌توانند مسیر رشد و یادگیری را همگام با سایر کودکان بپیمایند، ارتباط برقرار کنند و با سایر همسالان، در بازی‌های گروهی مشارکت کنند؛ شرایطی که نه تنها برای سایر کودکان ناخوشایند نیست بلکه همدلی و کمک به همنوع را در آنان تقویت می‌کند. او می‌گوید: «برخی برچسب‌ها مانند اینکه دنیای نابینایان و ناشنوایان با ما کاملاً متفاوت است، با این افراد نمی‌توان ارتباط برقرار کرد، معلولان افرادی ناسازگار، منزوی و دارای اعتماد به نفس پایین هستند و از کمک دیگران عصبانی می‌شوند یا پرخاشگری می‌کنند، از دیگر پیشداوری‌هایی است که مانع ارتباط مؤثر ما با افراد معلول می‌شود. افراد دارای معلولیت هم مانند سایرین، از لحاظ ویژگی‌های شخصیتی و روانشناختی، باهم متفاوتند و بسیاری از آنها با کسب مهارت‌های لازم در برقراری ارتباط‌های اجتماعی، می‌توانند بهترین دوست، مناسب‌ترین همسفر و مؤثرترین فرد در مناسبات اجتماعی ما باشند. دکتر خواجه حسینی می‌گوید: «فقط کافی است بر باورهای منفی خود غلبه کنیم و با برقراری ارتباط، در مسیر شناخت بیشتر آنان قدم برداریم. وابسته بودن به حمایت دیگران، ناتوانی در انجام وظایف شغلی، عدم برخورداری از توانایی تشکیل خانواده و داشتن زندگی مستقل، انگ‌های ناخوشایندی است که بسیاری از جوانان دارای معلولیت، آنها را تجربه می‌کنند؛ برچسب‌هایی که روح تلاشگر آنان را می‌آزارد و بر مشکلات شان می‌افزاید. فرد دارای معلولیت که از خودباوری، اعتماد به نفس و استعداد کافی برخوردار است، به رغم مواجهه با موانع بسیار می‌تواند در رشته‌های مختلف به تحصیل بپردازد و دانش و مهارت لازم را کسب کند و درصورت دستیابی به فرصت‌های شغلی مناسب، نقش مؤثر خود را در انجام وظایف حرفه‌ای ایفا نماید. بسیارند معلولانی که با آگاهی و اعتماد به نفس، قدم در مسیر تشکیل خانواده نهاده و در سایه عشق و مودت، فرزندانی را پرورانده و نقش خود را به عنوان والدین آگاه، به بهترین نحو ایفا کرده‌اند.»

> برخی برچسب‌ها مانند اینکه دنیای نابینایان و ناشنوایان با ما کاملاً متفاوت است، با این افراد نمی‌توان ارتباط برقرار کرد، معلولان افرادی ناسازگار، منزوی و دارای اعتماد به نفس پایین هستند و از کمک دیگران عصبانی می‌شوند یا پرخاشگری می‌کنند، از دیگر پیشداوری‌هایی است که مانع ارتباط مؤثر ما با افراد معلول می‌شود

معلولیت ناتوانی نیست

در جامعه‌ای که بر اساس کرامت و ارزش‌های انسانی بنا شده، مسئولیت اجتماعی فرد فرد ما این است که امکان رشد و برخورداری از عدالت اجتماعی و کیفیت زندگی سالم را برای تمامی همنوعان مان فراهم کنیم. افراد دارای معلولیت هم از شأن و کرامت انسانی برابر با سایرین برخوردارند و حق دارند در مسیر پیوند با جامعه، استعدادهای خود را بروز دهند و به نشاط، بالندگی و سلامت دست پیدا کنند. این روانشناس می‌گوید: «برای ایجاد و تقویت پیوندهای اجتماعی افراد دارای معلولیت، اولین اقدام، انگ‌زدایی و کنار نهادن برچسب‌ها و پیشداوری‌های ناآگاهانه نسبت به این افراد و خانواده‌های آنهاست؛ برچسب‌هایی که نه تنها بر مشکلات آنان می‌افزاید، بلکه مانع برقراری ارتباط مؤثر با آنها خواهد شد.

وقتی آگاهانه در مسیر ارتباط با این افراد قدم برمی داریم و بر باورهای منفی غلبه می‌کنیم، می‌توانیم بپذیریم که افراد دارای معلولیت هم از قابلیت‌ها و محدودیت‌هایی برخوردارند که باید آنها را بشناسیم و برای تقویت قابلیت‌ها و کاهش محدودیت‌های‌شان تلاش کنیم .

وقتی به فرد دارای معلولیت فرصت می‌دهیم تا با رهایی از انگ‌ها و برچسب‌های محدودکننده، در مسیر یادگیری، ایجاد پیوندهای اجتماعی و نقش آفرینی در جامعه قدم بردارد، به تدریج این باور ارزشمند در جامعه شکل می‌گیرد که معلولیت اگرچه با محدودیت‌هایی همراه است اما محرومیت نیست، ناتوانی نیست و فرد معلول، به رغم مواجهه با مشکلات بسیار می‌تواند به عنوان یک انسان آگاه، اثربخش و مسئولیت پذیر، نقش مؤثر خود را در پیشبرد اهداف جامعه ایفا کند. مسئولیت اجتماعی ما به عنوان یک معلم، درمانگر، صنعتگر، خانه‌دار، مدیر یا قانونگذار ایجاب می‌کند که تلاش خود را برای آگاه شدن جامعه نسبت به قابلیت‌ها و محدودیت‌های افراد معلول و رفع موانع پیش روی این افراد درزمینه آموزش، اشتغال، رفع موانع محیطی و اجتماعی، به کار بگیریم .»

گفت‌وگوی «ایران» با گلاب آدینه راوی و محمدرضا صفوی رهبر ارکستر «میترا» در «شب شاهنامه»

موسیقی ما شاهراهی است به شناخت ادبیات پارسی

گزارش

نداسیجانی
گروه فرهنگی

عکس‌ها: پرویز گوهری راد

ارکستر میترا با «شب شاهنامه» در تالار وحدت برگزار شد. این کنسرت به رهبری محمدرضا صفوی و روایت گلاب آدینه در تاریخ‌های ۲۷ و ۲۸ آبان ماه به روی صحنه رفت. کنسرت مایستر این برنامه شکیبا خسروی و مدیر اجرایی آن کاوه کشکولی بود.

روایت آثار بزرگان موسیقی با ارکستر میترا

به گفته محمدرضا صفوی؛ «شکل‌گیری ارکستر میترا به سال ۱۴۰۲ برمی‌گردد و مهرماه همان سال نخستین کنسرت خود را به روی صحنه برد. هدف از تشکیل این ارکستر، گسترش موسیقی ارکسترال در ایران است و تاکنون کنسرت‌های متعددی همچون «شب موسیقی روسیه»، اجرای رپرتوارهای مختلف آهنگسازان بزرگ ایرانی و خارجی از جمله یوهان سباستین باخ، موتزارت، چایکوفسکی، شوستاکوویچ، کورساکف، گریک، سن سان، راخمانینف، حسین دهلوی و مهران روحانی را برگزار کرده‌ایم و همچنان هر ۴۰ یا ۵۰ روز اجراهای این ارکستر برقرار است.»

در کنسرت دو شب گذشته «ارکستر میترا» با گروه زهی «شب شاهنامه» را به اجرا گذاشت، صفوی در این باره بیان داشت: «چیدمان ارکستر و سازبندی آن با توجه به رپرتوار انجام می‌گیرد، اما پایه اصلی ارکستر روی گروه زهی است.»

این رهبر ارکستر درباره تأثیرگذاری «ارکستر میترا» در معرفی و اجرای آثار آهنگسازان ایرانی و خارجی که شاید کمتر با ارکسترهای ملی یا سمفونیک اجرا شده باشند اظهار کرد: «از نگاه من «ارکستر میترا» در این زمینه به نسبت همه ارکسترها پیشروتر بوده است. به این دلیل که هدف ما از ابتدای کار، اجرای حداقل یک یا دو اثر از آثار آهنگسازان ایرانی در هر کنسرت بوده است و در ادامه فعالیت‌هایمان، دو شب از کنسرت‌هایمان را به نام «شب آهنگسازان ایرانی» برگزار کردیم که بسیار مورد استقبال قرار گرفت. به گونه‌ای که به لطف و اعتماد آهنگسازان، پارتیتورهای خود را در اختیار ما می‌گذاشتند و این اتفاق بسیار مسرت‌بخش بوده است. البته به همین نسبت وظیفه ما را هم سنگین‌تر می‌کند. امیدوارم دیگر ارکسترها هم در این زمینه فعالیت بیشتری داشته باشند به این دلیل که طی این سال‌ها آهنگسازان ایرانی بسیار مهجور مانده‌اند.»

امیدواری به نسل جوان آهنگساز

او درادامه درباره رپرتوارهای ارکستر بیان کرد: «رپرتوارهای موسیقی کلاسیک ایرانی آنقدر بسیار است که بتوانیم سال‌ها از آثار آهنگسازان بزرگی چون حسین دهلوی، تقی مسعودیه، مصطفی کمال پورتراب و... بهره ببریم و به اجرا بگذاریم و شاید طی این سال‌ها آن طور که باید، اجرا نشده‌اند. مانند سوئیت «بیژن و منیژه» اثر آقای دهلوی که برای ارکستر زهی تنظیم شده است. نکته دیگر اینکه خوشبختانه آهنگسازان نسل جوان در این زمینه بسیار پیشرو شده‌اند و آثارشان چه به لحاظ ارکستراسیون و چه هارمونی بسیار غنی است و آن رشدی که می‌بایست طی این سال‌ها اتفاق می‌افتاد، به نظر من انجام شده و امیدواریم که هر روز بهتر شود. درواقع وجود فضاهای آموزشی مناسب در دانشگاه‌های ایران که در آن رشته آهنگسازی هم تدریس می‌شود و همچنین جوان‌هایی که برای ادامه تحصیل در این زمینه به خارج از ایران سفر کردند، بیانگر این است که نسل جدید مسیر را به درستی انتخاب کرده است.»

این رهبر ارکستر درباره اعضای ارکستر که همگی از نوازندگان جوان هستند، بیان کرد: «فضاهای آموزشی در انتخاب نوازندگان کاربلد یک ارکستر تأثیرگذار است؛ البته بی‌تردید یک سری مباحث برای جای‌گیری دقیق نیاز به زمان دارد، بخصوص بحث ارکستر و گروه که در ایران با مشکلاتی همراه است. یک دلیل آن جدای از مباحث فنی موسیقی، اخلاق کار گروهی است که در فرهنگ ما بسیار ضعیف است و به نظرم نیاز است در جامعه ترویج و تقویت شود. با تمامی این تفاسیر، باید بگویم اگر به نسل جوان اعتماد شود و بستر مناسبی برای آنها فراهم آید، قطعاً پیشرفت خواهند کرد و ما در «ارکستر میترا» طی این دو سال این موضوع را نشان دادیم که نفرات به تنهایی مهم نیستند و انسجام یک گروه در اولویت است.»

در این کنسرت، «بیژن و منیژه» با نویسندگی طاها افشین و آهنگسازی حسین دهلوی، «رقص سیاوش» ساخته پوریا خادم و «خنده گردآفرید» با نویسندگی ویلیام نیکلسون و آهنگسازی فرهاد پوپل اجرا شد.

او درباره رپرتوار این کنسرت گفت: «هدف ما در این کنسرت اجرای آثاری براساس شاهنامه فردوسی بود. مانند «خنده گردآفرید» که از ابتدا با راوی همراه بود. «بیژن و منیژه» که البته از خانواده استاد دهلوی خواهش کردیم اجازه بدهند از آثار آن استاد فقید استفاده کنیم و متنی به کار اضافه کنیم که خوشبختانه قبول کردند. «رقص سیاوش» هم که بدون راوی اجرا شد.

استقبال خوب نویسنده معروف دنیا از شاهنامه

جالب است بدانید متن «خنده گردآفرید» به قلم ویلیام نیکلسون است و ایشان شهرت جهانی دارد و ویدیویی هم برای من فرستاد که به زودی منتشر می‌کنیم. در این ویدئو ایشان از احساساتش نسبت به شاهنامه سخن گفت و این موضوع بیانگر این است که برای آن که فرهنگ ما به دنیا شناخته شود همچنان نیاز به فعالیت‌های بیشتر است.»

همان طور که اشاره شد، یکی از اتفاقات خوب این کنسرت همراهی شاهنامه و موسیقی است. البته در کنسرت‌های مختلف هم به این موضوع پرداخته شده است. محمدرضا صفوی درباره تأثیرگذاری موسیقی در معرفی شعر و مفاخر ادبی ایران بیان کرد: «بی تردید موسیقی بر شناخت بیشتر اشعار و متون فارسی بسیار تأثیرگذار است و به عقیده من نیاز است در این زمینه یک سری پژوهش‌های بین رشته‌ای برای افرادی که فرصت کمتری دارند شکل بگیرد. این موضوع کمک بسیاری به پیوند بیشتر بین موزیسین‌ها و اهالی شعر و ادب خواهد بود.»

به گفته او، برنامه آتی «ارکستر میترا» دی و اسفندماه خواهد بود.

> فضاهای آموزشی در انتخاب نوازندگان کاربلد یک ارکستر تأثیرگذار است؛ البته بی‌تردید یک سری مباحث برای جای‌گیری دقیق نیاز به زمان دارد، بخصوص بحث ارکستر و گروه که در ایران با مشکلاتی همراه است. یک دلیل آن جدای از مباحث فنی موسیقی، اخلاق کار گروهی است که در فرهنگ ما بسیار ضعیف است و به نظرم نیاز است در جامعه ترویج و تقویت شود

گلاب آدینه، کارگردان و بازیگر پیشکسوت تئاتر و سینما در گفت‌وگو با «ایران» مطرح کرد

توجه صِرف به بازار کیفیت را از کار موسیقایی می گیرد

برش

فعالیت بانو گلاب آدینه در عرصه هنر به دهه ۵۰ بازمی‌گردد؛ از نقش‌آفرینی در تئاترهای قبل از انقلاب تا بازی در سریال «افسانه سلطان و شبان» و فیلم‌های «روسری آبی»، «زرد قناری»، «مهمان مامان»، «وقتی همه خواب بودند» و... و دریافت جوایز داخلی و خارجی، تا سال‌ها تبحر و تجربه در هنرهای نمایشی که هر یک آثاری مانا و ماندگار در کارنامه هنری این هنرمند محسوب می‌شوند و همچنین هنرنمایی در عرصه موسیقی. در واقع باید گفت علاقه او به دنیای هنر تنها به سینما، تلویزیون و تئاتر خلاصه نمی‌شود و او در بازه‌های زمانی مختلف دوره‌های آواز و نواختن سه‌تار، تنبک و پیانو را آموزش می‌بیند به این دلیل که عقیده دارد ممکن است روزی در جایی لازم باشد سازی بنوازد و آوازی بخواند و بنابراین لازم است اصول اولیه را بداند تا بتواند روی آن تمرین کند.

بی‌تردید همین علاقه‌مندی‌ها موجب شده در این چند سال اخیر در کارهای موزیکال همراهی و همکاری داشته باشد و حتی چندین کار مانند «بانوی محبوب من» که یک کار موزیکال است، نمایش «پرده خانه» اثر استاد بیضایی و کنسرت - نمایش «داستان شهریار» به آهنگسازی علی قمصری که در هر یک به نوعی موسیقی در جریان است، کارگردانی کند. البته پیش‌تر در نمایش‌های «سه‌گانه اورنگ» یا نمایش موزیکال «شیرهای خان بابا سلطنه» ایفای نقش داشته که در این نمایش از چندین ترانه در گام‌ها و دستگاه‌های مختلف استفاده شده. یا کار تازه او کنسرت «میترا» که به عنوان راوی همراه این ارکستر است. درواقع بایستی گفت تمامی این فعالیت‌ها بیانگر همان عرق و علاقه‌ای است که از دوران خردسالی با او همراه بوده و هست و امروز که دهه ۷۰ زندگی‌اش را سپری می‌کند، همچنان موسیقی با او عجین است و به گفته خودش به هرگونه موسیقی که او را با خود همراه کند، علاقه‌مند است و هیچ گاه از موسیقی جدا نبوده و نیست.

این هنرمند بر این نظر است که «درحرفه ما (بازیگری و کارگردانی)، آشنایی با موسیقی یک نیاز است و درواقع از ملزومات شغل ما بوده است.»

در دنیای امروز همه چیز لحظه‌ای می‌گذرد

در کنسرت «میترا» با عنوان «شب شاهنامه»، بار دیگر همنشینی موسیقی و ادبیات با زبان موسیقایی به اجرا درآمد که بسیار مورد استقبال قرار گرفت. بانو گلاب آدینه درباره اثرگذاری موسیقی در معرفی شعر و ادبیات فارسی ایران بیان کرد: «اتفاقاتی از این دست قطعاً بسیار کمک کننده است. به این دلیل که در زمانه حاضر، حوصله‌ها کمتر شده و شاید فرصت کمتری برای خواندن متن‌های کلاسیک داشته باشیم چرا که همه چیز به قول معروف فست فودی شده و اکثریت، اغلب زمان خود را در دنیای مجازی و صفحات شخصی خود می‌گذرانیم و همه چیز لحظه‌ای می‌گذرد. بنابراین اجرای این گونه آثار در جذب مخاطب، بویژه برای نسل جوان بسیار تأثیرگذار است و از نگاه من همنشینی موسیقی و ادبیات مانند شاهنامه‌خوانی یا اجرای آثار نظامی و دیگر شاعران بزرگ ایران ایده بسیار خوبی است و بیشتر باید به این موضوعات توجه شود.»

این هنرمند پیشکسوت درباره اجراهای موسیقی و نمایش که چندین سال است در قالب‌های کنسرت - نمایش، یا نمایش موزیکال تعریف شده است، اظهار کرد: «موسیقی و نمایش مکمل یکدیگرند و اگر به درستی مورد استفاده قرار گیرند، علاوه بر دلپذیر و دلنشین بودن آن، بی تردید برای علاقه‌مندان موسیقی و مخاطبان نمایش هم بسیار جذاب خواهد بود و طرفداران بیشماری را جذب خود می‌کند.»

تهیه خوراک خوب موسیقایی برای نسل امروز

بانو گلاب آدینه احتمال عدم ماندگاری بسیاری از آثار امروز را تمرکز تهیه‌کنندگان و گروه‌های موسیقی روی بازار (به قول خودشان مارکتینگ) می‌داند. این نوع گروه‌ها هم به هنر فست فودی نگاه می‌کنند و همین امر متأسفانه ذائقه‌ها را تغییر می‌دهد: «از نگاه من مهم‌ترین حرکت این است که شاید بهتر باشد کمتر به بازار توجه شود. هنرمند در ذائقه‌سازی مخاطب نقش بسیار مهمی دارد اما اگر نگاه خود را به فروش آن اثر متمرکز کند، از محتوای خوب و ذائقه‌سازی درست و اصولی فاصله خواهد گرفت. وظیفه هنرمند تهیه خوراک خوب موسیقایی برای نسل امروز است تا بدین طریق سلیقه مخاطب را ارتقا بدهد.»

موسیقی‌های آسان هضم امروزی، نیاز زمانه پر شتاب ماست

این کارگردان و بازیگر نام‌آشنای ایران بر این نظر است: «موسیقی‌های آسان هضم امروزی نیاز زمانه پرشتاب ماست، اما برخی از این کارهای زرد می‌تواند خیانت به نسل‌های بعدی باشد و هر چه بیشتر آنها را از فرهنگ و هنر اصیل دور کند. وقتی از بعضی از دوستان دست‌اندرکار می پرسیم چرا سطح برخی کارها تا این حد نازل است، پاسخ می‌دهند بازار همین را می‌خواهد. بنابراین اینکه هنرمندان چه میزان بتوانند هم پا به پای زمانه پیش بروند و هم آثار باارزش ارائه بدهند، دیگر بستگی به هنرمندی‌شان و آرمان‌هایشان دارد.»

نقش اول ترویج آثار خوب به دست مسئولان است

او درباره تکرار آثار خوانندگان قدیمی برای نسل امروز بیان کرد: «شاید بیش از یک دهه است که آثار خوانندگان قدیمی با صدای خوانندگان امروزی بازخوانی و اجرا می‌شود که می‌تواند مفید باشد. به طور مثال وقتی آقای همایون شجریان بعضی آهنگ‌های قدیمی را خواندند، گویا دوباره آن موسیقی و ترانه‌ها با حال و هوای نوستالژیکی که دارند، زنده می‌شوند. جوانان هم بسیار استقبال می‌کنند. بنابراین باز هم تأکید می‌کنم اگر کمتر به بازار فکر کنیم شاید چاره‌ساز باشد و صد البته که وظیفه مسئولان را نباید نادیده گرفت که شاید نقش اول ترویج آثار خوب را آنها بر عهده دارند.»

> موسیقی‌های آسان هضم امروزی نیاز زمانه پرشتاب ماست، اما برخی از این کارهای زرد می‌تواند خیانت به نسل‌های بعدی باشد و هر چه بیشتر آنها را از فرهنگ و هنر اصیل دور کند

سروناز نانکلی در گفت و گو با «ایران» از رپرتوار «جان پنهان» گفت

کاوشی روانکاوانه بر بستر نمایشنامه‌خوانی آثار ایبسن

گفت‌وگو

حامد قریب
گروه فرهنگی

رپرتوار نمایشی «جان پنهان» با پژوهش و هدایت سروناز نانکلی، طی هفته‌های اخیر مجموعه‌ای از نمایشنامه‌خوانی‌ها و نشست‌های تحلیلی را با محوریت شش نمایشنامه مهم هنریک ایبسن، نمایشنامه نویس نامدار نروژی، برگزار کرده است؛ رویدادی که تلاش می‌کند با رویکردی روانکاوانه و یونگی، مسیر سفر قهرمانی در آثار این نمایشنامه‌نویس بزرگ را بازخوانی کند.

در رپرتوار نمایشی «جان پنهان» شش اثر مهم ایبسن شامل «مرغابی وحشی»، «خانه عروسک»، «اشباح»، «بانوی دریا»، «روسمرسهولم» و «هدا گابلر» نمایشنامه‌خوانی، نقد و تحلیل می‌شوند. در نشست‌های تخصصی این رپرتوار نیز، جمعی از روان‌شناسان، روانکاوان و کارشناسان تئاتر به بررسی ابعاد روانی، فلسفی و اسطوره‌ای آثار می‌پردازند و مسیر درونی شخصیت‌های ایبسن را در پیوند با مفاهیمی چون فردیت، ناخودآگاه، رهایی و بازشناسی خویشتن تحلیل می‌کنند. به بهانه برگزاری این رویداد، با سروناز نانکلی گفت‌وگو کردیم.

رپرتوار «جان پنهان» از کجا و با چه دغدغه‌ای شکل گرفت؟

علاقه به روان‌شناسی یونگی و اساطیر، نقطه شروع این مسیر بوده است. من تحصیلات شبه‌آکادمیک در انستیتوی روان‌شناسی دارم و همیشه به رویکرد یونگی علاقه‌مند بودم. در دوران لیسانس، استادی به نام امیر کابوس بالازاده داشتم که با عشق درباره اسطوره‌ها حرف می‌زد و شاگرد آقای بهار بود. همین باعث شد جدی‌تر به پیوند اسطوره‌شناسی، یونگ، جوزف کمپبل و بحث سفر قهرمانی فکر کنم.

در نهایت به این جمع‌بندی رسیدم که بین روانکاوی و تئاتر ما خلأ جدی وجود دارد. از طرفی این روزها اجراها خیلی وابسته به متن نیستند و نمایشنامه‌نویسی‌های شتاب‌زده باعث شده ارزش درام کلاسیک کمتر دیده شود. بنابراین به نظرم رسید بهتر است سراغ ایبسن به‌عنوان پدر درام نوین برویم؛ به‌خصوص که او نخستین کسی بود که در دو قرن گذشته نقش زن را جدی گرفت و شخصیت‌های زن‌محور برجسته‌ای خلق کرد.

به این ترتیب از نمایشنامه «مرغابی وحشی» شروع کردیم و با آثار دیگر ادامه دادیم. در واقع آثار را بر اساس سیر سفر قهرمانی چیدمان کردیم. الگوهای سفر قهرمانی در شخصیت‌های زن ایبسن کاملاً قابل ردیابی است. در عین حال می‌خواستم خودم را به عنوان پژوهشگر به چالش بکشم و تماشاچی را هم با اهمیت روانکاوی و خودکاوی آشنا کنم.

نمایشنامه‌خوانی مدت‌هاست در فضای تئاتر ما جریان پیدا کرده اما نمی‌توان این اتفاق را در نقاط دیگری از جهان به صورتی که در ایران جریان دارد، مشاهده کرد. با توجه به اهمیت پژوهشی که شما در این پروژه پی گرفته‌اید، آیا نمی‌توانستید فقط نشست پژوهشی برای آثار برگزار کنید؟

اگر فقط نشست پژوهشی برگزار می‌کردیم، اصلاً کسی برای این رویداد نمی‌آمد. متأسفانه فرهنگ پژوهشی در ایران جا نیفتاده است. سمینارهایی که در پزشکی یا مهندسی برگزار می‌شود هم بیشتر برای پر کردن امتیاز پروانه فعالیت است. نشست‌های پژوهشی ـ مثل آنچه در کتابخانه ملی می‌بینیم ـ معمولاً فقط مخاطبان بسیار خاص دارند.

نمایشنامه‌خوانی تنها شیوه ممکن برای عمومی‌تر کردن این رویداد بود. در واقع با طراحی رپرتوار «جان پنهان» می‌خواستیم مخاطب از خیلی خاص به خاص و بعد به نیمه‌عمومی برسد؛ یعنی مردم اصلاً بفهمند پژوهش چیست، رپرتوار چیست، یونگ و پیرسون چه می‌گویند. این فقط با خوانش متن ممکن بود.

از سوی دیگر اجرای صحنه‌ای شش نمایشنامه، هزینه میلیاردی داشت و هیچ نهاد خصوصی چنین سرمایه‌ای را برای کار پژوهشی نمی‌گذارد. البته اتفاقی که تحت عنوان «اجراخوانی» در ایران انجام می‌شود، یک چیز من‌درآوردی است. زیرا اغلب معلوم نیست با اجرا طرف هستید یا تمرین. اما نمایشنامه‌خوانی واقعی، متنی است که توسط بازیگران حرفه‌ای و با تمرکز بر درام و کلام اجرا می‌شود. اتفاقی که در این رویداد نیز ما آن را پی گرفته‌ایم.

با توجه به توضیحاتی که بیان کردید، آیا استقبال خوبی از این رویداد صورت گرفته است؟

بسیار بهتر از آنچه فکر می‌کردم، استقبال شد. انتظار داشتم با چهار تماشاچی اجرا برویم! ولی استقبال خوبی صورت گرفت. البته تعداد مخاطبان بسته به میزان شناخته‌شده بودن متن، نوسان داشته است. حتی بعضی مخاطبان گفتند اسم برخی کارها را اصلاً نشنیده بودند. اتفاقاً همین آگاهی‌بخشی هم بخشی از هدف ما بود. برخی از همین آثار سابقه اجرا در ایران داشته‌اند.

نمایشنامه‌های «مرغابی وحشی»، «خانه عروسک»، «اشباح»، «بانوی دریا» و «روسمرسهولم» تا امروز خوانده شده‌اند و «هدا گابلر» نیز یکشنبه پیش رو برای مخاطبان روی صحنه می‌رود.

رابطه گروه‌های نمایشی با سالن‌های خصوصی یکی از مسائل مهم تئاتر امروز است. بعضاً شاهد این هستیم که هزینه هر شب اجرا در یک سالن خصوصی به اندازه‌ای بالاست که بسیاری از گروه‌های جوان از عهده آن بر نمی‌آیند. با توجه به بعد پژوهشی اجرای شما، ارتباط با سالن هما به چه صورت پیش رفت؟

بسیار خوب. مدیریت سالن هما، آقای سام درخشانی برخلاف تصور رایج که می‌گویند سینمایی‌ها از تئاتر دورند، تنها سالن خصوصی بود که بدون درخواست مالی از ما حمایت کرد و گفت خوشحال می‌شوم بخشی از کار پژوهشی شما باشم. در مقابل، بقیه سالن‌ها از همان ابتدا با نگاه مالی وارد شدند. امیدوارم این شرایط برای گروه‌های نمایشی بهبود یابد تا شاهد اتفاق‌های به‌مراتب بهتری در تئاتر ایران باشیم.

آیا قرار است نتیجه این رویداد و پژوهش انجام گرفته در آینده نزدیک به کتاب تبدیل شود؟

پیشنهاد تبدیل این پژوهش به کتاب مطرح شده است، اما هنوز به آن فکر نکرده‌ام. واقعیت این است که برای ترجمه و چاپ کتاب، آدم باید در یک سطح دانشگاهی و حرفه‌ای باشد. هنوز نمی‌دانم وارد آن مسیر بشوم یا نه.

در پایان از همه کسانی که به اجرای این رویداد کمک کرده‌اند، تشکر می کنم.

رپرتوار نمایشی «جان پنهان» از ۲۰ مهرآغاز شده و تا ۲ آذر هر هفته روزهای یکشنبه ساعت ۱۹:۳۰ در سالن شیشه‌ای تماشاخانه هما برگزار می‌شود.

عکس‌ها: حدیث شاهنگی

> بین روانکاوی و تئاتر ما خلأ جدی وجود دارد. از طرفی این روزها اجراها خیلی وابسته به متن نیستند و نمایشنامه نویسی‌های شتاب‌زده باعث شده ارزش درام کلاسیک کمتر دیده شود

> می‌خواستیم مخاطب از خیلی خاص به خاص و بعد به نیمه‌عمومی برسد؛ یعنی مردم اصلاً بفهمند پژوهش چیست، رپرتوار چیست، یونگ و پیرسون چه می‌گویند. این فقط با خوانش متن ممکن بود

irannewspaper.ir

پنجشنبه ۲۹ آبان ۱۴۰۴ • سال سی و یکم • شماره ۸۸۹۱
• اذان ظهر ۱۱/۵۰ • اذان مغرب ۱۷/۱۴ • نیمه شب شرعی ۲۳/۰۶ • اذان صبح فردا ۰۵/۱۸ • طلوع آفتاب فردا ۰۶/۴۶

«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید

ایران

• **صاحب امتیاز:**
خبرگزاری جمهوری اسلامی

• **مدیر مسئول:**
صادق حسین جابری انصاری

• **سردبیر:**
هادی خسروشاهین

مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران
• **رئیس هیأت مدیره:** صادق حسین جابری انصاری
• **مدیرعامل:** علی متقیان
• **تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰ • **نمابر:** ۸۸۷۶۱۲۵۴ • **ارتباط مردمی:** ۸۸۷۶۹۰۷۵ • **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰۰
• **پیامک:** ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی • **صندوق پستی:** ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵
• **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • **توزیع:** نشر گستر امروز • **چاپ:** چاپخانه‌های همشهری
• **سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
• **پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷ • **انتشارات مؤسسه فرهنگی- مطبوعاتی ایران:** ۸۸۵۰۴۱۱۳

سخن روز

حضرت امیرالمؤمنین (ع):
صبر، یاور در هر کاری است.

میزان‌الحکمه، جلد ۶، صفحه ۱۴۶

نقل قول

جشنواره جهانی فیلم فجر می‌تواند بین‌المللی شود

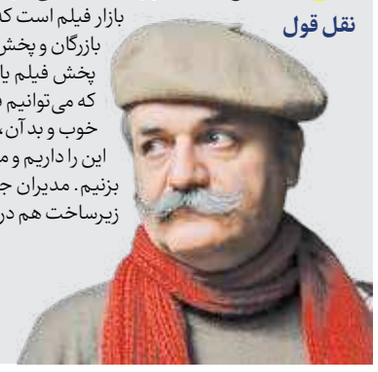

جشنواره جهانی ما، توان بین‌المللی شدن را دارد. زمانی این جشنواره در سطح یک جشنواره «الف» جهانی کار می‌کرد؛ یکی از بهترین بخش‌های آن هم بازار فیلم است که بتوانیم رابطه جهانی ایجاد کنیم. باید بازرگان و پخش‌کننده بیاوریم تا فیلمسازان ما از آنها پخش فیلم یاد بگیرند. ما جزو چند کشوری هستیم که می‌توانیم فیلم در این تعداد تولید کنیم. فارغ از خوب و بد آن، معتقدم توان تولید فیلم‌هایی بهتر از این را داریم و می‌توانیم به جشنواره‌های آسیایی پهلو بزنیم. مدیران جشنواره ما نیز سال‌ها تجربه دارند و زیرساخت هم در کشور وجود دارد.

صحبت‌های امیرشهاب رضویان
فیلمساز و کارگردان سینما با ایرنا

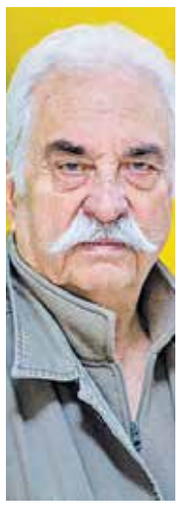

انتقال هادی مرزبان از آی‌سی‌یو به بخش عادی بیمارستان

هادی مرزبان، کارگردان پیشکسوت تئاتر که با بیماری دست و پنجه نرم می‌کند، روز گذشته تحت عمل جراحی قرار گرفت و امروز به بخش بیماران عادی بیمارستان منتقل می‌شود. مرزبان از دو هفته پیش در یکی از بیمارستان‌های تهران بستری است و تحت عمل جراحی قرار گرفته است. پیگیری‌ها از نزدیکان این کارگردان تئاتر نشان می‌دهد خوشبختانه او اکنون هوشیار است و امروز از بخش مراقبت‌های ویژه به بخش عادی بیمارستان منتقل می‌شود. /**ایرنا**

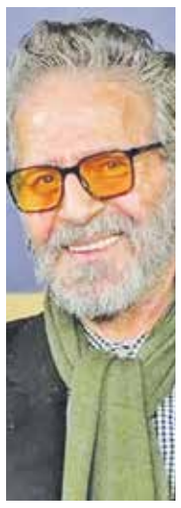

ابوالفضل پورعرب با «های کپی» در سینماها

«های کپی» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی علی‌اکبر ثقفی از ۱۲ آذرماه در سینماهای سراسر کشور اکران می‌شود. «های کپی» یک فیلم کمدی است که با بازی مرتضی عقیلی، ابوالفضل پورعرب و آناهیتا درگاهی ساخته و آماده اکران شده است. در این فیلم مرتضی عقیلی در دو نقش متفاوت بازی کرده است. مهسا کامیابی، مجید ذهبی، حبیب سیف‌اللهی، شیرزاد ملک‌آرایی، یوسف صیادی، آرش نوذری و کاظم نوربخش، دیگر بازیگران این فیلم هستند. /**ایسنا**

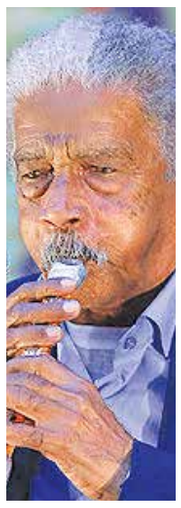

خالو قنبر در بیمارستان بستری شد

خالو قنبر راستگو، نوازنده نی جفتی و شروه‌خوان اهل هرمزگان، در بیمارستان بندرعباس بستری شد.
استاد قنبر راستگو شروه‌خوان و نوازنده نی جفتی که به خالو قنبر و قنبر احمد شهرت دارد، شیوه نوازندگی‌اش در فهرست میراث ناملموس کشور به ثبت ملی رسیده و همچنین ساز جفتی به‌عنوان یکی از سازهای مهم جنوب، با نام خالو قنبر در حافظه مردمان هرمزگان ثبت شده است. / **پایگاه اطلاع‌رسانی موسیقی ایران**

نگاهی انتقادی به حاشیه‌های یک تاک‌شوی اینترنتی

کار چالشی و چاله‌میدانی را خلط نکنیم

یادداشت

علیرضا سپهوند
روزنامه‌نگار

ماجرای حضور فردی مانند «هانی گُرده» -که نام او سال‌هاست در شبکه‌های اجتماعی با روایت‌هایی درباره درگیری‌های خیابانی و رفتارهای خشونت‌آمیز گره خورده- در یک برنامه تاک شویی اینترنتی با اجرای «مجید واشقانی»، اتفاقی ساده و قابل چشم‌پوشی نیست. چنین رخدادی بار دیگر پرسشی اساسی را پیش روی افکار عمومی قرار داده است: رسانه چه معیاری برای دعوت از میهمانانش دارد و چه پیام فرهنگی را به جامعه منتقل می‌کند؟ این گزارش تلاش می‌کند با نگاهی نو و دور از تکرار، ابعاد پنهان و آشکار چنین تصمیمی را بررسی کند؛ از اثرات اجتماعی و خطرات الگوسازی گرفته تا پیامدهای بلندمدت برای اعتماد عمومی.

مسأله انتخاب میهمان خطایی کوچک یا تصمیمی راهبردی؟

هر برنامه تاک شو، حتی گفت‌وگویی ساده، حامل پیام‌هایی فراتر از آن چیزی است که روی خط دیده می‌شود. اینکه چه کسی دعوت می‌شود، چه جایگاهی برای او تعریف و چگونه معرفی می‌شود، بخشی از سیاستگذاری فرهنگی آن رسانه است. یکی از کارکردهای بنیادین رسانه‌های عمومی، نقش الگوسازی (Role Modeling) است. رسانه، به دلیل گستره مخاطبان، نفوذ تاریخی و ادعای ایفای نقش فرهنگی، نسبت به انتخاب میهمانان و چهره‌ها مسئولیت مضاعفی دارد. هنگامی که فردی با گذشته‌ای جنجالی یا شهرتی برآمده از خشونت، در قاب رسانه رسمی ظاهر می‌شود، نوعی «مشروعیت نمادین» به او داده می‌شود. این مشروعیت نه تنها جایگاه اجتماعی فرد را افزایش می‌دهد، بلکه پیام پنهانی به مخاطبان-به‌ویژه نوجوانان و جوانان-منتقل می‌کند: اینکه داشتن سابقه‌ای بحث‌برانگیز مانع حضور در رسانه نیست و حتی گاهی نوعی امتیاز تبلیغاتی محسوب می‌شود.
دعوت از فردی که عمده شهرت او بر پایه روایت‌ها و کلیپ‌هایی از نزاع و خلاف و قدرت‌نمایی خیابانی شکل گرفته، به‌صورت ناگفته این پیام را منتقل می‌کند که رسانه [مشخصا رسانه های اینترنتی] گویی مرزی روشن میان الگوهای قابل طرح و افراد پرحاشیه قائل نیست. حتی اگر برنامه قصد نقد یا آسیب‌شناسی داشته باشد نحوه طراحی برنامه، شکل ارائه پیام و میزان مسئولیت‌پذیری سازندگان آن تعیین می‌کند مخاطب چه برداشتی خواهد داشت یا می‌تواند داشته باشد. در مورد اخیر، بسیاری از ناظران معتقدند برنامه عملاً نه به تحلیل پدیده خشونت پرداخته و نه پرسش‌های جدی مطرح کرده؛ بلکه بیشتر نقش یک سکوی معرفی و تطهیر را بازی کرده است.

مسأله هویت‌یابی نوجوانان مهم‌تر از آنچه تصور می‌شود

بزرگ‌ترین ضربه چنین تصمیماتی معمولاً به گروه سنی‌ای وارد می‌شود که در مرحله ساختن هویت اجتماعی قرار دارد؛ نوجوانان. این گروه بیش از هرکس تحت تأثیر الگوهای رسانه‌ای است. هر شخصیتی که به قاب تصویر رسانه راه پیدا می‌کند، حتی اگر هدف برنامه چیز دیگری باشد، به‌نوعی «استاندارد بالقوه» برای این نسل محسوب می‌شود. وقتی رسانه به‌جای دانشمندان، معلمان، نویسندگان، کارآفرینان یا قهرمانان واقعی، فردی را به تصویر می‌کشد که شهرتش بر پایه ترس، دعوا یا نمایش قدرت شکل گرفته، مخاطب جوان پیام می‌گیرد که مسیر موفقیت از تلاش، دانش و اخلاق نمی‌گذرد، بلکه از جنجال و حاشیه‌سازی می‌گذرد. این نگاه می‌تواند ارزش‌های اجتماعی را در بلندمدت دچار تغییر کند؛ تغییری که بازگرداندنش بسیار دشوار خواهد بود.

> روان‌شناسان تأکید دارند الگوهای رسانه‌ای باید برای نسل جوان قابل اعتماد، اخلاقی و سازنده باشند، عادی‌سازی چهره‌های جنجالی می‌تواند مهارت‌های حل مسأله، خودکنترلی و احترام به قانون را تضعیف کند

رسانه و چالش اعتماد عمومی زخمی که تازه می‌ماند

اعتماد به رسانه سرمایه‌ای است که با سختی به‌دست می‌آید و با کوچک‌ترین تصمیم نسنجیده، به‌راحتی از دست می‌رود. جامعه در سال‌های اخیر حتی نسبت به عملکرد رسانه رسمی حساس‌تر شده و هر اقدام ناهماهنگ با انتظار عمومی، باعث شکاف بیشتر میان مخاطب و رسانه می‌شود.
دعوت از چهره‌ای پرحاشیه، آن هم در قالبی که به‌جای تحلیل وضع موجود، به نوعی معرفی بدون نقد شبیه بود، برای بخش بزرگی از جامعه این پیام را داشت که رسانه یا درک درستی از حساسیت‌های اجتماعی ندارد، یا از اصول حرفه‌ای فاصله گرفته است. کاهش اعتماد، تنها یک مشکل رسانه‌ای نیست؛ پیامدی اجتماعی دارد. مردم در چنین وضعی بیشتر به سمت رسانه‌های غیررسمی و شبکه‌های برون‌مرزی گرایش پیدا می‌کنند و این روند در نهایت به تضعیف جریان اطلاع‌رسانی معتبر در کشور منجر می‌شود.

روایت‌سازی ناقص مشکلی که کمتر دیده شد

از منظر جامعه‌شناسی فرهنگی، یکی از پیامدهای برجسته این‌گونه حضورها «عادی‌سازی خشونت» است. وقتی فردی که با سبک گفتار، نوع پوشش، منش رفتاری یا پیشینه‌اش تداعی‌کننده فرهنگ لمپنیسم، نزاع خیابانی یا خشونت فیزیکی است روبه‌روی میلیون‌ها بیننده قرار می‌گیرد، این خطر وجود دارد که چنین رفتارهایی در ذهن بخشی از جامعه کم‌هزینه‌تر، جذاب‌تر یا حتی قابل قبول‌تر جلوه داده شود. یکی از نکات کمتر گفته‌شده این است که حتی اگر هدف برنامه پرداختن به یک «پدیده اجتماعی» مانند خشونت شهری یا لمپنیسم بود، این کار باید با حضور جامعه‌شناسان، جرم‌شناسان و تحلیلگران رسانه انجام می‌شد، نه با دعوت تک‌بعدی از فردی که خودش محور همان پدیده است.
روایت وقتی ناقص باشد، پیام نیز ناقص می‌رسد. وقتی میهمان برنامه بدون چالش، نقد یا تحلیل در جایگاه یک چهره قابل‌مصاحبه قرار می‌گیرد، برنامه به‌جای آنکه بر یک آسیب اجتماعی نور بیندازد، آن آسیب را عادی جلوه می‌دهد. این شیوه روایت‌پردازی، به‌جای آگاهی‌بخشی، به بازتولید سرمایه نمادین میهمان منجر می‌شود؛ سرمایه‌ای که بر پایه رفتارهای خشونت‌آمیز شکل گرفته است.
روان‌شناسان تأکید دارند الگوهای رسانه‌ای باید برای نسل جوان قابل اعتماد، اخلاقی و سازنده باشند، عادی‌سازی چهره‌های جنجالی می‌تواند مهارت‌های حل مسأله، خودکنترلی و احترام به قانون را تضعیف کند.

چشم‌انداز نگران‌کننده برای آینده رسانه

اگر این اتفاق به الگو تبدیل شود، رسانه در مسیر خطرناکی قرار خواهد گرفت. ممکن است برنامه‌سازان برای افزایش بازدید به سمت میهمانان پرحاشیه گرایش پیدا کنند. این مسیر، تجربه‌ای است که در برخی رسانه‌های خارجی نیز دیده شده و نتیجه آن سقوط کیفیت، زرد شدن محتوا و فاصله گرفتن رسانه از رسالت فرهنگی آن بوده است. ادامه چنین روندی در ایران، می‌تواند موجب شود رسانه از جایگاه «رسانه عمومی» به سمت «صحنه‌ای برای جذابیت‌های سطحی» حرکت کند. این اتفاق نه‌تنها سطح فرهنگ عمومی را پایین می‌آورد، بلکه اعتبار رسانه را نیز به‌شدت کاهش می‌دهد. حضور چهره‌ای مانند «هانی کرده» در یک برنامه تاک شویی بیش از آنکه یک خطای موردی باشد، نماد یک مشکل ساختاری در سیاستگذاری فرهنگی رسانه است. رسانه اگر به دنبال ایفای نقش سازنده در جامعه است، باید در انتخاب میهمانان، چهارچوب‌های اخلاقی و حرفه‌ای روشن و یکپارچه داشته باشد. هر چهره‌ای که به قاب تلویزیون یا رسانه می‌آید، به‌طور ناگفته حامل پیام‌های تربیتی، فرهنگی و اجتماعی است.
اگر این پیام‌ها به‌درستی مدیریت نشود، نتیجه آن می‌تواند تضعیف ارزش‌های اخلاقی، کاهش اعتماد عمومی و شکل‌گیری الگوهای اشتباه در میان نسل جوان باشد.

> دعوت از چهره‌ای پرحاشیه، آن هم در قالبی که به‌جای تحلیل وضع موجود، به نوعی معرفی بدون نقد شبیه بود، برای بخش بزرگی از جامعه این پیام را داشت که رسانه یا درک درستی از حساسیت‌های اجتماعی ندارد، یا از اصول حرفه‌ای فاصله گرفته است

برش

وقتی خشونت تبدیل به نمایش می‌شود

یکی از خطرات اصلی اعطای تریبون رسانه به چهره‌های جنجالی، «نمایشی شدن خشونت» است. بسیاری از جوانان و نوجوانان امروز، با صحنه‌های دعوا، زورآزمایی و قدرت‌نمایی در فضای مجازی مواجه‌اند؛ حال اگر همان شخصیت‌هایی که در این فضا با چنین محتواهایی شناخته می‌شوند به رسانه برسند، معنایش این است که خطوط قرمز فرهنگی تا حد قابل توجهی جابه‌جا شده است. رسانه‌ای که باید مرجع امنیت روانی جامعه باشد، اگر چهره‌هایی با کارنامه‌ای بحث‌برانگیز را بدون چهارچوب انتقادی به مردم معرفی کند، ناخواسته خشونت را از یک رفتار ناپسند به یک «جذابیت رسانه‌ای» تبدیل می‌کند. این امر بویژه برای مخاطب جوان می‌تواند پیام خطرناکی داشته باشد: اینکه رفتارهای پرخطر و قانون‌گریزانه نیز می‌تواند راهی برای دیده‌شدن باشد.

چرا تلویزیون همچنان زیر سایه سریال‌های قدیمی مانده است

ساعت به وقت نوستالژی

گزارش

علی نعیمی
منتقد سینما

این روزها مرور فهرست پربیننده‌ترین برنامه‌های تلویزیون در پاییز، یک واقعیت قدیمی اما آزاردهنده را دوباره یادآوری می‌کند: باز هم سریال‌هایی مثل «یوسف پیامبر»، «زیر آسمان شهر»، «مختارنامه»، «اولین شب آرامش» یا حتی «شب‌های برره» در بازپخش‌ها بیشتر دیده شده‌اند تا سریال‌هایی که تازه و با هزینه‌های چندصد میلیاردی روی آنتن رفته‌اند. در شبکه‌ها، زمانی که بازپخش «خانه به‌دوش» یا «میوه ممنوعه» ساعت ۱۱ صبح دوباره نظر مخاطب را جلب می‌کند، سریال‌های جدید شبانه با وجود آن همه تبلیغ و تولید، از جلب اعتماد بیننده عاجزند. وضعیت برای تلویزیون وقتی دردناک‌تر می‌شود که در همان زمان، پلتفرم‌های نمایش خانگی با سریال‌هایی مثل «تاسیان»، «وحشی»، «زخم کاری» یا «شکارگاه» نه‌تنها بازار را در دست گرفته‌اند، بلکه هر قسمت‌شان ساعت‌ها درباره‌شان در شبکه‌های اجتماعی بحث می‌شود.
تفاوت این دو دنیا آن‌قدر جدی شده که دیگر نمی‌توان به بهانه نوستالژی یا صرفاً تغییر ذائقه مردم از کنار آن گذشت. موضوع، یک شکاف عمیق در کیفیت تولید، ساختار مدیریت و درک مخاطب است.
وقتی امروز مردم ترجیح می‌دهند برای بار دهم فصل‌هایی از ساختمان پزشکان را ببینند - با آن صحنه‌های ساده و دکورهای محدود اما طنز تیز و رها - نشان می‌دهد تلویزیون دیگر حتی نمی‌تواند استانداردهای گذشته خودش را هم بازتولید کند. «مختارنامه» با تولید سنگین و روایت پرکشش خود، هنوز از نظر کیفیت بصری و قوت فیلمنامه از بسیاری از تولیدات تاریخی جدید بهتر است. «اولین شب آرامش» با ملودرامی منسجم و شخصیت‌هایی باورپذیر، هنوز هم نمونه‌ای از قصه‌گویی سالم و دقیق تلویزیونی به حساب می‌آید. حتی سریال‌های مناسبتی که در رمضان‌های قدیمی خوراک اصلی خانواده‌ها بودند - مثل «خانه به دوش»، «صاحبدلان»، «میوه ممنوعه» یا «برزنگاه» -چنان پیوستگی، جذابیت و هویت داشتند که تماشای دوباره‌شان بعد از یک دهه همچنان لذت دارد. عجیب نیست که مردم به همان‌ها برمی‌گردند؛ چون چیز تازه‌ای نمی‌بینند که ارزش جایگزینی داشته باشد.
تلویزیون امروز از رقابتی سرسام‌آور سر برمی‌آورد. مخاطب در عرض چند ثانیه وارد یک پلتفرم شده و با سریال‌هایی مواجه می‌شود که به لحاظ نورپردازی، ریتم تدوین، کیفیت بازیگری و عمق قصه، استاندارد روز دنیا را به او ارائه می‌کنند. «تاسیان» با طراحی صحنه دقیق، گریم‌های حساب‌شده و بازی‌های فوق‌العاده، نشان می‌دهد سریال ایرانی اگر بودجه و آزادی کافی داشته باشد می‌تواند کیفیت قابل قبولی پیدا کند. «وحشی» با قصه‌ای بی‌پروا و ریتمی تند، مخاطب را وادار می‌کند به قسمت بعد فکر کند. «زخم کاری» با اقتباس هوشمندانه از ادبیات، شخصیت‌هایی خلق کرده که در فرهنگ پاپ باقی می‌مانند. «شکارگاه» با استاندارد بصری سینمایی ساخته شده و در هر قسمت مخاطب را غافلگیر می‌کند. این آثار نشان می‌دهند مشکل تلویزیون «سلیقه مردم» نیست؛ مشکل این است که رقابت را جدی نگرفته و همچنان با الگوهای تکراری و فرسوده کار می‌کند.
سریال‌های قدیمی تلویزیون بر پایه تفکر، صبر و تیم‌های حرفه‌ای ساخته می‌شدند. «مختارنامه» ده سال تحقیق و نگارش پشت خود دارد. «شب‌های برره» حاصل آزادی عمل و ریسک‌پذیری گروهی است که اجازه داشتند جهان تازه‌ای خلق کنند. «اولین شب آرامش» روی روابط انسانی متمرکز بود و بدون زیاده‌گویی قصه گفت. حتی سریال‌هایی مثل «خانه به دوش» یا «میوه ممنوعه» به‌رغم فضای طنز و خانوادگی، قصه‌هایی داشتند که روی زندگی واقعی مردم سوار بود. این سریال‌ها برای مخاطب احترام قائل می‌شدند. مخاطب حس می‌کرد نویسنده برای او وقت گذاشته، شخصیت‌ها کامل شده‌اند و کارگردان می‌داند دارد چه جهانی می‌سازد.
در مقابل، بسیاری از سریال‌های جدید سیما درگیر مشکلات ساختاری هستند. فیلمنامه‌ها اغلب شتاب‌زده نوشته می‌شوند، جای سریال‌سازان خوب در شبکه‌ها خالی است و پروسه تولید عجولانه است و... نتیجه این می‌شود که نه سوژه جسورانه‌ای هست، نه شخصیت پیچیده‌ای خلق می‌شود، نه سریال‌ها ریتم سریع دارند و نه استاندارد بصری قابل‌قبول دیده می‌شود. نسل جدید با سریال‌های خارجی بزرگ شده؛ سریال‌هایی که کاستی‌های فیلمنامه‌ای را نمی‌بخشند و با فصل‌های کوتاه اما پرمحتوا، مخاطب را عادت داده‌اند به سرعت، عمق و کیفیت بالا. نوجوانی که «بریکینگ بد»، «گیم آف ترونز»، «Money Heist» یا سریال‌های کره‌ای و ترکی در دسترس‌اش هست، چطور می‌تواند با سریالی کنار بیاید که در آن تعلیق‌ها سطحی است و گره‌گشایی‌ها تکراری؟ مخاطب هنوز شبیه همان دهه هشتاد نیست و امروز بسیار باسوادتر، حساس‌تر، بی‌حوصله‌تر و سخت‌گیرتر است. اگر یک قسمت او را نگه ندارد، هزار گزینه دیگر منتظر اوست.

> تداوم محبوبیت سریال‌های قدیمی در واقع یک هشدار روشن است: مردم هنوز تلویزیون را دوست دارند، اما این تلویزیون نیست که برای مردم چیزی ارزشمند تولید می‌کند. آنها برای کیفیت برمی‌گردند، نه برای گذشته

تداوم محبوبیت سریال‌های قدیمی در واقع یک هشدار روشن است: مردم هنوز تلویزیون را دوست دارند و اگر امروز سریالی ساخته شود که استانداردهای «مختارنامه» یا «شب‌های برره» یا «اولین شب آرامش» را داشته باشد، همان‌قدر پرمخاطب خواهد شد. ثابت شده مردم هیچ عنادی با تلویزیون ندارند؛ مردم با بی‌کیفیتی مشکل دارند. تلویزیون اگر خود را با خواسته‌های مخاطب امروز هماهنگ کند، اگر قصه‌گویی جسور باشد، اگر به نویسنده اجازه تخیل بدهد و از نیروی خلاق حمایت کند تماشاگرها پای تلویزیون خواهند نشست.
برای شکست دادن خاطره‌های شیرین، باید کیفیتی ساخت که در حافظه بماند. اگر نه، مردم همچنان به همان سریال‌های قدیمی پناه می‌برند؛ زیرا در میان انبوه آثار جدیدی که «می‌خواهند سریال باشند»، هنوز همان سریال‌های قدیمی هستند که «واقعاً سریال‌اند.»

> تلویزیون باید واقعیت ساده‌ای را بپذیرد: برای رقابت با نوستالژی، نمی‌توان به محتواهای کم‌جان و فوریتی اکتفا کرد. برای شکست دادن خاطره‌های شیرین، باید کیفیتی ساخت که در حافظه بماند